

بنام خدای آزادگان سبز

رأی من کجاست!؟

پاییز ۱۳۸۱

سرآغاز سخن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ
(عنکبوت/ ۲ و ۳)

آیا مردمان گمان می‌برند که اگر به زبان بگویند ایمان آوردیم به حال خود
رها می‌شوند و دیگر آزموده نمی‌شوند؟* بدرستی که ما پیشینیان آنان را
آزمودیم تا خداوند راستگویان و دروغگویان را از هم باز نماید*

نمی‌دانیم سخن را از کجا آغاز کنیم. از شکوه انقلابی سخن
بگوییم که بدست پاکان روزگار و خیل مردمی آرزومند استقلال، آزادی و

پیشرفت که آرمان های دیرینه شان را در راه و کلام مردی یافتند که در فراز و نشیب های زندگی، صداقتش در گفتار و پندار آشکار بود، یا از زاویه های انحرافی که به تدریج راه را بر سیطره ناهلان بر بزرگ ترین دستاورد بشری این سرزمین گشود؟ از جشنواره بزرگ مردمانی که تبلور رنگ های گوناگونشان را در بیرق سبزی یافتند که بر دوش شیفتگان خدمت و دل نگرانان این ره آورد سی ساله گذاشتند، یا از خیانت تشنگان قدرتی که خواست اکثریت مردم برای تغییر و تحول در دستگاه دولت را وقعی ننهادند و با بهره گیری از همه امکاناتی که در اختیار داشتند دست به یک کودتای شبه نظامی تمام عیار زدند؟ از میلیون ها زن و مرد و پیر و جوان و روستایی و شهری معترضی که خواهان آرای به سرقت رفته شان شدند و شجاعانه اما مسالمت جویانه در کوی و برزن حضور یافتند، یا از آنانی که خیل مردمان را خس و خاشاکی بیش ندیدند و با ماشین پرسروصدای تهمت و دروغی که پیش از آن هم براه انداخته بودند، به ضرب و شتم و حبس و خسارت بر جان و مال و ناموس مخالفان دست یازیدند و بر آبرویی که با خون از خود گذشتگان و اسارت آزادگان و جانبازی شیران روز و عابدان شب بدست آمده بود چوب حراج زدند تا به یک خواسته مشروع و مقبول تن در ندهند و چند صباحی بیشتر بر تخت قدرت تکیه زنند؟ ما چه داریم بگوییم وقتی همگان از آنچه بر این مرز و بوم رفت آگاهند و یکایک شما، تاریخ نگاران حوادث شومی هستید که به چشم خود دیده اید؟

اما آیا براستی تن دردادن به خواستی عمومی تا این اندازه دشوار بود؟ آیا نمی‌شد به مانند تجربه ملل دیگر، نتایج شمارش آرا توسط نهادی بی‌طرف و با تکیه بر عدل و انصاف مورد بررسی مجدد قرار گیرد و سخن و معترضان را با صبوری و گوش‌هایی براستی شنوا شنید؟ آیا نمی‌شد از چنبره تفسیرگران اسیر در توهم توطئه خلاص شد و با تکیه بر منطق شیوه‌های عقلایی به حل و فصل این مشکل پرداخت؟ آیا لجاجت در مقابل مطالبه‌ای معقول باید بدانجا رسانده می‌شد که برخلاف شرع و عقل، تشکیک در نتایج انتخابات را جرمی بزرگ اعلام کرده و دست سرکوبگران را برای انجام فجایع غیرانسانی شرم آور باز گذاشت؟

خسارت بزرگی که در اثر این گستاخی عوامل کودتا بر ملت وارد شده، لطمه‌های سخت و شکننده بر باورهای راستین دینی و رشته محکم اعتماد و وحدت ملی وارد آورده و حکم غیر قابل عدول شارع مقدس و قرآن کریم در پایبندی به عهد و میثاق را با تخلف آشکار از اصول قانون اساسی نقض کرده است. تقلبات و تخلفات گسترده و از پیش سازمان یافته که بلحاظ گستردگی و سازمان یافتگی پیش از این دست کم در این مرز و بوم بی سابقه بود، اکثریتی را که با حضور آگاهانه خود خواهان تغییر بودند چنان مبهوت کرد که خشمگانه و خودجوش، به خیابان‌ها ریختند و با بانگ تکبیرهای شبانه‌شان، صدای اعتراض خود را بلندتر از همیشه بگوش همگان رساندند. در مقابل، دستان آلوده کودتاگران با بهره‌گیری از زر و زور و تزویر، بکار افتاد تا هر صدای مخالفی را به هر قیمتی ساکت کند: سراسیمه

و پیش از انجام مراحل قانونی به نتایج اعلام شده صحنه گذاشته شد، امکان تقلب گسترده از همان ابتدا و بطور مکرر نفی شد، با یورش‌های سازمان‌یافته به ستادهای انتخاباتی رقبای کاندیدای دولتی و بازداشت گسترده فعالان و دست‌اندرکاران، امکان هرگونه تلاشی برای جمع‌آوری اسناد و مدارک تقلبات و تخلفات از میان برداشته شد، و مخالفت با نتایج اعلام شده، مخالفت با تمامیت نظام و ارکان آن شمرده شد، بوق‌های بنگاه‌های خبری رسمی و نیمه‌رسمی با بلندترین صدای ممکن نواخته شد و صدای مخالفان در گلوها خفه شد، تا همگان به درستی تحلیل‌هایی که پیش از آن در محافل قدرت شکل گرفته بود تمکین کنند.

این قضاوت‌های یک‌جانبه آنقدر بر منابر گفته شد و از تریبون‌های رسمی تکرار شد که برای همگان این توهم پیش آمد که نکند آنچه به چشم دیده‌اند خوابی بیش نبوده و نامزد حکومتی برآستی حائز اکثریت آرای شهروندان شده؟ ما نیز کنجکاوانه به دنبال کشف حقیقت بودیم. دروغ‌پردازی‌های مستمر رسانه‌های رسمی، جایی برای اعتماد باقی نگذاشته بود. متأسفانه به علت عدم دسترسی به ستادهای نامزدهای رقیب یا رسانه‌های آنان، امکان دستیابی به حقیقت از زبان آنها نیز ممکن نبود. در انتظار چهره‌نمایی حقیقت بودیم که بیانیه یازدهم میرحسین موسوی صادر شد و از همه باورمندان به اصول و چارچوب‌هایی که در واقع تبلور مواضع همه ما بود، به تلاش برای استیفای حقوق قانونی و شرعی شهروندان جمهوری اسلامی دعوت کرد. آستین‌ها را بالا زدیم و با نهایت دقت،

انصاف و به دور از پیشداوری، به جمع آوری مدارک و شواهد پرداختیم. آنگاه سعی کردیم یافته‌هایمان را بر اساس روشی علمی در کنار هم بچینیم و با کنار هم گذاشتن قطعات این پازل بزرگ، باطمینان و حوصله، تصویر واقعی انتخابات را بازسازی کنیم. در پایان کار، تصویر بدست آمده، با آنچه نامزدهای غیردولتی ادعا می‌کردند منطبق از کار درآمد. بهت‌زده و غمگانه به تصویر بدست آمده خیره شدیم: تقلب بزرگی که دامنه آن تصرف در میلیون‌ها برگ تعرفه و رأی، استفاده غیرمجاز از امکانات ملی و رسانه‌های عمومی، دروغ‌پردازی و اشاعه زشتی و پلشتی در بیدادگاه‌ها و زندان‌ها را در بر می‌گیرد.

اینک، آنچه را یافته‌ایم با شما در میان می‌گذاریم و محکم تر از همیشه بر ناراستی این انتخابات و فساد آن تأکید می‌کنیم. اینک همراه و همگام با نامزدهای غیردولتی، حق مسلم ده‌ها میلیون شهروند شریف ایرانی می‌دانیم که خواهان بررسی بی‌طرفانه و منصفانه فرآیند و نتایج انتخابات باشند، خواسته‌ای که برخلاف ادعاهای بی‌اساس حامیان نامزد حکومتی، نه از سر آرزوی کسب قدرت مطرح می‌شود، که بیش از هر چیز بر تضمین سلامت انتخابات در نظامی که در آن «میزان رأی ملت است» پای می‌فشرد. حجم اسناد و مدارکی که جمع آوری کرده‌ایم بیش از آن است که بطور کامل در اینجا آورده شود و اطمینان داریم که شواهد بسیار دیگری نیز در دسترس یکایک شما قرار دارد. شواهد و مدارک فراوانی در اختیار داریم که متأسفانه هرگونه اشاره به این اسناد ممکن است دوستانی را که از سر

دل‌نگرانی نسبت به آینده این سرزمین به ما داده‌اند، در معرض خطر جدی قرار دهد و از این رو، به‌ویژه با توجه به رسابودن مدارک عرضه شده در این نوشته، از انتشار آن‌ها فعلاً خودداری شد. می‌دانیم که این تازه آغاز راه است: حقیقت را باید بلندتر از همیشه بازگفت. بر این باوریم که خداوند به ما موهبتی بزرگ بنام عقل داده است و چنان جایگاهی بدان بخشیده که فقیهان مخالف احکام شرع با آن را بر نمی‌تابند. مانند امیر کلام بر این عقیده‌ایم که نباید حق را با افراد سنجید، بلکه افراد را باید به محک حق زد. ایمان داریم خواندن آنچه در پی می‌آید، راه را بر قضاوت منصفانه می‌گشاید.

دیده بانان سبز انتخابات

گزارش مستدل و مستند تقلب در انتخابات ریاست جمهوری

۱. مراد از تقلب انتخاباتی و تعریف قانونی از آن

در تداول عامه مراد از تقلب وارونه‌سازی، وارونه‌نمایی، دگرگون کردن ارادی نتیجه طبیعی یک ماجرا و یا یک فعل است. فرهنگنامه دهخدا هم در این باره می‌نویسد: «دست انداختن در امور بخواست خود». در فرهنگ دکتر معین نیز آمده است: «۱- دگرگون کردن و شدن، ۲- در کاری به سود خود و به زیان دیگری تصرف کردن.

تقلب انتخاباتی اصولاً دخالت غیرقانونی در فرایند یک انتخابات است. فعالیت‌های متقلبانه نتیجه نهایی شمار آراء را تحت تأثیر قرار می‌دهند تا یک نتیجه انتخاباتی دلخواه حاصل شود. این کار ممکن است با افزایش میزان آرای نامزد دلخواه یا با کاهش آرای نامزد رقیب و یا با هر دوی آنها صورت پذیرد. بسیاری از انواع تقلب انتخاباتی در قوانین انتخابات احصاء شده‌اند و برخی دیگر در تعارض با قوانین کلی موضوعه معنی می‌دهند؛ مانند سوء قصد، مزاحمت یا تهمت و نحو آن.

دانشنامه بریتانیکا در باره تخلف در یک سیستم رأی‌گیری می‌نویسد:

«تطمیع و رشوه دادن برای خرید رأی، ترساندن و تهدید رأی‌دهندگان، منتشر کردن شایعه‌های ناروا و تبلیغات انتخاباتی غلط، دستکاری نظام رأی‌گیری با گنجانیدن صندوق‌های اخذ رأی جعلی، عدم صداقت در شمارش یا گزارش رأی‌ها، و یا بی‌اعتنایی برگزارکنندگان انتخابات نسبت به نتایج انتخابات (به عنوان مثال با استفاده از نیروی نظامی).» بگفته این دانشنامه، مطالعات مقایسه‌ای نشان می‌دهد که عدم وقوع چنین تخلفاتی بیشتر به تبعیت عمومی یک مردم از ادب و نزاکت سیاسی و عادات مردمسالارانه آنها متأثر می‌شود تا وجود قوانینی که انجام آن‌ها را نهی کند.

اگرچه تعریف فنی اصطلاح تقلب انتخاباتی فقط شامل فعالیت‌های غیرقانونی می‌شود، اما این اصطلاح گهگاه در اشاره به فعالیت‌های قانونی اما غیر قابل قبول از نظر اخلاقی، مخالف روح قوانین انتخاباتی، یا در تضاد با اصول دموکراسی نیز به کار می‌رود. انتخابات نمایشی که در آن تنها یک کاندیدا حضور دارد نیز گاه تقلب انتخاباتی محسوب می‌شود، هرچند که ظاهراً با قانون سازگار باشد.

در انتخابات‌های سراسری تقلب انتخاباتی موفقیت‌آمیز، شبیه یک کودتا یا تباهی مردم‌سالاری است. در انتخابات شانه‌به‌شانه با حجم اندکی تقلب می‌توان نتیجه نهایی را تغییر داد. تقلب انتخاباتی حتی اگر نتیجه دلخواه متقلبان حاصل نگردد، باز هم در صورت جریمه نشدن متخلفین تأثیر مخربی بر جای می‌نهد چرا که از اعتماد رأی‌دهندگان به

دمکراسی می‌کاهد. حتی احتمال وقوع تقلب تأثیر مخربی دارد چرا که مردم را به نتیجه انتخابات مشکوک می‌کند و این می‌تواند نابودی دمکراسی و پایه‌گذاری دیکتاتوری را رقم بزند.

تقلب انتخاباتی به انتخابات‌های سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه در هر انتخاباتی که منفعت قابل توجهی برای تقلب متصور باشد، ممکن است اتفاق افتد. مانند انتخابات برای برگزیدن رؤسای اتحادیه‌های کارگری، شوراهای دانش‌آموزی و دانشجویی، نظرخواهی‌های ورزشی و انتخابات برای اهدای جایزه به کتاب‌ها، فیلم‌ها، موسیقی یا برنامه‌های تلویزیونی.

تقلب انتخاباتی مصادیق فراوانی دارد، اما بررسی آن دشوار است و این به دلیل ماهیت غیر قانونی آن است. وجود کیف‌های سنگین برای تقلب انتخاباتی موجب می‌شود که افراد متقلب به شکلی مرتکب آن شوند که کشف نشود و یا در صورت لو رفتن مجازات نشوند.»

در قانون انتخابات ریاست جمهوری کشور ما و آیین‌نامه اجرایی آن که در درگاه مجازی وزارت کشور و بسیاری از سایت‌ها منعکس است، تعریف جامع و مانعی از تقلب نشده، در مقابل به تخلفات متعددی اشاره شده است که تقلب انتخاباتی از طریق آن‌ها تحقق می‌یابد. لازم به ذکر است که، بموجب اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی ج.ا.ایران آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین باید به آگاهی و تأیید رئیس مجلس و شورای نگهبان برسد؛ به این ضرورت از آن جهت تصریح شده است که قوه مجریه تحت عنوان تهیه

آیین‌نامه اجرائی دست به تفسیر قانون نزنند یا رأساً بطور ضمنی قانون وضع نکنند؛ بنا براین جرائم مذکور در آیین‌نامه یا قصور و تقصیر در انجام وظائف مشروحه در آن هم از مصادیق جرائم انتخاباتی است.

در کنار سایر تخلفات ممکنه که در قانون انتخابات احصاء شده، «تقلب و تزویر» هم از جمله تخلفات شمرده شده است. در فصل دوم از قانون مزبور مواد زیر به برشماری مواردی از تخلفات و تقلبات اختصاص دارد:

"ماده ۲۵- در موارد ذیل با تأیید هیأت نظارت یا نماینده وی برگ‌های رأی باطل ولی جزء آرای مأخوذه محسوب و مراتب در صورت جلسه قید و آرای مذکور ضمیمه صورت جلسه خواهد شد:

۱. آرای غیر قابل خواندن .

۲. آرای که از طریق خرید و فروش به دست آمده باشد .

۳. آرای که سفید به صندوق ریخته شده باشد.

ماده ۲۶- در موارد ذیل با تأیید هیأت نظارت یا نماینده وی برگ‌های رأی باطل و جزء آرای مأخوذه محسوب نشده و مراتب در صورت جلسه قید و آرای مذکور ضمیمه صورت جلسه خواهد شد:

۱. صندوق فاقد لاک و مهر انتخاباتی باشد.

۲. آرا زائد بر تعداد تعرفه باشد.

۳. آراء کسانی که به سن قانونی رأی دادن نرسیده باشند.

۴. آرای که با شناسنامه افراد فوت شده یا غیرایرانی داده شده باشد .

۵. آرایبی که با تقلب و تزویر (در تعرفه‌ها، آراء، صورت جلسات، شمارش) به دست آمده باشد .

۶. آرایبی که با شناسنامه غیر یا جعلی اخذ شده باشد.

۷. آرای تکراری.

۸. آرایبی که با شناسنامه کسانی که حضور ندارند اخذ شده باشد.

۹. حذف شد.

۱۰. آرایبی که از طریق تهدید به دست آمده باشد.

۱۱. آرایبی که روی ورقه غیر از برگ رأی نوشته شده باشد.

تبصره ۱- کل آرای مندرج در صورت جلسه‌ای که صندوق اخذ رأی آن فاقد اوراق رأی یا برگ‌های تعرفه باشد، باطل و جزء آرای مأخوذه محسوب نخواهد شد.

*تبصره ۲- به تعداد آرای زائد مذکور در بند ۲ به قید قرعه از کل برگهای رأی کسر می‌شود.

ماده ۲۸- در صورتی که در برگ رأی نام بیش از یک نفر نامزد نوشته و یا علامت‌گذاری شده باشد، برگ رأی باطل است ولی جزء آرای مأخوذه محسوب خواهد شد."

همانگونه که ملاحظه می‌شود، نه تنها همه بندهای دو ماده اخیر بیان وجوه مختلف بند ۵ بالاست، بلکه برخی هم صریحاً تکرار همان بند است. به هر حال، از نظر بند ۵ فوق، هرگونه تأثیرگذاری یا دست بردن در تعرفه، آراء، شمارش و صورت جلسات تقلب و تزویر محسوب می‌شود. آنچه از موارد

دیگری که در قانون به تقلب اشاره دارد، می‌توان دریافت، این است که: بطور کلی هرگونه قصور و تقصیر عمدی در اجرای وظائفی که این قانون و آیین‌نامه اجرائی آن به عهده دستگاه نظارت (شورای نگهبان، واحد نظارت بر انتخابات) و اجرا (وزارت کشور، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و مجریان انتخابات) نهاده است، همچنین دخالت‌های آشکار و پنهان نامزدها و عوامل و هواداران‌شان که به تغییر نتیجه درست انتخابات بیانجامد، از مصادیق تقلب و تزویر خواهد بود.

ماده ۳۳ قانون که ناظر بر جرائم انتخاباتی است و البته به استناد سایر مواد قانون در مقام احصاء کامل آن‌ها نیست، چنین می‌گوید:

«ماده ۳۳- ارتکاب امور ذیل جرم محسوب می‌شود:

- ۱- خرید و فروش رأی.
- ۲- تقلب و تزویر در اوراق و تعرفه یا برگ رأی یا صورت جلسات.
- ۳- تهدید یا تطمیع در امر انتخابات
- ۴- رأی دادن با شناسنامه جعلی.
- ۵- رأی دادن با شناسنامه دیگری.
- ۶- رأی دادن بیش از یکبار.
- ۷- اخلال در امر انتخابات.
- ۸- کم و زیاد کردن آرا یا تعرفه‌ها.
- ۹- تقلب در رأی‌گیری و شمارش آرا.
- ۱۰- رأی گرفتن با شناسنامه کسی که حضور ندارد.

- ۱۱- توصیه به انتخاب کاندیدای معین از طرف اعضای شعبه اخذ رأی یا هر فرد دیگر محل صندوق رأی، به رأی دهنده.
- ۱۲- تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد انتخاباتی از قبیل تعرفه و برگ رأی و صورت جلسات و تلکس و تلفنگرامها و تلگرافها.
- ۱۳- باز کردن و یا شکستن قفل محل نگهداری و لاک و مهر صندوقهای رأی بدون مجوز قانونی.
- ۱۴- جابجایی، دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی.
- ۱۵- دخالت در امر انتخابات با سند مجعول.
- ۱۶- ایجاد رعب و وحشت برای رأی دهندگان یا اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی با اسلحه یا بدون اسلحه در امر انتخابات.
- ۱۷- دخالت در امر انتخابات با سمت مجعول و یا به هر نحو غیرقانونی.
- تبصره - چنانچه وقوع جرایم مندرج در ماده فوق موجب گردد که جریان انتخابات در یک یا چند شعبه ثبت نام و اخذ رأی از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه کلی انتخابات مؤثر باشد مراتب وسیله وزارت کشور بمنظور طرح در شورای نگهبان به هیأت مرکزی نظارت اعلام می گردد.»
- به روشنی دیده می شود که در این ماده نیز سایر جرائم از مصادیق مصرح بند ۲ هستند؛ بویژه بند ۹ تفاوت مشخصی با بند ۲ ندارد.

بسته به میزان این دخالت‌ها برای تغییر مسیر واقعی انتخابات می‌توان تقلب و تزویر را به دو نمود اصلی: الف) تقلب موضعی، ب) تقلب سراسری تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی نیز مبتنی بر همین قانون فعلی است زیرا هر دو مورد در قانون پیش‌بینی شده است:

فحوای ماده ۸۲ ناظر بر تقلب موضعی است:

«ماده ۸۲ - هیأت اجرایی پس از بررسی شکایات و گزارشات چنانچه تشخیص دهد که امور انتخابات در یک یا چند شعبه از جریان عادی خارج شده و صحیح انجام نگرفته است با تأیید شورای نگهبان، انتخابات یک یا چند شعبه مزبور را باطل اعلام می‌نماید.»

ماده ۸۵ نیز مفید این معناست:

«ماده ۸۵ - مجازات کسی که با اتخاذ سمت مجعول در انتخابات دخالت کند (موضوع بند ۱۷ ماده ۳۳) تا ۵۰ ضربه شلاق خواهد بود و هرگاه مرتکب، سندی هم در این باره جعل نموده باشد، مجازات جعل و تزویر را خواهد داشت و چنانچه دخالت وی مؤثر در سرنوشت انتخابات باشد و مسیر انتخابات یک بخش و یا یک شهرستان و یا یک استان را بر هم بزند مرتکب از یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.»

علاوه بر مدلول ماده ۸۵ مذکور، ماده ۵ قانون به تقلب سراسری نظر دارد که می‌گوید:

«ماده ۵ - چنانچه شورای نگهبان به دلایلی انتخابات ریاست جمهوری را در سراسر کشور متوقف یا باطل اعلام نماید وزارت کشور با کسب نظر شورای نگهبان در اولین فرصت مناسب نسبت به تجدید انتخابات اقدام می نماید.»

به هر حال، از آنجا که قانون و آیین نامه آن، تقلب و تزویر را انجام هرگونه عملی ارادی برای دخل و تصرف غیرمجاز «در تعرفه‌ها، آرا، صورت جلسات، شمارش» تلقی می کند و علاوه بر برشماری برخی از انواع آن، در جاهای مختلفی انتظار وظائفی از ناظرین و مجریان دارد که متضمن انجام صحیح و صادقانه انتخابات است، برای داشتن درک صحیحی از نظر کامل قانون درباره تقلب و تزویر و پی آمدهای آن لازم است فهرستی از این وظایف را از خود قانون و آیین نامه آن استخراج کنیم. سپس باید روشن سازیم که مرجع رسیدگی به این تخلفات یا تقلبات کدام است. فهرست ما باید شامل کلیه دستورات ایجابی باشد که انجام ندادن آن‌ها از سوی موظفین موجب اخلال و تغییر در وضعیت (تعرفه‌ها، آرا، صورت جلسات، شمارش) می شود، همچنین باید مشتمل بر کلیه دستورات سلبی یا نواهی باشد که ارتکاب آن‌ها از سوی عوامل دخیل در انتخابات موجب چنان تغییری خواهد شد. ما برای اختصار در این فهرست از (قا) برای قانون و از (آی) برای آیین نامه اجرائی استفاده خواهیم کرد. دست اندرکاران انتخابات در قانون عبارتند از: الف) دستگاه نظارت بر

حسن اجرا، ب) دستگاه مجری انتخابات، ج) نامزدها و هواداران آنها، د) دستگاه قضائی و عوامل انتظامی.

در زیر فهرستی از اهم مسؤلیت‌های شورای نگهبانی و امکان پیگیری قضائی اعضای آن توضیح داده می‌شود، سپس به بیان رئوس مهمترین مسؤلیتهای دولت به عنوان مجری و مسؤل صحت انتخابات می‌پردازیم. در مورد دو دسته دیگر در جریان واگویی حوادث ایام انتخابات به تناسب بحث خواهیم کرد.

۲. فهرست وظائف و اختیارات دست اندرکاران انتخابات:

الف) وظائف و مسؤلیتهای دستگاه نظارت بر حسن اجرا:

وظیفه نظارت بر درستی روند کارهای انتخابات بموجب قانون اساسی و قانون انتخابات به عهده شورای نگهبان است:

«ماده ۸ - نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به

انتخابات جاری است.»

علاوه بر این در «قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۶۴/۴/۴ دستگاه نظارت و وظائف آن چنین تعریف شده است:

«ماده ۲ - شورای نگهبان قبل از شروع انتخابات دو نفر از اعضاء خود و پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد دارای حسن سابقه را با اکثریت مطلق آرای اعضای شورای نگهبان به عنوان هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و سه نفر به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌نماید. ...»

ماده ۴ - هیأت مرکزی نظارت، بر کلیه مراحل انتخابات و جریانهای انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور و هیأت‌های اجرایی که در انتخابات مؤثر است و آنچه مربوط به صحت انتخابات می‌شود نظارت خواهد کرد.

ماده ۵ - هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات باید برای هر شهرستان ناظر یا ناظرین با شرایط مذکور در ماده ۲ جهت نظارت بر انتخابات تعیین کند.

تبصره - شورای نگهبان در هر مورد که لازم بدانند می‌توانند تمام یا برخی از ناظرین را مستقیماً انتخاب نماید.

ماده ۶ - هیأت مرکزی نظارت یا ناظرین که در سراسر کشور بر کیفیت انتخابات نظارت کامل دارند، هر مورد که سوء جریان یا تخلفی را مشاهده کنند کتباً تذکر خواهند داد. فرمانداران و بخشداران موظفند بلافاصله بر اساس قوانین مربوطه نسبت به رفع اشکالات مطروحه اقدام نمایند. و چنانچه مسئولین وزارت کشور نظرات آنان را ملحوظ ندارند

ناظرین مراتب را به هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان گزارش خواهند کرد.

ماده ۷ - شورای نگهبان در کلیه مراحل در صورت اثبات تخلف با ذکر دلیل نسبت به ابطال یا توقف انتخابات در سراسر کشور و یا بعضی از مناطق اتخاذ تصمیم نموده و نظر خود را از طریق رسانه‌های همگانی اعلام می‌نماید و نظر شورای نگهبان در این مورد قطعی و لازم‌الاجرا است و هیچ مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد.

تبصره - هیأت مرکزی نظارت باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن انتخابات را بررسی و برای اتخاذ تصمیم به شورای نگهبان بفرستد.

ماده ۸ - پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور چنانچه شورای نگهبان در کیفیت انجام مقدمات انتخابات از قبیل تعیین هیأت اجرایی، نحوه تبلیغات و مانند آن تخلفاتی مشاهده کند که به صحت انتخابات خدشه وارد سازد انتخابات را متوقف و مراتب را به وزارت کشور اعلام می‌دارد.

ماده ۹ - در مواردی که توقف یا ابطال بنا به نظر شورای نگهبان در تعیین رئیس جمهور مؤثر باشد قبل از اعلام نتایج کل انتخابات، در اولین فرصت، اخذ رأی در آن مناطق ادامه یافته یا تجدید خواهد شد.

ماده ۱۰ - در مواردی که ناظر یا ناظرین در مرکز شهرستان و بخشهای تابعه نتایج انتخابات یک یا چند صندوق شعب اخذ رأی را منطبق با

قانون تشخیص ندهند موضوع را با ذکر دلیل در هیأت اجرایی محل مطرح خواهند کرد، در صورتی که هیأت اجرایی مذکور نظر آنان را نپذیرد، مراتب به هیأت مرکزی نظارت انتخابات ریاست جمهوری ارجاع خواهد شد و نظر این هیأت با تأیید شورای نگهبان قطعی و لازم‌الاجرا است.

ماده ۱۱ - هیأت‌های اجرایی موظفند یک نسخه از صورت جلسه اقدامات خود را به ناظر یا ناظرین تسلیم نمایند. در مواردی که امضای هیأت‌های اجرایی در قانون انتخابات پیش‌بینی شده است امضای ناظر یا ناظرین نیز لازم است.»

ریز وظائف، مسئولیت‌ها و اختیارات هیئت مرکزی نظارت و ناظرین منتخب آن‌ها از نظر قانون مزبور (قانون نظ) و قانون انتخابات (قا) و آیین‌نامه اجرایی (آی) عبارت است از:

۱) شورای نگهبان، از طریق هیئت نظارت و ناظرین در سراسر کشور، مسئول حسن اجرای قانون است و هرگونه تخطی از قانون را به مجریان تذکر می‌دهد، در صورت عدم تمکین با تأیید شورای نگهبان در خصوص تأثیر این اقدامات در سرنوشت انتخابات تصمیم‌گیری می‌شود. ۲) بررسی و تأیید صلاحیت نامزدها توسط خود شورای نگهبان. ۳) اتخاذ تصمیم برای توقف یا ابطال انتخابات. ۴) رسیدگی به شکایات نامزدها و نمایندگان آن‌ها توسط هیئت‌های نظارت محلی و مرکزی. از همه مهمتر ۵) نظارت بر کلیه امور مربوط به تعرفه، آراء، شمارش و صورت‌جلسات. ۶) اطمینان از اینکه

نمایندگان نامزدها طبق قانون توانسته باشند بر جریان امور انتخابات نظارت نمایند. این وظیفه اخیر را ماده واحده قانونی مصوب ۱۳۷۹/۵/۳۰ به عهده وزارت کشور و شورای نگهبان نهاده است:

«ماده واحده - به موجب این قانون هر یک از نامزدهای ریاست جمهوری به تنهایی و یا چند نامزد مشترکاً می توانند در هر یک از شعب اخذ رأی، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر رایانه ای آراء و هیأت های اجرایی شهرستانها و بخشها یک نفر نماینده داشته باشند. نمایندگان نامزدها می توانند در شعب اخذ رأی (ثابت و سیار) و اماکن استقرار دستگاه شمارشگر آراء بدون دخالت در انجام وظایف آنها حضور داشته باشند و در صورت مشاهده تخلف، مراتب را کتباً به ناظرین شورای نگهبان و هیأت نظارت شهرستان و استان مربوطه و ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام نمایند. حضور نمایندگان هر یک از نامزدها تا پایان اخذ رأی و شمارش و تنظیم صورت جلسات بلامانع است و ممانعت از حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رأی، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر ممنوع بوده و **جرم** محسوب می گردد و متخلف به مجازات مقرر شده در تبصره ماده (۹۳) قانون انتخابات ریاست جمهوری محکوم خواهد شد. مسئولین شعب اخذ رأی موظفند از حضور افراد غیر مسئول در شعب اخذ رأی (افراد) که در این قانون و قانون انتخابات ریاست جمهوری حضور آنها در شعب اخذ رأی پیش بینی نگردیده است) جلوگیری به عمل آورند، تخلف از این موضوع

جرم محسوب می‌گردد و متخلف به مجازات مقرر شده در ماده (۸۸) قانون انتخابات ریاست جمهوری محکوم خواهد شد.

تبصره ۲ - نمایندگان نامزدها باید از میان افراد داوطلب و با معرفی نامزد و یا مسئول ستاد تبلیغات هر یک از نامزدها در شهرستان مربوطه به عنوان نماینده تام‌الاختیار نامزد حداقل ۵ روز قبل از شروع اخذ رأی به فرماندار همان شهرستان معرفی گردند. فرمانداران موظفند کارت یا معرفی‌نامه نمایندگان مذکور را حداقل ۴۸ ساعت قبل از روز اخذ رأی تحویل مسئول ستاد تبلیغات نامزد مربوطه در آن شهرستان دهند، تخلف از این تبصره توسط فرمانداران **جرم** محسوب می‌گردد و متخلف به مجازات مقرر شده در ماده (۸۸) قانون انتخابات ریاست جمهوری محکوم خواهد شد. کلیه هزینه‌های اجرای این تبصره توسط وزارت کشور محاسبه و نامزدها قبل از معرفی نمایندگان به تناسب تعداد نمایندگانشان پرداخت خواهند کرد.

تبصره ۳ - مسئول ستاد تبلیغات هر یک از نامزدها در شهرستان فردی است که یک هفته قبل از شروع رأی‌گیری کتباً از طرف نامزد مربوطه به فرمانداری همان شهرستان معرفی می‌شود.

تبصره ۴ - پرسنل نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نمی‌توانند از طرف هیچ نامزدی، نمایندگی یا نظارت داشته باشند.

تبصره ۵ - نمایندگان نامزدها حق تبلیغ له یا علیه هیچیک از نامزدها و یا دخالت در کار هیأت‌های اخذ رأی، بازرسان و ناظران شورای نگهبان

را ندارند و در صورت تخلف از حوزه اخذ رأی اخراج و برابر ماده (۸۸) قانون انتخابات ریاست جمهوری با آنان عمل خواهد شد.

تبصره ۶ - این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجراست و آن قسمت از قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو و بلااثر می‌گردد. آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و شش تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی ام مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و تأییدیه شورای نگهبان در مهلت مقرر در اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی اصل نگردیده است».

بررسی این وظائف ما را در برابر پرسش مهمی قرار می‌دهد: آیا اعضای شورای نگهبان، هیئت مرکزی نظارت و ناظرین منتخب آن در سراسر کشور، نسبت به وقوع اعمال مجرمانه در منطقه زیر نظرشان چه مسئولیتی دارند؟ یعنی، چنانچه فرماندار یا استاندار یا رئیس ستاد مرکزی انتخابات وزارت کشور یا وزیر کشور مرتکب یکی از اعمال مجرمانه‌ای بشود که تا بدینجا اشاره شده و در بخش بعدی بطور کاملتری فهرست خواهد شد، آیا نادیده گرفتن این اعمال از سوی دستگاه نظارت جرم است یا نه؟ از سوی دیگر، آیا اهمال ناظر و حتی شورای نگهبان در اعمال نظارت جرم است یا نه؟ برای مثال، وجود انبوهی از تعرفه‌های تا نخورده در صندوق‌های مختلفی که در «شام آخر» انتخابات مصلوب، طی مراسم شمارش ۱۰ در صد از

صندوق‌ها در برابر تلویزیون توسط شورای نگهبان، مشاهده شد، و این شورا هیچ گونه عکس‌العملی در مقابل آن نشان نداد، آیا اینگونه بی‌توجهی شورا جرم است یا نه؟ و اگر این اهمال جرم باشد مرجع رسیدگی بدان کیست و کدام دستگاه است؟

این پرسش از آن جهت حائز اهمیت است که برخی از اعضا و همچنین سخنگوی شورای نگهبان مکرر ادعا کرده‌اند که کسی نمی‌تواند از شورای نگهبان شکایت کند، یا آن را محاکمه نماید. از جمله، آقای کدخدائی روز ۸۸/۴/۱۹ به گزارش ایلنا مدعی شد که:

«ایلنا: سخنگوی شورای نگهبان درمورد اظهار نظر یکی از کاندیداها مبنی بر اینکه موضوع انتخابات را از مراجع قضایی پیگیری و از شورای نگهبان شکایت خواهد کرد، اظهار داشت: فکر نمی‌کنم چنین قانون و مجوزی وجود داشته باشد.

عباسعلی کدخدایی با تأکید بر اینکه حرف و کلام شورای نگهبان پایان کار است و پس از اظهار نظر شورای نگهبان، دیگر هیچ مرجعی، صالح به رسیدگی نیست، افزود: شکایت کاندیداها از شورای نگهبان مبنای قانونی ندارد. وی در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود اینکه قبلاً اعلام شده بود با تأیید انتخابات از سوی شورای نگهبان، پرونده انتخابات بسته می‌شود، این شورا برای اولین بار قصد انتشار گزارش تفصیلی رسیدگی به شکایات را دارد، گفت: در آخرین نشست خبری اعلام کردم که به زودی گزارش تفصیلی را منتشر خواهیم کرد و هدف از این کار، این است که افکار عمومی از اقدامات شورای نگهبان نسبت به اعتراضات و شکایات‌های انجام

شده آگاه شود و مشخص گردد که این نهاد چه مسیرهایی را طی و چه اقداماتی را انجام داده است.»

اما ظاهراً این حقوقدان ورزیده در بیاناتش کوشیده است میان ارتکاب جرم انتخاباتی توسط شورای نگهبان و عوامل نظارتی‌اش با اصل مرجعیت شورای نگهبان در خصوص اعلام نتیجه نهایی انتخابات خلط کند. آری، شورای نگهبان بموجب قانون اساسی و (قا نظ) و (قا) مسؤل و مرجع اعلام نتیجه درست است و وزارت کشور با اخذ نظر شورا و اعتبارنامه فرد منتخب، او را به رهبر معرفی می‌کند؛ اما این اختیار یا وظیفه، مصونیتی به اعضای شورا و عوامل اجرایی آن نمی‌بخشد. اعلام نتیجه نادرست، اهمال در نظارت و رفتار جانبدارانه نسبت به یکی از نامزدها موجب تعقیب جزائی است. از این گذشته، هر مقامی که قانون را نقض کند، بموجب قوانین جزائی و مدنی مجرم است. قانون اساسی و قوانین انتخاباتی منبعث از آن همه جا اعضای شورای نگهبان را مسؤل می‌داند. قانون انتخابات هم مؤید این ادعاست:

اولاً- هرگاه کسی با مجرم در ارتکاب جرم همکاری کند یا نسبت به بازداشتن او از این عمل مماشات نماید، در حالی که بازدانگی وظیفه قانونی اوست، خودش مجرم است؛ حتی کسی که این وظیفه را نداشته باشد، دستکم از لحاظ شرعی مجرم است و چون دادگاه‌ها بر اساس قانون اساسی می‌توانند در موارد کمبود مبانی قانونی با توسل به فتاوی مرجع از روی قانون شرع حکم بدهند، بنا بر این، همان شخص هم می‌تواند مجازات شود.

ثانیاً- در (قا نظ) نظر بر این است که، هرچند از سرناگزیری در یک انتخابات بدین وسعت لازم است شورای نگهبان از همکاری افراد دیگر بهره بگیرد، لیکن نظر به

اصل ۹۹ قانون اساسی مسئولیت اعمال آنها با شورای نگهبان است. در این قانون همه اقدامات هیئت مرکزی نظارت و عوامل منطقه‌ای با «تأیید» شورای نگهبان قابل اعمال است و این در حالی است که (قا) و (آی) برای ناظر به معنای عام کلمه مجازات‌هایی در نظر گرفته است.

ثالثاً - ماده ۳۳ (قا) تحت عنوان «ارتکاب امور ذیل جرم محسوب می شود» برای مثال در بند ۱۱ می گوید: «توصیه به انتخاب کاندیدای معین از طرف اعضای شعبه اخذ رأی یا هر فرد دیگر محل صندوق رأی ، به رأی دهنده.» بنا بر این ممکن است هر یک از عوامل دستگاه نظارت، از دبیر شورای نگهبان گرفته تا افراد ناظر در کوره دهات، مرتکب این خطا بشوند و توصیه‌ای در این جهت بکنند. لذا بموجب ماده فوق عمل آنها جرم است و قابل طرح در محاکم خواهد بود.

ماده ۳۴ (قا) صریحاً ناظرین را برای هماهنگی با محاکم محلی موظف می سازد، این صراحت ماده مزبور حاکی از صلاحیت دادگاه‌ها به رسیدگی به جرائم انتخاباتی هر کس و در هر مقام است.

تبصره ۲ از ماده ۳۹ (قا) تصریح می کند که: «معمدین هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان نباید در انتخابات قبل مرتکب تخلفی شده باشند که در یکی از محاکم صالحه اثبات شده باشد.» بنا بر مدلول این تبصره ناظرین شورای نگهبان، اعم از هیئت مرکزی یا سایرین، بنا به دلایل تخلف انتخاباتی قابل محاکمه در دادگاه صالحند. این دادگاه طبعاً غیر از شورای نگهبان است.

ماده ۴۰ (قا) انتخاب ناظرین از میان منسوبین نسبی و سببی نامزدها را منع کرده و (قا نظ) اعضای شورای نگهبان را مسئول هر انتخابی می داند. آیا عمل نکردن احتمالی به

این نهی ارتکاب جرم نیست و اگر هست، بدون تردید مرجع رسیدگی محکمه صالحه است نه خود شورای نگهبان.

حتی ماده ۶۱ (قا) که شورای نگهبان را موظف به تعویض نظار خاطی می‌کند، مانع از تعقیب جزائی ناظر متخلف نیست؛ بلکه از حیث سلبی شورای نگهبان را در صورت اهمال مقصر دانسته و قابل تعقیب می‌داند، در غیر این صورت تصویب قوانین اموری مهمل خواهد بود.

ماده ۶۲ که به تبلیغات انتخاباتی نامزدها پرداخته است، به مسئولیت دستگاه نظارت در این زمینه هم تصریح کرده است. اگر تبلیغاتی غیر قانونی صورت بگیرد، علاوه بر مباشرین مستقیم آن، شورای نگهبان نیز به خاطر اهمال در نظارت مسؤل و قابل تعقیب است. وگرنه وجود یک ناظر بی‌مسئولیت فاقد وجاهت قانونی است و بود و نبود آن علی‌السویه است؛ چنانکه خواهیم دید، در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در برابر دیدگان شورای نگهبان و ملت ایران، بر خلاف نص قانون، تبلیغات تلویزیونی یک جانبه زیادی صورت گرفته که شورای نگهبان در این خصوص مسئولیت مستقیم داشته است. برای نمونه، اصل پخش مستقیم و زنده مناظره‌های نامزدها، که غیر قابل انکار است، بر خلاف نص صریح قانون در ماده ۶۴ بوده است.

سرانجام باید در اینجا به ماده ۹۳ استناد شود که صریحاً می‌گوید: «ماده ۹۳ - در اجرای صحیح اصل ۹۹ قانون اساسی و حفظ بی‌طرفی کامل، ناظرین شورای نگهبان موظف‌اند در طول مدت مسئولیت خود، بی‌طرفی کامل را حفظ نمایند و ابراز جانبداری ناظرین به هر طریقی از یکی از کاندیداها **جرم** محسوب می‌شود.»

بنا بر آنچه گذشت اجرای صحیح اصل ۹۹ نیز بنا بر وظائف و تکالیف موسّع و همه‌جانبه‌ای که شورای نگهبان در امر انتخابات دارد، به عهده "اعضای" شورا است. بعلاوه عبارت اول این ماده، یعنی: «در اجرای صحیح اصل ۹۹ قانون اساسی و حفظ بی طرفی کامل»، به تنهایی و به روشنی کامل ضرورت بی طرفی اعضای شورای نگهبان را مورد تأکید قرار می‌دهد. از نظر ماده ۹۳ (قا)، متن فوق، اصل ۹۹ قانون اساسی به مناسبت باور به عدالت شوریا نگهبان تنظیم شده و عدالت بدون بی طرفی ممکن نیست. از سوی دیگر، بموجب همین عبارت اخیر، شورای نگهبان بدون بی طرفی قادر به اعمال درست اصل ۹۹ نخواهد بود!!

قانون در مورد به حساب آوردن رأی معیوب، شورای نگهبان را مرجع می‌داند؛ اما دخالت در اخذ رأی معیوب یا اغماض در ارتکاب جرائم، یا نادیده گرفتن شکایت افراد ذیحق از جمله رأی دهندگان، یا مباشرت به جرم در قوه قضائیه قابل رسیدگی است. به عبارت بهتر، مال دزدی را هر زمان مالک آن شناسایی نماید، حق دادخواهی و استرداد دارد، با هیچ تأیید و تنفیذی نمی‌شود، مال غیر را مال حلال محسوب نمود.

بحثی درباره تقاضای ابطال انتخابات

همانطور که دیدیم قانون دست شورای نگهبان را باز گذاشته است که اگر دخالت‌های ناروا در تنظیم مقدمات انتخابات یا در روند اجرای قانون انتخابات مشاهده کند، به نحوی که در تعرفه و آرا و شمارش و صورتجلسات مؤثر گردد، یعنی در نتیجه انتخابات اثرگذار باشد، آن انتخابات را باطل کند. برای روشن شدن

مطلب در اینجا توجه‌تان را به سخنی از آقای کدخدایی سخنگوی شورا و عضو و سخنگوی هیئت مرکزی نظارت جلب می‌کنیم که روز ۸۸/۳/۱۳ همان روزی که قرار بود ساعت ده شب مصاحبه مهم و جنجالی میان آقای مهندس موسوی و آقای احمدی نژاد انجام گیرد، اظهار کرده است:

"خبرگزاری فارس: عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان در گفتگویی با برنامه تلویزیونی تهران ۲۰ و در تشریح جایگاه شورای نگهبان در انتخابات به ویژه امر نظارت اظهار داشت: «شورای نگهبان قانون اساسی طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت جامع و موثری بر تمام مراحل انتخابات دارد و در انجام وظیفه قانونی همه رفتارها و اقدامات را نظارت می‌کند». وی درباره وظایف شورای نگهبان در برخورد با برخی تخریبها، توهین‌ها، افتراها و بداخلاقی‌های احتمالی انتخاباتی بیان داشت: «اگر تخریب، توهین و افترا در روند تبلیغات انتخابات باشد طبعاً مجری انتخابات، دستگاه انتظامی و قوه قضائیه به شکایات و اعتراضات رسیدگی خواهد کرد، اما اگر تخریبها به گونه‌ای باشد که سرنوشت انتخابات را تحت تاثیر قرار دهد شورای نگهبان وارد عمل می‌شود و ممکن است در مرحله تأیید نهایی، صحت انتخابات را تجدیدنظر و تصمیماتی برای ابطال حوزه‌های انتخابیه اتخاذ کند». معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان قانون اساسی درخصوص این که در احراز صلاحیت ناظران شورای نگهبان با هدف بی‌طرف بودن آنان در امر وظایف قانونی چه مرحله‌ای طی می‌شود گفت: «ناظران شورای نگهبان از اقشار مردم و به صورت خودجوش با این شورا همکاری می‌کنند، در گزینش آنان شرایطی همچون امانتداری، قانونمداری و اخلاق و اصول اسلامی اعمال می‌شود و چنانچه ناظری در انجام وظیفه

قانونی تخلفی داشته باشد با او برخورد قانونی خواهد شد». کدخدایی با تاکید مجدد بر بی طرفی ناظران شورای نگهبان، گفت: «اگر گزارشی دال بر جانبداری ناظر و مجری انتخابات در اجرای وظیفه قانونی به شورای نگهبان واصل شود به شدت برخورد خواهد شد». سخنگوی شورای نگهبان با اشاره به روش‌ها و ابزار گوناگون در اخذ نظرات، انتقادات و شکایات، به مردم اطمینان داد که این شورا با دقت هر چه تمام شکایات را بررسی و با هر گونه تخلفات احتمالی برخورد می‌کند.»

باید این متن را بدقت خواند و با آنچه که پیشتر گفته شد مقایسه نمود. آری شورای نگهبان باید در همه امور انتخابات ناظر باشد و اهمالش در هر امری یا جانبداریش عملی مجرمانه است.

بعلاوه، اگر در انشای این سخنان دقت کنید، همانطور که پیش از این متذکر شدیم، اعضای شورای نگهبان در حکم ناظرند و آقای کدخدائی هم نمی‌تواند فرقی میان آنها و دیگر ناظران قائل شود.

اما سؤال اساسی این است که آیا فقط شورای نگهبان در مراقبت‌هایش از جانب خود باید به این نتیجه برسد که انجام کاری یا ترک فعلی نتیجه انتخابات را تحت تأثیر قرار داده است، یا دیگران هم می‌توانند چنین برداشتی بکنند و از شورای نگهبان یا مرجع ذیصلاح قضائی در خواست ابطال نمایند. مرجع ذیصلاح قانونی یا داوری در جایی می‌تواند وارد این مسأله شود که شورای نگهبان طرف دعوا بوده و خودش در نتیجه دخالت نموده باشد. آنچه ایشان تصریح دارند این است که شورای نگهبان یا خودش یا به خاطر شکایت دیگران می‌تواند به این نتیجه برسد. از این رو، اصل تقاضای ابطال انتخابات از سوی نامزدها و حتی رأی دهندگان کاملاً وجاهت

قانونی دارد. آن‌ها قانوناً می‌توانند به علت اهمال شورای نگهبان یا مجریان یا هر دو تقاضای ابطال کنند. برای تکمیل این بحث به موضوع صیانت از آراء در این گزارش رجوع کنید؛ متن سخنان آقای کدخدائی در رابطه با صیانت از آراء را که در همین مصاحبه عنوان کرده است در آن مبحث نقل خواهیم کرد. شورای نگهبانی که همهٔ ارکانش صریحاً در برابر اصطلاح قانونی «صیانت از آراء» موضع گرفت و آن را غیر قانونی و پیروی از خط دشمن خارجی و خط برانداز داخلی قلمداد نمود و مدعی بود که خود شورای نگهبان قادر به صیانت از آراء است و عملاً مانع تراشی در برابر نظارت قانونی مردم بر انتخابات را بدعت نهاد، همچنانکه در همین مصاحبهٔ آقای کدخدائی هم تکرار شده است، هیچ عکس‌العملی در مورد رفتار تبلیغی رادیو و تلویزیون به نفع آقای احمدی‌نژاد نشان نداد و حتی به جانبداری برخی از اعضایش از نامزد فوق اعتراف داشت.

پرسش دیگر در رابطه با تقاضای ابطال این است که: آیا تقاضای ابطال رابطه‌ای با آرای نامزد دارد؟ یعنی، آیا فقط نامزدی که گمان کند پیروز بوده ولی نام دیگری به عنوان پیروز انتخابات اعلام شده است، می‌تواند تقاضای ابطال کند، یا هر ذینفعی که جریان انتخابات را خارج از مسیر قانونی یافته و آرائش را در معرض خطر دیده است، می‌تواند چنین تقاضائی بکند؟ در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، حتی آقای رضائی که هرگز مدعی امکان پیروزی نبوده است، تقاضای ابطالش قانونی و بجا بوده است. در تقاضای ابطال مسأله بر سر پیروزی و شکست نیست، بلکه ایراد به عدم رعایت اصول و مواد قانونی از جانب دستگاههای مسؤل است. هر

نظامی چنانچه در برابر این خواست بحق مردم و نامزدها با اسلحه صف آرائی کند، اصل تعهدش به مردم سالاری را زیر پا نهاده است.

(ب) وظائف و مسؤولیتهای دستگاه مجری انتخابات:

اگرچه (قا) در ماده ۳۱ وزیر کشور را مسؤول صحت انتخابات اعلام می نماید، اما این نظر قانونگذار مانع از مسؤولیت مشترک رئیس قوه مجریه و هیئت وزیران که در اصول ۱۳۲ و ۱۳۷ قانون اساسی آمده است، نمی گردد:

«اصل یکصد و سی و چهارم: ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم های وزیران و هیأت دولت می پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می شود لازم الاجرا است. رئیس جمهور در برابر مجلس مسؤول اقدامات هیأت وزیران است.

اصل یکصد و سی و هفتم - هر یک از وزیران مسوول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می رسد، مسوول اعمال دیگران نیز هست.»

علاوه بر این متن سوگندنامه رئیس جمهور در اصل ۱۲۱ و فحوای اصل ۱۳۲ او را مسؤول اجرای قوانین نموده و در برابر «ملت» مسؤول می داند. از این

رو، همه وظائف وزیر کشور در (قا) عملاً وظائف رئیس جمهور است و همه وظائف این دو در (آی) که مبتنی بر (قا) است، وظائف همه وزیران نیز شمرده می‌شود. بخصوص باید یادآور شویم که وزیر امور خارجه بموجب ماده ۵۳ و ۵۴ (قا) در مورد اجرای قانون انتخابات در خارج از کشور جانشین وزیر کشور بوده و همپای او به عنوان مجری انتخابات مسؤل است. با این حساب، با تأکید بر اینکه آیین نامه اجرائی قانون انتخابات به تصویب هیئت وزیران و تأیید شورای نگهبان رسیده است، اهم وظائف وزیر کشور، معاون انتخاباتی او که رئیس ستاد مرکزی انتخابات است، استانداران و فرمانداران و بخشداران و سفرا و سرکنسولها و وزیر خارجه در سه دسته به شرح زیر است:

ب ۱) وظائف قوه مجریه در تهیه مقدمات انتخابات.

ب ۲) برگزاری انتخابات در روز مقرر.

ب ۳) وظائف پس از انتخابات.

پیش از بیان شرح این سه دسته لازم است اشاره شود، در صورتی که رئیس جمهور خودش یکی از نامزدها باشد، بموجب قوانین یادشده، در طول دوره رسمی انتخابات دارای دو شخصیت متمایز خواهد بود. از سویی بر اساس سوگندی که خورده است باید بدور از خودکامگی به اجرای صحیح قانون همت بگمارد و بر اعمال وزیران، بویژه وزیر کشور نظارت نماید، از سوی دیگر در شرایطی مساوی با سایر نامزدها به رقابت معقول و قانونی انتخاباتی پردازد. عملاً و بر مبنای کلیه قوانین موضوعه، از آنجا که مجریان در چنین

مواردی غالباً تابع رئیس جمهور وقت هستند، و بخصوص در زمان آقای احمدی نژاد با تغییرات گسترده‌ای که ایشان در سطوح اجرائی و در وزارت کشور ایجاد نمود، رفتار عادلانه و قانونمدارانه رئیس جمهور انتظاری بجا و دارای اهمیت است. هرگونه تخطی از مسیر عدالت در واقع جرمی قانونی برای رئیس جمهور محسوب می‌شود. شائبه استفاده از امکانات دولتی که در قانون منع شده است، در این مواقع و شرایط خاص بیشتر محتمل است، همچنانکه عملاً از سوی احمدی نژاد بطور علنی مشاهده کردیم. همه ملت شاهد بودند که آقای احمدی نژاد در مناظره تلویزیونی با آقای موسوی اظهار داشتند: «سه ماه است که سه نفر علیه یک نفر هستند آن وقت به من ۴۰ دقیقه وقت می‌دهید؟ اشکال ندارد»، و به این ترتیب نامزدها را گروهی همدست برای شکست خودش ببیند، آیا ایشان با بیان چنین مطالب می‌تواند در مقام ریاست دولت به مسئولیت حسن اجرای خود بدرستی عمل کند؟ مگر آقای محسن رضائی فقط علیه پیروزی آقای احمدی نژاد در انتخابات شرکت کرده بود و از دیگران نقد نمی‌کرد؟ در واقع همه می‌توانستند بگویند، سه نفر در برابر یک نفر است، این قاعده انتخابات است. آیا مفهوم مخالف این گونه اظهارات نمی‌تواند این ظن را قوت بخشد که آقای احمدی نژاد با تصور اینکه دیگران علیه او توطئه می‌کنند، به جای حسن اجرای قانون در حال برنامه‌ریزی برای «توطئه» متقابل بود؟ اگر مدعیان تقلب هیچ سندی بجز همان مناظره را نداشته باشند، از لحاظ شرع و قانون می‌توانند او را به تقلب محکوم نمایند. چطور می‌شود، در کشوری رئیس

جمهوری که ملزم به اجرای صحیح قانون است، نامزدهای دیگر را عضو بانندی تخریبگر برای شکست خود بشمارد؟ آیا چنین شخصی با چنان دیدگاهی می‌تواند یک مجری بی‌طرف باشد و از امکانات دولتی یا از قدرت وزیر کشورش برای خنثی کردن توطئه ادعائی استفاده نکند؟ وزیر کشوری که اتفاقاً رئیس ستاد انتخاباتی قبلی خودش بوده است؟ بسیاری از مردم همان شب بوی تقلب و کودتا را استشمام کرده بودند و ما در جای خود برخی از نظرات را نقل خواهیم کرد.

لازم به یادآوری و تأکید است که بر پایهٔ مباحث مربوط به وظائف شورای نگهبان و ناظرین، همهٔ وظائف قوهٔ مجریه جزو مسئولیتهای نظارتی این شورا است که قانون نیز صریحاً بدان دلالت دارد؛ یعنی، چنانچه دولت و وزارت کشور از مسیر خارج شود، شورای نگهبان خواه با شکایت دیگران و خواه از طریق مراقبت مستقیم می‌باید مانع گردد و عکس‌العمل مناسب نشان دهد.

ب (۱) وظائف قوهٔ مجریه در تهیهٔ مقدمات انتخابات.

بموجب مادهٔ ۳ (قا): «وزارت کشور موظف است سه ماه قبل از پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری مقدمات اجرای انتخابات دوره بعد را فراهم و با رعایت اصول ۱۱۹ و ۱۳۱ قانون اساسی مراتب برگزاری انتخابات و تاریخ شروع ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برساند.» مفاد مادهٔ مزبور بدان معناست که: چون بنا

بر اصل ۱۱۹ باید انتخابات یکماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری تمام شده باشد، اگر روز ۸۸/۵/۱۲ روز پایان دوره باشد، در این صورت وزارت کشور باید از ۸۸/۲/۱۲ مقدمات انتخابات جدید را فراهم کرده و در ۸۸/۴/۱۲ انتخابات تمام شده باشد. بنا براین، در صورت ظاهر، بخشنامه آقای صادق محصولی در ۸۸/۲/۱۴ به استانداران و فرمانداران، که به گفته کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور بمنزله صدور دستور شروع انتخابات ریاست جمهوری از سوی وزیر کشور بوده^۱، می‌تواند با متن قانون سازگاری داشته باشد.

اما عملاً از شهریور ۸۷ که از سوی آقای کردان وزیر کشور وقت تاریخ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۸۸/۳/۲۲ تعیین و اعلام شد، تهیه مقدمات انتخابات آغاز گردید. به این ماده از قانون در سنوات گذشته هم، مطابق نص عمل نمی‌شد، یعنی از اسفندماه مقدمات را در هماهنگی با شورای نگهبان آغاز می‌کردند، لیکن در این دوره نه ماه قبل از موعد صورت گرفته است. آقای علیرضا افشار معاون انتخاباتی آن زمان وزارت کشور در توجیه این اقدام زودهنگام اعلام کرد: به علت همزمانی انتخابات ریاست جمهوری با انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی از حالا تاریخ برگزاری را اعلام کرده‌ایم تا داوطلبان نمایندگی مجلس فرصت استعفا داشته باشند. دو ماه بعد در ۸۷/۸/۹ آقای جنتی طی نامه‌ای به وزارت کشور، فهرست اسامی هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

1 تابناک بتاریخ ۸۸/۲/۱۲ کد ۷۱۳۷، به نقل از ایسنا.

دهمین دوره ریاست جمهوری را به وزارت کشور اعلام نمود، این اقدام حاکی از آمادگی پیش از موعد دستگاه اجرا و نظارت برای انتخابات بود.

متن خبر خبرگزاری فارس در این خصوص به قرار زیر بود:

"عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان در گفتگو با فارس گفت: دبیر شورای نگهبان در نامه‌ای به وزیر کشور اسامی اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، اولین میاندوره‌ای هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی و دومین میاندوره‌ای چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری را اعلام کرد. وی ادامه داد: همچنین طبق زمانبندی اعضای هیئت نظارت استانی و شهرستانی در انتخابات مذکور نیز اعلام خواهد شد. بر اساس این گزارش متن کامل نامه آیت‌الله احمد جنتی به علی کردان وزیر کشور به این شرح است:

جناب آقای کردان

وزیر محترم کشور

سلام علیکم

در اجرای ماده ۲ قانون نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران اسامی اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، اولین میاندوره‌ای هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی و دومین میاندوره‌ای چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری که در جلسه مورخ ۸/۸/۸۷ شورای نگهبان انتخاب گردیده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

۱- حضرت آیت الله احمد جنتی.

۲- جناب آقای محمدرضا علیزاده.

۳- حضرت حجت الاسلام والمسلمین عباس کعبی.

۴- حضرت حجت الاسلام و المسلمین احمد سالک.

۵- جناب آقای دکتر سید فضل الله موسوی.

۶- جناب آقای دکتر عباسعلی کدخدایی.

۷- جناب آقای محمدرضا میرشمسی.^۲

بر اساس نامه‌ای که آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان در آبان سال ۱۳۸۷ به وزارت کشور ارسال نموده، اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری را معرفی کرده است. بموجب این نامه آقایان محمدرضا علیزاده، عباس کعبی (دو عضو حقوقدان شورای نگهبان)، عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان، محمد رضا میرشمسی (مدیر کل اسناد شورای نگهبان)، احمد سالک (سخنگوی جامعه روحانیت مبارز) و فضل الله موسوی (نماینده تهران در مجلس هفتم) آقای جنتی را در هیئت نظارت یاری می‌کنند. این لیست حاوی نام سه نفر از اعضای فعلی شورای نگهبان است، در حالی که قانون مذکور در بالا، مقرر می‌دارد که دو نفر از اعضای شورای نگهبان و پنج نفر از معتمدین متدین برای هیئت نظارت برگزیده شوند. ممکن است در پاسخ به این ایراد چنین گفته شود که یک نفر اضافی

² این خبر با کد ۳۳۹۱۴ از سایت الف نقل شد.

از حیث معتمد بودن انتخاب شده است، لیکن مغایرت این انتخاب با نص صریح قانون و روح آن بدیهی است.

عملاً گروه‌های سیاسی از اینکه فضایی برای بحث درباره ریاست جمهوری آینده و نقد عملکرد دولت نهم باز می‌شد، بدون توجه به انطباق این فعالیت‌ها با ظاهر و باطن قانون، همین اعلامیه‌ها را بهانه قرار داده و نسبت به نامزدهای مورد نظر خود فرصت تبلیغ ایجاد می‌کردند. فضای بسته سیاسی و نبود امکانات رسانه‌ای کافی و فراگیر، مشکلات سیاسی حاد جاری در کشور، از علل موجبه این بی‌توجهی‌هاست، زیرا مردم در کشاکش خبرهای حاد روزمره درباره اوضاع سیاسی کشور، فرصت برنامه ریزی‌های دراز مدت برای فعالیت‌های سیاسی را پیدا نمی‌کنند.

در این میان تنها رهبر انقلاب نسبت به این اعلامیه‌های زود هنگام عکس‌العمل نشان دادند. عکس‌العمل‌های ایشان به بسیاری از اموری که مورد علاقه اқشار مردم در امور سیاسی می‌شود و غالباً از حقوق شهروندی است، از رازهای پنهان دوره بیست ساله اخیر است که در این دوره انتخابات دهم ریاست جمهوری بارها تکرار شده است!

در حالی که دستگاه دولتی در آن روزها با انتشار خبرهای متعدد موضوع انتخابات آتی را در پیشخوان روزنامه‌های فروشی‌ها قرار می‌داد، رهبری انقلاب به تلاش‌های منتقدین چپ و راست، اصلاح طلب و اصولگرا، برای نقد دولت حمله کرده و از دولت با قاطعیت پشتیبانی می‌کند.

درست همزمان با مصاحبه آقای کدخدایی و اعلام تشکیل هیئت نظارت شورای نگهبان، یعنی روز ۸۸/۸/۹ رهبر انقلاب در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان گفتند: "مسائل مربوط به انتخابات به ویژه حضور پرشور مردم در آن، در همان ایام نزدیک به انتخابات بسیار مهم است اما عده‌ای با عجله از حالا مباحث انتخاباتی را شروع کرده‌اند که این فعالیت‌های زود هنگام انتخاباتی موجب منحرف شدن ذهن‌ها از مسائل اصلی، مشغول کردن افراد به یکدیگر و برخی بدگویی‌ها می‌شود و این، به ضرر مصالح کشور است." ایشان افزودند: "حقوق بشر آمریکا در ابوغریب، گوانتانامو و زندان‌های دیگر و همچنین کشتار مردم افغانستان و پاکستان به نمایش درآمده و دموکراسی آمریکا نیز در مقابله با دولت مردمی حماس در فلسطین، تحت فشار گذاشتن دولت مردمی عراق برای امضای توافقنامه امنیتی، و طرح اتهام‌های بی اساس بر ضد جمهوری اسلامی ایران که همه مسوولان آن با رای مردم انتخاب می‌شوند، آشکار شده است."^۳

اما برای شورای نگهبان، وزارت کشور، مجلس و بالاخره مردم کشور موضوع انتخابات از مسائل اصلی است و بررسی عملکرد دولت در رأس این مباحث قرار دارد. در همین روزها موضوع استیضاح آقای کردان و تعیین جانشین وی خودبخود مسأله انتخابات را پراهمیت می‌کرد، زیرا خود آقای احمدی‌نژاد یکی از نامزدها بود. از سوی دیگر، ریخت و پاش وجوه نقدی حاصل از فروش دلارهای نفتی به بانک مرکزی، که عامل تورم

3 نقل از روزنامه دنیای اقتصاد.

شدیدی محسوب می‌گردد، توسط دولت در سفرهای استانی و عدم تحقق وعده‌های بیشمار قبلی در این سفرها که به نوعی تبلیغاتی تلقی می‌شد، اکنون با کم شدن درآمد نفت و کسری بودجه و افزایش تورم مسأله روز شده بود. به هر حال، اگر هم انتخابات در پیش نبود، باز این ایرادها در تریبون‌های عمومی بسوی دولت سرازیر می‌شد؛ اما تقارن بروز این مشکلات با زمان انتخابات پشتیبانان اصلی دولت و خود دولت را به تکاپو انداخته بود. یکی از راه‌ها می‌توانست ممانعت از این بحث‌ها باشد؛ هرچند به خاطر اهمیت فراوان این موضوعات و اشتباه تاکتیکی دولت نهم که مسائل داخلی را با سفرهای استانی به عنوان محور اصلی سیاست خود درآورده بود، هر کوشش و توصیه‌ای را بی‌اثر می‌ساخت و چنین کوشش‌هایی نمی‌توانست از داغی این مباحث بکاهد. تا آنجا که از مسائلی مانند امور انرژی هسته‌ای در بالابردن سطح محبوبیت داخلی خود بهره می‌گرفت و کارهای مثبت دولت‌های پیشین را هم به حساب خود می‌گذاشت، یا به برخی از امور که مردم در جریان کنه آن نبودند با هدف تضعیف اصلاح‌طلبان انتقاد می‌کرد؛ طبیعتاً این سیاست مانع از توجه به پیشنهاد رهبری بود. در حافظه مردم در کنار این سخنرانی ایشان، پشتیبانی تا حدی پرسش برانگیز رهبری از دولت در روز ۸۷/۶/۲ که بمناسبت هفته دولت ایراد شد، معنای دیگری پیدا می‌کرد. ایشان در آن روز فرمودند: "چند خصوصیت ممتاز در این دولت وجود دارد که من لازم میدانم به این خصوصیات تصریح کنم؛ اگر چه بارها هم گفته شده، اما در عین حال

خوب است که خود شما دوستان هم توجه داشته باشید که مایه‌ی امتیاز شما، اینهاست. ... **یک خصوصیت این است که این دولت، واقعاً یک دولت کار است؛** دولت حرکت و اقدام است؛ انرژی و نشاط کار این دولت، یک امر برجسته است. الحمدلله شما از سال اول همین جور حرکت کردید، الان هم با این که سه سال از عمر این دولت گذشته، انسان احساس میکند که تحرک و نشاط و فعالیت و اقدام در این دولت محسوس است - یعنی کاهش پیدا نکرده؛ افت پیدا نکرده - این خیلی چیز باارزشی است. در خدمت به مردم جدیت وجود دارد.

خصوصیت و امتیاز دوم که در این دولت هست، شعار و گفتمان کلی این دولت است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمانهای انقلاب است؛ این خیلی چیز باارزشی است. این را هیچکس نمی‌تواند ندیده بگیرد. ... عدالت‌خواهی در این دولت پررنگ شد. شعار عدالت‌خواهی به صورت جدی بر روحیه‌ی مسئولان، دولتمردان و برنامه‌ها، پرتو افکند. استکبارستیزی - که معنای ویژه‌ی انقلابی خودش را دارد - در این دولت تشخیص و تمیز پیدا کرد. ... **مسئله‌ی اعاده‌ی عزت ملی و ترک انفعال در مقابل سلطه و تجاوز و زیاده‌طلبی سیاستهای دیگران و ترک شرمندگی در مقابل غرب و غربزدگی را هم انسان در این دولت احساس می‌کند؛** ... خصوصیت و امتیاز دوم که در این دولت هست، شعار و گفتمان کلی این دولت است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و

گفتمان‌های انقلاب است؛ یکی از مظاهر دفاع از عزت هم همین مسئله‌ی انرژی هسته‌ای است. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، برای ما فقط این نبود که ما میخواستیم یک فناوری داشته باشیم، دیگران می‌خواستند ما نداشته باشیم؛ این فقط بخشی از قضیه است. بخش دیگر قضیه این بود که قدرتهای گوناگون، پُرو، متجاوز، زورگو و دنباله‌ها و اقماری ارزش آنها، می‌خواستند حرف خودشان را در این زمینه بر ملت ایران تحمیل کنند. خب، ملت ایران، دولتِ شما و شخص رئیس‌جمهور، در مقابل این زورگویی و این تحمیل و این افزون‌طلبی ایستادید؛ خدای متعال هم کمک کرد؛ پیش رفتید. اینها آن بخشها و اجزاء گفتمان عمومی این دولت است که برای من اهمیت دارد. **روند غرب‌باوری و غرب‌زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه‌ی مجموعه‌های دولتی نفوذ میکرد، متوقف کردید؛** این چیز مهمی است. ... این دیده میشد؛ خب، جلوییش گرفته شد. **گرایش‌های سکولاریستی** - که متأسفانه باز داشت در بدنه‌ی مجموعه‌ی مدیران کشور نفوذ می‌کرد - جلوییش گرفته شد. **یا جرأت در ایجاد تحول؛ حالت روحی این دولت این است که برای تحول‌آفرینی جرأت دارد و اقدام می‌کند.**

گفتمان عمومی دولت اینهاست؛ به طور خلاصه: زنده کردن و بازسازی برخی خصوصیات جوهری انقلاب و منطق امام؛ و مقابله‌ی با کسانی که می‌خواستند این ارزشها و این مفاهیم اساسی را منسوخ کنند، یا از بین ببرند، یا ادعا میکردند که

منسوخ شده و از بین رفته؛ این چیز باارزشی است. این خصوصیت دوم و امتیاز دومی است که در این دولت هست. امتیاز سوم هم روحیه‌ی مردمی و خاکی این دولت است؛ این هم خیلی باارزش است؛ این را قدر بدانید. ساده‌زیستی - بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور - خوب و برجسته است و چیز باارزشی است؛ در مسئولین هم - کما بیش؛ یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر - بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است. ... وظیفه‌ی بنده هم این است که قدردانی کنم و به خاطر همین خصوصیات، از دولت حمایت کنم. البته حمایت از دولت، مخصوص این دولت نیست؛ بنده همیشه از دولت‌ها حمایت کرده‌ام؛ امام هم (رضوان الله تعالی علیه) در هر برهه‌ای، از دولت‌ها و رؤسای قوه‌ی مجریه و مسئولین دولتی حمایت می‌کردند. "آیت‌الله خامنه به دنبال این حمایت سنگین، برخی مطالبات «همیشگی» از دولت را یادآور شده و «ضعفهایی» را برشمردند. این بخش خیلی پیش از آن سخنان در نوشته‌ها و گفته‌های منتقدین وجود داشت و سفرهای استانی را عامل مهم این ضعف‌ها می‌دانستند: "یکی مسأله‌ی رعایت قوانین است. قانون را اهمیت بدهید. قانون - وقتی که با ساز و کار قانون اساسی پیش رفت - حتمیت و جزمیت پیدا میکند. ... اگر قانون نقص دارد، ضعف دارد و غلط است، عوض بشود؛ اما تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود. ... یکی مسأله‌ی پیگیری مصوبات است؛ بخصوص مصوبات سفرها و وعده‌هایی

که داده میشود. شما به جایی مسافرت میکنید؛ مثلاً گفته میشود دولت صد یا دویست مصوبه برای آنجا داشت؛ باید به طور جد دنبال کنید که اینها تحقق پیدا بکند. ... **همان طور که عرض کردم، شما دولتی هستید مردمی؛ یعنی مردم وقتی حرف شما و صدای شما را می شنوند، کانه از جنس خودشان یک حرفی می شنوند؛** چون از موضع بالا و متکبرانه با مردم حرف نمی زنید؛ خوب، طبعاً توقعاتشان زیاد می شود. پس این خوب است؛ اما توقعات را هم زیاد می کند. اگر چنانچه یک جایی بر خلاف این توقعات رفتار شد، در ایمان و اعتقاد مردم اختلال به وجود می آید و این جایز نیست؛ نباید بگذارید چنین اتفاقی بیفتد. آنچه که وعده می دهید انجام بگیرد. اگر نمی شود، همان وعده ای که داده اید، صاف بیاید به مردم بگوئید نمی شود. **تعامل با دو قوهی دیگر هم یکی از این توصیه هاست. ... مسألهی بعدی، تعامل نظام مند با نخبگان و اهل نظر - حتی مخالفین - است؛** با اینها هم باید تعامل کرد. نخبگان جامعه را نباید فراموش کرد. من اعتقادم این است که بر طبق فرمایش مولای متقیان، آن جایی که بین خواست نخبگان و خواست مردم - عامه ی مردم - تعارض وجود دارد، خواست عامه ی مردم مقدم است؛ این همانی است که در نامه ی معروف حضرت و فرمان معروف حضرت به مالک اشتر، به این معنا تصریح شده. ... انتقاد با تخریب فرق دارد. متأسفانه خیلی ها تخریب می کنند، ولی اسمش را می گذارند انتقاد. آن جایی که واقعاً انتقاد است و کسانی با نظر خیرخواهانه، نقاط مثبت کاری را توجه

می‌کنند و نقاط اشکالشان را هم ذکر می‌کنند، اینها را با سعه‌ی صدر گوش بدهید.

آنچه که در مورد سال آخر این دوره باید به شما عرض بکنم، چند نکته است. **یکی اینکه در این سال آخر با روحیه‌ی سال اول کار کنید.** البته احساس می‌کنم همین جور است؛ اما در عین حال تأکید می‌کنم. فکر نکنید که امسال، سال آخر دولت است؛ نه. مثل کسی که پنج سال دیگر بناست کار بکند، کار بکنید؛ یعنی تصور کنید که این یک سال به اضافه‌ی چهار سال دیگر در ید مدیریت شماست. با این دید نگاه کنید و کار کنید و برنامه‌ریزی کنید و اقدام کنید. ... **یک نکته‌ی دیگر مسئله‌ی سیاستهای اصل ۴۴ است.** خوب، همه اعتراف دارند که سیاستهای اصل ۴۴ اگر اجرائی بشود، یک تحول در پیشرفت کشور - در زمینه‌های اقتصادی و به تبع او در زمینه‌های دیگر - بوجود می‌آید. این هم مسئله‌ی بسیار مهمی است. **این مسئله‌ی طرح تحول هم که اخیراً دولت مطرح کرده، این هم از همان کارهای بزرگ و از همان کارهایی است که جرئت اقدام به آن کار، خودش با ارزش است.** خوب، همه این سرفصلها را قبول کرده‌اند و قبول دارند. همین مسئله‌ی هدفمند کردن یارانه‌ها، واقعاً چیز خیلی مهمی است؛ در دولتهای قبل هم مطرح بوده - بارها صحبت شده بود و گفته شده بود - منتها پیشرفت نمی‌کرد. یا مشکلاتی که در قضیه‌ی بانکها و مالیات و بیمه و گمرک و سایر چیزهایی که در بخشهای مختلف این طرح تحول وجود

دارد، کارهای بسیار بزرگ و مهمی است؛ حتماً هم باید انجام بگیرد. من توصیه می‌کنم در این کار حزم به خرج بدهید.

یک مسئله هم - که مسئله‌ی آخر باشد که عرض می‌کنیم - مسئله‌ی انتقاد و تخریب است. مرز انتقاد و تخریب چیست؟ تخریب بکنند و اسمش را بگذارند انتقاد؛ یا از ما انتقاد بشود و ما تلقی تخریب از آن داشته باشیم. خوب، باید مشخص بشود تخریب کدام است و انتقاد کدام است. معنای انتقاد آن ارزشیابی منصفانه‌ای است که یک آدم کارشناس می‌کند؛ نقادی همین است آدم متأسفانه می‌بیند چیزهایی که به نام انتقاد از دولت و نقادی دولت، امروز گفته می‌شود، شکل همین تخریب را دارد: یعنی انکار امتیازات، قبول نکردن برجستگیها و کارهای خوب، و درشت کردن و برجسته کردن ضعفها. خوب بله، ضعف هست. هر دولتی بالاخره ضعف دارد؛ انسانها ضعف دارند دیگر؛ ضعفها را بگویند، قوتها را بگویند. جمع‌بندی کار یک دولت، آن وقتی است که ضعفها و قوتها را منصفانه پهلوی همدیگر قرار بدهند؛ آن وقت می‌شود جمع‌بندی کرد.

البته شما در شنیدن انتقادها سعه‌ی صدر داشته باشید. یعنی واقعاً اگر انتقادی منصفانه است، با روی باز بپذیرید. حتی من می‌خواهم به شما توصیه کنم که تخریبها را هم تحمل کنید. بالاخره سال آخر، علیه غالب دولتها این چیزها هست؛ البته علیه این دولت بیشتر هست. دو جریان الان علیه این دولت وجود دارد: یک جریان، جریان داخلی است؛ یک جریان هم جریان خارجی است که او مهمتر است."

این سخنان در دوم شهریور ۸۷ مانند بسیاری از این دست، راه را برای منتقدین و دلسوزان به کشور مشکلتر ساخت، تا آنجا که وضعیت امروز را می‌توان ناشی از این محدودیتی دانست که در بطن کلام ایشان دیده می‌شود. گزارش حاضر به واکاوی این مشکل خواهد پرداخت. محتوای این سخنرانی نشان می‌دهد که چرا ایشان از انتقادهای جاری در ۸۷/۸/۹ به بهانه انتخابات برآشفته‌اند. بدون هیچگونه مقایسه ملموس میان نقدهای وارده بر دولتهای پیشین و این دولت، ادعای مظلومیت دولت نهم واهی به نظر می‌رسد. آنچه در این گفته‌ها باید برجسته شود، باور ایشان به این است که از مدتها پیش علیه این دولت کارشکنی می‌شود و در سال آخر تشدید شده و خواهد شد، چرا؟ آیا مبارزه انتخاباتی مگر چیزی جز نقد برنامه‌های پیشین و طرح برنامه‌های جایگزین است که باید عامه را متقاعد سازد، عامه‌ای که گرایشش به فرمایش امیرالمؤمنین مرجع به گرایش نخبگان است؟ مردم ما با حافظه سیاسی خوبی که دارند، این سخنان را با گفته‌های ایشان در اول فروردین در مشهد و در سفر بعدی به کردستان و در ۱۵ خرداد در مرقد امام مقایسه کرده و نتیجه می‌گرفتند که نظر ایشان بر انتخاب آقای احمدی‌نژاد است، به نحوی که شکست آقای احمدی‌نژاد را «شکست خودشان» تلقی می‌کردند.

اکنون باید از خود پرسیم که اگر مردم روز اول فروردین از ایشان بشنوند که «رایشان مخفی است و بی‌طرف خواهند بود»، آنگاه بگویند «اگرچه کسانی خواهند کوشید که حدس بزنند»، چه داوری خواهند داشت؟ مردم

به هنگامی که ایشان شرایط فرد اصلح را در سه سخنرانی بیان کرده و به ساده زیستی اشاره مؤکد می‌کنند، آنهم درست با بیان همین جملات اخیر چه برداشتی از بی‌طرفی ایشان خواهند داشت و دارند؟ در اینجا می‌گویند: **«امتیاز سوم هم روحیه‌ی مردمی و خاکی این دولت است؛ این هم خیلی باارزش است؛ این را قدر بدانید. ساده‌زیستی - بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور - خوب و برجسته است و چیز باارزشی است؛ در مسئولین هم - کما بیش؛ یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر - بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است.»**

در اول فروردین و در کردستان با تأکید مکرر روی این نکته انگشت می‌گذارند که به فرد «ساده زیست‌تر رأی دهید.» ما فارسی‌زبانها از این جمله‌ها با بیاد داشتن آن جمله‌ها چه می‌توانیم فهمیم؟ چیزی که بخصوص از اول فروردین به بعد با اظهار بی‌طرفی ایشان اتفاق افتاده همان پیش‌بینی خودشان در همین سخنرانی است: «اگر چنانچه یک جائی بر خلاف این توقعات رفتار شد، در ایمان و اعتقاد مردم اختلال به وجود می‌آید و این جایز نیست؛ نباید بگذارید چنین اتفاقی بیفتد.» چنانچه در مردم و بر اساس مدلول باور دینی و قانون اساسی و قانون انتخابات این توقع مشروع بوجود آمده باشد که مسئولین مملکتی نباید در گفتارشان جهت‌گیری صریح و غیر صریحی داشته باشند که از نظر مردم خلاف عدالت محسوب گردد، آیا با شنیدن چنین سخنانی در اعتقاد مردم اختلال به وجود نمی‌آید؟ این است مشکلی که امروز همه درگیر آن هستیم.

در ۸۸/۶/۲۸ یعنی فردای روز قدس، مطلب تأسفباری در سایت خبرگزاری رسمی دولتی جمهوری اسلامی ایران که موضع گیری‌های آن به نفع احمدی نژاد شهره خاص و عام است، منتشر شد. عنوان مطلب تحلیلی، که به مثابه یک خبر نقل کرده است، عبارت است از «باز هم درباره سید حسن خمینی». این نوشته در پی ایجاد زمینه‌ای برای عکس‌العمل در برابر سکوت ایشان در حمایت از دولت نوشته شده و تهدیدنامه است. در آنجا برای اینکه ایجاد مزاحمت به حجت الاسلام سید حسن خمینی را موجه بنمایاند، آنهم به جرم اینکه یک شهروند مایل به شرکت در مسابقه مداهنه نیست، به چیزی توسط خبرگزاری رسمی نظام اعتراف می‌شود که موجب سرشکستگی همه ماست. در خواندن متن باید توجه کنید که اصطلاح حکومت با دولت دستکم در ایران تفاوت دارد و مراد از حکومت کل دستگاه حاکمه تعریف شده در قانون اساسی است و به اصطلاح کل «نظام» را در بر می‌گیرد. در آغاز این تحلیل آمده است: «دفتر پژوهش و بررسی‌های خبری-مهدی عرفاتی*»: امروز که در فضای سیاسی پس از انتخابات و **البته فرآیند خیابانی شدن سیاست**، باب انتقاد و اعتراض آنهم از نوع توهین آمیزش به همه ارکان حکومت باز است، ذره‌ای هم جای انتقاد - البته محترمانه و منصفانه - از منسوبان بیت امام را برای منتقدین قایل شویم.» ساده این سخن آن است که: چون مردم در خیابان‌ها به سر تا پای ارکان حکومت ناسزا می‌گویند، چرا ما به اعضای بیت امام انتقادی منصفانه نکنیم، آنها نباید از انتقاد مصون باشند. انتقاد مطرح شده هم عبارت است از اینکه: «متأسفانه

مواضع اخیر حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی و ورود تامل برانگیز ایشان به درگیری‌های جناحی و بازی‌های نازل سیاسی، از جمله عدم حضور وی در مراسم تنفیذ و تحلیف، عدم همراهی رئیس‌جمهور و اعضای کابینه نهم در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های امام راحل و سرآخر هم اصرار غیرموجه بر سخنرانی محمد خاتمی در مراسم احیاء لیالی قدر، راه را برای سوء استفاده بیشتر بدخواهان هموار کرده است.» ملاحظه می‌کنید اتهامات ایشان شامل عدم همراهی با رئیس‌جمهور و اصرار "غیرموجه" بر سخنرانی جناب آقای سید محمد خاتمی در شب قدر به سنت سالهای گذشته است. چرا چنین تصمیمی از سوی کسی که حق این تصمیم را دارد غیرموجه است؟ در عوض تلاش حکومت برای بستن دهان یک نفر که مساوی بستن گوش میلیونها ایرانی است، «موجه» است، همان حکومتی که به گفته ایرنا و این نویسنده مردم در خیابانها به آن ناسزا می‌گویند. این‌ها همان مردمی هستند که به قول رهبر انقلاب در آن سخنرانی به نقل از علی (ع) گرایش‌شان مرجح به خواست خواص است.

از نظر این گزارش بررسی تحلیلی فراز آخر گفتار مذکور برای درک آنچه بعدها تا به امروز رخ داده، بسیار ضروری است. این مواضع ایشان، خطی را ترسیم می‌کند که شما هرچه بگوئید، یا تخریب تلقی شود یا تکرار ادعاهای بیگانگان و در نتیجه شما متهم به گول‌خوردگی از سوی اجانب یا وابستگی به آنها خواهید شد. مسیر دادگاه‌های فرمایشی بعد از انتخابات و ادعانامه بی‌محتوای دادستان درست در راستای این خط ترسیم شده حرکت می‌کند.

مشکل تنها بر سر این نیست که ایشان با ایستادن در صف دفاع از احمدی‌نژاد، آنهم با این کلمات، اصل نظام را در برابر انتقادهای وارده به عملکرد ایشان وارد چالشی سخت و کمرشکن می‌سازند، حتی قصد این نیست که بخواهیم خود رهبری را در اینجا به بحث بکشیم، مسأله بر سر تکلیف ما مردمی است که می‌خواهیم در چارچوب نظام و با احترام به قانون اساسی از کردار دولتمان انتقاد کنیم، بی آنکه متهم به کفرگوئی بشویم. تصور کنید که کسی انتقادی به احمدی‌نژاد داشته باشد، آن را به هر زبانی بگوید، کسی ممکن است تعبیر به مخالفت با رهبری بکند، چنانکه امروزه بسیار مرتکب این اشتباه سنگین می‌شوند، در این صورت نادانسته این فرد دلسوز به حال مملکت را بسان یک ضد انقلاب و «دشمن» جلوه خواهند داد. در جای خود نمونه‌ای از ادعاهای اطرافیان آقای احمدی‌نژاد را خواهیم نگاشت، هم اکنون در مجلس چنین رویه‌ای را از سوی این افراد می‌توانید ببینید، در خطبه‌های جمعه هم بسیار شنیده و می‌شنوید.

هر ایرادی به دولت گرفته می‌شود، برای مثال در روزنامه‌ها نوشته می‌شود، در تلویزیونهای خارجی یا وابسته به خارج یا در سایت‌های آنها هم منعکس می‌شود، از ما مدام می‌خواهند چیزی نگوئیم که برگه بدست بیگانه بدهد؛ پس ما چه باید بگوئیم؟ اگر یک خط خارجی و یک جریان داخلی «دشمنی» با آقای احمدی‌نژاد را به گفته رهبری پیگیری می‌کند، این دو جریان با همین جملات مشابه جملات ایشان از سفرهای بی‌حاصل و پرهزینه استانی و ایجاد توقعات برآورده نشده می‌گویند. چه باید کرد اگر ایرادهای

ما مشابه ایرادهای بیگانگان باشد؟ آیا صرف این تشابه دلیل تخریبی بودن انتقاد است؟ در این صورت بیانات ایشان در مورد مصوبه‌های فراوان در سفرهای استانی تکرار سخن بیگانگان بوده است؟ ملاحظه می‌کنید که این نوع برخورد همه را آچمز کرده است. ادعای تقلب یا ادعای پیروزی از سوی یک نامزد که قانون یا نسبت به اینگونه ادعا ساکت است یا حق را به او داده است، تخریب است؟ اعتراض مسالمت‌آمیز مردم تخریب است؟ این اصطلاح مانند مومی در دست قاضی است که به هر شکل بخواهد می‌تواند درآورد. ادعا شده است که چندین صد هزار تهمت به آقای احمدی‌نژاد زده‌اند، اما هیچ صد نمونه‌ای هم ارائه نشده است! کدام تهمت به او زده شده است. اگر نمایندگان مجلس یا خود ما مردم کوچه و بازار از دولت بخواهیم که کمک به کشورها یا گروههای خارجی باید طبق قانون اساسی با تصویب مجلس باشد، خود رهبری هم در این سخنرانی بر قانونمندی تأکید فرمودند، بیگانه‌پرست می‌شویم، دولت هم می‌تواند چنین خواستی از سوی مجلس و مردم را با استناد به فرمایشات رهبری تخریب و در جهت خواست بیگانه تلقی کند. کسی منکر سوء نیت بیگانه نیست، اما در موارد زیادی نکته سنجی آنها می‌تواند به هشیاری ما هم کمک کند. چنین نیست که اگر بیگانه‌ای به طرز حرف زدن بی‌مبالات آقای احمدی‌نژاد ایراد بگیرد، در جهت مخالفت با بیگانه از او بخواهیم که به این طرز حرف زدن ادامه بدهد. بیگانه از اینکه رئیس جمهور مردمش را «خس و خاشاک» بنامد خوشحال می‌شود و این را به صورت یک ایراد برای او مطرح می‌کند، آیا

برای مخالفت با بیگانه ما ناگزیریم که از آقای احمدی‌نژاد با سوگند بخواهیم حتماً ما را خس و خاشاک صدا کن؟ برای مثال آقای باهنر عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی روز ۸/۸/۸۷ بدنبال رأی اعتماد متزلزل مجلس به آقای صادق محصولی برای تصدی پست وزارت کشور از سوی خبرنگار خبرگزاری فارس در خصوص اختلافات مجلس و دولت و عدم پایبندی دولت به اجرای درست قوانین مصوب مورد پرسش قرار می‌گیرد و در پاسخ می‌گوید:

"به گزارش فارس، محمدرضا باهنر نائب رئیس دوم مجلس پس از پایان جلسه رای اعتماد مجلس به محصولی وزیر کشور در جمع خبرنگاران در خصوص ارزیابی‌اش از این رای گفت: مسائل متعددی در خصوص رای اعتماد به محصولی وجود داشت البته به نظر من شخص حقیقی آقای محصولی احتمالاً در مجلس رای بیشتری داشته اما بعضی از اختلافات که ظرف دو هفته اخیر مطرح شده و بعضاً به رسانه‌ها هم کشیده شد، بر روی نظر نمایندگان سایه افکنده است اما تلاش شد تا مشکل حل شود. ... رای اعتماد به محصولی رای ضعیفی است و خیلی به نصف نمایندگان حاضر در جلسه رای اعتماد نزدیک است ... باهنر در پاسخ به سوالی در باره تعامل مجلس و دولت با بیان اینکه تعامل مثبتی میان مجلس و دولت وجود دارد، گفت: اما کار جاری همیشه وجود دارد الان بعضی از قوانین که مجلس مصوب کرده به درستی اجرا نمی‌شود و باید پیگیری شود به عنوان مثال قانون بودجه سال ۱۳۸۷ و

لایحه مدیریت خدمات کشوری که به قانون تبدیل شده به صورت جامع اجرا نشد و ما در حال بررسی این موضوع هستیم.^{۱۴}

این مطلب اگرچه از موضوعات حاد میان مجلس و دولت نهم در سالهای قبل هم بوده اما در آستانه انتخابات با معرفی وزیری مسأله‌دار و مسأله‌ساز دوباره سر باز نموده است. اینک کسانی می‌توانند بگویند که مجلس در خط آن سکولارها یا آن خط داخلی متصل به خط خاجی حرکت می‌کند که در این هنگامه از بی‌قانونی دولت سخن می‌گویید، اگرچه رهبری هم با دیدن این روحیه به دولت در همین سخنرانی شهریور ماه هشدار داده بود. این موضوع که دولت پایبند قانون نیست، از اهم مسائلی بود که از مدتها پیش در رسانه‌های بیگانه فارسی زبان هم مطرح می‌شد. اتفاقاً در بحبوحه انتخابات با پیش آمدن قضیه پرونده تفریح بودجه و گزارش دیوان محاسبات حادثه هم گردید. آیا دشمن یا سکولار داخلی در صدد تخریب بود و بر تعداد اتهام‌های آقای احمدی‌نژاد میافزود؟

سخنان آقای جنتی و فرماندهان سپاه در بعد از انتخابات، همه بر این اصل استوار شده است که از سالها پیش خطی در داخل با راهنمایی خطی خارجی در صدد براندازی حکومت احمدی‌نژاد و آسیب زدن به ولایت فقیه بوده‌اند. چرا باید برکناری احمدی‌نژاد از سوی مردم خواست خارجی

4 نقل از سایت خبری تحلیلی عصر ایران: کدخبر: ۵۷۲۱۵ تاریخ انتشار: ۲۸ آبان ۱۳۸۷ - ۱۵:۱۱

تلقى شود در حالی که به فرمایش امام علی گرایش عامه بر گرایش خواص
ترجیح دارد؟

کسی تاکنون ادبیاتی ارائه نکرده است که اگر منتقدی بخواهد از تصمیمات
دولت و رئیس جمهور در مورد سازمان برنامه، شورای پول و اعتبار و
تغییرات نافرجام و خطرناک نرخ بهره انتقاد کند، طوری سخن بگوید که
هم خواست «دشمن» تلقی نشود و هم تخریب نباشد و هم دولت گوش
دهد. هم اکنون بسیاری از نمایندگان مجلس به خاطر ایرادهایی که به دولت
در زمان انتخابات یا پس از آن در جریان رأی اعتماد به کابینه گرفته‌اند،
دست از نامزدی برای دور بعد شسته‌اند، چرا که حضرات آقایان جنتی و
شیخ محمد یزدی در نظارتی استصوابی آن‌ها را دنباله رو اجنبی یا در خط
داخلی براندازی دولتی قلمداد خواهند کرد که «گفتمان امام و انقلاب» را
زنده کرده است، توگویی هیچکدام ما در این سرزمین نبوده‌ایم و با امام
راحلمان همراهی نکرده‌ایم و از این گفتمان خبری نداریم یا چیزی بیادمان
نمانده است!

اگر احیاناً رئیس جمهور روز روشن در چشم ملتش نگاه کند و دروغ
بگوید، ما چگونه باید به این دروغگوئی اعتراض کنیم که «تخریب» نباشد،
انتقاد سازنده تلقی شود، در خط بیگانه یا آن خط مرموز داخلی نباشد. یک
راه، البته نشدنی، این است که بی‌درنگ و تا بیگانگان و اعضای آن خط
تخریب داخلی فرصت اظهار نظر پیدا نکرده‌اند در کوچه و بازار داد بزنیم

که ایشان دروغ می گویند، یا بگوئیم ایشان ناراست فرمودند یا بگوئیم ایشان مزاح فرمودند یا بگوئیم که شکر خدا سخنی دروغ تر نگفتند!

این سخنرانی آغاز صریحی است برای کوبیدن دولت‌های پیشین که راه را برای «نفوذ سکولارها» و «مال اندوزها» باز کردند، بخصوص زمان آقای سید محمد خاتمی را نشانه می‌رود: **«روند غرب‌باوری و غرب‌زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه‌ی مجموعه‌های دولتی نفوذ میکرد، متوقف کردید؛ این چیز مهمی است. ... این دیده میشد؛ خب، جلوی‌ش گرفته شد. گرایش‌های سکولاریستی - که متأسفانه باز داشت در بدنه‌ی مجموعه‌ی مدیران کشور نفوذ می‌کرد - جلوی‌ش گرفته شد.»** کسانی که به هر دلیل با استفاده از این سخنان مایل بودند و هستند تا مخالفین سیاسی خود را، حتی در جبهه‌ی به اصطلاح اصول‌گرایی طرد کنند، فرصت مناسبی پیدا کرده بودند. به موقع خود، در بحث از مصطلحات خاصی که برای تراشیدن تابوی موهوم براندازان داخلی بکار رفته است، از قبیل جنگ نرم، انقلاب مخملی و ... در اینباره توضیح بیشتری داده خواهد شد. هرچند دار و دسته آقای احمدی‌نژاد از مدتها پیش همه کارهای بیست و پنج سال گذشته را زیر سؤال برده و مدیران و رؤسای پیشین کشور را به هر گناه واهی متهم کرده بودند، اما پس از این سخنرانی با صراحت بیشتری این توپخانه را به راه انداختند، زیرا قبح قضیه کاملاً ریخته بود. برای نشان دادن لیاقت خودشان، به جای عرضه کارهای مثبت نداشته‌شان، به پیشینیان ایرادهای درست و نادرستی را نسبت می‌دادند. این کار تا بدانجائی کشانده شد که در

برابر چشمان مبهوت این ملت، آقای احمدی‌نژاد در مناظره‌ها همه بیست و پنج سال پیش از خودش را بجز دوره بنی صدر بیرون از دایره انقلاب و اسلام توصیف کرد!! دورانی که خودش در مقام فرماندار شهر خوی یا استانداری اردبیل یا معاونت وزارت علوم یا شهرداری تهران کار کرده بود و مورد انتقاد هم بود.

به هر حال آبان ماه ۱۳۸۷ با تحولی در وزارت کشور خبرهای داغی درباره انتخابات داشت، که می‌رفت تا سرنوشت تهیه مقدمات انتخابات را تحت تأثیر قرار دهد. بدنبال برکناری آقای کردان به علت قلبی بودن مدرک دکترای ایشان که سالها به استناد این مدرک از تلویزیون و دولت حقوق متناسب با آن را دریافت کرده است و هیچ عدالت خواه حکومتی معتقد به حلال و حرام، پس از این عزل سخنی از این دریافت‌ها به میان نیاورد، آقای احمدی‌نژاد یار دیرین خود را که در ابتدای دولت نهم نتوانسته بود به وزارت نفت بفرستد، برای تصدی کرسی مهم وزارت کشور به مجلس معرفی نمود. آقای صادق محصولی، که به تصریح سخنان نمایندگان اصولگرا در مجلس با برخورداری از امتیاز انحصاری سوآپ نفتی توانسته بود به ثروتی بیش از ۱۴۰ میلیارد تومان برسد، در دور نهم انتخابات ریاست جمهوری ریاست ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد را به عهده داشت و در تأمین هزینه‌های تبلیغاتی او سنگ تمام گذاشته بود. آقای احمدی‌نژاد به هر حال نمک‌گیر آن دوست قدیمی بود و واضح بود که پس از این نیز بیش از پیش از محبت‌های وی برخوردار می‌گشت. از آنجا که حوادث رأی اعتماد به

آقای محصولی و چگونگی وزیر کشور شدن ایشان که نقش مهمی در انتخابات پر مسأله اخیر ایفا کرده است، بسیار مشابه وقایع کل تاریخ انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری و رئیس جمهور شدن دوباره آقای احمدی نژاد است، برای عبرت تاریخی اندکی بیش از یک اشاره موجز در اینجا بدان پرداخته می شود.

ماجرای جنجالی انتصاب آقای محصولی به وزارت کشور

مهمترین مخالفان آقای محصولی در اردوگاه اصولگرایان مجلس بودند و سخنانی گفتند که به هیچ وجه با گفته‌های رهبری در شهریورماه و آبانماه سازگاری نداشت. فراقسیون اصولگرایان مجلس پیش از برگزاری جلسه رأی اعتماد در صحن علنی به آقای محصولی رأی منفی داده بود. در ۸۷/۸/۲۹ نیز به هنگام طرح در صحن علنی سخنانی این دسته مسأله انتخابات آتی ریاست جمهوری را موضوع روز کرده بود. به عنوان نمونه در اینجا به سخنان آقای حشمت الله فلاحت پیشه اشاره می شود:

"به گزارش خبرنگار امور مجلس خبرگزاری فارس، حشمت الله فلاحت پیشه نماینده اسلام آباد غرب در مجلس شورای اسلامی به عنوان دومین مخالف محصولی وزیر پیشنهادی کشور ... گفت: امروز بحث من وظیفه مجلس است که باید وزرا را طبق صلاحیت شان انتخاب کنند چرا که وزارت کشور وزیرالوزاء است و به خاطر اهمیتی که در جنبه‌های سیاسی، امنیتی و انتظامی کشور دارد بسیار مهم است و از نمایندگان می خواهم نظرات

مخالفین و موافقین را بشنوند و بعد رای بدهند. وی ... اظهار داشت: خطرناک بودن ثروت و قدرت در همه اندیشه‌ها و تفکرات از جمله تأکیدات مکرر نظام جمهوری اسلامی وجود دارد و محصولی در سخنانی که در فراکسیون اصولگرا داشت گفت که رسانه‌های منافقین گفته‌اند که وزیر میلیاردری که ما را در سال‌های جنگ کشته است، ... اما چرا رسانه‌های بیگانه در مورد دیگران چیزی نمی‌گویند و فقط یک عنوان میلیاردر بودن که در جامعه عیبی نیست، اما برای وزارت کشور عیب محسوب می‌شود، باعث شده است بهانه‌ای برای منافقین شده تا این مسائل را مطرح کنند. فلاح‌پیشه به بحث فروش نفت توسط محصولی اشاره کرد و افزود: یک مورد را نام ببرید که غیر از خودتان اشخاصی توانسته باشند امتیاز سوآپ نفت را کسب کرده باشند؛ چرا که طبق قانون غیر از وزارت نفت کسب این امتیاز برای دیگران ممنوع است.

وی با اشاره به حضور محصولی در فراکسیون اکثریت گفت: در فراکسیون اکثریت مطالبی در خصوص اهدای زمین از طرف شما به ... و دیگران مطرح شد و شما به این ابهامات پاسخ ندادید و به همین خاطر به شما رای اعتماد ندادند. نماینده اسلام‌آباد غرب به جلسه رای اعتماد سه سال پیش محصولی به عنوان وزیر پیشنهادی نفت اشاره کرد و افزود: سه سال پیش مجلس هفتم به خاطر دغدغه‌هایی که داشت اجازه نداد شما وزیر شوید و این مجلس هم مانند مجلس هفتم اصولگرا است. فلاح‌پیشه ... به موضوع **انتخابات** اشاره کرد و افزود: در انتخابات شوراها بنده و ۴ نفر از اعضای

مجلس هفتم عضو شورای نظارت بر انتخابات شوراهای سوم را بر عهده داشتیم و به خاطر اختلافی که بر سر **رایانه‌ای** برگزار کردن انتخابات بین ما و وزارت کشور مطرح شد، عده‌ای تا ماه‌ها نتیجه این انتخابات را زیر سوال بردند لذا ما امروز می‌خواهیم ابهام‌زدایی کنیم. نماینده اسلام‌آباد غرب در ادامه اظهار داشت: شما در زمان انتخابات ریاست جمهوری ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد را راه‌اندازی کردید و **ستادهای انتخابات مجلس هشتم** را نیز بر عهده داشتید و امروز در وزارت کشور پیش از اینکه وزیر به آنجا برود ستادهای انتخاباتی تشکیل شده است و معنای این انتخاب، یک هدف انتخاباتی است و اگر آقای احمدی‌نژاد در انتخابات آینده رای سالم و پاکی را آوردند آیا مردم نمی‌گویند که محصولی احمدی‌نژاد را رئیس‌جمهور کرد؟ ... در سوابق شما بیشتر توانایی‌های عمرانی و اقتصادی را می‌بینیم و امروز امنیت و انتظام و همچنین شوراهای تامین برای انتخابات زیر نظر شما است. نماینده اسلام‌آباد غرب با اشاره به اینکه در صحن مجلس برخی مطرح می‌کنند که شرایط کشور شرایط ویژه‌ای است، تصریح کرد: ما ۳۰ سال است که کشورمان در شرایط ویژه قرار دارد و در جنگ تحمیلی ما با ۳۶ کشور در حال جنگ بودیم و امروز هم دنیا بر علیه ما است، اما بر این شرایط ویژه غلبه کرده‌ایم و اگر از همین ویژه بودن بترسیم برای ما خطرناک است، لذا بهترین تصمیم، گرفتن تصمیم عاقلانه در شرایط ویژه است. فلاح‌پیشه همچنین به تعامل دولت و مجلس اشاره کرد و افزود: از رئیس‌جمهور به خاطر ابهام‌زدایی که

در خصوص تعامل دولت با مجلس داشته‌اند تشکر می‌کنم اما از شما گلایه داریم که چرا رئیس مجلس و نمایندگان پس از رسانه‌ها متوجه شدند که محصولی وزیر پیشنهادی کشور است و شما در انتهای دوران ریاست جمهوری خود قرار دارید و شاید بخواهیم مصلحت‌گرا باشید ولی ما در ابتدای کار هستیم و باید اصولگرا باشیم. وی در پایان با اشاره به یادداشت یکی از مشاوران رئیس‌جمهور در خصوص جلسه استیضاح کردان گفت: اگر این شخص مشاور شما نبود هیچ فردی وبلاگ ایشان را هم نگاه نمی‌کرد و ایشان به جای عذرخواهی در وبلاگ خود می‌نویسند من نظر شخصی خود را گفتم اما بدانید شما اگر کاره‌ای نبودید هیچ کس به سایت شما سر نمی‌زد.^۵

این نماینده اصولگرا یا دیگرانی که از او هم تندتر سخن گفته‌اند، چه چیزی از دولت مردمی و پایبند به گفتمان امام و انقلاب جز تعارفات معمول ارائه کردند؟ این مطالب تا آخر انتخابات از سوی موافق و مخالف احمدی‌نژاد مطرح شده و مخالفینش به وابستگی به بیگانه متهم شده‌اند. ملاحظه کنید که اساس بحث رویکرد به تقلب در انتخابات از همین انتصاب محصولی شروع می‌شود. در ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، در مدخل «صادق محصولی» به نقل از آقای روح‌الله حسینیان از هواداران دو آتشه آقای احمدی‌نژاد و از حامیان محصولی در مجلس هشتم شورای اسلامی در پاسخ به سوال مبنی بر احتمال استفاده از پول محصولی به نفع تبلیغات انتخاباتی احمدی‌نژاد نقل

⁵ خبرگزاری فارس، ۸/۸/۲۸ شماره خبر ۸۷۰۸۲۸۰۳۶۱

شده که در پاسخ گفته است: «اصولگرایان باید یک نفر پولدار داشته باشند تا از آنها حمایت کند تا بتوانند رای بیاورند.»⁶

جالب آنکه بدنبال این قبیل مطالب ابرازی از سوی اصولگرایان و وفاداران به خط رهبری که «سکولار» نیستند و به «گفتمان امام و انقلاب» وفا دارند، از لولوی سی سائله «شرایط ویژه» به تنگ آمده‌اند، سخنان رهبری را در همین آبانماه در مورد اهمیت ندادن به بحث انتخابات و بدگویی‌هایی مانند «احتمال تقلب» نادیده گرفته‌اند، سایت بیگانه و با سابقه «دشمنی» بسیار برای ایران، یعنی دویچه وله بلافاصله تحت عنوان «سرنوشت انتخابات آینده ریاست جمهوری در دستان فرمانده سابق سپاه» نوشت:

"وزیر کشور لب مرز بود" این اولین جمله‌ی ریاست مجلس به خبرنگاران بعد از پایان جلسه‌ی رأی اعتماد صادق محصولی بود. از ۲۷۵ نماینده‌ی حاضر در مجلس، ۱۳۸ نفر، یعنی **تنها یک نفر** بیشتر از نصف نمایندگان، به وزیر پیشنهادی احمدی‌نژاد رأی مثبت دادند. ...

صادق محصولی یکبار نیز در مجلس هفتم از سوی احمدی‌نژاد به عنوان وزیر پیشنهادی نفت معرفی شده بود. در آن زمان جنجال زیادی بر سر ثروت میلیاردی وی در مجلس در گرفت تا بدانجا که وی یک روز قبل از حضور در مجلس برای گرفتن رأی اعتماد، از احراز پست وزرات نفت انصراف داد. روزنامه‌ی کیهان نیز در آن زمان حملات تندی علیه محصولی کرد و حتی وی را به فساد مالی متهم نمود. اما این بار، یعنی زمانی که تنها

6 به نقل از وبگاه کاگزاران

شش ماه به برگزاری دور دهم انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده، مجلس هشتم و نیز روزنامه‌ی کیهان از طرح این مسایل در زمان گرفتن رأی اعتماد وزیر کشور خودداری کردند.

فاطمه امیرانی، همسر حمید باکری، بعد از شنیدن خبر پیشنهاد پست وزارت کشور برای صادق محصولی، طی نامه‌ای به نمایندگان مجلس ... نوشته‌است: «افرادی همچون محصولی، فتاح و احمدی‌نژاد در سالهای ابتدایی انقلاب، هم‌زمان فرماندار شهرهای استان آذربایجان بودند که تاب تحمل پذیرش افرادی غیر از خودشان را نداشتند». وی همچنین سندی را ضمیمه‌ی نامه‌ی خود کرد که حاوی نامه‌ی صادق محصولی بود. وی در این نامه مدعی شده بود که «شهید مهدی باکری فرمانده لشکر عاشورا نیست». همچنین به گفته‌ی خانم امیرانی، چون جنازه‌ی این دو برادر هیچگاه پیدا نشد، محصولی اعلام کرده بود که اینها شهید نشده‌اند.

اما شروع ثروت‌اندوزی صادق محصولی از پایان جنگ ایران و عراق و از زمانی آغاز شد که محمود احمدی‌نژاد در دهه‌ی هفتاد استاندار اردبیل شد. محصولی در همان زمان در یک مزایده برنده‌ی قرارداد نفتی نخجوان شد و ثروتش تا بدانجا رسید که امروز به گفته‌ی خود وی «بالغ بر ۱۶۰ میلیارد تومان» است.

در سال ۱۳۷۸ صادق محصولی باغی به وسعت ده هزار متر را در نیاوران تهران خریداری کرد. حدود هفت هزار متر از این باغ می‌بایست به علت تغییر کاربری از زمین زراعی به زمین مسکونی، به شهرداری تعلق

می‌گرفت، اما محصولی متهم است که با شهرداری منطقه تبانی کرده و کل زمین را مالک شده و در آن به برج‌سازی پرداخته است. این رویداد هم‌زمان با ریاست محمود احمدی‌نژاد بر شهرداری تهران روی داده است.

بعد از ریاست جمهوری احمدی‌نژاد نیز، صادق محصولی وامی بالغ بر ۴۰۰ میلیارد تومان از دولت گرفته و نام او نیز در لیست ۲۰۰ نفره‌ی وزیر اقتصاد از وام‌گیرندگان کلان دولت قرار دارد.

اینها موضوعاتی بودند که انتظار می‌رفت در جلسه‌ی رأی اعتماد محصولی از نمایندگان مجلس مورد بحث قرار گیرد، اما چنین نشد. ... صادق محصولی یک بار در زمان پیشنهاد وی برای پست وزرات نفت در پاسخ به چگونگی انباشت ثروت ۱۶۰ میلیاردی‌اش ظرف ده سال، این ثروت را «متعلق به امام زمان» دانسته و گفته بود: «این امانتی است که پس از ظهور حضرت در اختیار ایشان قرار می‌گیرد». وی همچنین مدعی شده بود که ثروتش از «راه حلال» کسب شده است. اگر صادق محصولی به واقع ۱۶۰ میلیارد تومان را در عرض ده سال به دست آورده باشد، بدان معناست که وی در عرض این ده سال، ماهیانه بیش از یک میلیارد تومان درآمد داشته است.

با کسب پست وزارت کشور توسط صادق محصولی، وی اکنون بالاترین مقام اجرایی و نیز نظارتی در انتخابات دهمین دور ریاست جمهوری در خرداد ماه آینده است."

ملاحظه کنید که این رادیو و سایت آن، همان سخنانی را گفته است که دوستداران راه ولایت در داخل می‌گفتند. آیا به خاطر اینکه بیگانگان سخنان نماینده یا سیاستمداری را منعکس خواهند کرد، نباید انتقادی مطرح شود؟ این حساسیت مبنای امنیتی کردن فضای سیاسی کشور است.

اخیراً در جریان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری، سیاستمداران حکومتی جمهوری اسلامی مسأله تازهای را پیش کشیدند، اگر بیگانه‌ای آنچه را که بیند بنویسد، حتماً خودش خط اجرای آن را به عواملش در داخل کشور داده است، این فشرده ترین مطلبی است که می‌تواند ادعایمانه هفتاد من کاغذ دادستان دادگاه‌های فرمایشی اسرای انتخاباتی را بیان کند. بیگانه اطلاعات سری خودش را در سایت و روزنامه بیان نمی‌کند، آنها همین سخنان و رفتار و کردار دولت و حاکمیت را بر اساس مبانی نظام تحلیل کرده و از آن انتقاد می‌کنند.

چرا ایشان توانست در این فضای سنگین مجلس که بخصوص بتازگی از طرفداری‌های نامربوط آقای احمدی‌نژاد از کردان و نوشته‌های توهین آمیز آقای جوانفکر مشاور رئیس جمهور در سایت شخصی‌اش نسبت به مجلس دلزده بود، رأی اعتماد بگیرد؟! گفته می‌شود اینبار بیش از گذشته آقای محصولی در فراکسیون‌های مختلف وقت گذاشت تا نمایندگان را قانع کند. اما به هر حال آقای احمدی‌نژاد و وزیر کشورش نتوانستند از خوردن بر چسب اتهام زمینه چینی برای تقلب انتخاباتی در امان بمانند. همانطور که ملاحظه می‌کنید، جناح ولایت پذیر و ولایتمدار سیاست در ایران این همه

گزرک دست بیگانه دادند و کسی خم به ابرو نیاورد. هنوز از انتقادات آن خط داخلی خبری نیست و آنها تازه پس از بزرگترها وارد معرکه می‌شوند. از آنجا که ماجرای نه چندان آبرومندانه رأی‌گیری برای وزارت محصولی در مجلس با شائبه تقلب همراه شد و از سوی برخی هم عنوان گردید، مرور بخش کوتاهی از این ماجرا برای بحث حاضر مفید به نظر می‌رسد.

"در حالی که علی لاریجانی رئیس مجلس اعلام کرد ۲۷۵ کارت به منظور دادن رای اعتماد به صادق محصولی در بین نمایندگان توزیع شده است، اما هنگام قرائت آن گفت: «۲۷۳ نماینده رای داده اند که ۱۳۸ کارت سفید (موافق)، ۱۲ کارت کبود (ممتنع)، و ۲۰ کارت زرد (مخالف) وجود دارد. پس صادق محصولی توانسته است رای اعتماد مجلس را برای مسند وزارت کشور کسب کند.» زمانی که رئیس مجلس اعلام کرد ۲۷۵ کارت بین نمایندگان توزیع شده است به وی اشاره کردند که ۲۷۳ نفر است و سپس وی رای نمایندگان مجلس را بر مبنای ۲۷۳ نفر قرائت کرد. در حالی که مجموع کارت‌های سفید و کبود و زرد نمایندگان ۲۷۰ رای داده شده را نشان می‌داد."^۷

ملاحظه می‌کنید که هیچک از اعداد قابل استناد نیستند و در جلسه آن روز مجلس شورای اسلامی وضعیت مغشوشی حاکم بوده است. مراد از نیم رأی اضافی در این بحث‌ها آن است که بموجب قانون اساسی باید وزیر از موافقت نصف بعلاوه یک برخوردار باشد، اما اگر عدد کل فرد بود، نصف

7 سایت روزنامه سرمایه: شماره ۸۸۵ چهارشنبه ۸۷/۸/۲۹

آدمها مانند این مورد برابر ۱۳۷/۵ می شود، پس اگر کسی که ۱۳۸ رأی آورده است قبول گردد در این صورت با نیم رأی قبول شده است. اما از سوی دیگر، نصف آدم معنا ندارد، اصولاً بموجب قوانین حساب، ۱۳۷/۵ را باید معادل ۱۳۸ محسوب کنیم که در این صورت اگر آقای محصولی ۱۳۸ موافق داشته باشد، واجد شرایط قبولی نخواهد بود. به هر حال، ظاهراً نمایندگان موافق با ازدحام در محل شمارش گلدان رأی موجب این اغتشاش شده‌اند، البته برخی هم خود داور یا شمارنده یعنی آقای باهنر را که موافق رأی آوردن محصولی بوده مقصر می‌دانند. گزارش روزنامه اعتماد از این صحنه را بخوانید:

"... در حالی که از ۲۷۵ نماینده رای دهنده، ۱۳۸ نفر به جام محصولی برگ سفید موافق ریختند، علی لاریجانی رئیس مجلس هشتم نپذیرفت که «اکثریت» آرا به معنی «نصف» به علاوه «یک» از مجموع آرای ماخوذه است و با اعلام اینکه به نظر وی «اکثریت» مجلس به محصولی رای دادند، وزیر شدن محصولی را اعلام رسمی کرد. البته نزدیک به ۲۰ نماینده با مشکوک خواندن آرای محصولی خواستار بازشماری آرا شدند چرا که معترض بودند در قانون اساسی رای اکثریت به معنی «نصف به علاوه یک» رای است که بر این اساس محصولی باید ۱۳۹ رای کسب کند. «یک رای سرنوشت ساز» آنچنان سایه‌یی بر انتخاب پرحاشیه محصولی انداخت که علی لاریجانی مجبور شد برای خواباندن غائله اعلام کند از نظر او نه تنها محصولی وزیر است بلکه حاضر نیست در پاسخ به درخواست معترضان

فیلم لحظات پرحاشیه رای گیری و شمارش آرا از طریق صدا و سیما پخش شود. اعتراض در حالی اوج گرفت که لاریجانی در سه ساعت اداره جلسه با دو اعتراض جدی دیگر مواجه شد؛ از یک سو محمدرضا باهنر برای شمارش آرا انتخاب شد تا اعتراض جمع وسیعی از نمایندگان را مبنی بر بی طرف نبودن «امین مجلس» برای شمردن آرا برانگیزد. از سوی دیروز دو مخالف از مخالفان صادق محصولی موافقان جدی او بودند و باز هم اعتراض از مجلس بلند شد که چرا لاریجانی بدون قرعه کشی به حامیان محصولی اجازه داده به اسم مخالف تریبون را در دست بگیرند و سبب شوند مخالفانی مانند علی مطهری و داریوش قنبری مجال نطق مخالفت نیابند. بدین ترتیب پس از حاشیه‌های کردان دیروز اصولگرایان مجلس با پاشنه آشیل قرار دادن موقعیت لاریجانی، وساطت باهنر در شمارش آرا، نطق موافقان به جای مخالفان، رای گیری محصولی را هم با صداها اما و اگر مواجه کردند با این تفاوت که این بار لاریجانی به عنوان رئیس مجلس اظهار داشت هیچ اعتراضی را نمی‌پذیرد چون «توهین به وی و دوستان هیات رئیسه» محسوب شده و محصولی، قانوناً رئیس وزارت کشور است. اما با این حال مخالفان محصولی گرچه در صحن علنی به دست تقدیر مجبور به اتخاذ سکوت اجباری شدند اما تا اواخر دیروز در گفت و گوهای پیاپی اعلام کردند کوتاه نمی‌آیند و محصولی را به عنوان وزیر کشور قبول ندارند و مصر هستند تا آنچه بر آن شبهه دارند، بررسی مجدد شده و رای وزارت باطل شود. بدین ترتیب در حالی که علی لاریجانی صحن مجلس را

ترک کرد و برخلاف وعده قبلی از جلوی تریبون مصاحبه با خبرنگاران گذشت و بیان کرد باید به کار مهمی پردازد، این خبر به سرعت در راهروهای مجلس پخش شد که لاریجانی به اتاق فرمان مجلس رفته تا فیلم‌ها را بازبینی کند. در این فاصله نمایندگان معترض با بیان اینکه مگر «۵/۰ نماینده داریم» که ۱۳۸ رای را معادل رای اکثریت گرفتند، خواستار بازشماری آرا از یک سو و همچنین تفسیر قانون اساسی مبنی بر رای اکثریت به معنای نصف به علاوه یک رای شدند. اما لاریجانی پس از دقایقی تأخیر پشت تریبون آمد و گفت؛ «به نظر من محصولی رای اکثریت را کسب کرده است.» از او سوال شد نظر شما مهم است یا نظر قانون و پاسخ داد که به نظر من اکثریت رای داده و قبول ندارم اکثریت مجلس به معنی نصف به علاوه یک رای است. حاشیه‌های شمارش آرای محصولی سبب شد دیگر بحثی در مورد ثروت محصولی و بی پاسخ ماندن سوالات نمایندگان در مورد این حواشی مطرح نشود. محصولی تنها چند دقیقه در نطق دفاعیه‌اش اعلام کرد ثروتش مشروع است چون نه تنها «یک دانه رانت و یک ریال وام دریافت نکرده که حتی از دولت هاشمی بیش از ۳۰۰ میلیون هم طلبکار است». از سویی لاریجانی در ابتدای جلسه علنی برخلاف رویه معمول برای انتخاب مخالفان وزیر پیشنهادی حاضر نشد قرعه کشی کند. بدین ترتیب به قول نمایندگان در یک اقدام «بی نظیر» نمایندگانی که تا دقیقه ۹۰ در موافقت با محصولی در رسانه‌ها مصاحبه کرده بودند، به عنوان مخالف پشت تریبون مجلس فراخوانده شدند گرچه این اقدام آنچنان

اعتراض را در مجلس برانگیخت که لاریجانی اذعان کرد اشتباه شده و «موافق» محصولی به اسم «مخالف» پشت تریبون رفته و تلویحاً موافق وی صحبت کرده است. در لحظه رای گیری هم این «محمدرضا باهنر» نایب رئیس دوم مجلس بود که اقدام به شمارش آرا کرد. انتخاب باهنر دومین موج اعتراض‌ها را بلند کرد. لاریجانی از نایب رئیس دفاع کرد که از او امین تر چه کسی است و هیچ شکی به شمارش آرای محصولی با محوریت محمدرضا باهنر نیست. علی مطهری، احمد توکلی، علیرضا زاکانی و الیاس نادران از اصولگرایان مخالف که به مصلحت سکوت کرده بودند نه تنها با این شبهات سکوت را شکستند بلکه اعتراض‌هایشان را به جایی رساندند که علی مطهری به صراحت اعلام کرد نباید باهنر آرا را شمارش کند چون ایشان «سابقه خوبی» در این زمینه ندارند. همچنین علیرضا زاکانی اعلام کرد که «بهتر است سکوت کند و لب به گفتن ناگفته‌ها نگشاید». احمد توکلی با خنده پاسخ داد وزارت وزیری که با تفاوت ۰/۵ رای وزیر شده مبارک اما روح الله حسینیان نماینده اصولگرای مدافع دولت از خبرنگاران پرسید مگر معنی دموکراسی را نمی‌دانند. آقا تهرانی معلم اخلاق دولت طرح شبهه‌دار بودن آرای محصولی وزیر شده را غیراخلاقی نامید و البته پاسخ نداد چرا مجلس در برابر فرمایشات امام خمینی مبنی بر اینکه در کنار هر کاخی، کوخی است، سکوت کرد. احمدی نژاد هم نه تنها از وزیرش دفاع کرد که ثروتمند بودن منافاتی با اسلام ندارد بلکه مجلسی‌ها را خطاب قرار داد به جای این میزان اتهام افکنی طرحی بیاورند یا دولت لایحه‌ای بیاورد تا

ثروت تمام مدیران نظام از فرماندار به بالا در تاریخ ۳۰ ساله پس از انقلاب بررسی شود تا یک بار برای همیشه به این حواشی پایان داده شود. وی حتی مجلسی‌ها را مورد عتاب قرار داد که چرا با دولت این گونه رفتار می‌کنند از یک طرف «از بالا تا پایین دولت را پشت تریبون مجلس شستند» و دولت نهم یک بار هم نگفت چرا. اما به مشاور او اعتراض می‌کنید که چرا در وبلاگ شخصی‌اش نظر شخصی داده است. دیروز تنها مخالفی که بحق در مقام مخالفت با محصولی سخن گفت، فلاحت پیشه بود. در حالی که احمدی‌نژاد در نطقش به صراحت گفت مخالفان محصولی **از بیرون مرزها** تحریک می‌شوند فلاحت پیشه پرسید این چه اتهامی است حال آنکه مخالفان تنها یک سوال دارند که چگونه توجیه کنند در رابطه قدرت - ثروت محصولی ثروتش را بدون هیچ شائبه‌ای به دست آورده است. نماینده اسلام‌آباد غرب پرسید یک نفر را احمدی‌نژاد اسم بیاورد که توانسته باشد امتیاز سوآپ بگیرد حال آنکه «ممنوع است». یک فرد این امتیاز را بگیرد و طبق قانون فقط وزارت نفت حق عقد چنین قراردادی را دارد. فلاحت پیشه پرسید اگر این امتیاز «رانت نیست» پس آن را چه بنامند و چگونه ممکن است محصولی حرف از درآمد ۵۰۰ میلیون تومانی در سال ۷۲ بزند و حتی ادعا کند ۳۶۵ میلیون تومان را در آن موقع به عنوان سود کارش در سرعین هزینه کرده است. حال آنکه چه کسی را سراغ داریم که در سال ۷۲ چنین ثروتی داشته باشد. محصولی هم در پاسخ گفت آمار را درست بگویند چون او سال ۷۶ تازه از سود کارش چشم‌پوشی کرده و آن را به دولت

وقت بخشیده، با این حال باز هم ۳۶۵ میلیون تومان از دولت کارگزاران طلبکار است چون این رقم هزینه کار او بوده است؛ «تازه این ۱۰ درصد سود پروژه بود. حتی به من پیشنهاد دادند ۲/۵ برابر این رقم سود را به تو می‌دهیم و چون کارت برای کشور مفید بوده دوباره آن را تکرار کن.» البته او نپذیرفته و تا الان هم طلبش را به نوعی به نظام بخشیده است. محصولی پرسید چطور به سابقه مدیریت او بعضی‌ها ایراد می‌گیرند حال آنکه او «۲۲ ساله» فرماندار ارومیه بوده است. البته فلاحی پیشه به کنایه خطاب به محصولی گفت که از موضوع زمین‌های سپاه می‌گذرد اما او همین سه سال که با این میزان ابهام و شبهه در کارنامه‌اش همراه دولت نهم بوده، سکوت کرده و پاسخ نداده، نه تنها لطف نکرده که به اصولگرایی ظلم هم کرده است. البته احمدی‌نژاد موضوع را از محصولی به سمت دعوای مجلس - دولت بر سر حاشیه‌هایی مانند راه ندادن نمایندگان به جلسه هیات دولت در مازندران کشاند اما فلاحی پیشه پرسید این چه حرفی است. آنها دغدغه اصولگرایی دارند چرا که اگر احمدی‌نژاد سال آینده رای صادقانه هم آورد، چه کسی است که نگوید «محصولی، احمدی‌نژاد را رئیس جمهور کرد.» جدا از اینکه محصولی عنوان کرد که هیچ حکمی به اسم او به عنوان رئیس ستاد انتخابات احمدی‌نژاد نخورده است اما فلاحی پیشه پس از جلسه علنی تصریح کرد نیاز به زدن حکم نیست چرا که حداقل اصولگرایان به خوبی واقف بودند که محصولی در دوره قبل چه نقش کلیدی در ستادهای احمدی‌نژاد داشته است. البته رئیس جمهور باز هم از دوستان اصولگرایش

گله‌مند شد که شرایط کشور خاص است و «ویژه» و نباید به دست دشمنان بهانه داد. البته فلاح‌پیشه باز هم پرسید مگر ۳۰ سال شرایط کشور ویژه نبود و دنیا علیه ایران نبوده اما در همین شرایط ویژه باید حواس اصولگرایان بیشتر جمع باشد و بهترین تصمیم، اتخاذ عاقلانه‌ترین تصمیم در شرایط ویژه است. احمدی‌نژاد باز هم این طور پاسخ داد؛ «حرف‌های جزئی نباید رابطه دولت - مجلس را خراب کند و اهل گلایه نیست و گرنه جای گلایه بسیار هست.» فلاح‌پیشه پرسید چه گلایه‌ای که نماینده‌ها و حتی لاریجانی هم از طریق رسانه‌ها فهمیدند محصولی وزیر است؛ توهین به نمایندگان در جلسه هیات دولت در مازندران و نپذیرفتن این واقعیت که اصولگرایان به او رای ندادند؛ «اما چرا شما توجه نکردید؟ شما وزیر خودتان را گرفتید تا شکاف بماند برای اصولگرایان.» اما احمدی‌نژاد پاسخ داد؛ «چهارپنجم جلسه‌های دولت را به نمایندگان اختصاص می‌دهد و دیگر جای این نوع گلایه‌ها نیست. حالا ممکن است اتفاقی جزئی در سفرهای استانی پیش بیاید اما نباید این میزان حاشیه‌سازی شود.» از طرفی احمدی‌نژاد پرسید؛ «چه عیبی دارد وزیر پولدار باشد. در رابطه ثروت - قدرت باید دید مدیری به واسطه حضورش در قدرت ثروتمند شده، یا برعکس.» اما ونایی و فاطمه آجرلو دو نماینده مخالفی بودند که در مقام مخالف هر دو به دفاع از محصولی پرداختند. نمایندگان چندین بار اعتراض کردند و لاریجانی هر بار تنها به تذکری به آجرلو بسنده کرد که در مقام مخالف صحبت کند. آجرلو هم پاسخ داد با محصولی رابطه خانوادگی دارد اما سوالاتی در مورد برنامه

کاری او دارد. احمد توکلی هم که تا آن لحظه سکوت کرده بود، سرانجام با شکست سکوت با لحن تنیدی معترض شد که آجرلو وقت مخالفان را هدر می‌دهد و به جای اینکه علت مخالفت را تشریح کند، مدام از محصولی سوال می‌کند. آجرلو نماینده‌ای است که همراه ونایی یک روز قبل از جلسه رای اعتماد در حمایت محصولی مصاحبه‌های متعددی با خبرگزاری‌ها انجام داده بودند. توکلی هم به استناد این مصاحبه‌ها خطاب به لاریجانی گفت؛ «این کار سوءاستفاده سیاسی است.» لاریجانی پذیرفت و باز هم به آجرلو تذکر داد اما بی‌فایده بود و آجرلو ۱۳ دقیقه در مقام مخالف صحبت کرد. دو دقیقه از وقت آخرین مخالف مانده بود و هیچ مخالف جدی به جز فلاحت پیشه مجال استفاده از تریبون را پیدا نکرده بود. نمایندگان به شدت معترض بودند و جو مجلس آنچنان متشنج شد که لاریجانی از آجرلو که تریبون مجلس را ترک کرده بود خواست همین «دو دقیقه طلایی» را به داریوش قنبری یا علی مطهری بدهد. دوربین‌های مجلس، فاطمه آجرلو را در حالی که در وسط مجلس دست راستش را مکرراً به سمت بالا می‌برد و فریاد می‌زد وقت باقی مانده را به کسی نمی‌دهد، نشان می‌داد. با این حال باز هم لاریجانی اصرار کرد اما آجرلو با این سماجت بر ندادن وقتش به یک مخالف نشان داد به جد در قامت یک مدافع، بهترین امتیاز را به جام محصولی ریخته است. البته لاریجانی از قنبری نماینده اقلیت خواست پشت تریبون برود اما قنبری نیمه راه با سد چند ده نفره اصولگرایان مواجه شد. این نمایندگان مانع رفتن قنبری به پشت تریبون شدند و درگیری لفظی

همراه با هل دادن در وسط صحن علنی، مجلس را آنچنان به هم ریخت که نمایندگان اقلیت هم مجبور شدند به میدان آمده و قنبری را آرام کنند. لاریجانی از مطهری خواست پشت تریبون بیاید و ناگفته‌های مخالفان را بگوید اما به دلایلی که معلوم نشد مطهری هم از صندلی‌اش برنخواست و به این ترتیب مخالفان بدون طرح مخالفت سرنوشت محصولی را به آرای سفید و کبودی سپردند که نیم ساعت بعد باید به گلدان‌ها ریخته می‌شد. محصولی هر چند مخالف جدی را پیش رو ندید تا مجبور شود در مورد ثروتش پاسخ دهد اما موافقان قدری از او حمایت کردند. اسماعیل کوثری از سرداران جنگ و حامیان احمدی‌نژاد که او را با رزمندگان بدر و احد مقایسه کرد و شهاب‌الدین صدر از دیگر اصولگرایان آنچنان نطق موافقی از تریبون مجلس قرائت کرد که محصولی او را در راهروهای مجلس پس از صحنه رای‌گیری بارها در برابر خبرنگاران و فلاش دوربین‌ها در آغوش گرفت و بوسید. بدین ترتیب محصولی رفت تا بر صندلی طبقه ۱۹ فاطمی تکیه کند."

سایت روزنامه سرمایه در ادامه خبری که در بالا نقل شد می‌نویسد:
"داریوش قنبری نماینده ایلام که یکی از مخالفان وزیر پیشنهادی کشور و از فراکسیون اقلیت مجلس است در حاشیه مجلس به «سرمایه» گفت: «در بحث شمارش آراء، پنج رای نبود. با توجه به حضور گسترده حامیان محصولی هنگام شمارش آراء، این رای‌گیری مشکوک است.» علی مطهری نماینده تهران پس از یک هفته سکوت به «سرمایه» گفت: «در رای مجلس

تشکیک و در شمارش آراء تخلف صورت گرفته است و آراء موافق ۱۳۵ بوده است.» همچنین وی در گفت و گو با ایلنا گفت: «به نظر من آقای باهنر نباید آراء را می شمردند. چون ایشان سابقه خوبی در این زمینه ندارند.» بهمن اخوان نماینده تفرش و آشتیان نیز در این خصوص گفت: «در شمارش آراء ابهام وجود دارد. بهتر بود رئیس جلسه از تمام گروه‌ها درخواست می کردند به صورت داوری شمارش آراء انجام شود. اینگونه شمارش کردن برای اکثریت نمایندگان مجلس و مردم ابهام دارد.» وی در ادامه افزود: «در گذشته از تمام گروه‌ها می آمدند و به صورت داوری این کار انجام می شد. ما در بحث شمارش ابهام داریم. الان اعتراض خودمان را به هیات رئیسه ارائه می دهیم تا بررسی روی این مساله صورت گیرد.» علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی پس از خاتمه رای گیری صادق محصولی در جمع خبرنگاران ... تصریح کرد: «رای اعتماد ایشان لب مرز بود، اما ایشان وزیر کشور هستند.» وی سپس در پاسخ به سوال خبرنگاری مبنی بر اینکه آقای باهنر کار شمارش آراء را انجام داده‌اند و ابهامی از نظر برخی نمایندگان در مورد ایشان وجود دارد گفت: «نه شبهه‌ای نیست. اینقدر جمعیت آنجا زیاد بود که تنفس من هم مشکل بود. ...» اما پس از اعلام دوباره رای اعتماد وزیر کشور، نمایندگان مخالف همچنان بر سر اعتراض خود بودند. چنانچه بهمن اخوان، تاکید کرد: «آقای محصولی با ۲، ۳ رای اختلاف، رای نمی آورد.»

لکن به این ترتیب در برابر چشمان ملت، با همه افشاگری‌ها، مدیر ستاد انتخاباتی آقای احمدی‌نژاد وزیر کشور و چرخاننده گردونه انتخابات گردید، در حالی که دوستان اصولگرای او در مجلس همراه با اقلیت، درست از همان نوع تقلبی در این رأی‌گیری سخن راندند که در مورد انتخابات ریاست جمهوری مطرح است. هم داوران زیر سؤالند و هم مجریان. جا دارد اگر این روایت وزیر شدن محصولی را دوباره بخوانید، خواهید دید در انتخابات ریاست جمهوری هیچ اتفاقی نیفتاده که در این رأی اعتماد پیش نیامده باشد. آنجا که رئیس به یک مخالف اجازه صحبت چند دقیقه‌ای مرحمت می‌کند، عده‌ای او را با کتک برمی‌گردانند، همانطور که عوامل سپاه و بسیاری نیروهای ناشناخته مسلح با رقبای آقای احمدی‌نژاد و هواداران بی‌گناه آنها کردند!!

شما خواننده گرامی به راحتی با مراجعه به حافظه خودتان این صحنه را با صحنه‌های انتخابات مقایسه کنید و ببینید همه این تقلب‌ها تکرار شده‌اند. از طریق موافق مخالف نما وقت مخالفان را هدر دادند، رأی مشکوکی گرفتند و در برابر معترضین شرایط «ویژه» کشور، دشمن خارجی و خط برانداز داخلی را جهت بخش این مخالفت‌ها خواندند. رئیس مجلس هم در قضیه آقای محصولی مشابه صحبت‌های شورای نگهبان را گفته است. چه تاریخ پر رمز و رازی که همه حرکات و سخنان تکرار می‌شوند. همه این صحبت‌های آقای احمدی‌نژاد درباره آقای محصولی و ثروتش را باید به خاطر سپرد تا در جریان خواندن گزارش مناظره‌ها بتوان با صحبت‌هایش در

همین مورد مقایسه نمود. ما این رفتار را جز دورویی چه باید بنامیم که در خط خارجی و در دنباله روی از آن دشمن سکولار داخلی نباشیم. حجت الاسلام ابراهیمی نماینده مردم بیرجند که تا چندی پیش به عنوان مدیر امور مساجد تهران از وی نامبرده می شد و اخیراً در جریان رأی اعتماد مجلس به دولت دهم با عنوان آیت الله ابراهیمی مدیر مساجد کشور مخاطب قرار گرفته است، در مصاحبه‌ای با ایلنا ضمن اظهار نظر دربارهٔ پاک بودن ثروت آقای محصولی می گوید: «نکات مثبتی در شخصیت و سوابق کاری محصولی دیده می شود، افزود: اصالت، تدین، ولایت مداری و حضور ایشان در جبهه‌های جنگ از جمله موارد مثبتی بود که مورد توجه نمایندگان قرار گرفته بود به ویژه آنکه ایشان یکی از عناصر انقلابی و خط امام و رهبری هستند»^۸.

آقای احمدی نژاد که از آقای محصولی و دولتش به عنوان دولت «پاکدست» یاد می کند، در مناظره با آقای موسوی در مورد ثروت آقای محصولی با بی خیالی تمام ادعا کرد که این هم از عوارض دولت رفسنجانی است!!

چه باید کرد اگر رئیس دولت در تعقیب خط همان سخنرانی شهریور رهبری انقلاب، نمایندهٔ اصولگرا و غیر اصولگرا را به هنگام مخالفت با وزیر یا برنامه‌ای که مطابق قانون اساسی حق و وظیفهٔ اوست، خط گرفته از خارجی بنامد، یا یک منتقد دلسوز را کسی بداند که شرایط «ویژه» را نادیده

۸ نقل از تابناک، کد خبر ۲۵۱۶۷ مورخ ۸۷/۸/۲۳

گرفته است، سخنان خط برانداز ولایت فقیه در داخل را تکرار می کند. هر کس هر چه می گوید، بلافاصله ایشان می گوید سر تا پای دولت مرا شستید و هر چه خواستید گفتید، آنها چه بگویند که چنین نشوند. تازه برخی از این عده مانند آقای ابراهیمی و لیستی که ایشان خبر دارند، تحت عنوان کمک به مساجد روستاها پول هایی را بدفعات دریافت کرده اند و اکنون نمک ناشناسی می کنند. اسناد این ادعا را همگان دیده اند و در جای خود ارائه می کنیم.

سایت کارگزاران در مصاحبه با افراد شاخص اصولگرای مجلس و حامیان دو آتشۀ احمدی نژاد علت رأی اعتماد مجلس به محصولی را باز می کند:

"به گزارش خبرنگار پارلمانی کارگزاران، گرچه در دولت های گذشته عرف بوده که روسای جمهوری همواره معرفی نامه وزرای پیشنهادی خود را توسط معاون پارلمانی خود تقدیم رئیس مجلس می کردند، اما محمود احمدی نژاد گویا ترجیح داده نامه معرفی صادق محصولی را برای رئیس مجلس فکس کند. حمیدرضا حاجی بابایی روز گذشته با اعلام اینکه «معرفی نامه آقای محصولی روز شنبه برای ما فکس شده»، گفت: «در دست نداشتن زندگینامه و اصل معرفی نامه محصولی باعث شد که هیات رئیسه نامه معرفی محصولی را اعلام وصول نکند. به گفته این عضو هیات رئیسه مجلس، هر زمان که زندگینامه و اصل معرفی نامه محصولی به هیات رئیسه برسد، در همان روز نامه معرفی وی به عنوان وزیر پیشنهادی اعلام وصول خواهد شد. با این حال نمایندگان مجلس منتظر اعلام وصول معرفی نامه محصولی نماندند و بررسی ها درباره گزینه احمدی نژاد برای وزارت کشور آغاز شد.

بنابر اظهارات نمایندگان، هیچ یک از مجلسیان از جمله علی لاریجانی، محمدرضا باهنر و سایر چهره‌های شاخص پارلمان در جریان معرفی محصولی به‌عنوان گزینه وزارت کشور نبوده‌اند و احمدی‌نژاد بدون رایزنی با مجلس گزینه خود را معرفی کرده است. با وجود این برخی از نمایندگان طیف حامی دولت در مجلس از جمله حمید رسایی نماینده تهران که پیش از این خود را در صحن علنی «وکیل‌الدوله» معرفی کرده بود رایزنی گسترده‌ای را برای موافقت نمایندگان با رای اعتماد به محصولی آغاز کرد. در این میان، انتقادات شدید نمایندگان مجلس هفتم به صادق محصولی به هنگام معرفی او از سوی احمدی‌نژاد برای تصدی وزارت نفت برخی از نمایندگان مجلس هشتم را نسبت به معرفی محصولی حساس کرده است. برخی از نمایندگان روز گذشته از پیگیری علت مخالفت مجلس قبلی با تصدی محصولی بر وزارت نفت و پیگیری پرونده او در کمیسیون اصل نود خبر دادند. با این حال، از فضای حاکم بر پارلمان می‌شد نتیجه گرفت پس از انتقادات شدید مقام معظم رهبری درباره برخی «بی‌بند و باری‌ها در حرف زدن علیه دولت» و برکناری علی کردان به‌رغم مخالفت محمود احمدی‌نژاد نمایندگان قصد تقابل جدی با گزینه پیشنهادی او برای وزارت کشور را ندارند. این موضوع موجب شده تا به گفته یکی از نمایندگان به‌رغم مخالفت طیف احمد توکلی با صادق محصولی این جریان تصمیم به سکوت در بررسی رای اعتماد به وزیر کشور بگیرند. در این میان، روح‌الله حسینیان نماینده تهران که از مخالفان جدی علی کردان و پیگیر استیضاح و برکناری او بود، با حمایت قاطع از صادق محصولی عنوان کرد: «به احتمال قوی محصولی برای وزارت کشور رای می‌آورد.» فضای حاکم بر مجلس به گونه‌ای است که حتی

برخی از اصولگرایان تلاش کردند ابهامات درباره ثروت شخصی و پرونده قضایی محصولی در کمیسیون اصل نود را به نقاط قوت او تعبیر کنند. در همین رابطه، روح‌الله حسینیان در مورد وضعیت مالی بسیار خوب محصولی به خبرنگاران گفت: «اجازه دهید که یک وزیر پولدار هم در کشور باشد.» حسینیان تعارض میان شعارهای احمدی‌نژاد مبنی بر ساده‌زیستی و تعبیر خبرنگاران «نان و پنیر خوردن رئیس دولت نهم» با معرفی صادق محصولی متمول را اینگونه توجیه کرد: «ساده‌زیستی با پولداری مغایرت ندارد ممکن است فردی پولدار باشد اما در عین حال ساده‌زیست هم باشد و از پولش در مسیر انقلاب و اسلام و مردم استفاده کند.»

خبرنگار پارلمانی کارگزاران از حسینیان پرسید: «از این پول به نفع احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری هم استفاده می‌شود؟ که او پاسخ داد: «اصولگرایان باید یک نفر پولدار داشته باشند تا از آنها حمایت کند تا بتوانند رای بیاورند.» حمید رسایی نیز در خصوص انتقادات نمایندگان مجلس هفتم به صادق محصولی و ابهامات درباره وضعیت مالی محصولی گفت که «نمایندگان مجلس درباره حضور ایشان در وزارت نفت حرف داشتند اما برای وزارت کشور مشکلی ندارند.» رسایی همچنین معتقد است بعد از استیضاح کردن و سخنان رهبری که به نوعی عتاب‌آلود بود، برداشت مجلس این است که در رای به صادق محصولی همراهی و تعامل نشان دهد. روز گذشته حامیان دولت در مجلس در حالی از صادق محصولی حمایت کردند که مخالفان جدی او در مجلس هفتم همچون الیاس نادران، احمد توکلی، غلامرضا مصباحی مقدم و... ترجیح دادند در جمع خبرنگاران حاضر نشوند.

محصولی از دوستان نزدیک محمود احمدی‌نژاد بوده است. در انتخابات ریاست‌جمهوری محصولی یکی از مسوولان ارشد ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد بود که به گفته برخی از نمایندگان ساپورت مالی و تبلیغات احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری با او بوده است. چندی پیش سایت الف که مسوولیت اداره آن با احمد توکلی از چهره‌های شاخص اصولگرای مجلس است، در خبری اعلام کرد محصولی رئیس ستاد انتخابات احمدی‌نژاد برای انتخابات آینده شده و از هم‌اکنون ستاد تبلیغاتی را راه‌اندازی کرده است. این خبر البته از سوی مشاور احمدی‌نژاد تکذیب شد.

اشاره آقای رسایی به سخنان عتاب آلود رهبری به گفتار ایشان در دیدار با کارگزاران حج بتاريخ ۸۷/۸/۱۵ بر می‌گردد، درست همان روزهایی که نام آقای محصولی به عنوان وزیر کشور مطرح شده بود:

"در گوشه و کنار افرادی، جریان‌هایی، مجموعه‌هایی به اسم‌های مختلفِ نخبگان سیاسی و غیر این‌ها، فضای جامعه را مشوش می‌کنند، فضای جامعه را از صفا و صداقت تهی می‌کنند، مردم را دچار اغتشاش ذهنی، دچار تردید می‌کنند. ... این دستاوردها که مفت به دست نمی‌آید. ... تا ما بیائیم به خاطر دشمنی با زید و عمرو و این دولت و آن دولت و مسئولین اجرائی یا مسئولین کذا و کذا، اصل نظام را زیر سؤال ببریم؛ سیاه‌نمایی کنیم! کاری که متأسفانه بعضی از نخبگان سیاسی می‌کنند. فضای تبلیغاتی کشور، فضای مطبوعاتی کشور، فضای تبلیغات سیاسی کشور به هیچ وجه فضای خرسندکننده‌ای نیست. ... وقتی رحمت الهی برای ما پیش خواهد آمد که مواظب و مراقب خودمان باشیم؛ مراقب حرف زدندان، مراقب اقدام کردندان،

مراقب تبلیغاتمان. این فضای بی بند و باری در حرف زدن، در اظهارات علیه دولت، علیه کی به خاطر اغراض، اینها چیزهایی نیست که خدای متعال از اینها به آسانی بگذرد.^۹

وجود فردی از جنس کردان یا محصولی در وزارت کشور برای آقای احمدی نژاد و جریان فکری حامی وی بسیار مهم بود. به همین دلیل تا می توانست کوشیدند از رفتن کردان جلوگیری کرده و موضوع مدرک قلابی ایشان را بی اهمیت جلوه دهد، او می گفت این مدرک ها کاغذ پاره ای بیش نیستند. در واقع آقای کردان تدارکات لازم را به نحوی که مطلوب احمدی نژاد باشد، در وزارت کشور چیده بود. بعدها هم فاش شد که او پس از عزل در کنار دولت، یعنی آقای محصولی باقی ماند تا مسیر مطلوبشان بدرستی طی شود. اما چرا آقای لاریجانی و آقای باهنر این رفتار پیش بینی نشده را داشتند؟ آیا با توجه به شرایط «حساس» کشور از آنها خواسته شده بود که کاری کنند آقای محصولی رأی بیاورد و دولت در آستانه انتخابات بدون وزیر کشور نباشد؟ این بدان معناست که پشت پرده هدایت امور و مسلماً خود آقای احمدی نژاد هم یا کردان یا محصولی را می خواستند و راضی نبودند که کس دیگری را به این سمت بگمارند.

یک پرسش مقدر درباره ابطال انتخابات و پاسخ آن

در اینجا و پیش از ادامه بحث مقدمات عمومی انتخابات و عملکرد دولت و رئیس جمهور در این رابطه، لازم است به یک پرسش مقدر پاسخ روشنی

^۹ نقل از سایت حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

داده شود. بر فرض اگر آقای فلاح پيشه نامزد رياست جمهورى مى شد و مانند آفایان كروبی، موسوى و رضائى در برابر يك تقلب آشكار و گسترده قرار مى گرفت و ادعاى **بطلان** انتخابات را مطرح مى نمود، آیا جا داشت كه به ایشان گفته شود: شما كه مدعى قانونمدارى هستى يا بايد نتيجه را پذيرى و يا از پيش مى بايست با علم و اطلاع از اينكه تقلب خواهد شد در انتخابات شركت نمى كردى؟ بخصوص با اين مطالبى كه درباره احتمال تقلب در مجلس گفته است، بويژه به موضوع مهمى اشاره كرده مبنى بر اينكه: هنوز ایشان وزير نشده در وزارت كشور ستاد انتخابات تشكيل داده است. به عبارت ديگر آیا درست است كه كسى احتمال تقلب را بسيار بالا بيند و از اين رو پيشاپيش با طرح اين احتمال از نامزدى منصرف شود؟ پرسش را به نوع ديگرى هم مطرح مى كنيم: فرض كنيد نامزدى پس از اعلام صلاحيتش از سوى شوراي نگهبان متوجه شود كه از فضاي انتخابات كشور به خاطر حضور رئيس جمهور فعلى بوى تقلب به مشام مى رسد، براى اين ظن قرائن قرائن صارفه و يا دلايل محكمى هم بدست آورد، در اين فرض، کدام كار درست است، ادامه مبارزه و افزودن بر هوشيارى هواداران يا كنار كشيدن و طرح يك اعتراض؟

مسلم است كه اگر نامزدى با اين عناوين از ميدان كنار برود، در كشورى كه همه امكانات تبليغى در دست دولت مورد تأييد آنچنانى رهبرى است، جز دشنام چيزى عايدش نخواهد شد و نزد عقلا هم محكوم است؛ زيرا او قصاص قبل از جنايت كرده است. از سوى ديگر، قانون انتخابات ما اجازه

می‌دهد که نامزدها ناظرینی را برای نظارت بر عملکرد هیئت‌های اجرائی تعیین کنند، همچنین بر سر صندوق‌ها و مراکز شمارش آرا بگذارند و تخلفات را پیگیری کنند، بنا بر این نامزد انتخاباتی تنها می‌تواند با اهرمهای مختلفی که دارد و از طریق این نظارت، مانع از تقلب شود. اما اگر بطور پیش‌بینی نشده‌ای ناگهان به هزار ترفند از حضور نمایندگان نامزد جلوگیری شود، تلفن‌های ارتباطی قطع گردد، نه تنها موبایل بلکه خطوط شهری را هم قطع نمایند، اسناد و مدارک رسیده را هم غارت کنند، به اصطلاح با یک کودتای تمام عیار روبرو گردد چه باید بکند؟ قانون انتخابات، زمانی معینی را برای رسیدگی به **جرایم** ناظرین و مجریان در انتخابات تعیین نکرده است. ظاهراً می‌توان همواره در مراجع ذیصلاح اقامه دعوی نمود. در مورد تخلفات ناظرین، رسیدگی از حیث صلاحیت ادامه نظارت شخص به عهده شورای نگهبان گذاشته شده است، در مورد مجریان هم اختیار کار را بدست وزارت کشور داده اند. اما مفاد ماده ۷۸ و ۷۹ (قا) رسیدگی به شکایات انتخاباتی را به عهده شورای نگهبان گذاشته و زمان رسیدگی را در مدت یک هفته الی ده روز پس از دریافت نتیجه قطعی انتخابات از وزارت کشور تعیین نموده است. بخصوص ماده ۸۱ مقرر می‌دارد: «شکایاتی که در جریان انتخابات به هیأت اجرایی تسلیم می‌شود مانع از ادامه کار انتخابات نبوده و در موعد رسیدگی به شکایات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.» بنا بر این نامزدها ناگزیرند با مشاهده هرگونه تخلفی موارد را گزارش نمایند و منتظر رسیدگی بعدی و پس از پایان انتخابات بمانند. در بحث از تقلب

سخنی از قول آقای کدخدائی نقل کردیم که مؤید این نظر است. ایشان روز ۸۸/۳/۱۳ که قرار بود ساعت ده شب مناظره مهم میان آقای مهندس میرحسین موسوی و آقای حمدی نژاد برگزار شود پیشاپیش مطالبی را ایراد کرد که استاد هر عاقلی نزد هر منصفی به این اظهارات رسمی برای باطل بودن انتخابات در کشور بجا و غیر قابل اغماض است. آقای کدخدائی در این مصاحبه می گوید: «اگر تخریب، توهین و افترا در روند تبلیغات انتخابات باشد طبعاً مجری انتخابات، دستگاه انتظامی و قوه قضائیه به شکایات و اعتراضات رسیدگی خواهد کرد، اما اگر تخریبها به گونه ای باشد که سرنوشت انتخابات را تحت تاثیر قرار دهد شورای نگهبان وارد عمل می شود و ممکن است در مرحله تائید نهایی، صحت انتخابات را تجدیدنظر و تصمیماتی برای ابطال حوزه های انتخابیه اتخاذ کند.»

با اینحال، شورای نگهبان بموجب ماده ۵ پیش گفته می تواند در هر زمان تصمیم به متوقف ساختن انتخابات بگیرد، که اگر خواهان توقف در کل کشور باشد به معنای ابطال است. اما سخن آقای کدخدائی هم بدین معناست که شورای نگهبان اگر رفتارهای تبلیغاتی را مؤثر در نتیجه بباید، به هنگام رسیدگی نهائی می تواند انتخابات را ابطال نماید. بنا بر این، نامزدها یا نمایندگان حق دارند این موضوع را پس از انتخابات نزد شورای نگهبانی که خودش دخیل در این تبلیغات نبوده مطرح کنند، زیرا مجرم نمی تواند مرجع رسیدگی به جرم خود باشد. مراد ما در اینجا اعضای از شورای

نگهبان هستند که در تبلیغات نقش داشته‌اند و موضوع در بحث از ابطال به روشنی بیان شده است.

حال اگر شورای نگهبان از نظر نامزدها و مردم به خاطر عدم بی‌طرفی مقرر در قانون واقعی به فریادها نگذارد و هر اعتراضی را به بهانه‌ی هم‌نوائی با «دشمن» یا آن خط داخلی برانداز محکوم نماید، چه باید کرد؟ این پرسشی است که امروز همه‌ی ملت ایران با آن مواجهند. همان‌طور که در جریان رأی اعتماد آقای محصولی از نظر عده‌ای از نمایندگان داور شمارش آرا فردی بی‌طرف نبود، در اینجا هم درست همان مشکل در برابر مردم قرار گرفته است.

بسیاری از افراد پس از انتخابات شاید برای مطرح کردن خودشان، با نوشتن نامه‌های سرگشاده یا تحلیل در سایتشان یا در مصاحبه تلویزیونی به طرح این شبهه اقدام کردند که این سه نامزد اگر قاعده‌بازی را قبول نداشتند، چرا وارد میدان شدند؟ اگر می‌دانستند تقلب خواهد شد، چرا اعتراضاً کنار نرفتند؟ اما واقعیت این است که در مبارزه انتخاباتی تا زمانی که همه‌ی راهها با یک کودتا مسدود نشده باشد، همیشه امیدی به طرح موضوع نزد یک داور بی‌طرف وجود دارد. از این گذشته نظامی که مدعی مردم‌سالاری و پایبند به قانون اساسی به مثابه عهدنامه‌ی میان ملت و حکومت است، طبق همین قانون اساسی در مواردی که راه داوری هم به دلیلی مسدود باشد یا توسط حکومت پذیرفته نشود، راه مراجعه به داوری مردم برایش باز است. آنچه که این منتقدین غالباً از روی عمد پوشیده می‌دارند این است که علی‌رغم

اطلاع نامزدهای اخیر از مشکلات فراراهشان در این انتخابات و مواضع افراد بالادستی، از آنجا که هیچ دلیلی دستکم برای نشان دادن به مردم بر مسدود بودن همه منافذ حکومت مردم سالارانه، در دست نداشتند، ناگزیر بودند که وارد بازی شده و با همه توان از وقوع این فاجعه جلوگیری نماید. برای مثال در این میان آقای مهدی کروبی که به ادعای خودش تجربه تلخ یک خواب شبانه و تغییر در آرا را در دوره نهم داشته است، چرا باید دوباره وارد این میدان می شد؟ پاسخ روشن است، یا اینبار بطور مستند نشان می داد که واقعاً مسیر امور بر ناراستی است، یا اگر با توجه به اطمینان بخشی سران نظام بر تعهد در حفظ امانت طبق روالی قانونی پیروز می شد یا شکست می خورد، امیدوار می گشت که از راه همین مسیر مردم سالارانه پیش بینی شده در قانون اساسی، از جمله همه پرسسی، معضلات گذشته را می تواند بر طرف نماید.

حکومتی که با یک انتقاد ساده سر درد بگیرد، دولتی که هر نقدی را تخریب خودش بداند تب و لرز کرده و گریه کودکانه کند، مسلماً در یک مبارزه دوشادوش دوام نیاورده و به راههای دیگری هم خواهد اندیشید.

به هر حال در مسیر آماده شدن مقدمات انتخابات، آقای محصولی بلافاصله وزارت کشور را از آقای کامران دانشجو که در اواخر دوره آقای کردان و درست زمانی که موضوع استیضاح ایشان مطرح بود بتاريخ ۸۷/۸/۱۶ عهده دار قائم مقامی و معاونت سیاسی شده بود و در دوره عزل ایشان سرپرستی

وزارتخانه را هم از سوی آقای احمدی‌نژاد به عهده داشت، در سمت معاونت سیاسی ابقا نمود.

موضوع تصدی معاونت سیاسی وزارت کشور، که مسئولیت تشکیل ستاد انتخابات را هم بر عهده دارد، در دولت آقای احمدی‌نژاد مسأله‌ساز شده بود. این موضوع بقدری برای احمدی‌نژاد مهم بود که موجب برکناری آقای پورمحمدی از سمت وزارت کشور گردید. ایشان که هم اکنون در سمت بازرسی کل کشور فعالیت می‌کنند، تاکنون صحبت زیادی در مورد اختلافاتش با احمدی‌نژاد نکرده است؛ اما موضع‌گیری ایشان در جریان برگزاری انتخابات و صدور دستور بازرسی از جریان انتخابات به ابواب جمعی خودش که موجب تنش‌هایی میان قوه قضائیه و دولت گردید، نشانه‌هایی از اختلاف پیشین را آشکار می‌کند. آقای پورمحمدی شاید اطلاعاتی داشته باشد که تاکنون بیان آنها را به مصلحت ندیده است. روزنامه سرمایه در شماره ۹۲۰ بتاريخ ۸۷/۱۰/۱۴ به بهانه بازگشت مجدد آقای افشار به وزارت کشور نوشت:

"در مهرماه ۱۳۸۶ مصطفی پورمحمدی نخستین وزیر کشور دولت نهم، علیرضا افشار را به عنوان معاون سیاسی آن وزارتخانه، که ریاست ستاد انتخابات را در ایران بر عهده دارد، منصوب کرد. علیرضا افشار ۵۶ ساله از سال ۵۸ تا ۶۱ عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی بود و طی سال‌های ۶۱ تا ۶۷ جانشینی و سخنگویی ستاد مرکزی سپاه پاسداران را بر عهده داشت. وی از سال ۶۸ تا ۷۶ بیش از هشت سال فرماندهی بسیج و سه سال نیز

ریاست دانشگاه امام حسین را بر عهده داشت. وی از سال ۸۳ تا زمان انتصاب به معاونت سیاسی وزارت کشور، معاون فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح بود. افشار سومین معاون سیاسی وزیر کشور دولت نهم بود که در مدت سه سال ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد از مقام خود کناره‌گیری یا تغییر می‌کرد. پیش از او علی جنتی و مجتبی‌ثمره هاشمی هم از این سمت برکنار شده بودند. علی جنتی فرزند آیت‌الله احمد جنتی، اولین معاون سیاسی وزارت کشور در دولت محمود احمدی‌نژاد بود که پس از مدت کوتاهی و به دنبال بروز اعتراض‌هایی نسبت به انتصاب او، از مقام خود کنار گذاشته شد. در آن هنگام برخی رسانه‌های نزدیک به دولت خبر دادند که رئیس جمهوری از چنین انتصابی ناراضی است و مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور وقت بدون مشورت با محمود احمدی‌نژاد، جنتی را به این سمت منصوب کرده است. برخی از کارشناسان سیاسی، دلیل اصلی انتقاد از انتصاب علی جنتی را عضویت وی در «حزب اعتدال و توسعه»، برادرخوانده «حزب کارگزاران سازندگی»، عنوان کردند که از احزاب نزدیک به هاشمی رفسنجانی است. پس از برکناری علی جنتی، مجتبی‌ثمره هاشمی، از مشاوران اصلی رئیس‌جمهوری به این سمت منصوب شد که وی نیز در شهریورماه سال گذشته از سمت خود استعفا داد و جای خود را به افشار سپرد. یک سال پس از آن و با برکناری مصطفی پورمحمدی و روی کار آمدن دومین وزیر کشور دولت نهم در ششم مهرماه سال جاری علیرضا

افشار با حکم علی کردان، وزیر کشور وقت از سمت معاونت سیاسی این وزارتخانه برکنار و به سمت مشاور فرهنگی وزیر کشور منصوب شد. کردان، کامران دانشجو استاندار وقت تهران را به عنوان قائم مقام، معاون سیاسی و رئیس ستاد انتخابات کشور منصوب کرد. ... افشار در کنار محمدباقر ذوالقدر و محمدرضا نقدی شماری از اعضای سرشناس سپاه پاسداران بودند که با روی کار آمدن دولت نهم به سمت‌های معاونت سیاسی وزارت کشور، معاونت امنیتی وزارت کشور و ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز رسیدند؛ اما اندکی بعد به ترتیب از دولت محمود احمدی‌نژاد کنار گذاشته شدند. از میان فرماندهان سابق، علیرضا افشار آخرین کسی بود که سمت دولتی خود را از دست داد و اکنون اولین کسی است که با حکم صادق محصولی، وزیر کشور که خود سابقه سال‌ها فرماندهی در سپاه پاسداران را دارد، به وزارت کشور بازگشته است. "امروز شاید بتوان تحلیل کرد که به همان اندازه که وجود علی جنتی به عنوان یک عنصر سیاسی نه چندان موافق با مشی سیاسی احمدی‌نژاد در این سمت قابل تحمل نبود، حضور فرماندهان ارشد سپاهی در صف اول هدایت انتخاباتی که آقای کردان یا دوست صمیمی وی آقای محصولی در پی اجرای آن بودند به هیچ وجه به مصلحت نبود؛ استعفای هاشمی ثمره که یار غار آقای احمدی‌نژاد و رئیس ستاد انتخاباتی وی شد در این سمت درست به همین دلایل موجه نمی‌نمود. باید اشخاص مؤثر در پشت صحنه می‌ماندند و کار در ظاهر بدست افرادی مانند آقای کامران دانشجو سپرده می‌شد که کاملاً

مطیع آقای احمدی نژاد هستند. اما تدارک برنامه کامپیوتری انتخابات در همین دوره هاشمی ثمره صورت گرفته بود؛ امری که همگان از آن غافل بودند. آقای افشار در معاونت امنیتی وزارت کشور خدمات بهتری را با توجه به سوابقش که در بالا اشاره شد، به دولت احمدی نژاد ارائه کرد. کسی چه می داند شاید روزی در یک دادگاه عادل به جرائم سرکوبگران رسیدگی شود، آنگاه نقش ایشان و زندان موقت در ساختمان استانداری تهران و ساختمان وزارت کشور بیشتر و بهتر آشکار خواهد شد.

در هر صورت، آقای دانشجو پیش از ورود آقای محصولی، به گفته نمایندگان مجلس و اقرار خود آقای محصولی ستاد انتخابات را به راه انداخته بود؛ کسی که بسیار مورد اعتماد آقای احمدی نژاد و از دلباختگان وی است: "سیدصادق محصولی در حاشیه پانزدهمین نمایشگاه بین المللی مطبوعات و خبرگزاری ها در بازدید از غرفه جام جم در گفتگو با خبرنگار ما اظهار داشت: با توجه به زمان کمی که تا انتخابات داریم قصد داریم امنیتی فراگیر از نظر اجتماعی، سیاسی و روانی فراهم کنیم تا مقدمات برای برگزاری انتخابات فراهم شود. محصولی همچنین افزود: کلید انتخابات پیش از آمدن من به وزارت کشور خورده است."

نه تنها به ادعای آقای محصولی پیش از او در وزارت کشور انتخابات کلید خورده بود، بلکه همانطور که پیشتر اشاره شد، شورای نگهبان هم پیش از او با تشکیل هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات و هیئت های استانی کار خود را آغاز کرده بود. هرچند، قانون وزارت کشور را به شروع تهیه مقدمات از سه

ماه مانده به پایان ریاست جمهوری مکلف می‌کند، اما محدودیت قانونی برای شورای نگهبان در این امر وجود ندارد. صرف اعلام تشکیل هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان را وارد فاز انتخابات می‌کند که بموجب نص قانون باید بی طرف باشد. بنا بر این، از این تاریخ هرگونه رفتار جانبدارانه شورای نگهبان یک عمل خلاف شرع و قانون محسوب می‌شود.

موضوع کمیته صیانت از آرا و موضع گیری مقامات رسمی

با این وضعی که از یکسو رهبری اجازه حرف زدن علیه دولت را نمی‌داد و از سوی آقای احمدی‌نژاد توانسته بود در سایه این حمایت، حتی به ادعای دوستانش، آقای محصولی را روانه وزارت کشور کند و بدین ترتیب حضور نامرئی آقای کردان و آقای هاشمی ثمره راهم در آنجا تثبیت کرده و ستاد مرکزی انتخابات کشور را به ستاد خصوصی خود تبدیل نماید، نگرانی از سرنوشت انتخابات آتی ریاست جمهوری هر روز بیشتر می‌شد. مسأله امکان تقلب را خود این‌ها در اذهان کاشتند و با رفتارهایشان جامعه را هم ملتهب کردند. ما داوری در مورد این مصاحبه آقای محصولی را که در اولین روزهای حضورش در وزارت کشور، یعنی ۸۷/۹/۱۰ انجام داده است به خواننده وا می‌گذاریم:

"وزارت کشور در فرآیند برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، با مصادیق تخریب‌هایی که مقام معظم رهبری از آن سخن گفتند، برخورد می‌کند. صادق محصولی وزیر کشور ضمن بیان مطلب فوق و در پاسخ به سوالی

مبنی بر زمان آغاز به کار ستاد انتخابات گفت: قبل از انتخاب من به عنوان وزیر کشور، کارها، هماهنگی‌ها و جلسات در زمینه انتخابات شروع شده است. به گزارش فارس، محصولی اظهار کرد: هماهنگ کردن و مقدمات را فراهم ساختن لازمه کار ستاد انتخابات است که در حال حاضر انجام می‌شود اما زمان دقیق آغاز به کار ستاد انتخابات را بعد از فراهم شدن شرایط، رسماً اعلام خواهیم کرد. وی در ادامه با بیان اینکه جریانات سیاسی می‌توانند به جای تخریب رقبا، با معرفی هر چه بیشتر کاندیدای خود شرایط را برای شناخت هر چه بیشتر فرد مورد نظرشان فراهم کنند، تصریح کرد: متأسفانه برخی رسانه‌ها و مطبوعات، تخریب‌ها و دروغ‌های زیادی را منتشر می‌کنند و اینها برآزنده جریان‌های سیاسی نیست. همچنین به گزارش ایلنا، وزیر کشور در مورد تبلیغات زود هنگام و موارد احتمالی برخورد وزارت کشور با این مسئله اظهار داشت: اینکه کار تبلیغاتی برای کاندیدای خاصی صورت گرفته باشد تا وزارت کشور بخواهد با آن برخورد کند، وجود نداشته است. بیشتر مواردی بوده که مقام معظم رهبری به آن اشاره کرده‌اند و تخریب‌هایی است که در رابطه با برخی جریان‌ها و شخصیت‌ها صورت گرفته است که کار پسندیده‌ای نیست."

البته در این روزها بجز نام آقای احمدی‌نژاد که همه روزه از همهٔ تریبون‌ها برایش به عنوان دولتمدار مردمی و خاکی تبلیغ می‌شد و هر سخن مخالفی به لجن پراکنی تعبیر می‌گردید، هیچ نام دیگری در میان نبود. اصولاً هنوز نامزد دیگری خود را مطرح نکرده بود یا از سوی شورای نگهبان در این

موقع معین نشده بود، این کار تازه قرار بود در آخر اردیبهشت سال بعد انجام پذیرد. اما وزیر کشور هنوز از راه نرسیده به نفع کسی وارد ماجرا شده است. نعل وارونه زدن با استفاده از این حربه‌های توخالی تبلیغاتی و بستن دهان منتقدین با هتاک‌ها و افتراءات هر روز به بحوی ادامه داشت. در آن روزها که هنوز پای نامزدی در میدان معرکه پیدا نبود، انتقاد از عملکرد دولت، حتی از سوی دوستانش یک تخریب محسوب می‌شود. در ایام قانونی انتخابات، استفاده دولت به بهانه ادامه سفرهای استانی در کرج و اسلامشهر و استان سمنان از امکانات تبلیغاتی ملی، کاری در جهت امور جاری کشور تلقی می‌گردد. رقبا نه در امور جاری کشور جا دارند و نه در تبلیغات انتخاباتی حقی متناسب پیدا می‌کنند.

از گذشته اصولاً در چنین مواقعی، آیت الله هاشمی رفسنجانی نقش تعدیل‌کننده و هشدار دهنده‌ای داشتند. با همین رویکرد در تاریخ ۸۷/۱۰/۵ و پس از ابراز نگرانی جناح‌های گوناگون در عدم صداقت باند حاکم بر وزارت کشور، در جهت نصیحت به همه و پائین آوردن تب ناشی از دلهره مردم در خصوص امکان تقلب سخنانی ایراد کردند که عمده جهت این گفته‌ها تذکر به همگان بود. در این زمان تنها آقایان کروبی و احمدی‌نژاد مطرح بودند و کسانی هم موضوع وارد شدن آقای خاتمی را طرح می‌کردند، اما هنوز در میان رقبا تصمیم مشخصی از سوی کسی بجز آقای کروبی گرفته نشده بود. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از بیان مفصلی درباره سیره پیامبر و امیرالمؤمنین و امام خمینی و روش جاری

جمهوری اسلامی در برگزاری انتخابات در گذشته "تصریح کردند: اگر بخواهیم جامعه اسلامی داشته باشیم، ناگزیریم مردم را به راهی که انتخاب کردیم دعوت کنیم و آنها نیز باید در صحنه باشند و رای بدهند. ... اساس نظام مبتنی بر رای مردم است. ... این رای مردم همان چیزی است که اسلام خواسته و هیچ کس این را از خودش بدعت گذاری نکرده است. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه یادآور شد: مردم باید همان چیز را که می خواهند اعلام کنند و نباید ابزار فریب کاری در اختیار افراد قرار گیرد و البته شخص کاندیدا نیز نباید فریب کاری کند. وی تاکید کرد: اگر بخواهیم اسلامی عمل کنیم، در اولین گام باید به خواست مردم احترام بگذاریم. ... باید مردم نظر خود را بگویند و نظام هم باید همه چیز را فراهم کند تا انتخابات واقعی باشد و کوتاهی در این میدان، بدون مجازات الهی نخواهد ماند. وی تاکید کرد: اگر مردم کوتاهی کنند، خیلی زود نتیجه این کوتاهی خود را می بینند که همان منتهی شدن به استبداد است. باید انتخابات خوب و سالم برگزار شود. ... اگر ناظران و مسوولان برگزاری انتخابات رای مردم را ضایع کنند و اعلام قیومیت کنند و نگذارند آنچه که مردم می خواهند اعلام شود، این کار خیانت است و مستوجب عذاب الهی است. وی افزود: حتی اگر بر اساس مصلحت برخی بگویند این فرد نباید انتخاب شود، اشتباه است و منتهی به استبداد می شود و این اتفاق شومی خواهد بود. ... اگر رقیب بی تقوایی می کند، آنها (نامزدها و هواداران شان) بی تقوایی نکنند ... مردم، نامزدها و مسوولان باید طبق قانون عمل کنند. اگر

قانون هم اشکالاتی داشته باشد باید طبق قانون عمل کرد و زینده ما نیست که حضور مردم در انتخابات به زیر ۵۰ درصد برسد. وی تاکید کرد: به هر اندازه که وفاداری به سلامت انتخابات کم شود، به همان اندازه از اسلام فاصله گرفته‌ایم.^{۱۰}

عنوان «کمیته صیانت از آراء» شاید نخستین بار از سوی برخی از احزاب قانونی کشور مطرح گردید که خواهان نظارت بر صحت روند انتخابات بودند، کسانی هم با عنوان «کمیته نظارت بر سلامت انتخابات» آن را مطرح کردند. حزب اعتماد ملی در جریان انتخابات مجلس هشتم «کمیته صیانت از آراء» تشکیل داده بود و این نوع عکس‌العمل‌ها را هم نداشت. سایر احزاب هم «کمیته حقوق و سلامت انتخابات» تشکیل داده بودند. آن زمان چنین حساسیتی از سوی حکومت دیده نشد، اما همین کار در این مقطع جرم محسوب می‌گردید.

آقای محصولی در چند مورد سخن از تمهید وزارت کشور برای ایجاد امکان نظارت احزاب یا خانه احزاب بر اجرای انتخابات به میان آورده است. با اینحال، به محض طرح این موضوع کل حاکمیت با تمام توان تبلیغاتی در برابر آن موضع منفی اتخاذ کرده و آن را اندیشه‌ای دشمن‌پسند قلمداد کردند. مطمئناً خواننده محترم بخوبی قانون نظارت نامزدها و نمایندگان آنها را به خاطر دارد. از این جالب‌تر، با اینکه هنوز هیچکس در هیچ‌جا از محتوای کار «کمیته صیانت از آراء» و روش کار مورد نظر در این کمیته

¹⁰ روزنامه آفرینش به نقل از ایلنا.

سخنی نگفته بود با توپخانه تبلیغاتی کل حکومت روبرو گردید و مردم را در مورد آینده انتخابات نگران ساخت. اگر کسی مثلاً ادعا می کرد که این کمیته می خواهد کنار دست هیئت مرکزی نظارت بنشیند و بر کار آنها نظارت کند، یا بخشنامه های شورای نگهبان و وزارت کشور را قبل از انتشار از حیث مطابقت با قانون کنترل نماید و یا هر کار دیگری از این دست که ممکن است به ذهنتان بیاید، شاید می شد به نحوی چنین ادعائی را غیر قانونی دانست. اما در اینجا کسانی گفته بودند که ما با استفاده از حق قانونی و حقوق شهروندی مصرح در قانون اساسی بر رفتار ناظر و مجری نظارت خواهیم کرد، اعلام این تصمیم همه را برآشفته ساخته بود. اکنون دیگر، سخن از هشیاری هواداران یا آموزش نحوه رأی دادن و یا آموزش نحوه قانونی نظارت به نظار نامزدها کاری دشمن پسند و سرچشمه گرفته از طرح های براندازنده آن خط داخلی شده بود!!

نامزدها در ستادهایشان «کمیته تبلیغات» داشتند و وجود آن را اعلام کرده بودند اما کسی متعرض نشد، شاید بدین جهت بود که رقیب کلید تبلیغات را از همه جهت در اختیار داشت، فقط باید از سازمان دهی دیگر نامزدها برای گردآوری تخلفات و شکایت بهنگام در فرصت قانونی یا شکایت به مراجع قانونی درهنگام وقوع جرم باز داشته شوند. دست حریف را به اصطلاح با ترفندهای نظامی می بستند تا بموقع اقدام نکند یا بموقع سند گردآوری نکند یا بموقع فریاد نزنند یا سندش را از دستش بگیرند. در واقع هر سه نامزد بخوبی دریافته بودند که اوضاع کشور به سمت امنیتی شدن

سوق داده می‌شود. رقیب جز پیروزی ساختگی چیزی را نمی‌دید، گمان می‌کرد که می‌تواند پس از پیروزی همه چیز را مهار بزند، در این سو، عده‌ی بیشماری از وفاداران به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تعریف شده از سوی امام فقید انقلاب دلهره‌ی عواقب این بی‌توجهی به حقوق مردم را داشتند که نظام را از جمهوری اسلامی به «حکومت اسلامی»، آنهم با اسلامیته‌ی شخصی شده، مبدل می‌ساخت.

آقای محصولی وزیر کشور که به فکر تأمین نظارت احزاب هم بود، بتاريخ ۸۷/۱۰/۹ تشکیل کمیته‌ی وحشتناک صیانت از آراء را غیر قانونی خواند:

"به گزارش ایسنا، صادق محصولی که در حاشیه‌ی گردهمایی معاونان برنامه‌ریزی استانداری‌های کشور در جمع خبرنگاران سخن می‌گفت، در پاسخ به این پرسش که «از سوی برخی احزاب پیشنهاد تشکیل ستادی برای صیانت از آراء اعلام شده است» گفت: ما قانون را در همه‌ی حال اجرا و اقدام غیرقانونی را نکوهش می‌کنیم. قانون اساسی و قوانین مربوط به انتخابات خوشبختانه ابزار و وسایل و راهکارهای لازم را برای نظارت کامل بر انتخابات پیش‌بینی کرده است و هیچ نقصی در این جهت نداریم؛ بنابراین حتی دوستان خود افرادی که این مطالب را مطرح کرده‌اند که بیشتر جنبه تبلیغی و انتخاباتی دارد تا راهکار اجرایی، اعلام کرده‌اند، خوشبختانه این راهکارها قانونی نیست و اگر بخواهیم کاری انجام دهیم باید از همان قوانین

موجود که کامل هم هست و اگر نقایصی دارد تحت عنوان قانون انتخابات رفع شود، استفاده کنیم.^{۱۱}»

البته ایشان در همین مصاحبه اصل نظارت نامزدها توسط نظارشان را قانونی دانسته بود که با این اظهارات متناقض است: «سرمایه: صادق محصولی، وزیر کشور با تاکید بر اینکه «وزارت کشور هیچ مشکلی در رابطه با صیانت از آرا ندارد. این اطمینان خاطر را به همه مردم می‌دهیم که آرای آنها امانتی در دست مسوولان است و از آرای آنها صیانت خواهیم کرد. براساس قانون، شورای نگهبان بر امر انتخابات نظارت می‌کند و حتی نماینده کاندیداها نیز طبق روال قانونی می‌توانند نماینده در سر صندوق‌ها داشته باشند و بنای ما این است که از ظرفیت احزاب نیز در چارچوب قانون استفاده کنیم تا ان شاءالله انتخاباتی با شکوه با مشارکت حداکثری مردم و قانونمند داشته باشیم.»

تأکید وزیر کشور به برگزاری انتخاباتی عاری از هرگونه شبهه و دخل و تصرف در حالی مطرح شد که طی روزهای اخیر برخی مقامات ذی نفوذ کشور نسبت به سلامت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری هشدار داده بودند که در این میان تذکرات رئیس مجلس خیرگان رهبری به عنوان یکی از با سابقه ترین مردان نظام جای تامل دارد. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی نسبت به صیانت از آرای مردم هشدار می‌دهد که کشور از نظر اقتصادی در شرایطی نامناسبی به سر می‌برد و انتخابات دهم ریاست

۱۱ به نقل از سایت روزنامه مردمسالاری. اغلاط انشائی در متن خبر بوده است.

جمهوری نیز در پیش است. ... از اسلام آموختیم که مردم باید قانع شوند و انتخاب کنند و من دینی را سراغ ندارم که با سلطه و زور شمشیر بر مردم مسلط شده باشد.» هاشمی رفسنجانی با تاکید دوباره بر سلامت انتخابات خطاب به ناظران و مسوولان برگزارکننده انتخابات گفته بود: «اگر ناظران و مسوولان برگزاری انتخابات، رای مردم را ضایع و اعلام قیومیت کنند و نگذارند آنچه مردم می خواهند، اعلام شود، این کار خیانت است و مستوجب عذاب الهی است. حتی اگر براساس مصلحت برخی بگویند این فرد نباید انتخاب شود، اشتباه است و منتهی به استبداد می شود و این اتفاق شومی خواهد بود.» این سخنان رئیس مجلس خبرگان رهبری حاکی از نگرانی شدید او نسبت به صیانت از آرای مردم است، یعنی چیزی که پشتوانه اصلی **مشروعیت** در نظام جمهوری اسلامی است. همچنین حسن روحانی برای رفع نگرانی‌ها در این خصوص و تضمین سلامت انتخابات یک پیشنهاد کاربردی را مطرح کرد البته به مذاق برخی از جریان‌های سیاسی خوش نیامد. حسن روحانی طی سخنانی در جمع فعالان سیاسی استان گلستان از مسوولان برگزاری انتخابات خواست زمینه‌ای را فراهم کنند تا تمام نامزدها و احزاب بتوانند ناظرانی را در پای صندوق‌های رای از جمله هنگام شمارش آرا داشته باشند. وی در این مورد گفته بود: «حتی می توان در سالن‌های برگزاری انتخابات و شمارش آرا دوربین نصب کرد و ناظران احزاب و نامزدهای انتخاباتی از اتاق دیگری و از طریق دوربین مداربسته بر فرآیند انتخابات نظارت کنند.» صادق محصولی در پاسخ به

سوالی در خصوص تشکیل ستاد صیانت از انتخابات گفت: «قانون اساسی و قوانین مربوط به انتخابات ابزار و راهکارهای لازم را برای نظارت کامل به انتخابات پیش‌بینی کرده و هیچ نقصی در این خصوص وجود ندارد.» وزیر کشور ادامه داد: «کسانی که این مسائل را مطرح می‌کنند بیشتر روی جنبه تبلیغی و انتخاباتی آن برای خود تاکید دارند تا راهکارهای اجرایی.» وی با اشاره به نظارت کامل شورای نگهبان گفت: «کاندیدها طبق روالی که قبلاً وجود داشته می‌توانند نماینده‌ای را بر سر صندوق‌ها داشته باشند.»

مجری مسؤل انتخابات فکر نظارتی مردم را علی‌رغم صراحت قانون و قانون اساسی، با اینکه خودش هم در این مصاحبه اقرار می‌کند، غیر قانونی به حساب می‌آورد. این نوع برخوردها عامل فریادهایی است که مردم در مورد ناسالم بودن انتخابات سر داده‌اند. آنها از مردم خواستند که نگران نباشند، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، هر خواستی را غیر قانونی دانستند، سپس نتیجه‌ای را پیش روی مردم گذاشتند که باورشان نشد. جالب آنکه همین وزیر در جریان برگزاری انتخابات بارها اعلام کرد که در ستاد مرکزی انتخابات امکان نظارت نمایندگان احزاب را از طریق دوربین مداربسته فراهم کرده است.

نکته ظریفی در سخنان آقای محصولی بود که چون هنوز نامزدها بدرستی وارد عرصه نشده بودند و ستادی نداشتند، حتی همین گروه‌های خواهان تشکیل کمیته صیانت از آراء، بدرستی پی به ماهیت این حرفها نبردند؛ تنها در جریانات پس از عید، یعنی در سال ۸۸ بود که کم کم بدرستی فهمیده شد. منتها زمانی این قصد شوم بر ملا گردید که دیگر دیر بود، ستاد مخفی آقای احمدی‌نژاد در وزارت کشور و

هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان با سیاست غوغاسالاری همه را مشغول کرده و کار خود را بر خلاف قانون پیش برده بود. این نکته مهم عبارت از این است که آقای محصولی و بعدها آقای دانشجو در مواقعی بتندی اشاره‌ای گذار به جواز حضور نمایندگان نامزدها بر سر صندوق‌ها می‌کردند تا متهم به قانون شکنی آشکار نشوند، اما از تأکید قانونگذار بر حضور نمایندگان ناظر نامزدها در هیئت‌های اجرایی سخنی نمی‌گفتند و از این کار بشدت هراس داشتند. همه جنجال دولت و شورای نگهبان بر سر این بود که هیئت‌های اجرائی بدون نظارت دیگران تشکیل شود و موفق هم شدند، اقدامی که با نص صریح قانون در تضاد است و باید به این جرایم در دادگاهی عادل رسیدگی شود. رهبری که تا این اندازه در مورد هر سخنی نسبت به دولت حساسیت نشان می‌داد، با توجه به مسئولیت شرعی و قانونی شان هیچ سخنی نگفتند و از قم هم صدایی بلند نشد، همه صبر کردند تا این مصیبتی که الان دچار هستیم بوقوع پیوست و آنگاه تازه صدای اعتراض بلند گردید. دانشگاه‌ها هم نسبت به این مسأله حساسیتی درخور نشان ندادند.

در پیروی از ایشان، آقای تمدن استاندار تهران که نقش عمده‌ای در حوادث انتخابات و پس از آن داشته است، سخنی می‌گوید که با هیچ معیاری سازگار نیست: "به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، مرتضی تمدن استاندار تهران ... افزود: این جدیت در رویکرد عدالت محورانه دولت نشان می‌دهد که ارزش‌های انقلاب و امام(ره) که همواره مد نظر مقام معظم رهبری نیز هست از سوی دولت بدون پرداختن به حاشیه‌ها و بهانه‌جویی‌ها به صورت جدی دنبال می‌شود و عزم دولت در رویکرد عدالت محورانه خود یک عزم جدی است. ... تمدن با بیان اینکه

مقام معظم رهبری در ملاقات با مسئولان نظام تصریح فرمودند این دولت دولت اقدام کار و تلاش است، افزود: دولت نهم با استفاده از همین پشتوانه‌های معنوی سعی کرده تا مسیر خود را در جهت خدمت هر چه بیشتر به مردم به درستی ببیماید و این عزم تا پایان کار دولت ادامه خواهد داشت. ... تمدن همچنین یکی از وظایف استانداری را برگزار انتخابات سالم و حفاظت از آراء مردم عنوان کرد و افزود: این موضوع همواره به صورت جدی مد نظر دولت و شخص رئیس جمهور قرار دارد. وی خاطر نشان کرد: برخی از مسائل حاشیه‌ساز مانند تشکیل ستاد سلامت انتخابات و یا ستاد صیانت از آرای مردم می‌تواند توهین به شعور ملت باشد و معتقدیم طرح این دست مسائل که چیزی جز خالی کردن دل ملت را به همراه ندارد یک گناه نابخشودنی است. وی گفت: برگزاری انتخابات سال ۷۶ و نیز انتخابات سال ۸۴ و نتیجه آنها نشان داد که همواره انتخابات با تصمیم و اراده ملت صورت می‌گیرد.^{۱۲}

نقطه چین‌ها بخش‌های دیگری از تبلیغات آقای تمدن به نفع آقای احمدی‌نژاد از تریبون نماز جمعه است که بعداً در مورد صحت این ادعاها سخن خواهیم گفت. مهم آن است که استاندار، یعنی فرد مسؤل در برگزاری انتخابات سالم با شرکت رئیس دولتش، پس از کلی سخنرانی در وصف این دولت به رقبا و هواداران‌شان می‌گوید، خواست شما برای نظارت منسجم و قانونی بر انتخابات عملی غیر قانونی است. عملکرد ایشان را در خصوص کشتار معترضین بی‌دفاع پس از این خواهیم نگاشت. این چه مبارزهٔ مشروع انتخاباتی در نظامی مدعی مردم‌سالاری است که

¹² خبرگزاری فارس، شماره: ۸۷۱۲۰۹۰۳۸۴، ۸۷/۱۲/۹

رقیب آشکارا در مقام مسؤولیت مستقیم اجرائی انتخابات، از نامزدها و هوادارانشان می‌خواهد که ادعای نظارت بر کار را مطرح نکنند و به او اعتماد نمایند؟! در ۸۸/۱/۱ رهبر انقلاب در مشهد سخنانی گفتند که بعدها مخالفین و موافقین کمیته صیانت از آن بهره‌برداری کردند:

"به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در اولین روز سال جدید در اجتماع عظیم زائران حرم رضوی و مردم مشهد در بیانات بسیار مهمی، ضمن تشریح "زمینه‌ها و ضرورت‌های پیشرفت و عدالت" ... تاکید کردند: ... حضور میلیون‌ها جوان "دانا، پرنشاط و تحصیل کرده"، تجربیات بسیار ذی‌قیمت "نخبگان"، مسئولان و مدیران" در روبرو شدن با مسایل سه دهه اخیر که منجر به تصمیمات مهمی همچون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، تلاش برای هدفمند کردن یارانه‌ها و سفر مسئولان به استانها و مناطق دور و نزدیک کشور شده است و نیز آماده شدن زیر ساختهای اساسی در زمینه‌های گوناگون "علمی، شبکه‌های ارتباطاتی و مواصلاتی" از جمله عواملی است که آمادگیهای بسیار وسیعی، برای حرکت پر شتاب‌تر کشور بوجود آورده تا دهه چهارم که از امسال آغاز شده در پرتو برنامه‌ریزی و کار و تلاش مجدانه، حقیقتاً به دهه پیشرفت و عدالت تبدیل شود. ... مردم‌سالاری دینی با حرف ایجاد نمی‌شود بلکه نیازمند شرکت و حضور و اراده ملت و ارتباط "فکری، عقلانی و عاطفی مردم" با تحولات کشور است و تحقق این مسئله جز با انتخابات صحیح، همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. ... ایشان خطاب به نامزدهای فعلی و آتی انتخابات افزودند: توجه کنید که انتخابات فقط ابزاری برای در دست گرفتن

قدرت نیست بلکه وسیله‌ای است برای ارتقای توان کشور، افزایش اقتدار ملی و آبرومند کردن ملت، بنابراین در تبلیغات و رفتار خود به این مسائل اهمیت دهید و مبادا کسی در فعالیت انتخاباتی خود به گونه‌ای حرف بزند و رفتار کند که دشمن را به طمع بیاندازد. رقابت و نقد منصفانه از دیگر نکاتی بود که رهبر انقلاب به نامزدهای دهمین انتخابات ریاست جمهوری توصیه کردند و افزودند: هر یک از شما حتماً حرفی دارید و طبعاً حرف فرد مقابل را رد می‌کنید اما در این روند از جاده انصاف خارج نشوید و به کتمان حقایق نپردازید. ... تاکنون حدود ۳۰ انتخابات در کشور برگزار شده و مسئولان وقت رسماً سلامت و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند و به همین علت مردم تحت تاثیر حرفهایی که تلاش می‌کنند انتخابات ریاست جمهوری را از هم اکنون متزلزل و خدشه دار جلوه دهند قرار نمی‌گیرند. حضرت آیت الله خامنه‌ای افزودند: بنده نیز به مسئولان تاکید می‌کنم که حتماً انتخابات را سالم و با امانت داری کامل برگزار کنند و بگونه‌ای عمل شود که دست نامزدها باز باشد و مردم نیز با حضور پر شور خود، هر که را خواستند آزادانه انتخاب کنند."

بسیاری از هواداران آقای احمدی‌نژاد از حمایت علنی ایشان از دولت وی بدون توجه به اعلام مخفی بودن رأیشان این سخنرانی را صریحاً در جهت حمایت از انتخاب شدن آقای احمدی‌نژاد تلقی نمودند. بخش‌هایی از این سخنرانی چند پهلو مطالبه بحق مردم برای استفاده از نظارت قانونی خود را زیر سؤال می‌برد، اما آقای دکتر علی‌رضا بهشتی از همراهان کمیته صیانت از آرای آقای موسوی چنین برداشتی نداشت:

"به گزارش سرویس سیاسی آفتاب، سید علیرضا حسینی بهشتی در گفتگویی با پایگاه خبری "کلمه" در پاسخ به سخنان کامران دانشجو رییس ستاد انتخابات وزارت کشور که تشکیل کمیته صیانت از آراء را غیر قانونی خوانده بود با اشاره به مثل معروف "آنکه حساب پاک است از محاسبه چه باک است" گفت: «واکنش سخنگوی شورای نگهبان و رییس ستاد انتخابات کشور در مقابل خبر تشکیل کمیته صیانت از آراء و اخلاق انتخاباتی تعجب برانگیز است». بهشتی تاکید کرد: «همانگونه که پیش از این هم بارها بیان شده، شکل گیری این کمیته برای افزایش اطمینان رأی دهندگان از کاهش تخلفات اخلاقی و انتخاباتی است نه تقابل با مراجع نظارتی ذیربط». وی ادامه داد: «برای تشکیل کمیته به صورت مشترک با جناب آقای کروی هم‌هنگی‌های لازم صورت گرفته و از برخی چهره‌های فعال که در این زمینه دارای تجربه هستند برای اداره این کمیته دعوت به عمل آمده است». سید علیرضا بهشتی با اشاره به بروز برخی بداخلاقی‌ها در انتخابات سال ۸۴ و نگرانی‌هایی که بخشی از مردم در مورد شمارش آراء دارند اضافه کرد: «خوشبختانه بیانات روشن و مدبرانه مقام معظم رهبری در صحن مقدس آستان رضوی که ناشی از روشن بینی و جامع‌نگری ایشان در این عرصه است باعث اطمینان خاطر مردم شده است و این کمیته نیز در همان راستا و با بهره‌بردن از ابزارهای اطلاع‌رسانی عمومی و مراجعه و مذاکره با مراجع قانونی در قبال اعمال غیراخلاقی، هم در حوزه تبلیغات انتخاباتی و هم در زمینه اعمال دقت کافی در مراحل رأی‌گیری تلاش خواهد کرد». وی با اشاره به اینکه رییس ستاد انتخاباتی کشور فرزند یکی از قضات بسیار با سابقه کشور و بدون شک آگاه به قانون است اضافه کرد: «تشکیل این کمیته با نص صریح قانون

اساسی در مورد وظیفه شهروندان در قبال امر به معروف و نهی از منکر و نیز قانون انتخابات در زمینه حق نظارت بر شمارش آرا توسط ناظران اعزامی کاندیداها موافقت دارد».^{۱۳}

اما جناح پشتیبان آقای احمدی نژاد با برداشتی متفاوت از فرمایشات رهبری پیگیر مخالفت با صیانت از آرا شدند. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، که از مدتها پیش در نقش ارگان تبلیغاتی آقای احمدی نژاد عمل می کرد و آقای کدخدایی و سایر اعضای هیئت مرکزی نظارت هرگز هیچ عکس العملی به آن نشان ندادند، طی گزارشی از این مجادله در همان روز ۸۸/۱/۲۲ می نویسد:

"عباسعلی کدخدایی روز شنبه در نخستین نشست خبری خود در سال جدید در پاسخ به سوالی مبنی بر این که برخی احزاب بر تشکیل کمیته های صیانت از آرا تأکید دارند تصریح کرد: ایجاد هر نهادی برای تشکیل نیاز به قانون دارد و تشکیل چنین کمیته هایی خلاف قانون و مقررات است. گفتنی است رهبر معظم انقلاب در نخستین روز سال جدید در اجتماع عظیم زائران حرم رضوی و مردم مشهد، با انتقاد از برخی که بیهوده تلاش می کنند از هم اکنون انتخابات ۲۲ خرداد ریاست جمهوری را در ذهن مردم خدشه دار کنند، افزودند: تاکنون حدود ۳۰ انتخابات در کشور برگزار شده و مسئولان وقت رسماً سلامت و صحت انتخابات را تضمین کرده اند و به همین علت مردم تحت تاثیر حرفهایی که تلاش می کنند انتخابات ریاست جمهوری را از هم اکنون متزلزل و خدشه دار جلوه دهند قرار نمی گیرند. به رغم تاکید ایشان اخیراً برخی از اصلاح طلبان خواستار تشکیل کمیته صیانت از آرا

¹³ روزنامه آفتاب ۸۸/۱/۲۳

در انتخابات ریاست جمهوری شدند که این خواسته با مخالفت صاحب‌نظران و نمایندگان مجلس مواجه شد.

(محمدرضا میرتاج‌الدینی) عضو هیات رییسه مجلس شورای اسلامی در این زمینه با تاکید بر روند سالم انتخابات گفت: نیازی به تشکیل کمیته صیانت از آرا وجود ندارد زیرا شورای نگهبان دولت و نیروهای اجرایی مورد اعتماد مردم هستند و امکان بروز هیچ مشکلی وجود ندارد. "محمدرضا میرتاج‌الدینی" روز شنبه در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی ایرنا با اشاره به اینکه هیچ اختلالی در روند انتخابات وجود ندارد و سیستم صیانت از آرا کاملاً رعایت می‌شود، تاکید کرد: امکان ندارد هیچ اختلالی در سیستم انتخابات به وجود آید و مطمئناً این انتخابات نیز مانند دوره نهم انتخابات سالمی خواهد بود. میرتاج‌الدینی تصریح کرد: هم اکنون روند انتخابات به خوبی پیش می‌رود و هیچ مشکلی در آن وجود ندارد و تاکنون هم در هیچ دوره‌ای مشکلی برای آرای انتخابات ریاست جمهوری پیش نیامده و بعد از این هم نخواهد آمد. وی اظهار داشت: این درست نیست که برخی از جریان‌های روند انتخابات را به ناسالم بودن متهم می‌کنند. میرتاج‌الدینی تاکید کرد: مردم هیچ نگرانی نداشته باشند و بدانند که نیروهای اجرایی به وظایف خود آگاه هستند و اجازه نمی‌دهند تخلفی در روند انتخابات رخ دهد. او اظهار داشت: روند و سیستم فعلی بسیار مناسب است و هیچ دلیلی بر تشکیل کمیته صیانت از آرا وجود ندارد چون آرا مردم با وجود دولت و شورای نگهبان به خوبی محافظت می‌شود. او با اشاره به اینکه سلامت کلی انتخابات همیشه یک اصل بوده که رهبر معظم انقلاب به آن توجه و تاکید ویژه

داشته‌اند، افزود: انتخابات این دوره هم مانند دوره‌های قبل به نحو احسن برگزار می‌شود و هیچ خللی در آن به وجود نمی‌آید.

سخنگوی شورای نگهبان تشکیل کمیته صیانت از آرا را خلاف قانون و مقررات دانست و به نامزدهای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری و نیز همه گروه‌های سیاسی اطمینان داد که این شورا همچون سی سال گذشته با بی‌طرفی وظایف خود را نسبت به اجرای قانون انتخابات به انجام خواهد رساند. به گزارش خبرنگار سیاسی ایرنا، وی تأکید کرد: شورای نگهبان در سی سال گذشته نشان داده است که با بی‌طرفی و غیرجانبدارانه عمل می‌کند و اسناد و مدارک موجود در خصوص انتخابات مخالف و رسیدگی به شکایات افراد مؤید آن است. سخنگوی شورای نگهبان تصریح کرد: این که در همه انتخابات در حوزه‌هایی ابطال و تأیید انتخابات دیده می‌شود به معنی آن است که شورا به وظایف خود عمل می‌کند. کدخدایی تأکید کرد: هیچ نیازی به ابراز نگرانی به این گونه موارد نیست و شورای نگهبان با رعایت بی‌طرفی نسبت به اجرای قانون انتخابات، وظایف خود را به انجام خواهد رساند.

ساعتی پس از مصاحبه کدخدایی، علیرضا بهشتی عضو شورای راهبردی ستاد میرحسین موسوی و از مدافعان تشکیل کمیته صیانت از آرا، در گفت و گو با قلم نیوز مدعی شد که تشکیل کمیته صیانت از آرا نه تنها برخلاف قانون نیست بلکه در حمایت از قانون است.

(حمید رسایی) نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی نیز در اظهار نظر جالبی گفت: شورای نگهبان همان کمیته صیانت از آرا است و به خوبی از آرا مردم

صیانت می‌کند. "حمید رسایی" روز شنبه در گفت و گو با خبرنگار سیاسی ایرنا در خصوص اینکه برخی اصلاح طلبان بر تشکیل کمیته صیانت از آرا تاکید کرده‌اند، گفت: ۶ نفر از فقهای جامع الشرایط، ۶ حقوقدان خبره در شورای نگهبان کار صیانت از آرا را بر عهده دارند و سخنان اینچنینی توهین به مردم، مسوولین، قوای مختلف و شورای نگهبان است. رسایی با تاکید بر اینکه بین اصلاح طلبان اختلاف وجود دارد، افزود: این دوستان باید کمیته صیانت از آرا را در جناح خود تشکیل دهند، به دلیل اینکه آنها با درگیری درونی مواجه‌اند و برخی از میرحسین موسوی و برخی از کروی حمایت می‌کنند به همین سبب بین آنان اختلاف ایجاد شده است. نماینده مردم تهران در مجلس ادامه داد: اصلاح طلبان باید سعی کنند، مانند دولت نهم مقبولیت اجتماعی پیدا کنند نه اینکه با این اظهارات خود را زیر سوال ببرند. رسایی گفت: قبلاً، ملی مذهبی‌ها هم چنین موضوعی را در خصوص اینکه باید نظارت‌هایی بر انتخابات صورت بگیرد، مطرح کرده بودند که رهبر معظم انقلاب در این خصوص موضع‌گیری کردند. این نماینده مجلس برخی اظهارات در این زمینه را بی‌احترامی به نظام جمهوری اسلامی دانست و تاکید کرد: نظام جمهوری اسلامی طی ۳۰ سال گذشته تقریباً هر سال یک انتخابات برگزار کرده و هیچ وقت شرایط به گونه‌ای نبوده که نیازمند تشکیل کمیته‌های صیانت از آرا باشد^{۱۴}.

در آن سخنرانی ایشان فرمودند: «بگونه‌ای عمل شود که دست نامزدها باز باشد»، اما کسی از دولتی‌ها و شورای نگهبان این فراز را نشنید. همیشه این پرسش برای مردم

^{۱۴} ایرنا کد خبر 430054

مطرح است که آیا رهبری فقط باید راهمائی کنند، یا در چنین مواقع و موارد مهم برای کشور کسی بیرون از دعوا را برای پیگیری اجرائی هم معین نمایند؟

از جمله کسانی که در توجیه کارشان به این سخنرانی استناد کردند، اعضای شورای نگهبان بودند. آیت الله جنتی در دیدار ۵ فروردین با ناظران شورای نگهبان در بوشهر از آقای احمدی نژاد با شدت و حدت زیادی پشتیبانی کرد. آقای مهدی کروبی دبیر کل حزب اعتماد ملی نیز طی نامه سرگشاده‌ای به این رفتار وی اعتراض نمود و شورای نگهبان هم متعاقباً طی اطلاعیه‌ای از کار آقای جنتی جانبداری کرد. در زیر بخش‌های مهم این دو نامه را جهت تأمل بیشتر خوانندگان نقل می‌کنیم. آنچه در این ماجرا گم شده و اعضای شورای نگهبان و خود آقای جنتی و سخنگوی شورا آقای کدخدائی به عمد از کنار آن گذشته‌اند، این است که آقای جنتی در جمع کسانی سخن می‌گفت که قرار بود بر انتخابات بعدی نظارت کنند، در عین حال آقای جنتی در این زمان به علت آغاز فعالیت نظارتی شورای نگهبان و همان سخنانی که از آقای کدخدائی در مورد مراقبت پیوسته این شورا نقل کردیم، در حال انجام وظیفه بوده است. ایشان «هرکسی» نبودند که این سخنان را می‌گفتند، بلکه رئیس شورا و رئیس هیئت نظارت شورای نگهبان بودند و در حال تذکر رعایت بی‌طرفی به ناظرانشان بودند!! ما داوری را به خود خواننده واگذاشته و به ارائه بخش‌هایی از این مکاتبات می‌پردازیم. نامه دبیر کل حزب اعتماد ملی و کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم:

اعضای محترم شورای نگهبان قانون اساسی ...

جایگاه قانونی آن نهاد محترم در پاسداری از دین و قانون همواره به شورای نگهبان موقعیتی منحصر بفرد داده است. این شورا در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهادی فرادست نهادهای دیگر تعریف شده که متناسب با شرایط علمی و دینی و اخلاقی لازم برای تصدی عضویت در شورا دارای قدرتی قانونی و نظارتی عالی به ویژه در انتخابات است. انتخابات به عنوان مجرای جمهوریت نظام از این حیث تحت نظارت شورای نگهبان قرار گرفته که این شورا به علت جایگاه فرا جناحی و بی طرفی سیاسی برآمده از قانون و مختصات اعضای خود به سلامت برگزار شود و در معرض دیدگاه فردی و جناحی قرار نگیرد. این نقش به خصوص در انتخابات ریاست جمهوری برجسته تر می شود چرا که اگرچه براساس قانون اساسی نظارت بر انتخابات مجلس به شورای نگهبان سپرده شده اما کیفیت آن را قانون مصوب مجلس تعیین می کند. این در حالی است که نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و ضمانت قانونیت آن کاملاً برعهده شورای نگهبان است. بدیهی است نقش شورای نگهبان در این مورد حساس تر خواهد بود و از این رو ناظران این شورا باید کاملاً بی طرف باشند و از جایگاه قانونی آن پاسداری کنند. ... ناظر جانبدار اصولاً ناظر نیست، بازیگر است. اکنون در شرایطی که دو ماه و اندی به انتخابات مانده است و در موقعیتی که فضای جامعه ایران به شدت سیاسی و تحت تاثیر انتخابات ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ است متأسفانه از برخی اعضای شورای نگهبان رفتاری دیده می شود که ناقض جایگاه قانونی این نهاد است. قدیمی ترین عضو شورای نگهبان که در جایگاه دبیری آن هم نشسته است در جلسه ای که اخیراً برای ناظران این شورا در انتخابات ۲۲ خرداد برگزار شده است به ستایش یکی از

نامزدهای انتخابات (شخصی که هم‌اکنون رئیس‌دولت است) می‌پردازد و از سیاست‌های او در محو فقر و تبعیض و محرومیت‌زدایی تجلیل می‌کند گرچه حتی در مضمون سخنان جناب آیت‌الله جنتی درباره آقای محمود احمدی‌نژاد اختلاف نظر وجود دارد اما مهمتر از آن، اصل و نفس جانبداری دبیر شورای نگهبان از یکی از نامزدها آن هم در جلسه ناظران شورای نگهبان است که طبق قانون باید بی‌طرف باشند. این تخلف آشکار از جایگاه قانون شورای نگهبان درست در زمانی رخ می‌دهد که مقام معظم رهبری در سخنرانی مهم خود در آغاز سال جدید در مشهد مقدس بر بی‌طرفی همه نهادهای حکومتی در انتخابات ۲۲ خرداد تاکید کرده‌اند و میان رای شخصی و وظیفه قانونی نهادهای حکومتی تفکیک قائل شده‌اند. ... اگر جناب آقای جنتی از مقام عضویت در شورای نگهبان استعفا می‌دادند و در نقش رهبر یک حزب یا جناح سیاسی این گونه از نامزدی خاص تجلیل می‌کردند نه تنها از مواضع ایشان انتقاد نمی‌کردیم بلکه از اینکه به رفتاری شفاف دست زده‌اند از ایشان تقدیر می‌کردیم اما اکنون که قصد دارند شورای نگهبان را از نهادی قانونی به حزبی سیاسی تغییر دهند این حق را برای خود قائل هستیم که از سلامت انتخابات نگران باشیم. در واقع هنگامی که پیر شورای نگهبان از نامزدی خاص در جمع ناظران دفاع می‌کند از ناظران جوان آن چه انتظاری می‌توان داشت که جز این دریابند که باید همان فرد خاص برنده انتخابات ۲۲ خرداد باشد؟

شورای نگهبان برای این تاسیس شده که اگر نهادی یا گروهی تخلفی را در انتخابات انجام داده به آن شکایت ببریم اکنون ما از جناب آقای جنتی دبیر محترم شورای نگهبان به کجا شکایت ببریم؟ بدین ترتیب چاره‌ای نمی‌ماند جز از آنکه از

خود اعضای شورای نگهبان به‌ویژه آیات محترم آقایان مؤمن و یزدی^{۱۵} بخواهم به جناب آقای جنتی تذکر داده شود و تاکید می‌کنم که ورود به انتخابات به‌ویژه این دوره مستلزم سختی‌های بسیاری است که بخشی از آن به رقابت‌های درونی جناح‌ها و بخشی دیگر به جناح‌های سیاسی مقابل باز می‌گردد. اینجانب ... اجازه نمی‌دهم در حق کسانی که از رای خود استفاده می‌کنند اجحاف و ظلم شود. نتیجه انتخابات می‌تواند خلاف رای من تحقق یابد و هر کس که رای مردم را به دست آورد رئیس‌جمهور قانونی کشور است و ما نیز به رای مردم تمکین می‌کنیم اما تسلیم تخلف نخواهیم شد. هشدار فقهای بزرگ و حقوقدانان گرامی شورای نگهبان به اعضای که از جایگاه و حدود قانونی خود تجاوز می‌کنند پاسداری از جایگاه شورای محترم نگهبان است و پاسداری از جایگاه شورای نگهبان پاسداری از سلامت و آزادی انتخابات است.^{۱۶}

فریادهای آقای کروبی در این نامه که صدایی در چاه ویل بود، نه تنها از سوی ایشان، بلکه توسط همه مردمی که ناظر این جانبداری‌ها بوده اند تا به امروز در فضای کشورمان طنین انداز است و متأسفانه با نفیر نفسگیر گلوله نظامیان درآمیخته است. کسانی به عمد چنین القاء کرده اند که نامزدهای معترض چون وارد این بازی شده اند باید به نظریه این شورای نگهبان در مورد نتیجه انتخابات تن در دهند. اما واقعیت هدف از ورود به مبارزه انتخاباتی مبارزه با قانونگریزی و عمل به اجتهاد شخصی بدون توجه به قانون اساسی و الزامات شرعی در مورد عدالت بود. هر سه

^{۱۵} نام بردن از این دو نفر شاید به عمد بوده چون آنها هم از پشتیبانان آقای احمدی نژاد بوده و هستند.

۱۶ روزنامه آفتاب ۱۸ فروردین ۸۸

نامزد معترض مکرر اعلام داشتند که می‌خواهند امور را به مجرای قانونی آن بازگردانند و نزاکت سیاسی بر اساس تعالیم دینی را برقرار نمایند. این دسته از توجیه‌گران نتیجه انتخابات و رفتار ناپسند و خلاف قانون شورای نگهبان باید متقابلاً پاسخ بدهند که دست کم آقای کروبی با آن سابقه نام‌نگاری‌اش با رهبری و شورای نگهبان و با همین آقای جنتی در دور قبل چرا باید تأیید صلاحیت می‌شد. این نامه را ایشان پیش از تأیید صلاحیتش نوشته است، آنها می‌دانستند که ایشان روی حرفش خواهد ایستاد و بر رفتار نکوهیده شورای نگهبان اعتراض نموده و داوری این چنینی آن را نخواهد پذیرفت. با اینحال چرا آنها او را تأیید صلاحیت کردند؟ آقای موسوی و همکارانش در کمیته صیانت از آراء هم مواضع مشابهی داشت، چرا تأیید صلاحیت شد؟ دست اندرکاران ثقلب و کودتا گمان می‌کردند که با وارد کردن این سه نفر تنور انتخابات داغ می‌شود و می‌توانند از مشارکت مردم سوء استفاده سیاسی بکنند، اما عواقب آن را درست نسنجیده بودند و به هشدارهای دلسوزانی مانند آقای هاشمی رفسنجانی با اهانت پاسخ دادند. در حقیقت آنها بازی را که تدارک دیده بودند، بطور کامل باختند. این سه نامزد که داعیه نشان دادن قانونگریزی حاکم بر کشور را داشتند و از حاکمیت تحجر یا تصمیمات کتره‌ای و فله‌ای عوام فریبانه در کشور انتقاد و نگرانی جدی داشتند، با صبر و متانت وارد این بازی تدارک شده از سوی حریف شدند و نقش تاریخی خود را در افشای ماهیت این تفکر بخوبی ایفا کردند. آقای رضائی که کم حرفترین نامزدها است و خیلی دیرتر از این وقایع وارد عرصه کارزار شد، در آخرین اعلامیه‌اش در مورد پس گرفتن شکایتش خطاب به شورای نگهبان نکته‌ای را متذکر شد که فقط آنها

می توانستند معنای این حرف را بفهمند. ایشان با اشاره به اینکه «فضای کشور امنیتی - سیاسی شده است» از پیگیری شکایت صرف نظر کردند. کسانی که فضا را «امنیتی - سیاسی» کرده بودند این اشاره را بخوبی دریافتند و از آقای کدخدائی خواستند که پاسخ وی را با تحقیر بدهد که صد البته نتیجه‌ای جز تحقیر خودشان نداشت. این سخن آقای کدخدائی را بموقع نقل خواهیم کرد.

بدنبال نامه آقای مهدی کروی شورای نگهبان پاسخ تأسفباری داد که تاریخ در داوری اش در مورد انگیزه پیشین موجود در دستگاه حاکمه برای تقلب و تزویر حتماً به آن استناد خواهد کرد. گزیده بخشهای مهم این نامه بدین شرح است:

"... متأسفانه در روزهای اخیر به بهانه سخنان اخیر آیت‌الله جنتی دبیر محترم شورای نگهبان در جمع مردم در حوزه علمیه بوشهر، مجدداً مطالبی پیرامون انتخابات از سوی برخی افراد مطرح شده است که ذکر توضیحات زیر ضروری به نظر می‌رسد: الف) با توجه به نزدیک شدن به ایام انتخابات، سخن گفتن با هدف تلاش برای جلب توجه افکار عمومی نباید موجبات تخریب برخی نهادها و ارکان نظام را فراهم کند و دشمنان و بدخواهان انقلاب و مردم مسلمان کشورمان را به طمع وادارد. ب) همانگونه که مقام معظم رهبری در سخنان نوروزی خویش ... فرمودند...: «من می‌گویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است. حمایت کردن از خدمتگزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند؛ این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجوئی‌ای از محرومین، از هر ایستادگی‌ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال می‌کنم

و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.» (ج) با رجوع به متن سخنان آیت‌الله جنتی دبیر محترم شورای نگهبان - که متأسفانه از سوی برخی نشریات به صورت ناقص مورد استفاده قرار گرفته - بیان خدمات دولت‌های پس از انقلاب که همه در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی تلاش نموده‌اند را نمی‌توان به منزله جانبداری از «فرد خاص» یا «نامزدی خاص» تلقی نمود. ایشان بیان داشته است: «... دو سه سال اخیر یک وضع جدیدی پیش آمد که سابقه نداشت و آن، رسیدگی **فوق‌العاده** و بیش از پیش به مردم؛ سرزدن به شهرستان‌ها و احترام قائل شدن برای مردم محروم و قشر مستضعف؛ و همان‌هایی که انقلاب را آنها با رهبری امام(ره) به وجود آوردند و حمایت کردند و دفاع کردند؛ همان قشر فراموش شده تاریخ، و همان‌هایی که امام بزرگوار می‌فرمودند؛ این انقلاب مال مستضعفین است. انقلاب پابرنه‌هاست. در این دو سه سال اخیر به این‌ها بهای بیشتری داده شد و این‌ها فهمیدند که مورد عنایت مسئولان نظام هستند و نظام برای اینها ارزش قائل است و به مشکلات این‌ها می‌پردازد و تا جایی که می‌تواند مشکلاتشان را حل می‌کند. و **یک دولت پرکار و پرتلاشی که ما سابقه این جوری نداشته‌ایم** به وجود آمد که زبانزد خاص و عام شد. تلاش و کوشش در حد اعلا...، مبارزه با فساد در حد توان و در حد قدرت. مسئله اجرای عدالت، هم در شعار و هم در عمل، تحقق پیدا کرد در حد امکانات و اجمالاً یک وضع جدیدی به وجود آمده. این حالت **اگر تداوم پیدا بکند** می‌تواند واقعاً نظام را به آن هدف اصلی خودش نزدیک بکند.» (د) آیت‌الله جنتی بلافاصله پس از این جملات تصریح کرده‌اند که «در این سی سال» دولتها زحمت زیادی کشیده‌اند و باید در آینده بیش از گذشته تلاش شود: «در عین

این که در این سی سال، کار خیلی شده و اجر همه با خدا، و باید واقعا ما تقدیر کنیم از همه کسانی که در این راه زحمت کشیده‌اند و کار کرده‌اند ولی تا مقصد نهائی، فاصله بسیار زیادی هست. خب این فاصله باید کم شود، به تدریج کم بشود...» ه) دبیر محترم شورای نگهبان همانند گذشته در این سخنرانی هم تاکید کردند که بر اساس وظیفه‌ای که قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان نهاده است، این شورا تمام تلاش خود را برای تضمین سلامت انتخابات به کار خواهد بست و به مردم کشورمان اطمینان می‌دهد از تک تک آرای آنان **صیانت** خواهد کرد. ایشان در این باره می‌گوید: «...ما تاکید می‌کنیم که ناظرین ما باید واقعا پایبند به مسائل دینی شان باشند، تعهد جدی داشته باشند، و جاهت مردمی داشته باشند. همین قدر که مردم بدانند اینها نظارتی‌اند خیالشان راحت باشد. دیگر وسوسه‌های شیاطین در مردم اثر نکند. همین شیاطینی که دارند مرتب از مدتها شروع کردند به انتقاد کردن. مقام معظم رهبری هم در سخنرانی مشهدشان اشاره کردند که چون تا حدود زیادی می‌دانند که آن خواسته‌های آنها عملی نمی‌شود، مردم آنها را قبول ندارند و خودبخود جریان آنها به طرف دیگر می‌رود، وسوسه می‌کنند در سلامت انتخابات، مناقشه. جلوجلو از مدتها قبل، از شاید بیش از شش ماه قبل، این کار شروع شده و آن هم از زبان بعضی کسانی که ازشان انتظار نیست. قبلا هم این حرفها بوده ولی الان یک مقداری بیشتر شده. باید شورای نگهبان کاری بکند و تا حالا هم بحمدالله این موفقیت را داشته، که مردم اعتمادشان به شورای نگهبان باشد.» (و) بدیهی است که همه افراد نسبت به مسائل سیاسی و نامزدهای انتخاباتی نظری خاص دارند، اما چنانکه حضرت آیت‌الله جنتی در این سخنرانی هم تاکید کرده‌اند، مسئولان

برگزاری انتخابات و ناظران نباید نظر خود را در روند اجرا و نظارت، دخالت دهند. دبیر شورای نگهبان در این خصوص یادآور می‌شود: «امکان ندارد کسی نظری نداشته باشد... ولی نباید نظر خودش را در اجرا اعمال بکند... بی طرف به معنی اینکه در انجام وظیفه خودش طرفداری از کسی نکند.» (ز) آیت‌الله جنتی بر خلاف برداشت نادرست برخی از افراد، تصریح می‌کند که ناظران باید با دقت برای حفظ آرای مردم تلاش کنند و از آنجائی که معجری انتخابات، بخشی از دولت است باید ناظران اهتمام جدی برای انجام وظیفه قانونی خود داشته باشند. ایشان تصریح می‌کند: «معجری انتخابات، دولت و وزارت کشور است. ولی این ناظر است که باید بر کار وزارت کشور هم نظارت کند. هم بر کار رأی‌دهندگان سر صندوق نظارت بکند و هم بر کار وزارت کشور نظارت بکند.

اصلا هنری که قانون اساسی کرد همین بود که در عین اینکه اجرای انتخابات را به عهده وزارت کشور گذاشت ولی چون وزارت کشور یک عضو از دولت است، اگر بنا باشد تمام این اختیارات دست وزارت کشور باشد، ممکن است دولت به وسیله وزارت کشور، آراء را به نفع خودش تمام کند و آنها دخالت بکنند در آراء. قانون اساسی، شورای نگهبان را گذاشته تا وابستگی به هیچ رکنی از ارکان جمهوری اسلامی نداشته باشد و تحت نفوذ جایی نباشد... این استقلالی که شورای نگهبان دارد، این برای همین است که هیچ کسی درش نفوذ نکند که آراء را این جور بکن یا آن جور بکن، این جا را باطل بکن، آنجا را تائید بکن.» (ح) متأسفانه موضع‌گیری این افراد بر مبنای برداشتی ناقص از سخنان دبیر محترم شورای نگهبان اتخاذ شده و دشمنان انقلاب اسلامی و مردم کشورمان را به تلاش برای تضعیف این

نهاد مقدس تشویق کرده است. در حالی که این موضع‌گیری برخلاف نص صریح بیانات راهبردی رهبر معظم انقلاب در نوروز امسال است که فرمودند: «مبادا نامزدها در اثنای فعالیت‌های انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. رقابت‌ها را منصفانه کنند، حرف‌ها را منصفانه کنند، از جاده انصاف خارج نشوند ... انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه الهی انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟» (ط) یکی از اهداف **دشمنان** انقلاب تخریب شخصیت‌های خدوم نظام اسلامی است که همواره مورد تایید حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری بوده‌اند. با توجه به نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری و گرم شدن بازار تبلیغاتی کاندیداهای احتمالی انتخاباتی، از همه فعالان سیاسی، نامزدهای انتخاباتی و احزاب، گروه‌ها و رسانه‌های هوادار آنان انتظار می‌رود مراقب گفتار و نوشتار خود باشند تا خدای ناکرده موضع‌گیری آنان موجب سوءاستفاده **دشمنان** انقلاب در جهت تخریب نهاد مقدس شورای نگهبان و شخصیت‌های انقلابی قرار نگیرد.^{۱۷}

شورای نگهبان می‌گوید آقای جنتی همان سخنان رهبری را گفته است، پس اشکالی به او وارد نیست؛ اشکال‌کننده هم آب به آسیاب **دشمن** می‌ریزد و دوست را **دشمن** می‌گرداند. ملاحظه کنید که همان چماق است و مسیری که همه حتی خودشان را هم آچمز می‌سازد. کسی را که دشمن شادکن است و دوست را دشمن می‌گرداند پس از این اعلامیه تأیید صلاحیت کردند که از سوی مردم برای ریاست

17 روزنامه آفتاب شماره ۲۰ فروردین. ایرنا در همان تاریخ کد خبر 427532.

جمهوری انتخاب شود، سمتی که خودشان در اهمیت آن در همین جا داد سخن داده‌اند، او قرار است شخص دوم مملکت و شخص اول سیاسی کشور گردد!! همین دوگانگی است که کشور ما را امروز دچار بحران ساخته است. عدالت شرعی در این شورای نگهبان و سایر سمت‌هایی که باید با اتکاء به آن در جایگاهشان قرار بگیرند به چه معناست؟

شما یکبار دیگر از موضع داوری بی طرف این اعلامیه را که مخصوصاً با هدف تبلیغ مجدد برای آقای احمدی‌نژاد از سوی شورای نگهبان تنظیم شده است، بخوانید. آیا پاسخ آقای کروبی مستلزم تکرار این همه حرف در خصوص برتری آقای احمدی‌نژاد بود؟ هدفشان هرچه بود، سند خوبی برای ما و شما از خود بیادگار نهاده‌اند، ردپائی از بی‌صدافتی و عزم پیشین برای تغییر در آرا که از مصادیق بارز تقلب است. بند ج از این اعلامیه را تکراراً در برابر نگاه شما قرار می‌دهیم: "ج) با رجوع به متن سخنان آیت‌الله جنتی دبیر محترم شورای نگهبان - که متأسفانه از سوی برخی نشریات به صورت ناقص مورد استفاده قرار گرفته - بیان خدمات دولت‌های پس از انقلاب که همه در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی تلاش نموده‌اند را نمی‌توان به منزله جانبداری از «فرد خاص» یا «نامزدی خاص» تلقی نمود. ایشان بیان داشته است: «... دو سه سال اخیر یک وضع جدیدی پیش آمد که سابقه نداشت و آن، رسیدگی فوق‌العاده و بیش از پیش به مردم؛ سرزدن به شهرستان‌ها و احترام قائل شدن برای مردم محروم و قشر مستضعف؛ و همان‌هایی که انقلاب را آنها با رهبری امام(ره) به وجود آوردند و حمایت کردند و دفاع کردند؛ همان قشر فراموش شده تاریخ، و همان‌هایی که امام بزرگوار می فرمودند؛ این انقلاب مال

مستضعفین است. انقلاب پابرهنه‌هاست. در این دو سه سال اخیر به این‌ها بهای بیشتری داده شد و این‌ها فهمیدند که مورد عنایت مسئولان نظام هستند و نظام برای اینها ارزش قائل است و به مشکلات این‌ها می‌پردازد و تا جایی که می‌تواند مشکلاتشان را حل می‌کند. و یک دولت پرکار و پرتلاشی که ما **سابقه** این جوری نداشته‌ایم به وجود آمد که زبانزد خاص و عام شد. تلاش و کوشش در حد اعلا...، مبارزه با فساد در حد توان و در حد قدرت. مسئله اجرای عدالت، هم در شعار و هم در عمل، تحقق پیدا کرد در حد امکانات و اجمالاً یک وضع جدیدی به وجود آمده. این حالت **اگر تداوم پیدا بکند** می‌تواند واقعاً نظام را به آن هدف اصلی خودش نزدیک بکند.»^{۱۸}

18 مردم سابقه آیت الله جنتی را در این حمایت چشم و گوش بسته و شیفته از آقای احمدی نژاد از دوره پیشین بخوبی بیاد دارند. از جمله در نماز جمعه اردیبهشت سال ۱۳۸۵ چنان حرفهای غلوآمیزی درباره آقای احمدی نژاد زد که آقای کروی ابوزوار طی نامه ای شدید اللحن به وی پاسخ داد. در آن خطبه گفته بود: «این نامه **الهام خداوند** است (نامه به یوش) خداوند به مردم و این مملکت عنایت دارد و ما باید قدر این عنایت را بدانیم. این حرکت در تاریخ سابقه نداشته و ادامه‌ی راه امام (ره) در این راستا است. همان‌طور که امام هم در نامه‌ی خود به گورباچف اشاره کرد که قدرت شوروی رو به افول است. حال چه کسی جرأت دارد به آمریکا بگوید که قدرتش رو به افول است. آغازگر این حرکت امام بودند و آن نامه را به گورباچف نوشتند. رییس‌جمهور به همتای خود نامه نوشتند و این نامه واقعا نامه‌ی عجیب و غریبی است. به نظر من باید این نامه را بچه‌ها همه بخوانند. در مدارس و دانشگاه‌ها خوانده شود، صدا و سیما مکرر بخواند و در آینده نیز در کتاب‌های درسی قرار داده شود. این نامه چیز ساده‌ای نیست ... این مرد (آقای احمدی نژاد) واقعا مردی شجاع، متدین و مقتدر است که به حرف خود ایمان دارد. این مرد آبروی مملکت و اسلام است. همان‌طور که گفتم این نامه، الهام است و خداوند لطف دارد و می‌خواهد قدرت این مملکت

کجای این گفته‌ها که خودشان اقرار نموده‌اند، طرفداری بی‌طرفانه از کل مدیران ارشد نظام در سی سال گذشته است؟ اگر شما بودید و می‌خواستید از مردم بخواهید که با رأی دادن به احمدی‌نژاد موجبات «تداوم» «این وضع جدید» ادعائی را فراهم کنید، چه چیزی بیش از این داشتید که بر آن بیافزائید. این سخنان در کنار ادعای بی‌طرفی آنهم در برابر نظار انتخاباتی شهرستانها که خودشان را پیرو و ارادتکیش آقای جنتی‌ها می‌انگارند، انسان را بناگزیر یاد رباعی منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی می‌اندازد که در قدح شخصی به نام «نظام» سروده است:

نظام بی‌نظام ار کافر خواند --- چراغ کذب را نبود فروغی

مسلمان خوانمش زیرا که نبود --- مکافات دروغی جز دروغی^{۱۹}

آقای جنتی در این سخنرانی هنگامی که به نظار خودش بی‌طرفی را آموزش می‌دهد، به آنها می‌گوید: «بگونه‌ای عمل شود که دست نامزدها باز باشد»، این در حالی است که همه ناظران حاضر در آنجا می‌دانند آقای جنتی در همین زمان ایراد سخنرانی مشغول انجام وظیفه است، او به عنوان دبیر شورای نگهبان و رئیس هیئت مرکزی نظارت درباره انتخاباتی با آنها صحبت می‌کند که در زمان ایراد این

را زیاد کند و به این نحو الهام می‌کند. در داخل و خارج کجا چنین نامه‌ای نوشته شده است که این‌گونه همه را مبهوت کرده باشد.»

آقای مهدی کروی در پاسخی دندان شکن نوشتند: "از سخنان اخیر شما به راستی برای حفظ جمهوریت نظام و حرمت روحانیت و حفظ باورهای دینی مردم احساس خطر می‌کنم."
19 اتفاقاً بیت دوم این شعر که در ابداع البدایع نیز آمده است، توسط یکی از زخم خوردگان شمشیر کور و بی‌عدالت نظارت استصوابی در شکوائیه ای قبلاً در جریان انتخابات مجلس هشتم خطاب به آقای جنتی نوشته بود.

سخنرانی شورای نگهبان در حال انجام وظیفه مهم نظارتی و همان تکلیف صیانتی‌اش از آرا است.

شما مردمی که در انتخابات اخیر شرکت کرده‌اید، صرف نظر از اینکه به چه کسی رأی داده‌اید، بین خود و خدایتان داوری فرمایید که چنانچه یکی از هواداران آقای میرحسین موسوی روز انتخابات یا روز قبل آن در یک کیلومتری ستاد آقای احمدی‌نژاد یا محل اخذ رأی نوشته‌ای به این مضمون بدستش می‌گرفت که: «با وجود نخست وزیر زمان دشوار جنگ که دولتش را امام دولت خدمتگزار می‌نامید، مسئله اجرای عدالت، هم در شعار و هم در عمل، موضوع محوری سی سال گذشته، تحقق پیدا می‌کند و با فساد مبارزه می‌شود»، یا با این مضمون که «با وجود نخست وزیر دوره امام راحل خدمت سی ساله به مستضعفان تداوم پیدا می‌کند»، آیا داد و فریاد شورای نگهبان و نظار آن و ستادهای رقیب به آسمان بلند نمی‌شد؟ آیا استدلالی مشابه برهان شورای نگهبان از این شخص پذیرفته می‌شد؟ اگر کسی پاسخ مثبت بدهد، باید قانون انتخابات را لغو بداند؛ اتفاقاً این شورا قانون را مطلقاً لغو می‌داند و این گزارش آن را نشان می‌دهد.

پس از انتخابات که بازار اتهام از همه بوقهای رسمی حکومتی داغتر گردید تا صدای اعتراض مردم را خفه کند، پیوسته آقای جنتی و سایر سخنگویان حکومتی مکرر نامزدهای معترض و بویژه جناب آقای موسوی را بی‌دلیل متهم کردند که ایشان مردم را برای اعتراض به خیابانها کشانید و تظاهرات بدون مجوز راه انداخت و در نتیجه ما عده زیادی را کشتیم و زندانی کردیم و دست شکنجه‌گران سپردیم، بنا بر این، موسوی محکوم است. این در حالی است که دستکم شخص آقای موسوی

در هیچ جایی و هیچ موقع از مردم تقاضای شرکت در تظاهرات بدون مجوز نکرده‌اند و تنها اعلام نموده‌اند که از وزارت کشور برای فلان روز تقاضای مجوز شده است و بمحض معلوم شدن عدم موافقت وزارت کشور به مردم اطلاع داده‌اند که چون مجوز صادر نشده است از حضور در محل مقرر خودداری فرمایند. مردم معترض در اعتراض به رأی پامال شده خودشان این حرکت عظیم را براه انداختند و آن چوب باتوم و گلوله زهرآگین را بجان خریدند تا چهره ننگین خشونت را محکوم نمایند. اینها می‌گویند چون مردم هوادار موسوی تظاهرات کرده‌اند و از اعتراض او پشتیبانی کرده‌اند، پس موسوی محکوم است، حتی اگر با اعلان قبلی برای بازگرداندن مردم به خانه‌هایشان به میان آنها رفته باشد. بله، آقای موسوی و دو نامزد دیگر، از مردم خواسته‌اند که اعتراضشان را فراموش نکنند و به آنها یاری کنند تا این اعتراض پیگیری شود. آیا این دسته نباید با همین استدلال که متکی به سندی نیست و افتراست، شورای نگهبان و سخنگوی آن و دولت و وزارت کشور را مستنداً محکوم نمایند که با بیان چنین سخنانی نظار و مجریان را به خلافکاری با هدف نجات کشور از دست «سکولار» و وابستگان اجنبی یا افراد ترسو در برابر «دشمن» و یا افراد ناپایبند به راه امام راحل تشویق کرده‌اند؟ مگر عمرو عاص در حکمیت صفین چه خدعه‌ای بکار برده و اشعری را گول زده بود که مانند آن در این ادعای بی‌طرفی مشاهده نمی‌شود؟ آنهم درست زمانی که شورای نگهبان رسماً در کار نظارت بر مقدمات انتخابات بوده است!

باز در ۸۸/۱/۲۲ آقای کدخدائی هجمه دیگری را آغاز کرد:

«آفتاب: سخنگوی شورای نگهبان قانون اساسی گفت: «این شورا در انتخابات ریاست جمهوری همچون همه انتخابات دیگر، بر اساس رعایت بی طرفی، رعایت اخلاق انتخاباتی و به صورت غیرجانبدارانه عمل خواهد کرد». خبرنگاری درباره نامه آقای کروبی به شورای نگهبان و شائبه‌هایی مبنی بر اینکه سخنان اخیر آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان طرفداری از محمود احمدی‌نژاد، بوده است پرسید، که سخنگوی شورای نگهبان گفت: ... «آنچه آیت‌الله جنتی گفته بود به هیچ وجه طرفداری از شخص خاصی نبوده بلکه بر روند کلی که در سی سال گذشته در نظام بوده، تاکید کرده است». ... وی افزود: «ما از این نامه تعجب کردیم و در روزهای آینده متن کامل سخنان آیت‌الله جنتی برای اطلاع افکار عمومی منتشر خواهد شد».^{۲۰} خبرنگار دیگری درباره پیشنهاد برخی احزاب برای تشکیل کمیته صیانت از آرا پرسید که کدخدایی گفت: «تشکیل هر نهاد جدیدی نیازمند قانون است و بنابراین ایجاد چنین کمیته‌ای، خلاف قانون و مقررات است». وی افزود: «شورای نگهبان در سی سال گذشته کاملاً بی طرف بوده و اسناد هم نشان می‌دهد که در همه ادوار، انتخابات، سالم برگزار شده است». وی افزود: «هیچ نیازی به ابراز نگرانی نیست و شورای نگهبان با رعایت بی طرفی بر اجرای انتخابات نظارت قانونی خواهد کرد».^{۲۱}

20 این متن منتشر نشد!

21 روزنامه آفتاب ۸۸/۱/۲۲

مثلی است مشهور که خانمی بچه‌اش را به غلام سیاه زشت‌رویی سپرده و دنبال کاری رفته بود. بچه جیغ می‌زد و بی‌تابی می‌کرد و غلام مکرر می‌گفت نترس من اینجام. بچه دست آخر داد زده بود که اصلاً ترس من از خود توست!

آیا شما می‌توانید این تصور را نزد خودتان هموار کنید که دستگاه‌های نظارت و اجرا با وجود ادعای سلامت کاری چرا باید از تصمیم مردم بر نظارت در کار بترسند و این همه جنجال‌آفرینی کنند؟ غالب احزابی که این مسأله را مطرح می‌کردند، تقاضای معینی از این دستگاه نظارت «بی‌طرف» نداشتند، شاید اینها می‌خواستند که شورای نگهبان برای ایجاد اطمینان از نیروهای آنها هم در نظارت بهره بگیرد و از یکدست کردن نظار و مجریان از هواداران احمدی‌نژاد خودداری نماید، که خواست بجایی بود. اما ترسی در عکس‌العمل‌های شورا و وزارت کشور دیده می‌شد که موجب دلهره در هواداران نامزدهای دیگر می‌گردید؛ دلهره‌ای که برای حکومت هیچ ارزشی نداشت و عاقبت به یک انفجار انجامید.

آیا آقای کدخدائی متن سخنان آقای جنتی را درست نقل کرده بود؟ آیا با عبور از آن بخش از سخنان ایشان که دولت را شاهکار تاریخ قلمداد می‌کرد، ناخواسته تأیید کرده بود که آنگونه سخنان کار رئیس دستگاه نظارت نیست؟ داور این نوشته شما خواننده عزیز هستید، تا چه داوری فرمائید! آقای کدخدائی آن بخش از سخنان آقای جنتی را که تبلیغ صریح بنفع آقای احمدی‌نژاده حذف کرده است چون می‌دانسته که آن جملات از زبان دبیر شورای نگهبان در قضاوت هر شنونده منصفی در حکم یک «فاجعه» برای انتخابات آتی است! و دیدیم که آن نوع سخنان و عملکردها سرانجام به فاجعه‌ای اثرگذار جدی در تاریخ ما انجامید.

بدنبال این تبلیغات و بیانات نادرست، آقای کامران دانشجو رئیس ستاد مرکزی انتخابات هم در ۸۸/۱/۲۵ بار دیگر به مخالفت با این خواست عرفی و اخلاقی و قانونی برخاست و در نشست خبری طی سخنانی که به سختی می‌توان سر و ته آن را جمع کرد ادعا نمود: "امانتداری آرای مردم را وظیفه خود می‌دانیم. وی یکی دیگر از وظایف وزارت کشور را ایجاد فضای رقابت سالم برای ارائه دیدگاههای متفاوت کاندیداهای ریاست جمهوری دانست و افزود: برای تحقق این وظیفه، راهبرد وزارت کشور، حضور و مشارکت حداکثری مردم است، علت انتخاب این راهبرد هم این است که حضور نمادین مردم در راهپیمایی‌ها به حضور کمی آن‌ها در پای صندوق‌های رای تبدیل می‌شود که این حضور قابل استناد است و با نوع انتخاباتی که در این دوره خواهیم داشت، نمی‌توان به آن شبهه‌ای وارد کرد."

توگویی دولت‌های پیشین در پی جذب حد اکثری مردم بیای صندوق‌های رأی نبودند.

"به هر حال حکومت‌های طاغوتی با موفقیت‌هایی که نظام در عرصه‌های مختلف از جمله فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای، هوا فضا و علوم پزشکی داشته است، ضربات بسیاری به ویژه از دولت نهم خورده‌اند و با وجود این که زمانی علم را تحریم می‌کردند و می‌گفتند حتی حق تدریس فیزیک اتمی را در دانشگاه‌هایتان ندارید، امروز به جایی رسیده‌اند که برای مذاکره با ما التماس می‌کنند."

شاید شما بتوانید میان آن مقدمه و این مؤخره رابطه‌ای برقرار کنید!

"وی افزود: به همین دلیل با هجمه‌های تبلیغاتی می‌خواهند مردم را از حضور در انتخابات دلسرد کنند، اما خوشبختانه مردم همیشه این حساسیت زمانی را درک و با

حضور پرشور و با شکوه خود در انتخابات چشم فتنه را کور خواهند کرد. از نظر درصد حضور مردم در انتخابات این دوره یک رکورد ثبت خواهیم کرد و این کار محقق نمی‌شود مگر با کمک رسانه‌ها؛ رسانه‌ها باید یاری‌گر ما در این عرصه باشند، چرا که رسانه‌ها به دنبال منافع ملی و مصالح عمومی کشور هستند."

شاید ایشان در ۸۸/۱/۲۵ از مشارکت ادعائی ۸۵٪ مطلع بود.

"رییس ستاد انتخابات در ادامه در پاسخ به پرسشی درباره مطرح کردن تشکیل کمیته صیانت از آراء از سوی برخی گروه‌های سیاسی افزود: قانون، وظایف را مشخص کرده است که طبق قانون، اجرای انتخابات و صیانت از آراء بر عهده وزارت کشور و نظارت بر صیانت از آراء به عهده شورای نگهبان است.

... قانون از ابتدا تا انتهای اجرای انتخابات، شورای نگهبان را ناظر دانسته است. اینکه عده‌ای این موضوع را مطرح می‌کنند که چنین کمیته‌ای تشکیل شود، من درآوردی است و به درد خودشان می‌خورد و بعضاً از جایی هم قفل‌ک می‌شوند که این حرف‌ها را بزنند، اما آن‌ها می‌گویند و ما هم می‌خندیم، چرا که مردم، قانون‌مدار و قانون‌گرا هستند و به برگزارکنندگان انتخابات اعتماد دارند. این حرف‌ها تبلیغات منفی است که با منافع ملی سازگاری ندارد و خوب است که به این گونه حرف‌ها پایان داده شود.

وی در ادامه درباره حضور نمایندگان احزاب بر سر صندوق‌های رای گفت: قانون چنین چیزی را پیش‌بینی نکرده است، اما برای اطمینان قلبی بیشتر، تعاملی را با احزاب آغاز کرده‌ایم که اگر نسبت به دوره‌های گذشته بیشتر نباشد قطعاً کمتر نیست و پیش‌بینی شده است که کاندیداها بتوانند نماینده داشته باشند.

دانشجو ادامه داد: در حال حاضر ۲۶۰ حزب دارای مجوز در کشور در حال فعالیت هستند که هر یک از کاندیداها مورد حمایت این احزاب قرار خواهند گرفت؛ بنابراین کاندیداها باید با تعامل با احزابی که از آنها حمایت می‌کنند این کار را انجام دهند تا احزاب نیز بتوانند پای صندوق‌ها حضور داشته باشند؛ چرا که معتقدیم احزاب در ایجاد شور و نشاط انتخاباتی نقش بسزایی دارند.^{۲۲} باز دقت کنید که ایشان هم تنها از حضور در سر صندوق‌ها سخن می‌گویند و نه در جلسات هیئت‌های اجرائی که قانون به آن تصریح کرده است.

براستی اگر به گفته‌ی ایشان آنهم طبق قانون «پیش‌بینی شده است که کاندیداها در سر صندوق‌ها و در سایر مراحل نماینده داشته باشند»، دلیل این همه هیاهو بر سر این موضوع چه بود؟ برای چه با آن مخالف بودند و سرانجام هم تسلیم شدند؛ اگرچه از همان روز انتخابات نخست سراغ احزاب فعال در کمیته‌های صیانت رفتند و سران آنها را دستگیر و با آن وضع موهن در تلویزیون و ادار به اعترافات پوچ و سخیف نمودند. در حقیقت چیزی پشت این مخالفت بود که پس از انتخابات روشن گردید. آنها با عزم پیشین برای تقلب از هرگونه درخواست مشارکت عامه در تمهید مقدمات و آموزش رأی دهندگان و شرکت در جمع معتمدین محلی هراس داشتند. آنها از حضور نظار نامزدها چنانکه خواهیم دید، برخلاف این ادعای خونسردانه آقای دانشجو ممانعت به عمل آوردند و در سر صندوق‌های مشخصی جمع مجریان و ناظرین را از میان افراد خود چیدند. علی‌رغم اینکه آقای دانشجو در همین مصاحبه خودش پاسخ خود و آقای کدخدائی را داده بود، روزنامه سرمایه نیز در

²² سایت فرمانداری تهران، کد خبر: IRN- 11722

مصاحبه با آقای مرتضی حاجی (وزیر آموزش و پرورش دولت اصلاحات) نوشت: "اظهارات سخنگوی شورای نگهبان درباره غیرقانونی خواندن کمیته صیانت از آرای انتخابات مبنای قانونی ندارد." حاجی ادامه می‌دهد: «این اظهار نظر منبع حقوقی ندارد زیرا طبق ماده واحده‌ای که با عنوان قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری برای نظارت بر انتخابات به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، هریک از کاندیداها به طور انفرادی یا با همکاری سایر کاندیداها حق دارند نمایندگانی را به محل‌های اخذ رای، شورای نظارت بر انتخابات و دستگاه شمارش آرا اعزام کنند.» به اعتقاد حاجی در تحلیل نهایی اساساً تشکیل کمیته‌های غیردولتی نیازی به اخذ مجوز از شورای نگهبان ندارد.²³

بعلاوه حقوقدانها به استناد اصل چهارم قانون اساسی که می‌گوید: "هیچ شخص و نهادی نمی‌تواند اختیارات و حقوق خودش را عامل تضعیف و نادیده انگاشتن حقوق دیگران قرار بدهد." معتقد بودند ادعای غیرقانونی بودن کمیته صیانت از آرا واهی است. در ۸۸/۲/۱۴ یعنی یک روز پیش از آغاز زمان تبلیغات نامزدها، آقای دکتر سید محمدرضا بهشتی طی سخنانی در همایش ستاد نسیم ۸۸ در اصفهان کوشید فضا را تلطیف و به قانونی بودن این خواسته تأکید نماید:

"به گزارش قلم نیوز، محمدرضا بهشتی، در همایش ستاد نسیم ۸۸ استان اصفهان، در پاسخ به یکی از پرسش‌ها درباره وضعیت کمیته صیانت از آرای مردم در انتخابات تأکید کرد: به گمان من تشکیل چنین کمیته‌ای به

²³ روزنامه سرمایه روز ۸۸/۱/۲۵

منزله کم اعتمادی به دستگاه‌های مجری و برگزارکننده انتخابات نیست و یا ابهاماتی در باره نحوه برگزاری انتخابات و توانمندی کسانی ندارد که می‌خواهند در عرصه انتخابات مسئولیتی را برعهده بگیرند. وی تصریح کرد: پر واضح است که دستگاه‌های رسمی و مجری انتخابات به وظایف خودشان باید به نحو احسن عمل کنند اما در مورد نظارت مردمی باید گفت نه تنها در کشور ما بلکه در همه جای دنیا به عنوان عاملی که پشتیبانی کننده از قوت انتخابات است، چنین کاری مرسوم است. بهشتی گفت: در این راستا کمیته صیانت از آرا نیاز به تبیین خوبی دارد و باید متذکر شوم که هدف از این کمیته به هیچ وجه ایجاد ابهام و ابهام نیست که آیا انتخابات خوب و آن طوری که شایسته است برگزار می‌شود یا نه، بلکه هدف نظام مند کردن نظارت عمومی در قانون انتخابات است.

دکتر امیر ارجمند استاد حقوق دانشگاه و مسوول کمیته حقوقی ستاد انتخاباتی مهندس موسوی نیز عنوان کرد: فعالیت‌های کمیته صیانت از آرا کاملاً قانونی و مسالمت آمیز است و به هیچ وجه به معنای مداخله در جریان رای گیری نیست. انتخابات، حق تعیین سرنوشت و تجلی کرامت انسانی است و اساساً مفهوم شهروندی ارتباط تنگاتنگی با حق انتخاب شدن و انتخاب کردن دارد. یعنی بدون اعمال صحیح این حق، شهروندی مفهوم واقعی نخواهد داشت و شهروند به مرتبه رعیتی تنزل پیدا خواهد کرد که در پی آن حاکمیت قانون نیز با مشکل اساسی مواجه خواهد شد. ... برگزاری این چنین انتخاباتی موجب تقویت و ایجاد تفاهم و احساس امنیت و هویت

برای جامعه، مردم و نهایتاً ارتقای مشروعیت می‌گردد. این در حالی است که فقدان ویژگی‌های برشمرده شده نیز موجب تقویت کانون‌های خشونت، عدم تفاهم، احساس عدم امنیت و تضعیف مشروعیت خواهد بود. بنابراین می‌توان ادعا کرد که حفاظت و صیانت از آرا، حفاظت و صیانت از ناموس شهروندان و ملت است. امیر ارجمند شرکت در انتخابات را حق شهروندان و صیانت از آرای آنها را تکلیف دولت دانست و تاکید کرد: طبق قانون، شورای نگهبان و هیات‌های اجرایی مکلف به صیانت از آرای شهروندان می‌باشند اما شهروندان و نهادهای مدنی نیز در این رابطه دارای حقوق و تکالیفی هستند. وی با استناد به اصل هشتم قانون اساسی که تکلیف الهی امر به معروف و نهی از منکر را میان مردم و دولت دو طرفه دانسته افزود: بر این اساس در حالی که صیانت از آرا تکلیف شورای نگهبان و وزارت کشور است، اما از سویی دیگر حق و تکلیف هر شهروند و نهاد مدنی در جامعه نیز هست. اگرچه هدف نهادهای حکومتی و مردمی در صیانت از آرا مشترک است اما مکانیزم‌های مورد استفاده متفاوت است. به اعتقاد این کارشناس حقوق، نامزدهای قانونی طبق موازین قانونی می‌توانند نمایندگان در مراحل مختلف اخذ رای داشته و بر رعایت موازین انتخاباتی سالم نظارت داشته باشند؛ اما نظارت بر سلامت انتخابات تنها محدود به نمایندگان نامزدها نیست بلکه حق همه شهروندان و نهادهای مدنی است که باید نسبت به مسئله حساس بوده و در فرهنگ سازی مشارکت کرده تا بتوانند از حقوق شهروندی خود دفاع کنند. این یک فعالیت مدنی است که نیاز به مجوز

ندارد، کاملاً قانونی و مسالمت آمیز است و به هیچ وجه به معنای مداخله در جریان رای گیری نیست. از شهروندان نمی توان انتظار داشت نسبت به سرنوشت خود و اتفاقاتی که تاثیر اساسی در آزادی، معیشت و زندگی آنان دارد بی تفاوت باشند و همه امور را واگذار به حکومت کنند. آنچه نهادهای حکومتی و رسمی انجام می دهند با فعالیت شهروندان و مردم متفاوت بوده و مکمل یکدیگرند.^{۲۴}

مبنای استدلال حقوقی آقای دکتر ارجمند روشن است، حکومت‌ها و ارگان‌های وابسته به حکومت و مسئولین مربوطه هر کدام بوکالت از طرف ملت و نیز از جانب آحاد مردم وظائفی را انجام می دهند، حال اگر «اصیل=مردم» در کنار وکیل بخواهد ناظر و صائن منافع خود باشد، این حقی است مسلم، قانونی، مقبول و مطابق موازین قطعی حقوقی عرفی و حقوق شرعی.

اما آیا به نظر شما چرا اینهمه داد و بیداد و فریاد در اردو گاه حکومتی و هواداران احمدی نژاد و روزنامه‌ها و سایت‌هایشان به راه افتاده بود؟ نخستین پاسخ ساده را بر اساس بینش و عملکرد این گروه می توان چنین مطرح کرد که جناح معتقد به تشریفاتی بودن حضور مردم در صحنه و تبلیغاتی بودن انتخابات و کشاندن مردم به پای صندوق با عناوین «دوره حساس و ویژه»، خطر خارجی، بیم نفوذ بی اعتقادهای داخلی و نظایر اینها حضور آگاهانه مردم و مشارکتشان در تدارک مقدمات انتخابات را با استفاده از ظرفیت‌های

قانونی مغایر بینش خود می‌بیند. آنها به مردم فقط برای رأی دادن نیاز دارند که به گفته آقای دانشجو بشود به دیگران نشان داد که نظام تا چه اندازه خوب عمل کرده است، از فردای رأی‌گیری مردم غیر قابل اعتماد می‌شوند. پاسخ دیگر را از ملاحظه نگاه شورای نگهبان و هیئت مرکزی نظارت بر قدرت تشخیص عامه مردم می‌توان اخذ کرد. اصرار بسیاری از حکومتیان و بخصوص شورای نگهبان بر نظارت استصوابی بر این مبنا استوار است که مردم نمی‌توانند افراد مؤمن و خوب را از غیر مؤمن تشخیص بدهند، بنا بر این، شایستگی مانند شورای نگهبان باید بدقت درون افکار نامزدهای مجلس شورای اسلامی یا ریاست جمهوری بکاوند و آنگاه با تشخیص خوب از بد، افرادی بالنسبه معتقد به مبانی انقلاب (مبانی بر اساس تفسیر خود آنها) را در معرض انتخاب مردم قرار دهند. اما این روش در حقیقت و بخصوص برای کنترل نمایندگان مجلس است که مراقب باشند اگر از مرزهای تعیین شده توسط این گروه تجاوز کرده و حرفهای زیادی بزنند، در دور بعد صلاحیت شان مردود خواهد شد؛ همانطوری که در مورد بسیاری از نمایندگان دوره‌های مختلف عمل شده است. آنها را بر خلاف نص صریح قانون اساسی به خاطر حرف‌هایی که در جهت ایفای وظیفه نمایندگی زده‌اند، رد صلاحیت کرده‌اند.

نمونه بارز این نگرش و تأثیر آن در این غوغاسالاری‌ها، نحوه برخورد شورای نگهبان با مفاد مواد ۳۸ و ۳۹ قانون انتخابات است. این دو ماده از اهم امور مقدماتی انتخابات در قانون است که از زمستان سال قبل محل

منازعه گروههایی مانند مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت و سایر اصلاح طلبان تحت عنوان تشکیل کمیته صیانت از آراء بوده است. با اندکی دقت در متن قانون محل نزاع و دخالت غیر قابل توجیه شورای نگهبان بخوبی روشن می شود:

"ماده ۳۸ - بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزیر کشور، فرماندار دستور تشکیل هیأت‌های اجرایی را به بخشداران صادر نموده و موظف است ظرف سه روز هیأت اجرایی انتخابات شهرستان را به ریاست خود و عضویت رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده وی و ۸ نفر از معتمدین تشکیل دهد.

*تبصره ۱ - در شهرستان و بخشهایی که شورای اسلامی شهرستان یا بخش تشکیل شده است یک نفر از اعضای شورا به انتخاب شورا، یکی از ۸ نفر معتمدین مذکور خواهد بود.

*تبصره ۲ - در صورت حضور دادستان در محل، نامبرده مکلف است شخصاً در جلسات هیأت اجرایی شرکت نماید.

ماده ۳۹ - سی نفر از معتمدین با تأیید هیأت نظارت و دعوت کتبی فرماندار ظرف دو روز از تاریخ دعوت، تشکیل جلسه داده و پس از حضور حداقل دو سوم مدعوین (بیست نفر) در حضور هیأت نظارت از بین خود یا خارج، ۸ نفر را (در صورت عدم وجود شورا) به عنوان معتمدین اصلی و پنج نفر را به عنوان معتمدین علی البدل هیأت اجرایی با رأی مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخاب می نمایند.

تبصره ۱ - تعداد اعضای هیأت‌های اجرایی شهرستان و بخش و کیفیت و مهلت تشکیل آنها یکسان است.

تبصره ۲ - معتمدین هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان نباید در انتخابات قبل مرتکب تخلفی شده باشند که در یکی از محاکم صالحه اثبات شده باشد.

تبصره ۳ - معتمدین این ماده باید دارای ایمان و التزام عملی به اسلام و قانون اساسی و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل مؤثر در تحکیم رژیم سابق و وابسته به گروههای غیرقانونی نباشند.

این قانون به هنگام تصویب پس از چندین نکته‌گیری شورای نگهبان سرانجام به تأیید این شورا رسیده و جنبه رسمی یافته است. اما در اجرا شورای نگهبان به همین مصوبه خود پایبند نماند و موجب نگرانی‌هایی شد که احزاب را به طرح تشکیل کمیته صیانت از آراء - آنها در چارچوب ظرفیت های قانونی - کشاند؛ طرحی که شورای نگهبان بدون دلیل موجه بسان یک کفرگوئی با آن برخورد کرد و به مردم اهانت نمود.

تبصره یک ماده ۳۸ صریحاً و به روشنی کامل نماینده منتخب شورای شهر یا بخش را یکی از اعضای هشت نفره معتمدین محلی شرکت کننده در هیئت اجرائی می‌داند. طبق این ماده، هیئت اجرائی که مسئولیت برگزاری انتخابات در محل خود را به عهده دارد مرکب است از: فرماندار (عنصر دولتی)، رئیس اداره ثبت احوال محل (عنصر دولتی) و نماینده دادستان محل یا نماینده او (این شخص هم به نحوی دولتی محسوب می‌شود) و هشت نفر از معتمدین محلی. بدین ترتیب قانون افراد حکومتی را در این ترکیب در اقلیت قرار داده است، سه نفر در برابر ۸ نفر.

در خصوص ترکیب این هشت نفر هم نکته ای را مراعات کرده است که هرچند بسیار تنگ‌نظرانه است اما روزنه‌ای است برای یک نظارت نسبتاً مستقل از همه

عوامل اجرائی دولتی یا دولت گزیده یا نظارتی شورای نگهبان. این روزنه در تبصره یک ماده سی و هشت گشوده شده است که می گوید: در شهرستان و شهر و بخشی که شورای اسلامی دارد، یکی از این هشت نفر را اعضای همان شورا از میان خود انتخاب و به فرماندار یا بخشدار معرفی می کنند. این امکان حتی برای شورای نگهبانی که خودش قانون را تأیید کرده است، قابل تحمل نیست. ماده ۳۹ نیز تصریح می کند فرماندار یا بخشدار ۳۰ نفر از معتمدین محلی را که به تأیید هیئت نظارت شهرستان رسیده اند دعوت می کند تا چنانچه شورا در آن محل نباشد از میان خودشان هشت نفر و اگر شورا در محل باشد هفت را از میان خودشان برای عضویت در هیئت اجرائی انتخاب کنند. این روش به روشنی تصریح دارد که اگر در محلی شورا باشد از میان سی نفر «تأیید شده توسط هیئت نظارت شورای نگهبان» فقط هفت نفر برگزیده می شوند؛ نفر هشتم را شورای شهرستان یا بخش از میان خودشان انتخاب می کنند. به عبارت دیگر این فرد لازم نیست مورد تأیید هیئت نظارت شورای نگهبان باشد چون مورد تأیید مردم محل خودش است و دارای سمت قانونی است، همانطور که دادستان و رئیس ثبت احوال و فرماندار یا بخشدار دارای سمت قانونی هستند. اما در عمل شورای نگهبان به این دلیل که بر انتخابات شوراهای شهر و شهرستان و بخش «نظارت استصوابی» ندارد، یعنی درون قلب آن افراد را نشکافته از دیانت مورد تفسیر خودش در این قلب مطمئن گردد، لذا مدعی است که باید نماینده شورای شهرستان هم از سوی شورای نگهبان یا هیئت نظارت آن شورا به تأیید دوباره برسد. به عبارت دیگر، شورای نگهبان تأیید صلاحیت فرماندار و رئیس ثبت احوال و دادستان را لازم نمی داند در حالی که در انتخاب آنها

هم نظارت استصوابی نداشته است، اما کشف صلاحیت ذاتی و درونی این یکی را به اصطلاح از نماز یومیه واجب تر می‌داند.

فهم عمیق این مسأله چهرهٔ بیمار مردم‌سالاری در کشور ما را که همگان آن را موهبت انقلاب اسلامی و آموزهٔ امام فقید انقلاب می‌دانند، بهتر نمایان خواهد ساخت. مصاحبهٔ آقای محتشمی پور در ۸۸/۲/۲۹ ماهیت این ویروس خطرناک را نشان می‌دهد:

"ما در پیگیری دغدغه‌هایی که برای بسیاری از نیروهای دلسوز انقلاب وجود دارد جدی هستیم. مردم نیز باید نسبت به آن حساس و جدی باشند و بیشتر توجه ما نیز روی نظارت عمومی مردم است. همان طور که اشاره کردید برخی می‌گویند که کمیته صیانت از آرا جنبه قانونی ندارد. من تعجب می‌کنم که این جریان‌ها (از شورای نگهبان یا از وزارت کشور) چه چیزی باعث شده که بیایند و این حرف را بزنند. این سخن برای شورای نگهبان، وزارت کشور و اصل نظام بار منفی دارد. همه باید استقبال کنند از جریانی که در جهت صیانت از آرای مردم فعالیت کند. چه نامزدهای انتخاباتی، چه دستگاه‌های اجرایی و چه دستگاه‌های نظارتی. منشوری پس از گذر زمان و مطالعات فراوان تمام دستگاه‌های سیاسی نظارتی و اجرایی کشور منتشر شده با عنوان منشور اخلاق انتخاباتی؛ که اخیراً وزارت کشور در دفترچه‌ای آنرا منتشر کرده و در اختیار گذاشته است. در همین جزوه ای که برای تدوین آن تمام دستگاه‌ها از جمله وزارت ارشاد، شورای نگهبان، وزارت کشور و همه دستگاه‌ها بر آن نظارت داشتند و منشوری قوی و مهم مفید است بحث صیانت از آرا مطرح شده و آمده است: «صیانت از آرا بر عهده همه مردم و دستگاه‌ها است». بسیار

خوب! اگر چنانچه صیانت از آرا بر عهده همه مردم است پس برای چه می گوئید این کمیته جنبه قانونی ندارد؟ خودتان گفته اید صیانت از آرا بر عهده تمام مردم است. بالاخره نامزد انتخاباتی که ممکن است رییس جمهور شود و رای مردم را بگیرد به عنوان نماینده مردم نمی تواند از آرا مردم صیانت کند؟ و به عنوان یک شهروند نیز حق دارد جمعی را به عنوان نماینده انتخاب کند تا از آرا مردم صیانت کند. اینکه عده ای به طور وحشت زده اصل تشکیل کمیته صیانت از آرا را رد می کنند این شبهه ایجاد می شود که چرا از اینکه مردم از آرایشان صیانت کنند وحشت دارند؟ چه چیز عامل این وحشت است؟ ما که معتقدیم باید صیانت از آرای مردم به اندازه ای بالا رود که مراجعه کنندگان به صندوق، خود، ناظر باشند و جلوی تخلف را بگیرند. نکته دیگر اینکه انتخابات در ایران مردمی است و پایه های زیربنایی تشکیل کمیته صیانت از آرا نیز همین است. در انتخابات، انتخاب کننده و انتخاب شونده مردم هستند و اینگونه نیست که شورای نگهبان ذی نفع باشد. بلکه مردم ذینفع هستند و مردم باید رای دهند. بر این اساس قانون، مکانیزم هایی را تعیین کرده است که بر اساس آن معتمدین محل باید جمع شوند و هیات های اجرایی نیز باید به انتخاب معتمدین محل تشکیل شود. اکنون سوال من از مردم این است که آیا هیچیک از شما تاکنون در سطح کشور شنیده اید که معتمدین محل شما در هیات های اجرایی انتخابات چه کسانی بوده اند؟ در گذشته روال بر این بود که در وزارت کشور چهره های برجسته دینی، دانشگاهی، کارگری و حتی آموزشی که مورد اعتماد مردم بودند اعلام می شدند و مردم نیز آن ها را می شناختند. بنابراین بر این اساس دغدغه تشکیل کمیته برخی برخوردهای شورای نگهبان بود که البته از

دور سوم نیز ما با برخوردهای این شورای نگهبان مساله داشتیم. آن‌ها معتمدین را قبول نداشتند و حتی می‌گفتند که صلاحیت معتمدین را نیز ما باید تشخیص دهیم و ما می‌گفتیم که این مردم هستند که باید معتمدین خود را تشخیص بدهند. بنابراین عدم اعلام و معرفی معتمدین جای سوال دارد. چرا آن‌ها معتمدین را معرفی نکردند که مردم پیش از شکل‌گیری هیات‌های اجرایی معتمدین خود را بشناسند؟ حتی هیات‌های اجرایی نیز باید اعلام شوند تا مردم بدانند اعضای این هیات‌ها چه کسانی هستند؟ ما می‌گوییم این اشخاص را به مردم معرفی کنید تا آن‌ها بدانند که چه جریانی انتخابات را برگزار می‌کند؟ این‌ها همان دغدغه‌هایی است که ما نیز به عنوان بخشی از مردم اقدامات جدی در راستای تحقق آن برای برگزاری سالم انتخابات صورت می‌دهیم.

آیا افکار عمومی نیز از اقدامات کمیته صیانت از آرای مردم آگاه خواهد شد؟ البته که به مرور زمان با مردم سخن خواهیم گفت و افکار عمومی را در جریان ریز مسایل قرار خواهیم داد. ولی یکی از موضوعات مهمی که وجود دارد بخشنامه‌ای است که از سوی شورای نگهبان و به امضای آقای کدخدایی ارسال شده و سؤالاتی را مطرح کرده و خود نیز به آن پاسخ گفته است. یکی از سؤالاتی که در بخشنامه آمده و آقای کدخدایی خودش به آن پاسخ گفته این است که: «آیا افراد معرفی شده از شوراهای اسلامی شهر، روستا یا بخش به منظور عضویت در هیات اجرایی که خود عضوی از شورا هستند باید به تایید هیات‌های نظارت نیز برسند یا نه؟» اینها سوال و جواب برای خودشان درست کرده‌اند و خودشان هم بدون توجه به قانون به سؤالات پاسخ گفته‌اند. در پاسخ به همین سوال هم گفته‌اند: «بله باید به تایید برسند».

شما باید توجه کنید افراد معرفی شده کسانی هستند که میلیون‌ها نفر در شهرها و روستاها به آن‌ها رای داده‌اند. بنابراین بیایید و رسماً و صریحاً بگویید این افراد معتمدین شورای نگهبان هستند نه معتمدین مردم! من اینجا به آقای کدخدایی می‌گویم که شما حق ندارید بگویید شورای نگهبان باید صلاحیت آن‌ها را تایید یا رد کند که اگر این اقدام صورت بگیرد و شورای نگهبان حتی این افراد را بخواهد رد صلاحیت کند صلاحیت خود را زیر سوال برده است. بنابراین ساختن این سوال و جواب‌ها و اصلاح‌اعلام این بخشنامه عملی غیرقانونی است و هیچ سیستم حقوقی نیز نمی‌تواند این موضوع را قبول کند. سوال دومی که آقایان در بخشنامه خود آورده‌اند این است که: «آیا نماینده نامزدهای انتخابات می‌توانند در جلسات هیات‌های اجرایی شرکت کنند؟» و خود پاسخ داده‌اند: «که خیر نمی‌توانند.» طرح این سوال و جواب‌ها واقعاً خنده‌دار است. ما می‌گوییم اینها نماینده نامزدها هستند و بر اساس قانون باید از زمانی که نامزدها وارد عرصه می‌شوند در تمام جلسات هیات‌های اجرایی شرکت کنند و به جلسات نیز دعوت شوند. بر اساس بخشنامه‌ای که شورای نگهبان صادر کرده نماینده نامزدها تنها می‌توانند در روز اخذ رای تا پایان شمارش آرا بدون دخالت در اجرا و نظارت حضور داشته باشند. بر اساس برنامه زمانبندی وزارت کشور نماینده نامزدها به منظور حضور در هیات‌های اجرایی و شعب اخذ رای شهر، شهرستان‌ها و بخش‌ها باید معرفی شوند ولی آقای کدخدایی نامه نوشته و بخشنامه کرده که نماینده نامزدها حق شرکت در هیات‌های اجرایی را ندارند. من همین جا به آقای کدخدایی می‌گویم که شما با این اقدام خود قانون را نقض کرده‌اید. مملکت دیکتاتوری نیست و مردم اصلاً انقلاب کردند برای حاکمیت قانون. ما قاطعانه و با

پشتوانه مردم می‌گوییم که اجازه نخواهیم داد با رای مردم بازی کنند. ممانعت از حضور نمایندگان نامزدها در روند انتخابات که سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرده به نظر ما نقض رسمی قانون مصوب است و هرکس قانون را نقض کند صلاحیت حضور در شورای نگهبان را ندارد. اگر نظر شورای نگهبان هم این است من از مقام معظم رهبری می‌خواهم که این رویه را اصلاح فرمایند. بر این اساس ما نیز در کمیته صیانت از آرا و با پشتوانه مردم در چارچوب قانون اجازه هیچگونه دخالت و تخلف در انتخابات را به هیچ جریانی نخواهیم داد²⁵."

شورای نگهبان منتخبین یک شهر را که غالباً، دستکم تا به امروز، نسبت رأیشان برای مثال در مقایسه با رأی نمایندگان مجلس خبرگان در آن شهر بمراتب بیشتر است، معتمد مردم نمی‌شناسد، از نظر این شورا برگزیدگان این شورا معتمد «مردمند». فهم این گونه نگاه به «مردم» می‌تواند به روشنی اکثر تبلیغات حکومتی را در رابطه با مردمی بودن نشان دهد؛ آگاهی مردم از این تقسیم شهروندان به مردم و «مردم» موجب اعتراضاتی است که امروز مملکت را دچار بن بستهایی ساخته است.

در جهت پیگیری هدف جنگ روانی و رسانه‌ای برای مشغول نگهداشتن نامزدها و احزاب و ستادها، آتش برخورد با این خواسته را ناگهان تندتر کردند تا جایی که خبرگزاری فارس و سایر خبرگزاری‌های دولتی و وابسته به دستگاه حکومت از اصطلاحات خشن‌تری هم استفاده کردند. در واقع همین تبلیغات نادرست رسانه‌های دولتی به تنهایی سند محکمی برای ادعای مردمی بود که از رفتار حکومت نگران بودند و می‌خواستند با استفاده از ظرفیت‌های قانونی از حقوق خود دفاع نمایند. آیا

²⁵سایت کلمه در تاریخ ۸۸/۲/۲

قانون برای این عده بکلی فراموش شده بود؟ تمامی هشدارها در این زمینه هم مورد توجه شورای نگهبان قرار نگرفت. ما حرفی از این دستگاه که خود را ناظر بر همه فعالیت‌های انتخابات می‌دانست و صیانت را وظیفه شرعی خود قلمداد می‌کرد نشنیدیم؛ در گزارش تفصیلی درباره انتخابات هم رندانه از کنار این هشدارها و شکایات گذشتند- متن این گزارش بعداً بطور تحلیلی عرضه می‌شود.

در ۲۰ اردیبهشت ماه که انتخابات رسماً آغاز شده بود، خبرگزاری فارس از قول حجت الاسلام ابراهیم کلانتری مسؤل نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه تهران، جایی که این همه دانشجوی با حساسیت تمام انتخابات را تعقیب می‌کرد، سخنی تحریک‌کننده و توهین‌آمیز در خروجی خود قرار داد: "خبرگزاری فارس: حجت الاسلام ابراهیم کلانتری گفت: تشکیل کمیته‌ای با عنوان صیانت از آرا تکرار حرف دشمنان و به نوعی ریختن آب در آسیاب دشمن است. ضمن اظهار تعجب از تشکیل کمیته‌ای با عنوان صیانت از آرا توسط برخی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، اظهار داشت: عنوان کمیته صیانت از آرا به طور غیر مستقیم ذهن را به این سمت سوق می‌دهد که گویا تاکنون آرا در نظام مقدس جمهوری اسلامی مخدوش می‌شده و این کمیته به این جهت پی‌ریزی شده تا از آرا مردم حفظ و حراست بعمل آورد و این امر بسیار جای تعجب و شگفتی دارد." این تاخت و تاز در تاریخ ۸۸/۳/۹ با نظری که یکی دیگر از فقهای حامی تند احمدی‌نژاد داد رنگ تازه‌ای بخود گرفت. خبرگزاری دولتی فارس در این تاریخ مصاحبه‌ای با آقای شیخ محمد یزدی پخش کرد که در آن ادعا شده بود:

"خبرگزاری فارس: عضو فقهای شورای نگهبان، تشکیل نهادی موازی با شورای نگهبان برای نظارت بر انتخابات را که در قالب عناوین مختلف مطرح می‌شود را غیر قانونی، غیر شرعی و غیر عقلانی دانست. اظهار داشت: انجام این کار، خلاف شرع و قانون و در حقیقت یک خلاف عقل است. ... یزدی نظارت استصوابی را نظارتی موثر و کارآمد توصیف کرد و گفت: نظارت استصوابی شورای نگهبان از اولین مرحله تا آخرین مرحله انتخابات، ساری و جاری است. پس مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قانون انتخابات به عهده شورای نگهبان گذاشته شده است. ... وی در ادامه با اشاره به پیشنهاد کمیته صیانت از آراء، تصریح کرد: بنابراین، مسئله‌ای که این روزها برخی افراد مطرح می‌کنند یک کار سیاسی و کار غلطی است. ... عضو فقهای شورای نگهبان این پیشنهاد را یک طرح سیاسی برای توجیه شکست احتمالی افرادی خاص در انتخابات دانست و گفت: این در واقع، پیش بینی برای یک اتهام است. آنها این کار را می‌کنند تا در آینده اگر نامزد مطلوبشان رای نیاورد بگویند آراء، تقلبی است! ... یزدی تصریح کرد: بنابراین به نظر من تشکیل این کمیته اصولاً یک کار خلاف قانون است و برای کسانی که قانون را می‌دانند، خلاف شرع هم هست. چون مخالفت با قانون، شرعاً اشکال دارد و کسی که با قانون مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تائید شورای نگهبان، دانسته مخالفت می‌کند خلاف شرع عمل می‌نماید. ... عضو فقهای شورای نگهبان در پاسخ به ادعای برخی افراد که می‌گویند ما اعتماد کافی به امر نظارت و اجرا نداریم، گفت: شورای نگهبان موظف نیست تک تک افراد را راضی کند. وظیفه شورای نگهبان این است که قانون را درست اجرا کند. اگر کسی بر حسن اجرای قانون از سوی یک نهاد اعتماد ندارد

باید از مجاری قانونی، بگوید اینجا مجری انتخابات یا ناظر، خلاف قانون عمل کرده است. اما حق دخالت در کار کسی را ندارد.^{۲۶}

تقارن زمانی این قنوی آیت الله یزدی با اعلامیه‌ای که به نام کارکنان وزارت کشور دو روز پس از آن منتشر گردید و حاکی از سخنان یکی دیگر از روحانیان شاخص در مورد جلوگیری از انتخاب کسی جز از آقای احمدی‌نژاد بود، در کنار سایر قرائن مشهود، ذهن را به تصدیق درستی این ادعا سوق می‌دهد. نامه کارکنان وزارت کشور که همان زمان در روزنامه آفتاب نیوز منعکس گردید، بسیاری از مردم را از آنچه از فضای سیاسی کشور استشمام می‌کردند مطمئن می‌ساخت.

"آفتاب نیوز: جمعی از کارکنان وزارت کشور با انتشار نامه‌ای سرگشاده نسبت به تغییر و دستکاری آرا مردم در ستاد انتخابات کشور هشدار دادند.

در این نامه که رونوشت آن به ریاست مجلس خبرگان رهبری، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست قوه قضائیه، ریاست کمیته صیانت از آرا مردم، مسئول بازرسی دفتر مقام معظم رهبری، ریاست سازمان بازرسی کل کشور و کاندیداهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ارسال شده آمده است:

اینجانبان از کارکنان متعهد، متخصص و ایثارگر وزارت کشور، با سابقه کارشناسی و مدیریتی در برگزاری انتخابات متعدد، بعضاً از دوره‌های آیت الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و حجت الاسلام و المسلمین خاتمی اعلام می‌نماییم؛ از سلامت انتخابات کنونی به دلایلی که شرح خواهیم داد، احساس خطر می‌کنیم. اهداف و برنامه ریزی در ستاد انتخابات کشور، به طور آشکار و متقنی به سمت

صیانت و سلامت از آراء مردم در انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ پیش نمی‌رود. ... اینجانبان دوستداران نظام، انقلاب، رهبری و میهن عزیزمان، مصرانه اعلام می‌نماییم، قبل از آن که خدای ناخواسته حادثه‌ای فراگیر را در کشور شاهد باشیم و موقعیت نظام جمهوری اسلامی، وحدت مردم، انسجام و یکپارچگی کشور به خطر افتد که در آن صورت مهار آن مشکل، چه بسا غیر ممکن باشد، به نجات وضع موجود در ستاد انتخابات کشور بشتابند ... و از همین جا مصرانه و عاجزانه تاکید می‌کنیم: ناظرانی از کمیته صیانت از آراء مردم به اتفاق نمایندگان از دفتر بازرسی بیت مقام معظم رهبری و سازمان بازرسی کل کشور را درون "اتاق تجمع آمار" در ستاد انتخابات کشور ... بفرستید تا با حضور مستمر و آنی، نگهبان آراء مردم باشند " انشاءالله. ...

۲- بعد از ریزش شدید آراء یکی از کاندیداها و ناامیدی یارانش و نیز کاهش درصد آرای مشارالیه در نظر سنجی‌های معتبر دولتی در اوایل اردیبهشت ماه سال جاری، یکی از آقایان اساتید حوزه و رئیس موسسه آموزشی در قم که اتفاقاً زمانی مباحث فلسفه سیاسی را در نماز جمعه تهران مطرح می‌کردند، در جلسه محرمانه‌ای ... خواهان تغییر آرا به نفع کاندیدای اقلیت می‌شود و می‌گوید: «اگر کسی رئیس جمهور شود و ارزش‌های اسلامی که اکنون در لبنان، فلسطین و ونزوئلا و دیگر نقاط جهان منتشر شده آسیب ببیند، رأی دادن به او جایز نیست و حرام است؛ هم خودمان نباید رای بدهیم و هم باید مردم را هوشیار کنیم که رای ندهند، ولا غیر. بر شما مسئولین انتخابات، هر امری واجب است»

۳- ایشان ضمن گلایه شدید از برخی نامزدها ادامه داد: «کسانی که اصلاً صلاحیت اخلاقی و قانونی ندارد را بریزید دور» و تاکید می‌کند: «بالاترین وظیفه آن است

که آنچه را در حال از دست دادن هستید برگردانید.» [بدین ترتیب] حکم شرعی "تغییر آراء" در انتخابات صادر شده است. در این شرایط سرانجام انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ چه خواهد شد؟! ...

۵- بعد از این جلسه مهم بود که ... ابتدا آن مسوول درس خوانده مکتب چرچیل دکترای هوا و فضا [آقای دانشجو]، ... دست به کار شد و تعداد شعب اخذ آرا را که در روز ۲۴ فروردین ۸۸ اعلام کرده بود: "بیش از ۴۸ هزار عدد است" در روز ۲۳ اردیبهشت ماه به "۴۵ هزار و ۷۵۸ مورد" تقلیل داد، همچنین تعداد واجدان شرایط در انتخابات ریاست جمهوری را ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اعلام کرد. این آمار در حالی بیان شد که قبلا جداول مرکز آمار ایران حدود ۵۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر را واجد شرایط رای دادن دانسته بود.

۶- ... سپس تشکیل کمیته صیانت از آراء مردم که از سوی یاران و معتمدان نزدیک حضرت امام (ره) و دلسوزان و معتقدان به نظام مقدس جمهوری اسلامی پیشنهاد شده بود را دارای وجهه قانونی ندانستند، فقط در خصوص حضور نمایندگان کاندیداها یا احزاب در شعب آراء، رییس ستاد انتخابات با منت و تهدید گفت: «این موضوع پیش‌بینی نشده، اما این افراد فقط ناظرند و حق هیچگونه دخالت جز گزارش دادن به هیئت نظارت یا اجرایی ندارند و گرنه از پای صندوق‌های رأی بیرون رانده می‌شوند.» ...

۹- چاپ ۱۲ میلیون تعرفه اضافی قابل تامل است. بنا به رویت صورتجلسه‌ای دیگر، اکنون بیش از ۵۸ میلیون تعرفه برای ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار واجد شرایط چاپ رسیده است، در حالی که رییس ستاد انتخابات کشور در گفت و گو با رسانه‌های

جمعی در تاریخ ۶ خرداد ۸۸ اعلام کرد: حدود ۵۷ میلیون برگ رای برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری چاپ شده است»، براین اساس، اگر اسناد موجود را ملاک قرار دهیم، در این بخش از نامبرده (مجری و امانتدار انتخابات) برای بیش از یک میلیون تعرفه دورغ گفته شده است. بدین ترتیب برای معادل ۳۸/۵ درصد از کل واجدین شرایط تعرفه اضافی چاپ شده است.

۱۰- فرمول "تغییر آراء" آقایان از فرمول مشارکت حداقلی مردم تبعیت می کند، اما اگر سطح مشارکت مردم افزایش یابد ان شاءالله چنین است و یا شاهد حضور نمایندگان کاندیداها یا دستگاههای نظارتی هم چون سازمان بازرسی کل کشور در ستاد انتخابات کشور خصوصاً "اتاق تجمیع آمار" باشیم، نقشه آنان کارساز نخواهد شد.

... این نیز از وعده‌های خداوند قادر است که می‌فرمایند: "و مکروا و مکرالله و الله خیرالماکرین"

یکی از دلایل گرایش انسان به قبول درستی مطالب این نامه، موضوع تعرفه چاپ شده در قبل از انتخابات است که عدد داده شده در اینجا با عددی که شورای نگهبان و آقای محصولی پس از انتخابات در ۸۸/۴/۴ دادند، سازگاری دارد، در حالی که تا آن زمان شورای نگهبان و وزارت کشور، بویژه آقایان محصولی و دانشجو تأکید داشتند که قبل از انتخابات حدود ۵۷ میلیون تعرفه چاپ شده است. مستندات این موضوع در مبحث تعرفه به آگاهی خواهد رسید.

آیا شورای نگهبان در اصرار بر تأیید صلاحیت نماینده شورای شهرستان که در متن قانون است، در قانونی که خودش تأیید کرده است، خلاف قانون و در نتیجه خلاف

شرع عمل نمی‌کند؟ آیا شورای نگهبانی که قانون نظارت نمایندگان نامزدها را در هیئت‌های اجرائی و سایر مراحل تأیید کرده است با مشاهده رفتار وزارت کشور در نادیده گرفتن و حذف نظارت آنان متوجه عمل خلاف شرع نشد؟ تنها طرح تقاضای قانونی احزاب و نامزدها خلاف شرع است؟ تفسیر شما از شرع چگونه است که کاری بکار شما ندارد و بی‌مجاز محرومیت دیگران را از حقوق حقّه خویش صادر می‌کنید؟ اینکه عضو شورای نگهبان در حال انجام وظیفه به طرف مقابل دولت اتهام می‌زند که آنها قصد زمینه چینی برای ادعای تقلب را دارند، کار خلاف شرع نمی‌کند؟ آیا سخنان رهبری در عید را نشنیده‌اند؟

خواننده محترم! آیا به نظر شما این شخص در شورای نگهبان می‌تواند به شکایات ما و شما از عملکرد خودش رسیدگی نماید؟ آیا این کار عاقلانه است که از دست چنین کسی که با بیان همین مطالب مرتکب خلاف شرع می‌شود، به خودش شکایت ببریم؟!

بدنبال این تکفیر تازه، در ۸۸/۳/۱۱ خبرگزاری حکومتی فارس همین ادعا را که مکرر از پائیز گذشته به اصطلاح اصولگرایان به تهمت بیان می‌کردند، بار دیگر از زبان گروهی با عنوان زنان ایثارگر روی خروجی خود گذاشت: "کمیته صیانت از آرا چاره جویی زود هنگام برای توجیه شکست در انتخابات است."^{۲۷}

اگر آنها تا این اندازه از پیروزی خودشان مطمئن بودند، چرا از نظارت مشروع دیگران بر کار «درستشان» هراسان بودند؟ به گفته خودشان آن را که حساب پاک

است از محاسبه چه باک؟ اگر سنگ ترازوی بارتان کم نبوده، از نظارت محتسب چه بیم داشتید؟

هنگامی که در جریان دادگاه‌های فرمایشی با آن هیاهوی تلویزیونی برای محاکمه دستگیرشدگان به اصطلاح تظاهرات خیابانی پس از انتخابات از سخنان وکلای مدافع آشکار گردید که برخی از احکام دستگیری‌ها از ۱۰ خرداد صادر شده و در اختیار عوامل نظامی بوده و از روز ۸۸/۳/۲۱ شروع به دستگیری کرده‌اند، معلوم گردید که این روزها برای دست‌اندرکاران کودتای بسیار تعیین کننده بوده و در همین ایام آخرین تصمیم‌ها را برای تغییر وضعیت حاکم بر صندوق‌ها گرفته‌اند و روز ۸۸/۳/۲۲ رأی مردم خوانده نخواهد شد. تشویش در گفتار و رفتار دولتیان به اندازه‌ای بود که علی‌رغم پرده‌پوشی‌ها و پنهان‌کاری‌ها، مردم بخوبی بوی کودتای انتخاباتی را استشمام می‌کردند.

در این تاریخ که عملاً دیگر هیئت‌های جرائی و نظار بطور یکدست از میان حامیان این جناح چیده شده و بدون حضور نامزدها و اطلاعشان از دلایل افزایش صندوق‌ها و مخصوصاً صندوق‌های سیار، یا سایر تصمیمات مرتبط، کارها را پیش برده بودند، جز یک اظهار تردید در روند جاری و آگاهی دادن به عموم چاره دیگری برای نامزدها نمانده بود. از این رو، در همین روز، یعنی ۸۸/۳/۱۱ اعلامیه‌ای که حاکی از این نومی‌دی است از سوی ستاد صیانت از آرای آقای موسوی صادر گردید:

"بسمه تعالی"

هموطنان عزیز، شهروندان گرامی

... در این راستا، با اعلام اینکه به منظور افزایش ضریب اعتماد عمومی بر صحت انتخابات و در چارچوب اصل اساسی جلب مشارکت مردم در همه امور، مبتنی بر ظرفیت‌های قانونی موجود، کمیته‌ای با عنوان صیانت از آرا تشکیل گردیده تا به این منظور اسباب حضور نمایندگان نامزدها در جریان برگزاری انتخابات تا پایان شمارش آرا فراهم آید، توجه شما سروران گرامی به نکاتی چند در این خصوص جلب می‌گردد:

۱- انتخابات در کشور مانده تنها صورتگر وجهه مردم سالارانه نظام و برآمدن همه مناصب عالی از خلال صندوق‌های رای است، بلکه برگزاری انتخابات آزاد و قانونی، مشروعیت‌آفرین بوده و به همبستگی ملی، تحکیم پیوند بین حاکمیت و مردم و تضمین امنیت ملی کشور می‌انجامد.

۲- با توجه به اهمیت انتخابات آزاد و قانونی، به منظور تامین سلامت انتخابات و پاسداری از رای مردم و ممانعت از سوء استفاده احتمالی، خبرگان قانون اساسی شورای نگهبان را به عنوان مرجع نظارت بر انتخابات قرار دادند. لذا گرچه در پرتو حاکمیت شرع و اسلامیت نظام و با توجه به ساختار برگزاری انتخابات در ایران و محول شدن اجرای انتخابات به هیات‌های اجرایی متشکل از معتمدین اقشار مختلف مردم و با وجود نهاد ناظری با جایگاهی خاص و بهره‌مند از

اختیاراتی موسع علی القاعده شرایط لازم جهت تضمین سلامت انتخابات مهیا و اسباب آرامش خاطر مردم از باب عدم خدشه به آرا آنان فراهم است، لیکن سابقه عملکرد جهت‌دار نهاد ناظر در جریان برخی انتخابات مهم در سنوات گذشته همراه با همسویی معنادار متولیان اجرا و نظارت در این دوره و نوع سوگیری‌های آنان در خصوص برخی اقدامات خلاف و غیر قانونی موجب بروز برخی تردیدها و دغدغه‌ها در میان افکار عمومی، گروهها و فعالان سیاسی و داوطلبان انتخابات در خصوص صحت و سلامت انتخابات شده است.

۳- ...

۴- نظر به وجود این دل‌نگرانی‌ها به منظور تمهید راهکار مناسب و قانونی معطوف به افزایش اطمینان مردم نسبت به بیطرفی عوامل اجرا و نظارت و انطباق کامل روند انتخابات با قانون، مستند به قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رای مصوب ۱۳۷۹/۵/۳۰ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن، ایجاد ساختاری به نام کمیته صیانت از آرا پیش‌بینی شد تا در لوای این سامانه مدنی اقدام به شناسایی افراد و آموزش آنها شده و امکان حضور نمایندگان نامزد در هیات اجرایی و محل‌های اخذ و

شمارش آرا تا پایان فرایند شمارش آرا و تنظیم صورتجلسات مربوطه را فراهم شود و در پرتو این حضور، اطمینان کافی نسبت به صحت فرایند انتخابات و تضمین سلامت انتخابات تقویت گردد.

۵- گرچه با توجه به پیش‌بینی حدود ۴۷ هزار صندوق اخذ رای در سراسر کشور فرایند جذب، آموزش و حضور این تعداد نماینده داوطلبان چنین سامانه‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، اما بدیهی است این راهبرد نه از جهت دل‌نگرانی کاندیدای خاص نسبت به آراء خود، بلکه از باب مسئولیت و دغدغه نسبت به آرا مردم صرف نظر از اینکه این آرا متعلق به کدامین کاندیدا باشد پیگیری و دنبال می‌گردد.

۶- با وجودی که ابتکار استفاده از این ظرفیت قانونی از نظر ایجاد اطمینان خاطر برای شهروندان نسبت به صحت انتخابات و تشویق آنها به مشارکت بیشتر، می‌بایست مورد توجه و عنایت مسئولین اجرایی و نظارت قرار می‌گرفت، اما متأسفانه در رویکردی مغایر با قانون، مواضع منفی این مقامات در این خصوص، خود موجب تشدید دغدغه‌های پیش‌گفته گردیده است. تاسف‌برانگیزتر اینکه به‌رغم تصریح قانون برخی مسئولان نظارتی طی دستورالعملی رسمی در مقام تفسیر قانون با تحریف آن دامنه حضور

نمایندگان را محدود کرده و مدعی عدم امکان حضور نمایندگان آنها در هیات‌های اجرایی می‌گردند.

۷- ... در خاتمه، با تاکید بر اینکه در ایفای پیمان خویش با مردم استوار و باصلابت ایستاده‌ایم و در راستای پاسداشت آرا و تحقق خواست و انتخاب واقعی آنان از هیچ تلاشی فروگذاری نخواهیم کرد، همه هموطنان عزیز را به حضور هوشیارانه و آگاهانه در صحنه انتخابات که رافع دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و متضمن برون‌رفت از وضع موجود و رقم‌زدن فردایی بهتر برای ایران اسلامی است فرا می‌خوانیم.

کمیته صیانت از آرای ستاد انتخاباتی مهندس میر حسین موسوی "

این اعلامیه برخلاف ظاهر آن، حاکی از پیروزی جنگ روانی حریف برای از بین بردن فرصت ستاد انتخاباتی مطرح‌ترین نامزد در این دوره است. اعلامیه در ۸۸/۳/۱۱، یعنی ۱۰ روز مانده به انتخابات صادر شده و اعتراف می‌کند که ستاد نتوانسته در جریان کار هیئت‌های اجرائی باشد. در حقیقت، این اعلامیه شکایتی است از سنگ‌اندازی‌های دستگاه نظارت و اجرا و قانون‌شکنی‌های آنها به پیشگاه ملت. شواهد نشان می‌دهد که کمیته صیانت از آراء که در این زمان تصمیم گرفت دست‌کم از امکان حضور ناظران در سر صندوق‌ها استفاده کند، به‌خاطر از دست‌دادن فرصت زمانی نتوانست در سرتاسر کشور به تعداد صندوق‌ها نماینده معرفی کند. خود این ضعف از یک‌سو، میدانی بود برای آن دسته از متولیان که

صحت ادعای خود را در امانتداری نشان دهند و از سوی دیگر، عرصه را برای عوامل رقیب که دارای روحیه نظامی بودند، بازگذاشت تا دست کم در صندوق‌هایی که نماینده‌ای از این سو نبود، فعال مایشاء بشوند. اگر روزی کسانی بخواهند ستادهای آقایان موسوی و کروبی و رضائی را ملامت کنند، باید روی این ضعف آنها انگشت بگذارند. تازه در روز ۸۸/۳/۱۱، یعنی ده روز مانده به انتخابات، این کمیته در اعلامیه خودش توجیحات شش ماه پیش برای تشکیل کمیته را تکرار می‌کند، هیچ درخواستی از احزاب همراه برای شرکت در این سازماندهی دیده نمی‌شود، سرانجام پس از انتخابات معلوم می‌گردد که آنها توانسته بودند نزدیک به سی و پنجهزار نفر را به فرمانداری‌ها معرفی کنند، از این میان برای کمتر از سی هزار نفر کارت شناسایی حضور در سر صندوق‌ها صادر شد. تازه بخش مهمی از این کارت‌ها ناقص بوده و یا عکس مردها را روی کارت زنها چسبانده بودند یا نشانی ناشناس برای ناظر تعیین کرده بودند که مدتی طول می‌کشید در آنجا حاضر شود و بنابراین، شاهد بازکردن صندوق‌ها نباشند.

البته در دنباله مطلب نشان خواهیم داد که چگونه از حضور همین تعداد نماینده معرفی شده هم در بسیاری از جاها جلوگیری شده است. اصل قضیه این است که شورای نگهبان و دستگاه نظارت نه تنها هیچ عکس‌العملی در جهت حل قضیه از خود نشان نداد، بلکه بر تأیید رفتار وزارت کشور ادامه می‌داد و در گزارشات خود به این تخلف هماهنگ شده و آشکار هیچ گونه اشاره نکرد؛ در عوض، در گزارش تفصیلی بدون اشاره به این همه درگیری‌ها مدعی شد که آقای موسوی بیش از چهل هزار نماینده داشته، درحالی که هم این عدد صحیح نیست و هم ادعای حضور

بسیاری از معرفی‌شده‌ها درست نیست و هم موضوع عدم حضور یک نفر در ستادهای اجرائی محلی مورد توجه قرار نگرفته است.

جالب است که آقای دانشجو، رئیس اصولگرا و مکتبی و متعهد ستاد مرکزی انتخابات علی‌رغم فتوای آقای یزدی به حرمت توقع صیانت از آرا، در ۸۸/۳/۱۶ در نشست خبری خود با خبرنگاران می‌گوید: "وزارت کشور و ستاد انتخابات با فعالیت کمیته‌ای با نام صیانت از آرا در ستاد انتخاباتی نامزدها مخالفتی ندارد، اما «نمی‌شود در ستاد یک نامزد خاص کمیته‌ای تشکیل شود و بعد بگویند ما می‌خواهیم از آرای هر چهار نامزد دفاع کنیم.»^{۲۸} جمله اخیر اشاره‌ای سفسطه‌آمیز به فرازی از اعلامیه حجت‌الاسلام محتشمی‌پور است که در بالا نقل شد. در این اعلامیه به «دغدغه نسبت به آرا مردم صرف نظر از اینکه این آرا متعلق به کدامین کاندیدا باشد» اشاره شده بود؛ این در واقع، توصیه شرع و همچنین الزام قانون نظارت نامزدهاست. گفتن اینکه ما به دنبال نظارت بر روند درست کارها هستیم، ناظر نامزدها باید ناظر درستکاری باشند و حتی ظلم در حق نامزد دیگر را برنتابند، گناهی نابخشودنی در نظر رئیس ستاد انتخابات کشور است. این کنه معنای مجادله‌ای بود که بر سر صیانت در گرفته بود. عملاً جناح حاکم معتقد بود، جز خودش کس دیگری حق دعوی صداقت

²⁸ جالب است بدانید که هم اکنون سایت وزارت کشور و آرشیو در گاه آن خیلی از اعلامیه‌ها و کنفرانس‌های آقای محصولی و آقای دانشجو را از حافظه خود پاک کرده است. خبرگزاری ایرنا، فارس، ... و بسیاری دیگر از سایتهای حامی دولت انبوهی از نوشته‌های توهین‌آمیز یا مطالب مرتبط و قابل استناد انتخاباتی را از آرشیوهایشان برداشته‌اند. خبر بالا در سایت بی‌بی‌سی فارسی در دسترس مانده است.

ندارد. لذا می‌بینیم که در جناح حاکم حتی التزام مردم به درستی جرم محسوس می‌شود! این است خطری که مردم باید از آن بیم داشته باشند.

موافقت عوام‌فریبانه آقای کامران دانشجو در ۱۶ خرداد با صیانت از آراء، یعنی چهار روز پیش از مهلت قانونی عملاً بدین معنا بود که آنها توانسته بودند دور از چشم مردم کار خودشان را سامان بدهند و اکنون دور تازه فریب کمیته صیانت از آراء بود. آنها می‌دانستند که در این فرصت این کمیته دیگر قادر به سازمان‌دهی نیست. طبق قانون نظارت نمایندگان نامزدها حداکثر باید ۴۸ ساعت پیش از انتخابات کارت نظارت صادر شده باشد. با این حال، ما معتقدیم که کمیته صیانت نامزدها در این کار اهمال کردند و یا در اثر جوی که ساخته شده بود، زمان لازم را از دست دادند و به مجادلات بیهوده حریف تن دادند. آنها باید از مدت‌ها پیش و در کنار کار تبلیغاتی به سازماندهی می‌پرداختند. همین نکته از سوی دیگر نشان می‌دهد که اتهامات دستگاه حاکمه به معترضان پس از انتخابات تا چه اندازه بی‌اساس بوده است که مدام ادعا کرده‌اند آنها با سازمان‌دهی قبلی جریان اعتراض را پیش برده‌اند.

حتی روز انتخابات نیز علی‌رغم اینکه آقای موسوی از یک هفته پیش در جریان توطئه امنیتی کردن فضای کشور و قطع تلفن و اس‌ام‌اس بود - و این نکته توسط آقای محتشمی‌پور اعلام شده بود - با این حال، برای پیشگیری از حرکت‌های حساب‌نشده مردمی که خود را در محاصره یک برنامه نظامی از پیش طراحی شده می‌دیدند، در فضایی که دیگر همه امکانات ارتباطی از او و هوادارانش سلب شده بود، با هشیاری پیام داد که:

"بسم الله الرحمن الرحيم"

ملت شریف ایران

پیام‌های بیشماری از سوی اقشار مختلف شما مبنی بر ابراز نگرانی نسبت به شیوه برگزاری انتخابات و سلامت آن واصل می‌شود. تمامی شما را به حسن ظن نسبت به برگزارکنندگان انتخابات دعوت می‌کنم. ناظران کمیته صیانت از آراء ستاد اینجانب با دقت کامل روند انتخابات را زیر نظر دارند و مستمرا نتایج گزارش این کمیته را به اطلاع آنان خواهند رساند.

مردم عزیز اطمینان داشته باشند که کوچک‌ترین تنازلی از حق آنان برای برگزاری انتخابات سالم نخواهم داشت.

میرحسین موسوی^{۲۹}

رأی‌دهندگان امروز حق دارند که از آقای موسوی و کمیته صیانت از آرای وی و حتی از احزاب حامی که سابقه بیشتری در این مسأله داشتند، مانند سازمان مجاهدین انقلاب و جبهه مشارکت، حزب اعتماد ملی که در این مصیبت شریک هواداران موسوی بود، بازخواست نمایند و پرسند که علی‌رغم اطلاعشان از توطئه طراحی شده چرا تدابیر لازم را نیاندیشیدند؟! اگر خوب دقت کنید، ملاحظه خواهید کرد که نخستین دستگیری‌ها از میان اعضای با تجربه و فعال احزاب حامی دو نامزد مشهور و بویژه پشتیبانان آقای موسوی بوده است. طراحان کودتا نیک می‌دانستند که شخص آقای موسوی دارای تشکیلات منسجم و باتجربه‌ای در ستاد خودش نیست و برای سازماندهی به امکانات احزاب موافق و قدرت مدیریتی آنها نیاز دارد. از این‌رو، در

²⁹ سایت روزنامه آفتاب نیوز، ۸۸/۳/۲۲

نخستین گام برای فلج کردن ایشان و سلب هرگونه تحرک در پیشگیری از کودتا این احزاب را نشانه رفته و پیشاپیش سران آنها را دستگیر کردند؛ مؤکداً باید به یاد داشته باشیم که آغاز دستگیری‌ها ۲۴ ساعت پیش از انتخابات بوده است!! مسأله فقط به دخالت عده‌ای نظامی در انتخابات و تخطی از قانون مربوط نیست، اینکار بدون هماهنگی یا اطمینان از تبعیت بی‌چون و چرای قوه قضائیه و نهادهای اطلاعاتی کشور نمی‌توانست صورت گیرد. هرگاه مسئولین بالاتر در امور نظامی منکر اطلاعات پیشینشان از تصمیمات برای دخالتی در این سطح باشند، اعترافی سنگین به از هم پاشیدگی امور دارند، تا آنجا که سلسله مراتب مقرر در قانون اساسی نادیده گرفته شده است و اگر معترف به آگاهی باشند، باید در برابر قانون پاسخگوی این تصمیم باشند. آقای محصولی که از دیماه گذشته طی حکم رهبری به عنوان جانشین ایشان در امور انتظامی تعیین شده است، شریک کلیه این جرائم و از آمران به کشتار و دستگیری و شکنجه است. ما دخالت‌های آشکار ستاد مبارزه با قاچاق را که از امکانات تسلیحاتی و فنی و پرسنلی و حتی قضائی برخوردار بوده و زیر نظر آقای الهام -سخنگوی دولت احمدی نژاد و یار غار او، عضو شورای نگهبان و وزیر دادگستری دولت نهم- اداره می‌شد، مستنداً به عرض شما خواهیم رساند. دولت با در اختیار داشتن فرماندهی نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، ستاد مبارزه با قرماندهی نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، ستاد مبارزه با قاچاق و دادستان تهران (آقای سعید مرتضوی) همه امکانات را برای کودتا در اختیار داشته است.

روز جمعه ۸۸/۳/۱۵ ناگهان شایع شد که دولت درصدد قطع اینترنت و اس ام اس و تلفن‌های شهری در روز ۲۱ و ۲۲ خرداد است و آقای محتشمی‌پور هم از امکان

چنین رویدادی ابراز نگرانی کرد، روز ۸۸/۳/۱۶ آقای کامران دانشجو در این رابطه در جمع خبرنگاران گفت: "می‌گویند مجریان انتخابات قصد از کار انداختن سامانه پیامک و قطع اینترنت را دارند، باید به آنها بگویم باور کنید دروغ گفتن مصیبت است." حوادث بعدی نشان داد که راست گفتن در این زمانه و در این فضا «مصیبت دارد»! مصیبتی که هنوز ناله خانواده‌های اسرا در کنار دیوار بسته زندان اوین بر سر سفره خون‌آلود افطار غریبانه برای آزادی عزیزانشان فضای جامعه را تیره ساخته است.

همانطور که اشاره شد با مصاحبه آقای دانشجو در ۸۸/۳/۱۶ تاکتیک دولتیان و نظامیان بظاهر تغییر کرد، اما بنا بر شواهد موجود، هیچیک از سه نامزد و ستادهایشان بجز امید به حضور پرشور مردم و مراقبت خود آنها هیچ تدبیر ملموسی نتوانستند بینايشند و بکار بگیرند.

آقای کعبی عضو حقوقدان شورای نگهبان که به همراه آقایان جنتی و علیزاده از اعضای شورا و کدخدائی سحنگوی آن، عضو هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بود در ۸۸/۳/۱۵ در جهت تکمیل حملات دستگاه نظارت در یک سخنرانی می‌گوید:

"تهران- خبرگزاری ایسکانیوز به نقل از اداره کل روابط عمومی شورای نگهبان: عضو حقوقدان شورای نگهبان با اشاره به حمایت دشمنان خارجی و گروه‌های غیر قانونی از برخی کاندیدها تاکید کرد: این نامزدها باید صف خود را از دشمنان ملت جدا کرده و از آنها اعلام براءت کنند.

... کعبی با اشاره به جنبه‌های فقهی و حقوقی انتخابات نیز گفت: از آنجائی که انتخابات از لحاظ فقهی، تاکید بر بیعت مجدد امت با امام(ره) است، دارای همه ثواب‌های بیعت نیز هست و به آن دلیل که نمایانگر پشتیبانی از نظام است و موجب حفظ و تداوم نظام می‌شود، واجب است؛ به همین دلیل شرکت در انتخابات یک واجب سیاسی می‌شود.

عضو حقوقدان شورای نگهبان در ادامه به جنبه قانونی انتخابات نیز اشاره کرد و گفت: از سوی دیگر چون شرکت در انتخابات طبق قانون اساسی در نظام مقدس جمهوری اسلامی به عنوان یک حق برای مردم تلقی شده است، بنابراین شرکت در انتخابات هم یک تکلیف سیاسی و هم یک حق همگانی است. ... اگر چه مبنای قدرت در جمهوری اسلامی ایران، الهی است اما سرچشمه جوشان قدرت سیاسی، مردم هستند. ... شورای نگهبان به عنوان ناظر بر انتخابات در ادوار گوناگون ثابت کرده است که در انتخابات نام کسانی از صندوق بیرون می‌آید که مردم به آنها رای داده‌اند. ... ما به مردم کشورمان اطمینان می‌دهیم که شورای نگهبان مراقب اوضاع هست و جریان‌های انتخابات را رصد می‌کند. ... ضمن اینکه به برخی از تخلفات انتخاباتی و بداخلاقی‌ها تذکر داده‌ایم یادآوری می‌کنیم که تخریب و تخلف از قانون در روند انتخابات، جرم است. ... شورای نگهبان اگر تشخیص بدهد که در روند برگزاری انتخابات در برخی شعب اقدامات غیر قانونی و یا اخلاقی ایجاد شده است انتخابات آن شعب را ابطال می‌کند. وی ایجاد التهاب و اغتشاش در روند برگزاری انتخابات را توطئه دشمنان دانست و افزود: پروژه دشمن در این انتخابات نیز مانند ادوار گذشته ایجاد التهاب سیاسی، اجتماعی، اغتشاش و حتی آشوب است.

... وی ایجاد ناامنی، اختلاف افکنی‌های قومی و مذهبی، القای تقلب و تشکیک در سلامت انتخابات را از جمله برنامه‌های دشمن خواند و گفت: دشمنان همواره در یک جنگ روانی تلاش می‌کنند با تهییج احساسات مردم و عواطف عمومی یک التهاب سیاسی ایجاد کنند و اذهان جامعه را نسبت به سلامت انتخابات و نتیجه آن دچار تردید کنند. ... در دوره‌های گذشته، پروژه دشمن، تحریم انتخابات بود تا با حضور اندک مردم به اهدافش برسد. اکنون چون آنها حضور پررنگ مردم را می‌بینند، از تحقق این پروژه مایوس شده‌اند و از طرفی هم می‌بینند این پروژه ممکن است طرفدارانشان را از صحنه سیاسی کشور حذف کند. بنابراین در این دوره از انتخابات دشمنان نظام اسلامی می‌کوشند از خود انتخابات استفاده ابزاری کنند و سعی دارند پروژه حمایت از برخی کاندیداها را اجرا کنند. به همین دلیل به شکل بسیار گسترده‌ای کسانی را که در جبهه اپوزیسیون و مخالفان نظام بودند به حمایت از بعضی کاندیداها فراخوانده‌اند. البته نه دشمنان نظام و نه گروه‌های اپوزیسیون دوستدار هیچ یک از نامزدها نیستند. ... بنابراین هم اکنون می‌خواهند پشت سر بعضی از کاندیداها سنگر بگیرند شاید بتوانند از آنها استفاده ابزاری داشته باشند و پروژه اغتشاش و آشوب را از طریق اعتراض به نتیجه انتخابات و ناامن کردن فضای عمومی را پیگیری می‌کنند.

وی بحث تشکیل کمیته صیانت از آراء را هم در این راستا ارزیابی کرد و گفت: متأسفانه بعضی در داخل در اثر این القائات به تشکیل کمیته صیانت از آراء دست زدند. حال آنکه چنین نهادی در هیچ جای قانون انتخابات پیش بینی نشده است و حفظ سلامت انتخابات و صیانت از آراء برعهده شورای نگهبان است. البته حضور

نمایندگان نامزدها، در روز اخذ رای در پای صندوق‌ها بلامانع است. عضو حقوقدان شورای نگهبان افزود: شورای نگهبان بارها اعلام کرده است که تشکیل چنین کمیته‌ای غیر قانونی است و اگر با شورای نگهبان عملکرد موازی داشته باشد، معقول هم نیست. وی تصریح کرد: این کمیته به جز القای احتمال تقلب و تشکیک در سلامت انتخابات، هیچ کارکرد دیگری نمی‌تواند داشته باشد. باید متوجه باشیم که پروژه این جنگ روانی را دشمن تدارک دیده است؛ بنابراین القای تشکیک در سلامت انتخابات، افتادن در دام جنگ روانی دشمن است و باید مراقب بود کسی ناخواسته در این دام نیفتد. فضای انتخابات باید امن، سالم، با متانت و با وقار و همراه با رعایت اخلاق و قانون انتخاباتی باشد. بدیهی است که رعایت وفاق و وحدت علیرغم اختلاف سلیقه در انتخابات یک اصل بسیار مهم در انتخابات است."

اینها سخنان یک حجت‌الاسلام و یک حقوقدان در کشور اسلامی و در حال انجام وظیفه انتخاباتی است. از یکسو، برخی نامزدها را آلت دست بیگانه می‌داند، تشکیل کمیته صیانت را تن دادن به خواست دشمن و القای تقلب می‌نامد، از سوی دیگر مدعی است که شورای نگهبان همیشه مواظب آراء مردم است. آنجا که ایشان مدعی است: «شورای نگهبان مراقب اوضاع هست و جریان‌های انتخابات را رصد می‌کند»، ما نمی‌دانیم که باید قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را. ایشان به عنوان یک عضو شورا و هیئت نظارت، اگر مدعی رصد کردن همه امور است، چرا همین سخنان خود را به عنوان کاری غیرقانونی رصد نکرده است، همچنین کارهای همکارانش و رفتار وزارت کشور را. از یکسو با اتخاذ موضعی دینی، نامزدهای رقیب احمدی نژاد را با اشاره ای صریحتر از تصریح آلت دست می

نامد، از سوی دیگر مدعی رصد کردن رفتارهای خلاف قانون است. متأسفانه مرزها آنچنان مخدوش شده است که، هرکس درموضع قدرت حکومتی هرچه می گوید، یک انتقاد سازنده و کاری درست است و اصلاً مغایر قانون نیست، و هرکس بیرون از دایره قدرت حکومتی است، هرچه گوید تخریب و در جهت حمایت از دشمن خارجی و وابستگی به یک خط برانداز داخلی است.

این جناب حجت الاسلام و حقوقدان نیک می داند که شرعاً، عقلاً و قانوناً رضایت امام در اقتدای مأموم شرط نیست، یعنی کسی نمی تواند به هیچ کس دیگر بگوید که به من رأی نده، این کار خودش اگر جرم نباشد امری قبیح و برخلاف اصول قانون اساسی است. اینکه افرادی که مواضع سیاسی آنها موافق طبع آقای کعبی نیست، از یک نامزد حمایت می کنند، دلیلی بر بد بودن نامزد یا آلت بودنش نیست. اگر یک بهائی یا یک کمونیست ایرانی، چه در داخل و چه در خارج، به آقای احمدی نژدی رأی داده باشد، آیا معقول است که کسی این را بهانه برای تخطئه ایشان قرار دهد؟ آیا در زمان انتخابات از موضع عضویت در شورای نگهبان، که قانوناً عدم بی طرفی جرم است، می شود این حرفها را زد؟ آیا کسی که به ادعای خودش باید ضامن صحت انتخابات باشد، وقتی به افرادی که خواهان این صحت هستند، این همه بد و بیراه بار می کند، می تواند مورد اعتماد واقع شود؟ آیا آقای احمدی نژاد که در فیلم تبلیغاتی خودش از گریه مشتاق و صمیمی یک دختر تنیس باز ارمنی هموطن در ابراز احساسات نسبت به خودش بهره تبلیغاتی می برد، ما و این آقای کعبی حق داریم که ایشان را به خاطر توجه و احترام به احساسات یک هموطن، هرچند بدحجاب یا بی حجاب، مورد شماتت قرار دهیم؟ در بخش گزارش

مسائل تبلیغات، عکس هایی از دختران بد حجابی را که سایت های دولتی حامی آقای احمدی نژاد منتشر کرده اند، نشان خواهیم داد، ما ضمن احترام به این افراد، آیا حق داریم که این نوع ظاهر شدن آنها را به حساب احمدی نژاد بگذاریم؟ آقای کعبی، در اینجا می پذیرد که نامزدها می توانند سر صندوق ها ناظر داشته باشند، ضمن اینکه نمی گوید در زمان سخنرانی دستکم همه از همین روزنه با عنوان کمیته صیانت یاد می کردند، اشاره ای به کوتاهی عمدی شورای نگهبان و وزارت کشور در راه ندادن عوامل نظارتی نامزدها در هیئت های اجرائی و جلسات تصمیم گیری در مورد شمار صندوق های ثابت و سیار و جلسات مربوط به تعیین میزان تعرفه و نحوه چاپ آنها نمی کند، اما تا می تواند با سخنانی کلی خودشان را صدیق و دیگران را هواخواه اراده «دشمن» معرفی می نماید!!

از نظر ما این سخنرانی آقای کعبی بر اساس گفته های خودش و با نظر به صریح قانون جرم بوده است، اما هرگز دیدگان به اصطلاح خودشان تیزبین و عادل شورای نگهبان این جرم را رصد نکرد؛ نه تنها در مورد ایشان بلکه در مورد دیگر اعضای هم عکس العملی نشان نداد. بارها ادعا کرده اند که ما به شکایات مستند رسیدگی می کنیم، بعلاوه به مشاهدات خودمان هم رسیدگی می کنیم، اما در این موارد نه مشاهده ای داشتند و نه به شکایات مستند کمیته صیانت از آراء آقای موسوی رسیدگی کردند. نه تنها باید در همان زمان این افراد به قوه قضائیه معرفی می شدند بلکه لازم بود بلافاصله از کار برکنار گردند، اما متأسفانه:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من** آنچه البته به جایی نرسد فریاد است.

لازم به یادآوری است که آقای کعبی در جریان ملاقات مشهور آقای احمدی نژاد با آیت الله جوادی آملی حضور داشته و بنا بر این از ادعای دروغ او در مناظره با آقای موسوی کاملاً مطلع بوده است، اما با سکوت خودش به عنوان یک عضو مسئول در انتخابات به تبلیغاتی کمک نمود که در «آراء» اثر گذار است؛ شرح ماجرا در بخش تبلیغات خواهد آمد.

همانطور که متذکر شدیم، با این دلیل واهی که هرکس خواهان نظارت بر رفتار حکومت خود باشد، بی دین، دشمن شادکن، القاء کننده مشکوک بودن رفتار دیگران، مخرب سلامت انتخابات، عامل تشویش اذهان و ... است، عواملی به این نتیجه رسیدند که ریاست جمهور هیچ نامزدی بجز نامزد حاکمیت به «مصلحت نظام» نیست و بر این اساس هم تصمیم گرفتند با یک صحنه سازی سست بنیان مدعیان نظارت قانونی را دستگیر و فضای انتخابات را برای اعمال تقلبی بزرگتر امنیتی و مشوش گردانند و شد آنچه شد.

در اجرای این تصمیم که کسانی آن را برای خود واجب شرعی می دانستند، از روز شانزدهم، با یک عقب نشینی تاکتیکی و حساب شده، از یکسو همه ما خوش باورانی را که هرگز بدل خود شکی با این عظمت برای مبادرت به تقلبی به این آشکاری راه نمی دادیم، خواب کردند، تا جائیکه روز ۱۹ خرداد که دو روز مانده به پایان کار است، آقای محتشمی پور و حتی آقای موسوی و دیگران از این تغییر موضع اظهار خوشحالی کرده و چنان نسبت به آینده امیدوارند که تکذیب خبر تصمیم دولت برای قطع ارتباطات در روز ۲۱ و ۲۲ را باور کردند، بی آنکه تدابیر جایگزینی را بکار بسته باشند.

از این به بعد به سرعت فضا را امنیتی کرده و حضور سپاه و بسیج را به بهانه تکلیف شرعی مقابله با نظارتی که خواست دسمنان است، وارد عرصه کرده بودند، به گزارش کیهان روز ۸۸/۳/۲۰ از مصاحبه آقای کدخدائی توجه کنید:

"عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان نیز دیروز در حاشیه بازدید از ستاد نظارت بر انتخابات کشور تاکید کرد: «برای ایجاد اطمینان بیشتر و اینکه مردم ببینند شورای نگهبان وظیفه نظارتی خود را به نحو مطلوب انجام می دهد علی رغم اینکه در قانون چیزی برای بازدید نامزدها و نمایندگان آنها از ستاد نظارت بر انتخابات وجود ندارد ما این امکانات را فراهم کرده ایم و در روز رای گیری نمایندگان نامزدها می توانند به طور مستقیم در ستاد نظارت بر انتخابات حضور داشته باشند.»" پس می شد، در چارچوب قانون و خیلی زودتر از این، پیش از آنهمه خلاف گوئی و افترا و دشنام، حق قانونی مردم را محترم شمرده و حضور نمایندگان نامزدها را در کلیه مراحل پیشین که قانون معین کرده است، فراهم نمایند. متعاقباً در روز ۸۸/۳/۲۲ نیز هیئت مرکزی نظارتی که با هرگونه نظارت دیگران مخالف بود، در اجرای یک طرح هماهنگ اعلامیه داد و از نمایندگان نامزدها برای حضور در این هیئت دعوت کرد:

"به گزارش خبرنگار مهر، هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری از ساعت ۶ صبح امروز در محل شورای نگهبان حضور یافته و آمادگی خود را جهت دریافت گزارش های مردمی اعلام کرد.

در اطلاعیه هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات آمده است: با توجه به اهمیت نظارت بر انتخابات و نقش تعیین کننده گزارش های مردمی در حفظ سلامت انتخابات و

صیانت از آرای ملت، بدین وسیله هیئت مرکزی نظارت بر دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری آمادگی خود را جهت دریافت گزارش‌ها، نظرات، پیشنهادها و انتقادات عموم مردم از طرق زیر اعلام می‌نماید: ...

در این دوره از انتخابات برای نخستین بار هر یک از چهار کاندیدای ریاست جمهوری نماینده‌ای در هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات کشور دارند. ... سه تن از نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نمایندگان خود را جهت استقرار در هیئت مرکزی نظارت معرفی و اکنون نمایندگان آنها در این محل مستقر شده‌اند.

به گزارش مهر، زارعی، آخوندی و ساداتیان به عنوان نمایندگان نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست به ترتیب محمود احمدی نژاد، میرحسین موسوی و مهدی کروبی جهت استقرار در هیئت مرکزی نظارت معرفی و آنها هم اکنون در این محل حاضر شده‌اند. این در حالی است که نماینده محسن رضایی کاندیدای دیگر ریاست جمهوری تا کنون در محل هیئت مرکزی نظارت حضور نیافته است."

هرچند همین نماینده‌ها پس از مدتی نشستن و معطلی بی ثمر با صدور اطلاعیه‌ای خداحافظی کردند. نمایندگان نامزدها که می‌خواستند در روز انتخابات در اتاق تجمیع ناظر کار تجمیع باشند، به این اتاق راه داده نشدند و وزارت کشور را هم پس از معطلی با صدور اطلاعیه‌ای ترک کردند:

"جناب آقای محصولی، وزیر محترم کشور

۲۳/۳/۸۸

ساعت ۲:۱۵ بامداد

دقیقی پیش آماری توسط ستاد انتخابات کشور و آقای دانشجو در مقابل رسانه‌های داخلی و خارجی منتشر گردید که اینجانبان نمایندگان نامزدها در سایت شمارش آراء وزارت کشور هیچگونه اطلاعی از چگونگی دریافت و تجمیع و انتشار آن نداریم و از آنجا که طبق مواد ۲۸ و ۳۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری، وزارت کشور پس از دریافت صورتجلسات (فرم ۲۸) و روال قبل بایستی آمار را اعلام نماید به نظر می‌رسد اعلام نتایج فعلی مطابقتی با قانون ندارد.

ضمناً فضایی که برای استقرار نمایندگان کاندیدها در نظر گرفته شده دور از سایت شمارش آرا بوده و هیچگونه ارتباطی با این سایت ندارد. لذا در صورت استمرار این وضعیت حضور اینجانبان با عدم آن تفاوتی ندارد.

نماینده محسن رضایی

نماینده میرحسین موسوی

نماینده مهدی کروبی

رونوشت: دفتر مقام معظم رهبری

هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات

ریاست محترم ستاد انتخابات کشور"

عملاً برای تبلیغات و با اطمینان از اینکه فریاد نمایندگان نمازمدها یا خود آنها دارای برد رادیو و تلویزیون دولتی نیست، این گونه اطلاعیه‌ها را مسئولین انتخابات صادر می‌کردند، بی‌آنکه به محتوای آن عمل نمایند. همه این بازی‌های تبلیغاتی بخوبی نشان می‌داد که طرحی از پیش تدارک شده در حال اجراست.

در این میان، علی رغم تلاش های ستاد آقای موسوی برای امیدوار و خوشبین نگه داشتن مردم، ناگهان سردار یدالله جوانی، رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از فرماندهان ارشد سپاه، با این که هرگونه دخالت نظامیان بموجب قانون انتخابات ممنوع است، با اظهار نظری صریح و خارج از انتظار دربارهٔ صیانت از آراء و هواداران آقای موسوی آب پاکی را روی دست هر فرد خوشبینی ریخت و بدین ترتیب شیپور حمله ای را که کیهان و فارس و ایرنا و هیئت نظارت و ستاد مرکزی انتخابات مدتها برای اجرای آن زمینه سازی کرده بودند، با صدایی گوش خراش به صدا درآورد:

"یدالله جوانی در مورد بحث صیانت از آرا به «صبح صادق» گفت: تشکیل کمیته صیانت از آرا توسط دو نامزد اصلاح طلب و تشکیل جلسات و آموزش دادن به نیروها و اختصاص پول کلان برای فعالیت این کمیته، حکایت از برنامه‌هایی خاص دارد."

او در ادامه استفاده هواداران میر حسین موسوی، از «رنگ سبز» را «تلاش برای به راه انداختن یک انقلاب مخملی»، توصیف کرد. ما در بخش گزارش دخالت نظامیان به اتهامهای برخی دیگر از مقام‌های سپاه و نیروی مقاومت بسیج و بعضی از روحانیان اشاره خواهیم کرد. سردار جوانی در این مصاحبه هشدار داد که سپاه، انقلاب مخملی در ایران را در نطفه خفه خواهد کرد. به نوشته هفته‌نامه «صبح صادق»، رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «پروژه براندازی خاموش در ایران در سال ۱۳۷۶ کلید خورد.» در این میان، یدالله جوانی در ادامه این مصاحبه، کسانی را که به گفته او، «پشت صحنه رنگ سبز قرار دارند، افرادی

توصیف کرد که « در پیشینه خود، طراحی و اجرای سناریوی کوی دانشگاه در ۱۸ تیر و تحصن در مجلس ششم را داشته و معتقد به پیروزی اصلاحات از طریق جنبش اجتماعی و کشاندن هواداران به خیابان‌ها هستند.» وی در همین خصوص مدعی شد که اصلاح‌طلبان درصدد هستند با تکرار حوادث گرجستان که دولت حاکم را مجبور به عقب‌نشینی کردند، و اضافه کرد که اگر آنها رأی نیاورند، می‌خواهند «با توجه به موضوع ضرورت تضمین آرا و تشکیل کمیته صیانت از آرا که مطرح شد، به راحتی، سلامت انتخابات را زیر سؤال ببرند.»

آنها با همین بهانه‌ها روز ۲۱ خرداد تمامی ارتباط را قطع کرده و با حمله به ستادها انتقام این دشمنی موهوم را با استفاده از غیرت دینی جوانان بسیجی یا برخی هواداران مداحان تندرو از دانشجویان ساکن کوی و از سران مجاهدین انقلاب و جبهه مشارکت گرفتند. در حالی آقایان بهزاد نبوی و امین زاده و بسیاری دیگر که در ساختمان مشهور قیطریه حضور داشتند، غروب روز جمعه دستگیر و به زندانهای مخفی برده شدند که هنوز انتخابات جریان داشت و برخی از آنها شاید تا ماهی بعد از نتیجه انتخابات با خبر نبودند، تا چه رسد به اینکه مردم برای تظاهرات خیابانی دعوت کرده باشند.

چرا باید تشکیل کمیته صیانت مساوی طراحی آشوب بعد از انتخابات باشد؟ چرا باید اعتراض به نتیجه، ولو ناحق، آشوب تلقی شود؟ چرا یک نظام مبتنی بر عدالت شرعی، قصاص قبل از جنایت کرد؟

مصاحبه آقای علیرضا بهشتی، فرزند شهید مظلوم، با روزنامه اعتماد در ۸۸/۵/۱۵، فشرده‌ای از ماقع را روشن می‌کند. ملاحظه کنید که ستاد آقای موسوی در حد

توان یک ستاد انتخاباتی مردمی و در مسیر قانون همه کاری را که می توانست در برابر احتمال کودتا انجام دهد، بکار بسته است؛ فراروی از این حدود مستلزم اقداماتی نابهنجار و خروج از دایره قانون و نظام بوده است. باید متولیان امر توضیح بدهند که آیا با این کودتا چگونه در چارچوب های نظام حرکت کرده اند:

"دو ماهی که ایران از خرداد ماه پشت سر گذاشت بیش از ۲۰ سالی که میرحسین موسوی سکوت کرده بود، خبر داشت؛ خبرهایی که امروز ثبت و ضبط و فردا در حافظه جمعی ایرانیان ماندگار خواهد شد، درست بسان حوادث ۲۰ سال پیش. میرحسین موسوی که آمد همه، همه چیز در او یافتند الا سخنی تازه. چون ۲۰ سال جانب سکوت گزیده بود و وقتی این سکوت شکست، علاوه بر آن همه چیز، سخنی به قدمت یکصد سال دموکراسی خواهی از حنجره او به گوش ها رسید، برای همین منحنی اقبال جامعه از موسوی از روز اعلام نامزدی تا روز انتخابات چنان رشدی داشت که اگر همه چیز به روال عادی می گذشت شاید امروز جلوی نام میرحسین موسوی می نوشتیم؛ آقای رئیس جمهور. تا روز انتخابات مردم در جریان هستند اما از روز انتخابات به این طرف حجم و سرعت حوادث به گونه یی پیش رفت که بسیاری از اتفاقات مهم در خبرها و نظرها نیامد. از جمله این اخبار تکاپوی ستاد موسوی از روز رای گیری به این طرف است.

دکتر سیدعلیرضا حسینی بهشتی از مشاوران نزدیک موسوی در گفت و گو با «اعتماد» همه آنچه را که در ستاد اتفاق افتاده نمی گوید اما در لابه لای سخنانش به بیان آنچه ناگفته مانده، اشاره می کند. بهشتی از تدوین آنچه در انتخابات گذشته خبر می دهد؛ تدوین آنچه فصل مهمی از تاریخ این سرزمین نازنین است.

- شما از نزدیک ترین افراد به مهندس موسوی هستید. روز انتخابات در ستاد مرکزی چه خبر بود، میرحسین موسوی چه کاری انجام می داد؟

ستاد در روز انتخابات در قسمت های مختلف فعال بود اما مهم ترین قسمت ستاد کمیته صیانت از آرا بود که این قسمت سیستمی را راه اندازی کرده بود برای ارتباط آنلاین با ناظران صندوق ها؛ البته آن قسمت از ناظرانی که اجازه حضور پای صندوق ها را گرفته بودند. این مساله که مطرح می کنند مبنی بر حضور ۴۰ هزار نماینده مهندس موسوی بر سر صندوق ها اندکی با واقعیت تفاوت دارد. ما نزدیک به ۴۰ هزار داوطلب داشتیم و برای آنها درخواست صدور کارت نظارت داده بودیم که از این تعداد ۲۵ هزار نفر بیشتر نتوانستند به عنوان ناظر پای صندوق حضور داشته باشند. دوستان به مابقی افراد اجازه حضور ندادند و کارت نظارت شان را صادر نکردند.

در عین حال از همان تعداد نیز عده زیادی زمان شمارش آرا از صندوق ها اخراج شدند. خیلی موانع درست کردند تا نظارت صورت نگیرد. قبل از آن پیش بینی کردیم اس ام اس ها را قطع کنند و با آنکه وزارت ارتباطات به ما اطمینان داده بود مبنی بر قطع نشدن سیستم پیامک ها برای اطمینان بیشتر خطوط تلفنی نیز برای ستاد در نظر گرفته شد. شب انتخابات با قطع شدن سیستم پیامک ها قرار بود از خطوط تلفن استفاده کنیم که در روز انتخابات بیش از ۳۰۰ خط تلفن ستاد صیانت از آرا را نیز قطع کردند. آقای موسوی هم نزدیک ستاد کمیته صیانت از آرا بودند که در جریان کار باشند.

- شما در جریان قطع شدن پیامک ها و بعد از آن تلفن های ستاد یا راه ندادن ناظران به صندوق ها با مراجع قانونی رایزنی داشتید؟

هم اعضای اصلی ستاد و هم مهندس موسوی در روز انتخابات و حتی قبل از آن رایزنی های زیادی برای حل مشکلات انجام دادند.

- با چه افراد یا مراجعی؟

با وزارت کشور هم تماس گرفته شد افرادی نیز به عنوان نماینده ستاد به وزارت رفتند. با شورای نگهبان، قوه قضائیه و حتی بیت رهبری نیز رایزنی های زیادی انجام دادیم. هر کاری که می توانستیم انجام دادیم اما اراده یی مبنی بر حل اختلافات دیده نمی شد. در عین حال با همان اخباری که نمایندگان توانستند به ستاد برسانند یا مراجع رسمی خبر می دادند، نشان می داد اقبال خیلی گسترده یی درباره انتخابات وجود دارد و اکثر افرادی که می آمدند به عنوانی ابراز تمایل به سمت موسوی داشتند. نزدیک ساعت دو بعدازظهر بود که ما حس کردیم مساله دیگری مطرح است. تا آن زمان بیشترین دغدغه نبودن تعرفه انتخاباتی در شهرها بود که البته بعد از آن نیز این مساله ادامه پیدا کرد مانند شهرهای تبریز یا شیراز. البته مساله تمدید ساعت رای گیری نیز وجود داشت. در اکثر انتخابات دولت خود زمان رای گیری را تمدید می کرد که تعداد بیشتری در انتخابات شرکت کنند اما در این انتخابات مساله کاملاً تفاوت داشت؛ در بسیاری از حوزه ها بعد از ساعت ۷/۳۰ بعدازظهر دیگر اجازه دادن رای نمی دادند و این مساله بسیار عجیب بود.

- ساعت دو بعدازظهر (روز انتخابات) چه اتفاقی افتاد؟

به نظر می‌رسید اساساً مساله شمارش آرای حقیقی منتفی شده است و بیشترین زوم روی شمارش کامپیوتری است که قرار بود به صورت آزمایشی مورد استفاده قرار بگیرد.

-بحثی مطرح شده است مبنی بر آنکه علی لاریجانی روز انتخابات به میرحسین موسوی تبریک گفته است، شما این گفته را تصدیق می‌کنید؟
من چنین امری را به خاطر ندارم اما از بعضی موسسات رسمی و بعضی خبرگزاری‌های رسمی بعدازظهر همان روز تماس گرفتند و تبریک گفتند. آنقدر اختلاف زیاد بود که به نظر نمی‌رسید حتی بین مهندس موسوی و احمدی نژاد رقابت به دور دوم کشیده شود.

-از طرف مقامات رسمی فردی تبریک گفت؟

الان حضور ذهن ندارم.

-چه شد مهندس موسوی ساعت ۱۱ شب اعلام پیروزی بکنند؟ چون این اتفاق مورد انتقاد شدید جریان رقیب قرار گرفت. (لازم به یادآوری و تصحیح است که اعلام پیروزی دقیقاً ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه بوده است.)

خبرگزاری‌های حامی دولت در ابتدای شب خبر پیروزی احمدی نژاد را روی خروجی خودشان قرار دادند حتی اطلاعاتی که ما داریم نشان دهنده آن است که روزنامه‌های حامی دولت پنجشنبه تیر خودشان را انتخاب کرده بودند و در بعضی موارد مجبور شدند تیر خودشان را برای آنکه مساله‌یی به دست رقیب‌اش نیفتد عوض کنند. معلوم بود روند انتخابات آنچنان که طبق قانون است طی نمی‌شود. ما

آماری داشتیم و همچنین تماس هایی که خبر از پیروزی موسوی در انتخابات می دادند و بر همین اساس میرحسین موسوی خبر پیروزی خود را اعلام کرد.

-در روز انتخابات شاهد پلمب شدن ستاد های انتخاباتی مهندس موسوی بودیم. در رایزنی هایی که انجام دادید علت کار را چطور توضیح دادند؟

یکی از مسائلی که بسیار مشکوک بود حمله ور شدن به ستاد های مهندس موسوی در روز انتخابات و پلمب بدون مجوز آنها بود. به عنوان مثال بعد از ظهر همان روز ستاد قیطریه و بعد از آن ستاد مرکزی موسوی در میرهادی بدون حکم مشخصی پلمب شد. مراجع رسمی هم در این مورد هیچ دلیلی را بیان نکردند به این صورت که در بسیاری از موارد ارتباط و رایزنی ما یک طرفه بود؛ ما نامه می نوشتیم و گزارش می دادیم اما هیچ عملکرد مشخصی از جانب طرف مقابل صورت نمی گرفت. نه تنها کاری نمی کردند حتی گاه جوابی نیز نمی دادند.

-اعلام نتایج انتخابات از ساعت ۱۲ شب شروع شد تا ساعت ۹ و بعد از آن در یک سکوت خبری رفت تا ظهر شنبه. در این زمان وضعیت ستاد و مهندس موسوی چطور بود؟

ما آن روز تا ساعت پنج صبح بیدار بودیم. استراحت اندکی کردیم و دوباره به آن اخباری که منتشر می کردند گوش می دادیم چون داستان انتخابات و عملکرد جناح مقابل را از ساعت دو بعد از ظهر می دانستیم به همین خاطر آنچنان از اخبار منتشر شده متعجب نبودیم اما از بعضی از حرف ها و گفته هایی که زودتر از زمان رسمی شورای نگهبان زده می شد غافلگیر شدیم.

-میرحسین موسوی روز شنبه بعد از اعلام نتایج انتخابات با توجه به آمارهایی که در دست داشت چه عملکردی را در پیش گرفت؟

ما کار خاصی نمی توانستیم انجام دهیم چرا که یکسری رابط داشتیم با موارد اخذ رای که بسیاری از آنها همان روز انتخابات دستگیر شدند. اعضای ستاد هم تا دو روز بعد از انتخابات همه به زندان افتادند و بنا به دلایل بی اساس آنها را در زندان نگه داشتند. روز شنبه بیشتر درگیر آن بودیم که چه کسی را دستگیر کردند، چرا آنجا را بستند و چراهای زیاد دیگری که مجبور بودیم به آنها رسیدگی کنیم.

-اما همان روز مردم معترض به خیابان آمدند و هزینه بسیاری هم دادند. تیم اولیه مهندس موسوی و خود ایشان آن روز کجا بودند، چه کاری انجام می دادند؟
ما آن روز جلساتی داشتیم، چرا که برای مهندس موسوی اصل بوده و هست که کمترین هزینه بی نیز بر مردم وارد نشود به همین خاطر روز شنبه جلساتی بود که با یک برنامه ریزی دقیق و مشخص که مردم نیز در آن هزینه بی ندهند به نتیجه برسیم. از طرف دیگر مساله این بود که ما قصد براندازی نداشتیم و نداریم. در چارچوب نظام آمده و در انتخابات شرکت کرده بودیم. قصد این بود که اعتراضی خارج از ساختار رخ ندهد.

-طبیعتاً از انتخابات تا روز ۲۵ خرداد یکسری غافلگیری اجتماعی داشتیم. برای راهپیمایی روز ۲۵ خرداد آقای موسوی و آقای کروبی هر دو تقاضای مجوز کرده بودند و مجوز داده نشد اما مردم به خیابان آمدند. چنین راهپیمایی را با چنین عظمتی تصور می کردید؟

خیر، مطمئناً ما تصور نمی کردیم چنین جمعیتی به خیابان بیاید. همان طور که اشاره کردید مهندس موسوی و آقای کروی هر دو تقاضای مجوز کرده بودند و تا ظهر همان روز معلوم نبود که مجوز صادر می شود یا نه. ظهر خبر رسید که مطمئناً مجوز صادر نمی شود. به دلیل آنکه ما هیچ رسانه یی نداشتیم تا به مردم این اتفاق را خبر دهیم و بگوییم برای ندادن هزینه به خیابان نیاید درخواست گفت و گو در صدا و سیما را داشتیم اما آنها اجازه ندادند به همین خاطر قرار بر این شد که آقایان موسوی و کروی به راهپیمایی بیایند تا از شدت برخوردهای احتمالی نیروهای امنیتی با مردم کم شود. ما برای اعتراضات و راهپیمایی سه راه داشتیم؛ یک مساله برخوردهای خارج از ساختار و خشن از جانب مردم شکل بگیرد. راه دوم نیز چنین بود اما راه سوم یک اعتراض مسالمت آمیز مدنی بود که مردم در ۲۵ خرداد چنین برخورد کردند و این همان خواست ما بود. دیگر اینکه اعضای اصلی ستاد نیز به خیابان بیاییم و اگر مردم در جاهایی تجمع کرده بودند با آنها حرف بزنیم تا بروند اما وقتی با آن موج عظیم جمعیتی روبه رو شدیم خودمان نیز در کنار دیگران به جمعیت پیوستیم. چون راهپیمایی مجوز نگرفت هیچ انتظاماتی نیز در نظر نگرفته بودیم اما شاهد بودیم مردم بدون هیچ چالش و برخوردی توانستند در راهپیمایی مسالمت آمیز ۲۵ خرداد حضور پیدا کنند. حتی تعداد اندکی از افراد که شعارهای خارج از ساختار می دادند توسط خود مردم کنترل می شدند. البته این اتفاقات آنچنان دور از ذهن نبود چرا که قبل از انتخابات در خیابان های اصلی شهر که دو دسته طرفداران مهندس موسوی و احمدی نژاد جلوی یکدیگر قرار می گرفتند بدون هیچ برخورد خشنی به طرفداری از کاندیدای مورد نظر خود مشغول بودند. من همان زمان به یکی از دوستان در

روزنامه کلمه سبز گفتم اگر این مساله در اوایل انتخابات بود حتماً درگیری های خونینی شکل می گرفت. این مساله نشان داد مردم به سطح بالایی از فهم و شعور سیاسی رسیده اند و اگر برخوردهای تندی بعد از انتخابات شکل گرفت به خاطر اشتباه مردم یا اعتراضات نبود.

-با توجه به حضور پرشور مردم در راهپیمایی ۲۵ خرداد به نظر می رسید باید روش ها و نوع نگاه حاکم بر انتخابات از طرف جریان حاکم عوض شود اما چنین اتفاقی رخ نداد، برای این خواست مردم که آنچه را ابراز کردند شما کاری انجام دادید؟ ما پیگیری های زیادی کردیم. جلسات زیادی با مراجع مختلف قانونی انجام دادیم که یک تجدید نظر کلی نسبت به انتخابات شکل بگیرد چراکه خواست مردم نه تغییر نظام بود و نه تغییر ساختارهای کلی قدرت، بلکه تنها خواست شان تغییر نهاد اجرایی نظام یعنی دولت بود. البته جریان حاکم از این خواست برداشت اشتباهی داشت چرا که از دید آنان این جریان یک جریان برانداز بود که به دنبال تغییر نظام است. این نوع تحلیل در گفتارها و برخوردهایشان نمود داشت اما خواست مردم این نبود. این اشتباه تحلیلی باعث شد معضلاتی پیش بیاید که برای آینده نظام نیز خطرآفرین است. تصور می شد از ابزارهای قانونی بتوانیم به خواست مردم جامه عمل بپوشانیم اما چنین نشد. البته ما به شورای نگهبان که قبل از انتخابات بسیاری از اعضایش موضع گیری رسمی به نفع احمدی نژاد کرده بودند امیدی نداشتیم.

-شنیده می شد آقای موسوی گفته بودند اگر انتخابات باطل شود در دور بعدی انتخابات به عنوان کاندیدا حضور پیدا نمی کنند، این مساله حقیقت داشت؟

مساله یی که مطرح بود مشکل شخصی بعضی افراد با آقای موسوی بود، به همین خاطر آقای موسوی گفتند شما انتخابات را دوباره برگزار کنید و اگر مشکل شما با شخص من است من در این دور انتخابات کاندیدا نخواهم شد.

-سه روز بعد از انتخابات نمایندگان کاندیداها با مقام رهبری دیدار کردند، چه اتفاقاتی در آن جلسه رخ داد؟

آن چیزی که منتشر شد صحبت های مقام رهبری بود و صحبت های نمایندگان کاندیداها پخش نشد. در آن جلسه نمایندگان سه کاندیدای معترض هر سه به انتخابات اعتراضات جدی داشتند و خواستار ابطال آن بودند و نمونه های تخلفات و تقلبات مطرح شده را نیز بیان کردند؛ خواسته های نمایندگان مطرح شد.

-صحبت های مقام رهبری در آن دیدار بسیار امیدوارکننده بود. برخوردهای امنیتی با راهپیمایی بعدی نیز نوید از یک حرکت مسالمت آمیز می داد.

-چه اتفاقی افتاد که در روز جمعه آن اتفاقات رخ داد و بعد از آن شنبه برخوردها به شدت افزایش یافت و هزینه های مردمی بسیار گسترده تر شد؟

همان طور که اشاره کردم برداشت از اعتراضات مردمی نادرست بود. مردم به نظام اعتراضی نداشتند، تنها به انتخاباتی که درون-نظامی نیز بود، اعتراض می کردند. آنها خواستار براندازی نبودند، نه مردم بلکه مطمئناً کاندیداهایی که در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران شرکت کرده بودند خواستار براندازی نبودند. اما برداشت درست در تضاد با این واقعیت بود. برداشت جناح حاکم و القای آنان به دیگران این بود که مردم می خواهند نظام را به سمت براندازی ببرند و خواست ساختارشکنی

است، به همین خاطر در آن شبه چنین رخ داد و برخوردها به شدت امنیتی تر از گذشته شد.

-در این مدت نامی از آقای هاشمی در میان نبود، آیا مهندس موسوی با آقای هاشمی دیداری انجام داد؟

نه، چراکه مساله، مساله کاندیداها بود نه مساله آقای هاشمی و حتی آقای خاتمی، چراکه مساله در راستای انتخابات دیده می شد و دلیلی نداشت این دو بزرگوار بخواهند خود را درگیر کنند.

-اما از یک زمانی به بعد ما شاهد بودیم این افراد نیز وارد اعتراضات شدند. بله از زمانی که برخوردهای امنیتی شدت یافت و مساله آینده نظام مطرح شد، آقای هاشمی به عنوان یکی از پشتوانه های نظام و آقای خاتمی وارد میدان شدند. نوع برخوردی که با مردم شده بود، بسیار ناپسند بود. برخوردهایی که ما نمی خواستیم شاهد آن باشیم که متاسفانه رخ داد. ما نیز می دانستیم اگر فضا امنیتی تر بشود جایی برای روش های مدنی نخواهد ماند.

-هر سال به واسطه تبلیغات مراسم هفتم تیر به شکل رسمی برگزار می شد اما امسال ما شاهد بودیم در مراسم مسجد قبا ازدحام جمعیت تا شریعتی نیز رسید. علت این امر را چه می دانید؟

البته ما هر سال خودمان نیز مراسمی برگزار می کردیم. در این مراسم مهندس موسوی حضور پیدا می کردند اما مطمئناً ازدحام جمعیت امسال بسیار بیشتر بود. ما به هیچ وجه انتظار چنین جمعیتی را نداشتیم به همین خاطر مراسمی که قرار بود برگزار شود، تنها در داخل مسجد خلاصه می شد اما با آمدن این میزان جمعیت نتوانستیم

مراسم را به صورت کامل برگزار کنیم. آقای کروی در این مراسم حضور داشتند، آقای موسوی هم قرار بود بیایند که نتوانستند از خیابان ها رد شوند البته مساله دو دلیل داشت؛ یکی از آنها به خاطر ازدحام جمعیت بود و دیگری به خاطر مانع شدن بعضی از ماموران امنیتی. در این مراسم تنها کاری که توانستم بکنم گرفتن یک بلندگوی دستی از پلیس بود تا به مردم اطلاع بدهم مهندس موسوی نمی توانند در مراسم حضور پیدا کنند.

-قبل از مراسم از مراکز امنیتی با شما تماسی گرفتند؟

بله مراکز امنیتی بعد از تعطیل کردن روزنامه کلمه سبز با ما بسیار نزدیک شده بودند. به همین خاطر هرچند روز یک بار تماس می گرفتند. قبل از برگزاری مراسم در مسجد قبا همچنین تماسی گرفتند و گفتند مواظب جمعیت و اعتراضات آنها باشید. مراسم مسجد قبا تا انتها درگیر خشونت نشد. متاسفانه در انتهای مراسم با حرکت مردم به سمت خیابان شریعتی برخوردها خشن شد.

-روزنامه کلمه سبز به چه دلیلی بسته شد؟

از روزنامه با من تماس گرفتند و گفتند نیروهای امنیتی به داخل روزنامه آمده اند و تحریریه را در اتاق ها حبس کرده اند به سرعت خودم را به روزنامه رساندم. نوع برخورد نیروهای امنیتی مانند برخورد با یک خانه تیمی منافقین بود. همه جا را می گشتند. وقتی علت کارشان را پرسیدم گفتند در تظاهرات هفت تیر چند نفر به این ساختمان پناه آورده اند و در پشت بام نیز عده بی دیگر مشغول عکاسی بودند. بعدها فهمیدم گفته آنها واقعیت نداشت اما اگر هم واقعیت داشت در یک روزنامه و یک نهاد خبری از اتفاقات مهم عکس می گیرند. اگر خبرنگاری از چنین اتفاقی عکس

نگیرد باید پرسید آن عکاس کجا بوده که عکس نگرفته؟ عکس گرفتن از یک تظاهرات چه مشکلی دارد. در همان جا مسوول یکی از تیم های امنیتی که آمده بود برگه یی را آورد که آن را امضا کنم. در آن برگه نوشته بود در ستاد مخفی تعدادی سی دی خلاف پیدا کرده و تعدادی دختر و پسر را دستگیر کردیم. من برگه را امضا نکردم، گفتم کی اینجا چنین اتفاقاتی رخ داده است؟ در عین حال آن چند روز روزنامه تعطیل بود و روزنامه نگاران آمده بودند حقوق شان را بگیرند.

-اعضای تحریریه چند روز در بازداشت ماندند؟

زمانش فرق می کرد بعضی از دوستان تا ۱۶ روز در بازداشت بودند.

-حضور مهندس موسوی در نماز جمعه چطور رخ داد؟ آیا این اتفاق با هماهنگی هاشمی بود؟

بله با هماهنگی آقای هاشمی این اتفاق رخ داد. آقای هاشمی خواسته بودند آقای موسوی و آقای کروبی در نماز جمعه حضور یابند و چنین شد البته آقای موسوی بسیار شک داشتند برای حضور در نماز جمعه در عین حالی که نیروهای امنیتی می خواستند مانع حضور ایشان شوند خودشان نیز نمی خواستند جو ملتهب شود اما ایشان آمدند و واکنش های مردمی بسیار مثبت بود.

-احتمال دستگیری مهندس موسوی یا نزدیکان ایشان وجود دارد؟

خیر فکر نمی کنم چنین کاری بکنند که منجر به ملتهب شدن دوباره فضا شود.

-اگر بخواهند شما را دستگیر کنند، شما چنین آمادگی دارید؟

هم من و هم تمام اعضای خانواده ام آمادگی چنین اتفاقی را داریم."

خوانندگان همگی آگاهند که علی رغم این خوشبینی آقای بهشتی، ایشان در شهریورماه با حکمی نامشخص و به وضعی بسیار زشت در منزلشان بازداشت و به زندان منتقل شدند که شرح آن خواهد آمد!!

فشرده این مقال:

تابدینجا کوشیدیم که یکی از مسائل حاد و عمده تمهید مقدمات انتخابات را بر اساس قوانین موجود برای شما ترسیم نموده و تخلفات آشکاری را نشان بدهیم که مشاهدات و تجربه های خود شما بهترین سند ما بر وقوع این تخلفات بوده و هست.

۱- با جار و جنجال از اجرای کامل قانون نظارت نمایندگان نامزدها در مراحل کار انتخابات جلوگیری کردند.

۲- با تبلیغات سوء نامزد ریاست جمهوری و هوادارانش را وابسته به بیگانه و برانداز و خارج از دین معرفی کردند.

۳- بدون توجه به قانون اساسی و قانون انتخابات، میدان را برای تاخت و تاز نظامیان باز گذاشتند.

۴- حقوق شهروندی مصرح در قانون اساسی را نادیده گرفتند، حق اعتراض و شکایت و التجای رأی دهنده را زیر پا نهاده و شاکی را خائن نامیدند.

۵- هر روز حرف هایشان را عوض کردند و از دروغ و تغییر تعمدی عباراتشان ابائی نداشتند.

۶- با دستاویز اصطلاحات مجعولی مانند جنگ نرم و انقلاب مخملی حق حرف زدن را هم از ما و شما گرفتند.

- ۷- شورای نگهبان مدعی تعهد در قبال صحت انتخابات و صیانت از آرا بر همهٔ این تخلفات قلم عفو کشید.
- ۸- ظلم و ظالم را در مسند حق نشاند.
- ۹- از متخلف جانبداری نمود و مظلوم را با چوب هماهنگی با خط برانداز داخلی و دشمن خون آشام خارجی بشدت کوبید.
- ۱۰- عوامل حکومتی زمینه ای یافتند تا جوانان برومند و هوادار عزت ملی را در زندانهای مانند کهریزک و ... به صلابه بکشند.
- ۱۱- در برابر خونخواهی بر حق ملت با آتش کینه ایستادگی کردند.
- ۱۲- کوی دانشجویان را تخریب و آنان را بدست چاقوکشان روزمزد لت و پار کردند.
- ۱۳- خیلی از آزادمردان متدین و بسیای از شیرزنان شجاع را (از اهل قلم، روزنامه‌نگاران، اساتید دانشگاه‌ها یا روحانیان و ...) به زندان افکنده و آنان را مورد شکنجه‌های جسمی-روانی قرون وسطایی قرار دادند.
- ۱۴- جوانان و افرادی را که فقط اعتراض به یک (دزدی آراء) داشتند از کنار خیابانهای شهر و حتی از گورستان بهشت زهرا ربودند و مودر شکنجه و آزار جنسی قرار دادند.
- ۱۵- دهها جوان (اعم از پسر و یا دختر) را ربودند و جنازهٔ آنها را پس از عجز و لابه‌ها و التماس‌های مادران آنها تحویل خانواده آنان دادند.
- ۱۶- در مقابل تحویل جسد عزیزان این ملت به خانواده‌هایشان میلیونها تومان پول طلب کردند.

۱۷- خانواده کشته شدگان و بستگان آنها را از عزاداری در مرگ عزیزانشان منع کردند.

۱۸- وقیحانه از آن خانواده‌ها تعهد رضایت و سند نداشتن شکایت گرفتند.

۱۹-۱۹- قرائت قرآن کریم و پخش نوار کلام الله مجید را از عزاداران دریغ داشتند.

۲۰- در روز انتخابات یعنی ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و حتی قبل از آن همه مردم را با بستن تلفن‌های موبایل و تلفن‌های معمولی و قطع ارسال پیام و پیامک از طبیعی‌ترین حقوق خود محروم کردند.

۲۱- با تشکیل بیدادگری‌های شرم‌آور بدون رعایت حداقل اصول حقوقی - کیفری و آئین دادرسی، قضاء اسلامی را در معرض تمسخر جهانیان قرار دادند.

۲۲- با کشاندن بعضی روحانیون صاحب مقام در این نظام اسلامی بر روی کرسی اتهام مقام روحانی و روحانیت را هتک کردند.

۲۳- با اینکه در هیچ کتابی آئین اسلام (ترور) وسیله‌ای برای حذف فیزیکی فرد و یا افراد مخالف شناخت نشده است، معلول بعثت ترور را بازداشت و زندانی کردند و با شکنجه‌های روانی از او اقرار به گناهی را گرفتند که هرگز مرتکب آن نشده بود و...

۲۴- این اعمال وحشتناک و محیرالعقول که به نام خدا - اسلام، انقلاب اسلامی، امام عصر عیج - امام خمینی (ره) و حفظ نظام اسلامی تمهید و اجرا شد، چکاندن تیر خلاص از مخزن طپانچه بیداد بود بر قلب و جان آنچه

نامش را (ایمان اسلامی و انقلاب نجات بخش و عدالت اسلامی) نهاده بودیم یا... و سرانجام، جوانان ناآگاه نسل سوم انقلاب را (نیروهای انتظامی - سپاه پاسداران - بسیج) در مقابل (مردم) قرار دادند/نشسته است.

۲۵- ... و همه این ملت را در رثای دیانت و آزادی انسانی به ماتم نشانند، باشد

که تاریخ پاسخ دندان شکن محتوم خود را در روز موعود به ظالمان بدهد:
إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (اعراف، ۱۵۹)... إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص، ۴)... وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (قصص، ۳۹) فَأَخَذْنَا هُوَ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانَظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (قصص ۴۰)... سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (فتح، ۲۳) . صدق الله العلي العظيم.

اینک در ادامه گزارش خود به موضوع مهم «چاپ و توزیع تعرفه» می پردازیم که از حادثترین مسائل مقدمات انتخابات اخیر بود و به اندازه کافی در اظهارات خود مسئولین دلایل کوتاهی ها و عزم پیشین برای تقلب وجود دارد.

³⁰ فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه (پاره پاره) ساخت طبقه ای از آنان را زبون می داشت پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای بهره کشی] زنده بر جای می گذاشت که وی از فسادکاران بود ... و او و سپاهیان در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانیده نمی شوند. تا او و سپاهیان را فرو گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم بنگر که فرجام کار ستمکاران چگونه بود ... سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.

معمای تعداد تعرفه چاپ شده برای انتخابات ریاست جمهوری دهم

به هنگام بحث از تقلب، به استناد تعاریف متخذه در منابع معتبر، نشان دادیم که هر اقدام ارادی سوء در خصوص «تعرفه انتخاباتی» از مصادیق تقلب است. موضوع تعرفه‌ها از دو جهت در سرنوشت هر انتخاباتی اهمیت دارد: یکی در اقدامات مجری و ناظر پیش از انتخابات و چاپ و توزیع آنها و دیگری در عملیات رأی‌گیری مجری و نظارت ناظر مدعی صیانت این کار.

از آنجا که، دستکم در ایران، امکانات فنی چاپی مخصوص و نوین تعرفه در اختیار مراکز دولتی است، اقدامات بزهکارانه برای تقلب در تعرفه‌ها و دست بردن در شمارگان آنها، جرمی است که عوامل اجرایی و نظارتی یا عواملی که با این دو دسته هم‌پیمان اند، مانند ستاد آقای احمدی نژاد در این دوره، آسان‌تر از دیگران می‌توانند مرتکب آن بشوند.

تخلف در امانت تعرفه و طراحی توزیع نامناسب آن، جرمی است که فساد دستگاه اجرا و نظارت را آشکار می‌سازد و علاوه بر اینکه باید مرتکبان آن تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند، قهرا بطلان انتخابات را در پی دارد. بنا بر این، چنین نیست که اگر ثابت شود چند برگ تعرفه توسط خود دستگاه اجرا و نظارت بر انتخابات جابجا شده، صرفاً فلان صندوق یا شعبه فاسد است، بلکه اصل عمل مجرمانه مجریان و ناظران دست‌اندر کار چاپ و توزیع تعرفه موجب فساد در کل انتخابات می‌شود. احراز سوء نیت دستگاه

اصلی نظارت و اجرا با این عمل مجرمانه و قرائن دیگر صرفاً موجب تشکیک در اصل صحت انتخابات نمی‌شود، بلکه ثابت شدن دخل و تصرف در تعرفه‌ها، که در انتخابات اخیر بطور گسترده‌ای بوقوع پیوسته است، به تنهایی برای بطلان چنین انتخاباتی کافی است. از این گذشته، اگر ثابت شود که متولیان انتخابات، اعم از متولیان نظارت و اجرا، در گزارش خود نسبت به موضوع تعرفه یا هر مورد دیگری از مقدمات انتخابات، دروغ گفته و پنهان کاری کرده‌اند، این تنها شائبه‌ای برای تقلب محسوب نمی‌شود، بلکه داشتن قصد مجرمانه و به اصطلاح سبق تصمیم و سپس انجام و ارتکاب تقلب را اثبات می‌کند که علاوه بر بطلان نتیجه بدست آمده، از عوامل تشدید کننده جرم برای مرتکبان آن می‌باشد. اصل صداقت و امانتداری اگر در رفتار مجری و ناظر مخدوش شود، عزم پیشین برای تقلب را اثبات می‌کند و موجب آن می‌شود که انتخابات باطل گردد.

مصاحبه یکی از دست اندرکاران چاپخانه بانک ملی، علاوه بر اینکه اهمیت نحوه چاپ تعرفه را روشن می‌کند، یکی از سندهای مهم برای گزارش حاضر است. ما با ارائه این مصاحبه بخشی از گزارش تفصیلی شورای نگهبان را بررسی و جرایم مربوط به آن را بیان خواهیم کرد.



(عکس از فرج صمدی، ایرنا، گزارش بازشماری ۱۰٪ صندوق‌ها)

گزارش تفصیلی شورای نگهبان حاوی آخرین ادعاها و اقرارها درباره اعداد و ارقام و مسائل راجع به تعرفه‌هاست که امروز، پس از گذشت این مدت از انتخابات، دیگر هیچ مرجعی نمی‌تواند آن اعداد را تغییر دهد و یا انکار نماید؛ بخصوص از این جهت که احتمالاً وزارت کشور به منظور پاک کردن آثار کار، تاکنون اقدام به امحای تعرفه‌ها کرده است. به موجب ماده ۱۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری: «وزارت کشور پس از وصول نظریه شورای نگهبان مبنی بر خاتمه انتخابات و امضای حکم ریاست جمهوری توسط مقام رهبری دستور امحای تعرفه و اوراق رأی را صادر خواهد نمود.» با مراجعه به سایت وزارت کشور و شورای نگهبان می‌توان بسادگی ملاحظه

کرد که آن‌ها بخش‌های مهمی از این سایت‌ها را خالی کرده اند و آرشیویشان پاسخ شما را نمی‌دهد، چرا که بسیاری از گفته‌هایشان با این آخرین گزارش تفصیلی متناقض بوده است.

مصاحبه مدیر چاپخانه بانک ملی در ۸۸/۵/۱ که خبرگزاری‌ها مخابره کرده‌اند، به نوشته سایت بانک ملی ایران به شرح زیر بوده است³¹:

"مهندس رضا منصوری با اعلام این مطلب که در ۱۰ سال گذشته، طراحی و چاپ تمامی تعرفه‌های رای‌گیری انتخابات مختلف در شرکت چاپ و نشر بانک ملی صورت گرفته است، ... گفت: در طول این ۱۰ ساله به دلیل پارامترهای امنیتی در هیچ تعرفه‌ای امکان جعل وجود نداشته و بدون تأخیر زمانی در بهترین کیفیت به دست چاپ سپرده شده است.

طراحی، چاپ، بسته‌بندی، نگهداری و ارسال به ستاد انتخابات جزو مراحل تولید تعرفه‌های انتخاباتی است. در انتخابات ریاست جمهوری گذشته، تعرفه‌ها ظرف مدت یک ماه با دراختیار گرفتن ۲۶۰ نیرو و ۲۲ ماشین آماده شد.

مدیر عامل شرکت چاپ و نشر بانک ملی با اشاره به حضور ۶۰ نفر ناظر از مراکز مختلف نظیر شورای نگهبان، قوه قضائیه، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، حراست کل کشور و ستاد انتخابات در طول فرایند تولید تعرفه ابراز داشت: تمامی مراحل با حضور ناظران ثبت و

³¹ این مصاحبه در اغلب سایت‌ها و روزنامه‌های آن روز منعکس شده است، از جمله در سایت فارس نیوز و ایرنا.

ضبط شد، در عین حال که ۲۶۰ نفر نیروی شرکت که دارای لباس مخصوص و آرم شناسایی بودند، به نوعی در قرنطینه قرار داشتند بدین معنی که از زمان ورود به محل کار تا پایان وقت، امکان خروج نداشتند و در زمان ورود و خروج بازرسی بدنی می‌شدند. با حضور ناظران، پلمپ دستگاه‌ها باز و پس از انجام کار روزانه دوباره بسته می‌شد. ... تعرفه‌های چاپ شده تا زمان تحویل در محلی امن و مجهز به سیستم‌های الکترونیک در این شرکت نگهداری شد که ناظران نیز بر آن نظارت ویژه داشتند."

البته مدارکی وجود دارد که دولت نهم از همان ابتدا در پی تغییر محل چاپ تعرفه بوده و چند بار کوشیده است این کار را توسط چاپخانه‌های خصوصی انجام دهد. به هر حال، علاوه بر اینکه مصاحبه بالا اهمیت چاپ و توزیع تعرفه را باز می‌نمایاند، حاوی این نکته مهم نیز هست که کار چاپ و تحویل آنها طی صورتجلسه و با حضور ۶۰ ناظر، از جمله ناظران شورای نگهبان به عمل می‌آید و بنا بر این، ادعای شورای نگهبان در متن زیر مبنی بر اینکه از وزارت کشور در مورد تعرفه سؤال کرده و سپس از طریق بازرسانش گزارش را بررسی نموده است، سخن بی‌پایه‌ای است. این ادعا در اصطلاح برای دفع دخل مقدر و نمایشی است از دقتی که هرگز وجود نداشته است. شورای نگهبان به اقرار خود در این گزارش و در موارد متعددی که خواهید خواند، باید در همه مراحل حاضر و ناظر بوده باشد و باید صورتجلسه‌ها را امضاء می‌کرد. بنا بر این، ادعای بازرسی مجدد، ادعایی بی‌جاست!! در واقع این شورا با آن دفع دخل مقدر در گزارش

تفصیلی و کوشش برای نشان دادن دقت بیشتر خودشان به صراحت اقرار و اذعان نموده‌است که پیش از آن از روند عملیات چاپ و توزیع تعرفه و شمارگان آن‌ها آگاهی درستی نداشته‌است. این، یعنی عدم رعایت قانون و انجام ندادن وظائف محوله و مهمل گزاردن تکلیف، در حالی که پیوسته داعیه هوشیاری کامل و صیانت از همه چیز را داشته‌است.

آقایان از یکسو می‌گویند، در جریان انتخابات همه چیز زیر دید شاهین وار و تیزبین ما بوده‌است و بر همه چیز ناظر بوده و همه صورتجلسات را امضاء کرده‌ایم و از سوی دیگر از وزارت کشور در مورد میزان تعرفه‌های چاپ شده استفسار کرده ایم!!

و اما شورای نگهبان در گزارش تفصیلی خودش دربارهٔ مسألهٔ شمارگان تعرفه‌ها می‌گوید:

"الف) شکایت از کمبود تعرفه در برخی از شعب اخذ رأی"

... الف-۳) در خصوص میزان تعرفه‌های چاپ شده و مسائل مربوط به آن باید گفت: در پی وصول شکایت‌های نامزدهای محترم، شورای نگهبان بازرسین ویژه‌ای به ستاد انتخابات کشور و چاپخانه بانک ملی جمهوری اسلامی ایران (محل چاپ تعرفه‌های انتخابات) اعزام نمود. بازرسین اعزامی پس از بررسی همه‌جانبه و اخذ صورتجلسه‌های مختلف، طی نامه شماره ۸۸/۱۱/۳۳۵۸۳ مورخ ۸۸/۴/۹ اعلام نمودند وزارت کشور قبل از انتخابات اقدام به چاپ پنجاه و هشت میلیون و هشتصد و هفتاد و پنج هزار (۵۸۸۷۵۰۰۰) برگ تعرفه نموده‌است. همچنین در روز اخذ رأی مورخ

۸۸/۳/۲۲ نیز پس از هماهنگی با این شورا بمنظور جلوگیری از کمبود احتمالی تعرفه و امکان توزیع مناسب آن در سراسر کشور، تعداد دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) برگ تعرفه دیگر نیز به چاپ رسید.

توضیح این نکته ضروری است در تمامی انتخابات قبلی نیز به دلیل سیال بودن جمعیت رأی دهنده در سطح کشور، وزارت کشور اقدام به چاپ تعرفه به میزان قابل توجهی بیش از شمار واجدین شرایط می نمود. در این دوره نیز علاوه بر اتخاذ همین تدبیر، تعرفه های هر استان با کد خاص چاپ شد تا امکان جابجایی تعرفه ها بین استان ها وجود نداشته باشد. این امر هر چند که به سلامت و دقت انتخابات کمک نمود مع الوصف با عنایت به حضور گسترده مردم و نیاز بسیاری از حوزه های اخذ رأی به ارسال دوباره تعرفه، تبادل تعرفه بین استان ها را غیرممکن ساخت. به همین دلیل تعرفه های چاپ شده در روز اخذ رأی بدون کد استان به چاپ رسید. (قابل ذکر است کل تعرفه های چاپ شده در قبل از انتخابات و روز اخذ رأی دارای شماره سریال می باشد)

لازم به ذکر است مجموعاً در روز ۲۲ خرداد، تعداد سی و نه میلیون و سیصد و هفتاد و یک هزار و دویست و چهارده (۳۹۳۷۱۲۱۴) برگ تعرفه در سراسر کشور به مصرف رسید و تعداد ششصد و پنجاه هزار (۶۵۰۰۰۰) برگ تعرفه نیز در چاپخانه بانک ملی موجود است و صورتجلسه پلمپ آن که به امضاء نمایندگان ستاد انتخابات کشور، حراست وزارت کشور، حراست چاپخانه بانک ملی، شورای نگهبان و نماینده بانک ملی رسیده

است در این شورا موجود می‌باشد. از مجموع تعرفه‌های باقی‌مانده در قرنطینه چاپخانه، استانداری‌ها و فرمانداری‌های تابعه کشور و کسر از تعرفه‌های چاپ شده، تعداد بیست میلیون و هشتصد و پنجاه و سه هزار و هفتصد و هشتاد و شش (۲۰۸۵۳۷۸۶) برگ تعرفه باقی‌مانده که براساس قانون انتخابات و آئین‌نامه مربوطه، تعرفه‌های باقی‌مانده هر حوزه اخذ رأی به ستاد انتخابات تحویل می‌گردد. در این راستا از سراسر کشور تعداد بیست میلیون و هفتصد و نوزده هزار و یکصد و شصت و دو (۲۰۷۱۹۱۶۲) برگ تعرفه به **هیات‌های اجرایی در سراسر استانها** تحویل و باقی‌مانده آندسته از تعرفه‌های انتخاباتی که در بسته‌های یکصدتایی بخشی از آن مصرف شده نیز پس از شمارش آراء به همراه آراء مأخوذه در صندوق اخذ رأی قرار داده شده و پلمپ گردید. هم‌اکنون این تعرفه‌ها نیز در صندوق‌ها موجود می‌باشد. لازم به ذکر است که تعداد پانصد و هفتاد هزار (۵۷۰۰۰۰) تعرفه نیز برای ایرانیان مقیم خارج از کشور ارسال شده است. (پیوست شماره ۴۹) از این رو و با عنایت به بررسی همه‌جانبه و گسترده کارشناسان و ناظران و بازرسان ویژه شورای نگهبان، چاپ تعرفه‌های اخذ رأی براساس روال معمول بوده و هیچ تعرفه‌ای برخلاف روال قانونی توزیع نشده است. در عین حال در خصوص توزیع نامناسب تعرفه‌ها و عدم اتخاذ تدابیر مناسب جهت رفع این مشکل که منجر به کمبود تعرفه در بعضی شعب و توقف کوتاه مدت اخذ رأی گردید، در روز اخذ رأی وزارت کشور با دریافت تذکر از شورای نگهبان در کنار اهتمام احسن به انجام وظایف اجرایی، نسبت به

توزیع صحیح و سریع تعرفه‌ها اقدام نمود. هرچند در پی استقبال بی‌سابقه مردم و نیز عدم توزیع مناسب تعرفه‌ها در معدودی از شعب اخذ رأی مشکلاتی پدید آمد، اما با پیگیری‌های شورای نگهبان و تلاش وزارت کشور، این مشکل بلافاصله برطرف شد، بگونه‌ای که اندک تعلل و قصور پیش آمده که معمول در هر انتخابات است هیچ‌گونه تأثیری در روند انتخابات از خود به جا نهد."

ملاحظه می‌کنید که شورای نگهبان در این گزارش به رفع و رجوع اشتباهات وزارت کشور می‌پردازد و از آنها ستایش هم می‌کند. اما موضوع چگونگی اخذ مجوز از شورا برای چاپ تعرفه اضافی در روز انتخابات را ناگفته می‌گذارد و می‌گذرد. مصاحبه مدیر چاپخانه بخوبی نشان می‌دهد که برای هر بار چاپ باید ناظرانی باشند و قراردادی هم بسته شود. مصاحبه‌های متعدد آقایان دانشجو، محصولی و کدخدایی که در زیر خواهید خواند همگی حاکی اند که برای هر بار چاپ باید از شورای نگهبان اجازه یا تأییدیه گرفته شود و صورتمجلس گردد. اینک پرسش مهم و قابل توجه این است که برای چاپ دو میلیون تعرفه در روز جمعه با کدام شورا هماهنگی شده بود؟

موضوع چاپ تعرفه در روز جمعه، یعنی روز انتخابات، که به گوش نامزدها رسیده بود، علاوه بر بسیاری خبرهای دیگر که بعدها درستی آنها ثابت شد، مانند خبر پیشاپیش قطع ارتباطات در ۲۱ خرداد، در صبح روز شنبه ۸۸/۳/۲۳ در جلسه مجمع تشخیص مصلحت مطرح می‌شود و آقای جنتی با

دستپاچگی می گوید، بله من خبر دارم و دیروز چون عجله بود شخصاً تصمیم گرفتم و اجازه دادم، هرچند باید موضوع در شورا به تصویب می- رسید!! ایشان در همین جلسه به دو و نیم میلیون تعرفه اشاره کرده است (اعلامیه شماره ۱۶ کمیته صیانت از آراء آقای مهندس موسوی را در همین گزارش ملاحظه فرمایید).

می دانیم که شورای نگهبان مسؤل نظارت بر انتخابات است و این امر قابل واگذاری به غیر نیست. کمک گرفتن از ناظران نیز به مسؤلیت خود این شورا است، هرچند این نافی مسؤلیت خود ناظران نیست.

حساب و کتابی که این گزارش از شمارگان تعرفه های چاپ شده و تعداد برگه های مصرف شده می دهد، بطور خلاصه به شرح زیر است:

وزارت کشور قبل از انتخابات: ۵۸۸۷۵۰۰۰ برگ چاپ کرده است

وزارت کشور در روز انتخابات: ۲۰۰۰۰۰۰ برگ چاپ کرده است

مجموع قطعی تعرفه چاپ شده: ۶۰۸۷۵۰۰۰ برگ است.
بر اساس همین گزارش:

تعداد برگ تعرفه مصرف شده در روز انتخابات کلاً: ۳۹۳۷۱۲۱۴ برگ

تعداد تعرفه دست نخورده موجود در چاپخانه بانک ملی: ۶۵۰۰۰۰ برگ

تعداد تعرفه باقیمانده از دسته های دست نخورده که از

سراسر کشور به هیئت های اجرائی تحویل شده است: ۲۰۷۱۹۱۶۲ برگ

مجموع تعرفه‌های مصرف شده، باقیمانده در قرنطینه
چاپخانه، استانداری‌ها و فرمانداری‌های تابعه کشور: ۶۰۷۴۶۳۷۶ برگ

اختلاف میزان چاپ شده و عدد بالا برابر است با: ۱۳۴۶۲۴ برگ
این تعداد برگ تعرفه بنا بر ادعای همین گزارش: «در بسته‌های یکصدتایی
بخشی از آن مصرف شده نیز پس از شمارش آراء به همراه آراء مأخوذه در
صندوق اخذ رأی قرار داده شده و پلمپ گردید. هم اکنون این تعرفه‌ها نیز
در صندوق‌ها موجود می‌باشد.» عدد ۲۰۸۵۳۷۸۶ در آن گزارش فوق حاصل
جمع دو عدد (۲۰۷۱۹۱۶۲+۱۳۴۶۲۴) است.

شورای نگهبان، با آن همه سر و صدا دربارهٔ صیانت از آراء و ادعای اینکه
کسی جز این شورا حق صیانت ندارد و این که آن‌ها خودشان از همه بیشتر
پابند دیانت و صداقت و امانتند و اگر کسی این را انکار کند، در حقیقت
منکر خدا و رسول و ائمه و ولی فقیه و همهٔ اولیا و اوصیاست و در خط
دشمن برای انقلاب مخملی و کتانی و رنگی و نرم فعالیت می‌کند، در پایان
این بخش، عددی را اعلام کرده است که با هیچ حساب و کتابی سازگاری
ندارد.

گزارش شورای نگهبان که به ادعای آقای کدخدایی برای هرگونه زدودن
شبهه‌ای از دل ملت رأی دهندهٔ غیور و فهیم و خداجوی و مؤمن به ... منتشر
شده است، در پایان این بخش می‌گوید: «لازم به ذکر است که تعداد پانصد
و هفتاد هزار (۵۷۰۰۰۰) تعرفه نیز برای ایرانیان مقیم خارج از کشور ارسال

شده است.» شما حق دارید از خودتان پرسید که چرا این عدد را ذکر کرده اند و چه ربطی با حساب و کتاب تعرفه‌ها دارد؟ همانطور که از متن گزارش شورای نگهبان آشکار است، آن‌ها مدارکی را پیوست گزارش کرده و این مدارک را شماره گذاری نموده‌اند. در بخشی از آن که اینک مورد بررسی ماست، پیوست شماره ۴۹ به گزارش بازرسان مورد اشاره در متن اختصاص دارد که در تفاهم با وزارت کشور تهیه شده است. در زیر پیوست شماره ۴۹ درج و تقریر می‌شود. لطفا مندرجات این پیوست را با متن گزارش و اعداد فوق مقایسه فرمایید:

بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى

- ۱- کل تعرفه چاپ شده در مرحله قبل از انتخابات (الف)
۵۸/۸۷۵/۰۰۰ برگ
- ۲- کل تعرفه چاپ شده در روز انتخابات (ب)
۲/۰۰۰/۰۰۰ برگ
- ۳- جمع تعرفه چاپ شده (ج)
۶۰/۸۷۵/۰۰۰ برگ

- ۱- کل تعرفه توزیع شده قبل از انتخابات (د)
۵۸/۷۷۵/۰۰۰ برگ
- ۲- کل تعرفه توزیع شده در روز انتخابات (ه)
۱/۴۵۰/۰۰۰ برگ

۳- جمع تعرفه توزیع شده (و)

۶۰/۲۲۵/۰۰۰ برگ

از مقدار تعرفه توزیع شده پانصد و هفتاد هزار (۵۷۰/۰۰۰) برگ به خارج کشور داده شده و مقدار پنجاه و نه میلیون و ششصد و پنجاه هزار (۵۹/۶۵۰/۰۰۰) برگ آن در داخل کشور توزیع شده است. (ز)

۱- کل تعرفه مصرف شده در داخل و خارج از کشور (ح)

۳۹/۳۷۱/۲۱۴ برگ

۲- کل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری ها و خارج از کشور و موجود در مخزن بانک ملی (ط)

۲۰/۷۱۹/۱۶۲ برگ

۳- جمع کل تعرفه های مصرف شده و نشده باقیمانده (ی)

۶۰/۰۹۰/۳۷۶ برگ

۴- کل تعرفه موجود در مخزن بانک ملی (ک) ۶۵۰/۰۰۰ برگ

۵- جمع کل (ل) ۶۰/۷۴۰/۳۷۶ برگ

۱- تعرفه چاپ شده (م) ۶۰/۸۷۵/۰۰۰ برگ

۲- تعرفه مصرف شده و باقیمانده (ن) ۶۰/۷۴۰/۳۷۶ برگ

۳- باقیمانده موجود در صندوق ها (س) ۱۳۴/۶۲۴ برگ

۱- کل تعرفه مصرف شده خارج از کشور (ع) ۲۰۰/۳۹۲ برگ

۲- کل تعرفه مصرف نشده خارج از کشور (ف) ۳۹۶/۶۰۸ برگ

۳- جمع کل (ص) ۵۷۰/۰۰۰ برگ

از مقایسه بند (ز) بالا با متن گزارش شورای نگهبان و تجدید محاسبه اعداد در هر دو بیلان روشن می‌شود که چون همه این محاسبات سرانگشتی است دچار اشتباه شده‌اند و ۵۰۰۰ برگ ظاهراً گم شده است. در بند (ف) عدد ۳۹۶۶۰۸ غلط تایپ شده و باید صحیح آن ۳۶۹۶۰۸ بوده باشد.

کاش امضاء کنندگان این گزارش پیش از امضاء تأملی در عاقبت خود نموده و آیه‌ای را که در صدر گزارش زینت‌بخش نامک خود کرده‌اند بدقت مورد تعمق قرار می‌دادند. بجاست آیه مزبور را برای یادآوری به همین نویسندگان و نیز خودمان به عنوان دستور الهی دوباره قرائت کنیم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا، اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ، وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده ۸)»^{۳۲}

32 ای مؤمنان به خاطر خدا و با تکیه بر او با عدالت و دادگری شهادت بدهید، مبادا دشمنی با قومی و کسی شما را بر آن دارد که از دایره عدالت بیرون بروید، هشیارانه به عدالت برخیزید که این به تقوی نزدیکتر است، حریم خدا را حفظ کنید و در برابرش خاشع باشید، چرا که خداوند به همه رفتار و کردار شما آگاه است.

اما برای هر منصفی روشن است که آن بزرگواران! مشمول این سخن هشدار دهندۀ الهی اند که: «يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (آل عمران ۱۶۷) ۳۳».

همچنین مشمول این آیات شریفه‌اند که به عتاب می‌پرسد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف ۳) ۳۴».

گزارش شورای نگهبان و بیان تعرفه‌های مصرفی در پیوست ۴۹ که به تصریح همان گزارش، توسط بازرسان آن شورا و وزارت کشور تهیه شده است، سند قانونی مهمی است که آن‌ها برای توجیه بخشی از مسائل مطرح دربارۀ انتخابات ریاست جمهوری دورۀ دهم تهیه و منتشر نموده‌اند. در زیر بندهای مختلف این بیان با استناد به سخنان مسؤلان انتخابات در وزارت کشور و شورای نگهبان بررسی و صحت و وسقم آن به داوری خوانندگان محترم گذاشته خواهد شد. سطر سطر این پیوست ۴۹ نشان از شدت فساد حاکم بر کار است بطوریکه آنهمه کارشناس در مدت بیست روز نتوانسته‌اند همه را رفع و رجوع کنند. متن گزارش شورا و مصاحبه‌های بعدی مسؤلان وزارت کشور به همه اطمینان خاطر می‌دهند که همه چیز درست

33 آن‌ها چیزی را به زبان می‌آورند که در دل‌هایشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می‌کنند داناست.

34 چرا ادعایی می‌کنید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خداوند گناه بزرگی محسوب می‌شود سخنی بگویند که بدان عامل نیستید.

بوده و هیچ تعرفه‌ای جابجا نشده است و بازرسان ویژه همه صورتجلسه‌ها را بررسی کرده‌اند.

حروف ابجد داخل ابروها در هر سطر از سوی ما اضافه شده است. این کار برای آسانی ارجاعات بعدی به بندهای مختلف این سند پیوستی و متمایز کردن آن‌ها صورت گرفته است. در این نوشته برای ارجاع به «گزارش تفصیلی شورای نگهبان» از این پس تنها «گزارش شورا» خواهد آمد.

۱. بررسی بند (س) از بیان پیوست ۴۹ گزارش شورا:

در بند (س) از پیوست ۴۹، شورای نگهبان و وزرات کشور حساب تعرفه‌های سالم مانده از دسته‌های نیمه‌مصرفی را بیان می‌کند: "۳ - باقیمانده موجود در صندوق‌ها (س) ۱۳۴/۶۲۴ برگ،" و شورای نگهبان در متن گزارش خود در توضیح این عدد می‌گوید: "در این راستا از سراسر کشور (و نه از داخل و خارج) تعداد بیست میلیون و هفتصد و نوزده هزار و یکصد و شصت و دو (۲۰۷۱۹۱۶۲) برگ تعرفه به هیات‌های اجرایی در سراسر استانها تحویل و باقی‌مانده آندسته از تعرفه‌های انتخاباتی که در بسته‌های یکصدتایی بخشی از آن مصرف شده نیز پس از شمارش آراء به همراه آراء مأخوذه در صندوق اخذ رأی قرار داده شده و پلمپ گردید. هم اکنون این تعرفه‌ها نیز در صندوق‌ها موجود می‌باشد."

بیان پیوست ۴۹ در بند (ط) کل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری‌ها و خارج از کشور و موجود در مخزن بانک ملی (ط) را برابر

۲۰,۷۱۹,۱۶۲ برگ نشان می‌دهد. از آنجا که در بند (س) مدعی می‌شود که دسته‌های نیمه مصرفی در صندوق‌ها همراه آراء قراردادده شده و پلمپ گردیده است، پس این عدد باید به آن دسته از تعرفه‌های مصرف نشده‌ای مربوط باشد که برگ‌ها از آن‌ها کنده نشده و به علت اضافه بودن عیناً به فرمانداری‌ها عودت داده شده‌اند. نمی‌شود تصور کرد که مسئولان صندوق‌ها دسته‌های نیمه مصرفی را طبق دستور العمل در صندوق نهاده و پلمپ کرده و در عین حال آن‌ها را «جداگانه» در ضمن دسته‌های دست‌نخورده تحویل فرمانداری‌ها داده‌باشند. اما چطور ممکن است مجموع «تعداد تعرفه باقیمانده از دسته‌های دست‌نخورده که از سراسر کشور به هیئت‌های اجرائی تحویل شده است»، و همگی صدتایی هستند عدد ۲۰,۷۱۹,۱۶۲ برگ در بند (ط) باشد؟! عدد (۶۲) در سمت راست نشان می‌دهد که این گزارش نادرست بوده است.

آن‌ها در بند (س) ادعا می‌کنند که ۱۳۴,۶۲۴ برگ تعرفه از دسته‌های دست‌خورده درون صندوق‌ها بوده و پلمپ شده است، بنا بر این باید جمع این تعداد و کل آراء مأخوذه (باطله و درست)، یعنی عدد ۳۹۳۷۱۲۱۴ برگ مختوم به دو صفر باشد که نیست؛ همچنین باید کل «تعداد تعرفه باقیمانده از دسته‌های دست‌نخورده که از سراسر کشور به هیئت‌های اجرائی تحویل شده است» مختوم به دو صفر باشد، که نیست. بدین ترتیب، گزارش بالا یک حساب‌سازی روشن و آشکار بوده است، زیرا جمع تعرفه‌های موجود در صندوق‌ها و آراء مأخوذه $(۳۹,۵۰۵,۸۳۸ = ۱۳۴,۶۲۴ + ۳۹,۳۷۱۲۱۴)$ برگ

بوده که مختوم به دو صفر نیست، همچنین عدد ۲۰,۷۱۹,۱۶۲ که شمار کل تعرفه‌های دست نخورده است، مختوم به دو صفر نمی‌باشد!

به عنوان کمک به نویسندگان این متن، می‌توان فرض کرد که عدد مندرج در بند (ط) مجموع دسته‌تعرفه‌های دست‌نخورده در داخل کشور و کل تعرفه مصرف‌نشده در خارج از کشور بوده‌باشد، اما در این صورت باید دو رقم آخر بند (ط) بجای عدد (۶۲) عدد (۰۸)، یعنی دو رقم آخر تعرفه مصرف نشده در خارج از کشور مندرج در بند (ف) می‌بود که نیست!

از سوی دیگر، بند (س) مبین نکته جالبی است، مبنی بر اینکه تنها ۱۳۴۶۲۴ برگ تعرفه از دسته‌های مصرف‌شده در کل کشور باقی مانده است، یعنی از ۴۶ هزار و ۷۸۰ هزار صندوق فقط این تعداد ته‌برگ باقی مانده است که بطور متوسط برای هر صندوق کمتر از ۳ برگ بوده است. در این صورت نه تنها ۱۴۷۳ صندوقی که در آن فهرست بطور شگفتی زا و بی‌سابقه‌ای مختوم به دو صفر هستند، شمار آراء بسیاری از صندوق‌های دیگر نیز می‌باید مختوم به دو صفر باشد!! این در حالی است که بسیاری از صندوق‌ها شماره آرائشان مختوم به یک عدد غیر از صفر است، یعنی دسته‌های ناقص تعرفه می‌بایست خیلی بیش از آنی بوده باشد که در صندوق‌ها گذاشته اند.

ما سند مهم دیگری از وزارت کشور و شورای نگهبان در اختیار داریم که صحت این ادعا را در رابطه با بندهای (س) و (ط) روشن می‌کند.

فهرست آراء تفکیکی صندوق‌ها که پس از اصرار یکی از نامزدها و فشار افکار عمومی منتشر گردید، در حالی که از حقوق همین مردم بود و باید

زودتر اعلام می‌شد، گواه نادرستی این گزارش است. گویی از آنجا که پس از اعلام این فهرست، بارها آن را تغییر داده‌اند، مسئولان وزارت کشور و آن بازرسان ویژه اعتمادی به فهرست تفکیکی صندوق‌ها- که باید قانوناً متکی به فرم‌های ۲۲ باشد- نداشته‌اند. عدد بند (س) باید از جمع مانده‌های مندرج در فرم‌های ۲۲ بدست آمده باشد، که باید مسئولان صندوق و ناظرانی از نامزدها که امکان حضور یافته‌بودند آن را امضاء کرده‌باشند. این فهرست هم اینک در پورتال وزارت کشور و در سایت‌های خبرگزاری‌ها از جمله خبرگزاری فارس موجود است.

این در حالی است که آقای کامران دانشجو در مکتوبی که هم اینک در سایت دولت هم قابل رؤیت است، در پاسخ به روزنامه همشهری و اعلامیه آقای موسوی می‌نویسد: "۶- تعداد تعرفه‌های تحویلی به هر استان و هر شهرستان با حضور نمایندگان وزارت کشور و شورای نگهبان، با ذکر میزان تعرفه تحویلی و ذکر شماره سریال آنها صورتجلسه شده و نیز میزان تعرفه تحویلی به هر شعبه اخذ رای و شماره سریال آنها، با حضور و امضاء نماینده هیات اجرایی و نماینده هیات نظارت شورای نگهبان صورتجلسه شده است. ضمناً تعرفه‌های مصرف نشده هر شعبه اخذ رای، در فرم ۲۲ (فرم شمارش آراء هر صندوق) ذکر گردیده و در حضور نمایندگان نامزدها و بوسیله اعضای اجرایی، ناظرین شورای نگهبان، بازرسان، نماینده فرمانداری و محافظان صندوق، امضاء و گواهی گردیده است."

اگر این نویسندگان از روی فرم‌های ۲۲ حساب تعرفه باقیمانده در دسته‌های نیمه مصرفی را محاسبه می‌کردند، باید برای داخل کشور به عدد ۲,۱۸۹,۶۱۷ می‌رسیدند و نه عدد ۱۳۴,۶۲۴ برگ.

اگر دو رقم سمت راست تعداد آراء اعلام شده در رابطه با هر صندوق را از عدد ۱۰۰، یعنی تعداد دسته‌تعرفه‌ها کم کنید، شمار برگ‌های سالم از آخرین دسته‌ای که بخشی از آن مصرف شده است، بدست می‌آید. در زیر جدولی از صندوق‌های مختلف را برگزیده و روش کار را نشان می‌دهیم.

استان	شهرستان	بخش	ش. ص.	کل آرا	مانده از صد	دسته تعرفه
اردبیل	خلخال	مرکزی	۶۳	۳۲	۶۸	۱۰۰
تهران	ری	مرکزی	۲۶۹	۱۷۳	۲۷	۲۰۰
اردبیل	خلخال	خورش رستم	۵	۴۱۴	۸۶	۵۰۰
خوزستان	باغملک	صیدون	۷۹	۹۰۵	۹۵	۱۰۰۰
گیلان	رشت	سنگر	۷	۱۴۶۲	۳۸	۱۵۰۰
خراسان رضوی	بینالود	شاندیز	۲	۱۹۴۶	۵۴	۲۰۰۰
هرمزگان	بندرلنگه	کیش	۹	۲۴۴۳	۵۷	۲۵۰۰
آذربایجان غربی	ارومیه	مرکزی	۱۰۷	۲۷۲۲	۷۸	۲۸۰۰

جدول نمونه نقل از فهرست تفکیکی صندوق ها

بموجب این جدول صندوق شماره ۶۳ در خلخال باید ۶۸ برگ تعرفه مصرف نشده از یک دسته نیمه مصرفی داشته باشد و برای مثال در صندوق شماره ۵ همان شهر ۹۵ برگ تعرفه از یک دسته نیمه مصرفی نهاده و پلمپ شده باشد.

طبق این فهرست، جمع کل مانده صندوق‌های داخل کشور از دسته تعرفه‌های نیمه مصرفی که به گفته گزارش شورا و بموجب مقررات باید همراه با تهرگ‌ها در صندوق‌ها نهاده و پلمپ کرده باشند، بالغ بر ۲,۱۸۹,۶۱۷ برگ تعرفه می‌شود در حالی که پیوست ۴۹ آن را بدون قید داخل کشور ۱۳۴,۶۲۴ برگ اعلام می‌نماید.

هدف از نشان دادن این مغایرت، در نخستین گام نشان دادن مستدل بی‌پایگی و سستی حساب و کتابی است که در مورد آرا و تعرفه‌ها داده شده است. اگر اصل بر درستی جمع کل تعرفه چاپ شده و مصرف شده قرارداد شده، از این بیلان بخوبی روشن است که حساب رفت و برگشت را بدرستی در اختیار نداشته‌اند و یا اصولاً آراء اعلام شده با آنچه در متن مکتوبات وجود دارد ناسازگار بوده و به علت در هم ریختگی امور، تنظیم همه جهات ممکن نبوده است! با وجود فرم‌های ۲۲ و رایانه‌ای بودن کارها چگونه چنین مغایرت‌هایی پدید آمده است؟ تنها فرض معقول آن است که بیلان مزبور پس از انجام کار برای دفع دخل‌های مقدر ناشی از اظهارات متناقض تنظیم گردیده است.

۲. بررسی بند (ص) از بیلان پیوست ۴۹ گزارش شورا:

بار دیگر به عبارات گزارش توجه کنیم:

"در این راستا از **سراسر کشور** تعداد بیست میلیون و هفتصد و نوزده هزار و یکصد و شصت و دو (۲۰۷۱۹۱۶۲) برگ تعرفه به **هیات‌های اجرایی در سراسر استانها** تحویل و باقی مانده آندسته از تعرفه‌های انتخاباتی که در بسته‌های یکصدتایی بخشی از آن مصرف شده نیز پس از شمارش آراء به همراه آراء مأخوذه در صندوق اخذ رأی قرار داده شده و پلمپ گردید. هم‌اکنون این تعرفه‌ها نیز در صندوق‌ها موجود می‌باشد. لازم به ذکر است که **تعداد پانصد و هفتاد هزار (۵۷۰۰۰۰) تعرفه نیز برای ایرانیان مقیم خارج از کشور ارسال شده است.** (پیوست شماره ۴۹)"

در گزارش شورا و در بیلان پیوست ۴۹ برای تعرفه‌های خارج از کشور سرفصل جداگانه‌ای باز شده است. این اقدام بروشنی آشکار می‌سازد که منظور از «سراسر کشور» در عبارت فوق اینست که عدد بند (ط) مربوط به داخل کشور است. بنا بر این، باید جمع آن با تعداد کل آراء در داخل مختوم به دو صفر گردد، که چنین نیست!

این در حالی است که، شرح بند (ط) در پیوست ۴۹ آن را به «کل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری‌ها و خارج از کشور و موجود در مخزن بانک ملی» مربوط می‌داند. حال کدامیک از این دو درست است؟ در نتیجه، مانده تعرفه‌های خارج از کشور در عدد مزبور لحاظ نشده است، پس باید عبارت «سراسر کشور» در این گزارش را صحیح بدانیم؛ در این

صورت نزدیک به ۳۷۰۰۰۰۰ تعرفه مصرف نشده در خارج از کشور در حساب‌های شورای نگهبان و وزارت کشور نامعلوم بوده و اصل حسابشان درست نیست. زیرا در غیر این صورت هیچ دلیلی برای ذکر جداگانه حساب تعرفه خارج از کشور در گزارش و در پیوست نبود. با این حساب آیا شورای نگهبان آنجا که می‌نویسد:

"لازم به ذکر است که تعداد پانصد و هفتاد هزار (۵۷۰۰۰۰) تعرفه نیز برای ایرانیان مقیم خارج از کشور ارسال شده است. (پیوست شماره ۴۹) از این رو و با عنایت به بررسی همه‌جانبه و گسترده کارشناسان و ناظران و بازرسان ویژه شورای نگهبان، چاپ تعرفه‌های اخذ رأی براساس روال معمول بوده و هیچ تعرفه‌ای برخلاف روال قانونی توزیع نشده است."

واقعاً راست می‌گویید؟ آیا وزارت کشور حساب درستی تحویل داده است؟ آیا نظارت درست انجام گرفته است؟ آیا ادعای ما درست نیست که واقعاً شورای نگهبان بدون نظارت بر کار وزارت کشور هرچه آنها داده‌اند، بی توجه امضاء نموده است؟

از سوی دیگر، به موجب سطر (ح) از این نامه که پس از جلسه با وزارت کشور به شورای نگهبان ارسال شده، و بنا به گفته آقای کدخدایی کارشناس متعددی گزارش مزبور را تهیه کرده‌اند، «کل تعرفه مصرف شده در داخل و خارج کشور: ۳۹۳۷۱۲۱۴ بر گه یعنی مساوی کل آراء مأخوذه در گزارش شورا است. در سطر (ط) از این قسمت می‌نویسد: «کل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری‌ها و خارج از کشور و موجود در

مخزن چاپخانه بانك ملی برابر است با ۲۰۷۱۹۱۶۲ برگ که با عدد متن گزارش شورا یکی است. اما این نامه در سطر بعدی (سطر ی) ۶۵۰۰۰۰ برگ تعرفه موجود در مخزن بانك ملی را دوباره به این جمع می‌افزاید.

آیا عدد ۲۰۷۱۹۱۶۲ به تعرفه‌های صدماتی برگشتی از داخل کشور مربوط است یا شامل تعرفه‌های برگشتی از خارج هم می‌شود و بعلاوه آیا این عدد شامل موجودی مخزن بانك ملی هم هست یا جدای از آن باید بحساب بیاید؟ نمی‌توان در شرایط حساسی که کشور ما در زمان این گزارش داشت، نسبت به این اختلاف مجموعاً یک میلیونی (۳۹۶۰۰۰+۶۵۰۰۰۰) بی‌تفاوت ماند؛ آن هم در گزارشی که ده‌ها کارشناس و پس از مدت‌ها اتلاف وقت آن را تهیه کرده‌اند. اگر همین یک اشتباه در ارائه آمارها بود می‌شد به نحوی از آن چشم‌پوشی کرد. اما چنانکه خواهیم دید هیچ عددی نیست که دوباره آن را اصلاح نکرده باشند.

اگر ۵۷۰,۰۰۰ برگه به خارج داده باشند (که نداده‌اند) باید ۵۹,۶۵۵,۰۰۰ در داخل توزیع کرده باشند. تازه معلوم نیست چرا باید ۱۰۰,۰۰۰ برگ در خزانه ته‌ماند داشته باشند. اگر این تعرفه‌ها دارای کد استانی بوده‌است، چرا آنها را به همان استان مربوطه تحویل نداده‌اند؟ برای خوانندگان محترم روشن خواهد شد که این یکصد هزار برگ در خزانه نمانده و وجود چنین تعدادی از تعرفه در اینجا ناشی از اختلال در حساب‌سازی است.

میزان تعرفه ارسالی به خارج از کشور

یکی از نکات ابهامی که در پیوست ۴۹ مشاهده گردید و بموقع ایراد شد، مسأله ذکر ۵۷۰/۰۰۰ برگ تعرفه ارسالی به خارج از کشور بود. داخل کردن این عدد در پیوست ۴۹ که موجب اختلال در محاسبات گردیده برای توجیه آن یکصد هزار برگ اختلافی است. گرچه، در نتیجه جمع، بی آنکه متوجه باشند، اختلافی بیش از یک میلیونی را در سند خود وارد کرده‌اند.

اینک بجاست شمار تعرفه ارسالی به خارج از کشور را از زبان مسؤلان مربوط بررسی کنیم.

آقای دانشجو بارها و از جمله روز ۳/۲۳ در مصاحبه تلویزیونی ادعا کرده است که:

"(خبرگزاری جمهوری اسلامی): رییس ستاد انتخابات کشور با بیان اینکه مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات به مراتب بیشتر از دوره‌های قبل بوده است، گفت: مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، ۳ برابر دوره‌های قبل بوده است. به گزارش خبرنگار سیاسی ایرنا، مستقر در ستاد انتخابات کشور، کامران دانشجو دقایقی پیش در گفت و گوی زنده تلویزیونی افزود: مشارکت ایرانیان خارج از کشور، در انتخابات قبل، حدود ۵۰ تا ۱۴۰ هزار نفر بوده است"

اکنون پرسش این است که: چگونه سه برابر حدود ۵۰ تا ۱۴۰ هزار را می توان برآورد کرد؟ آیا باید گفت که مشارکت این دوره حدود ۱۵۰ هزار تا ۴۲۰ هزار بوده است؟ این یعنی چه؟ در مصاحبه‌هایی که نامبرده از ابتدای کار داشته پیوسته این عددها را تکرار کرده است و در نهایت آمار منتشره

دویست هزار شرکت کننده را نشان می‌دهد. تازه این سخنان فردای انتخابات و در حال ارائه گزارش نتایج انتخابات خارج از کشور بیان شده است.

فرمانداری تهران در سایت خود گزارشی از مصاحبه آقای دانشجو در ۸۸/۲/۱ منتشر کرده است:

"کامران دانشجو با بیان این که «از مجموع جمعیت کشور، ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر برای شرکت در پای صندوق‌های رای واجد شرایط هستند» از این که این رقم توسط برخی افراد و رسانه‌ها مورد سوال و انتقاد قرار می‌گیرد، انتقاد کرد.

رییس ستاد انتخابات کشور درباره تمهیدات لازم برای اخذ آرای ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز گفت: در این خصوص مذاکرات و رایزنی‌های لازم با وزارت امور خارجه انجام شده و آن‌ها نیز تقاضای ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار تعرفه رای برای کشورهای مختلف کرده‌اند.

وی یادآور شد: تاکنون در انتخابات گذشته ایرانیان مقیم خارج از کشور آرای بین ۶۰ تا ۱۶۰ هزار رای به صندوق‌های رای ریخته‌اند که در مقایسه با داخل کشور رقم قابل توجهی به شمار نمی‌رود. وزارت کشور با همکاری وزارت امور خارجه تعداد ۲۸۰ تا ۲۹۰ شعبه اخذ رای برای جمع‌آوری آرای ایرانیان مقیم خارج از کشور در نظر گرفته است. بیشترین تعداد آرای ماخوذه از ایرانیان مقیم خارج از کشور به دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری برمی‌گردد که در آن محمد خاتمی پیروز شد.^{۱۳۵}

35 سایت فرمانداری تهران، کد خبر: ۱۸۲۰، تاریخ ۸۸/۲/۱

در اینجا حدود ۶۰ الی ۱۶۰ هزار نفر مشارکت قبلی ذکر می‌شود. او باردیگر در ۸۸/۲/۷ می‌گوید:

"رئیس ستاد انتخابات کشور ... شمار شعبه‌های اخذ رای در خارج از کشور را حدود ۲۹۰ شعبه اعلام و اضافه کرد: وزارت امور خارجه، رئیس ستاد انتخابات خارج از کشور را معرفی کرده است و امور انتخابات ریاست جمهوری دهم را پیگیری می‌کند. وی افزود: حدود ۴۰۰ هزار تعرفه برای این شعبه‌ها درخواست شده است."^{۳۶}

آقای دانشجو باردیگر در مصاحبه روز ۸۸/۲/۱۴ می‌گوید:

"به گزارش خبرنگار ایلنا، کامران دانشجو در نشست خبری صبح امروز در جمع خبرنگاران با بیان اینکه چهار انتخابات در ۲۲ خرداد سال جاری پیش رو داریم، اظهار داشت: ... در کلیه انتخابات ریاست جمهوری گذشته از کل ایرانیان خارج از کشور بالاترین رقم شرکت در انتخابات حدود ۱۶۰ هزار نفر بوده است در بقیه دوره‌ها بین ۶۰ تا ۷۰ هزار نفر بوده است. وزارت امور خارجه در این ارتباط رئیس ستاد انتخاباتی را به ما معرفی کرده که بناست امکاناتی را که برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم در خارج از کشور نیاز دارند، به ما اعلام کند."

ملاحظه می‌کنید که چگونه آقای کامران دانشجو پیوسته گنگ و مبهم سخن می‌گوید و از دادن اطلاعات خودداری می‌کند. اعداد را با تقریب بالا بیان کرده و همیشه عددی را روی میزان درخواستی وزارت امور خارجه

36 روزنامه حیات نو و روزی نامه کیهان بتاريخ ۸۸/۲/۷

می‌افزاید. اگر ستاد انتخابات وزارت خارجه باید برآوردها را انجام دهد و اگر از پیش ۴۰۰ هزار برگ تقاضا نموده است، چطور بعدها وزارت کشور و شورای نگهبان این عدد را به ۵۷۰ هزار برگ افزایش داده‌اند؟ آنها روز ۷ اردیبهست هم شمار صندوق‌ها را معین کرده‌اند و هم شمار تعرفه را، اما آقای دانشجو یک هفته بعد از اعلام این خبر تازه می‌گوید: قرار است اظهار نمایند؟!!!

در گزارش آفتاب نیوز از این مصاحبه آمده است:

"وزارت امور خارجه یک رییس ستاد انتخابات به ما معرفی می‌کند و از ما امکانات می‌خواهد و هماهنگی با ما انجام می‌دهد. در مورد هیات‌های اجرایی نیز سه نفر اعضای باسابقه، پنج نفر ایرانی معتمد و سفیر یا سرکنسول در آن هیات اجرایی عضو هستند، ۲۹۰ صندوق برای آن‌ها پیش‌بینی کردیم که بتوانیم در اختیارشان قرار دهیم، ۳۵۰ هزار تعرفه از ما خواستند و ما ۴۰۰ هزار تعرفه برای آن‌ها پیش‌بینی کردیم که در اختیارشان می‌گذاریم. تعرفه‌ها معمولاً ۱۵ درصد بیشتر از تعداد واجدین شرایط چاپ می‌شود. جمع آراء نیز در فرمانداری‌ها صورت می‌گیرد که در آن‌جا نماینده کاندیدا حضور دارد."

بیاد داشته باشیم که رئیس ستاد انتخابات می‌گوید: «[آنها] ۳۵۰ هزار تعرفه از ما خواستند و ما ۴۰۰ هزار تعرفه برای آن‌ها پیش‌بینی کردیم که در اختیارشان می‌گذاریم.» اما نامبرده بعدها علی‌رغم تصریحات آقای متکی وزیر تبلیغات احمدی نژاد بر عدد ۴۵۰ هزار، هر بار شماری متفاوت اعلام

کرده است. اگر سابقه شرکت ایرانیان حد اکثر در زمان جناب آقای خاتمی رئیس جمهور سابق ایران ۱۶۰ هزار یا ۱۳۰ هزار یا ۱۴۰ هزار نفر بوده است، و اگر ۱۵٪ بیشتر تعرفه تخصیص می‌یابد، چرا ۴۰۰ هزار یا ۴۵۰ هزار یا ۵۰۰ هزار یا ۵۵۰ هزار یا ۵۷۰ هزار برگ داده‌اید؟ این تعرفه‌های اضافی را کی و چگونه داده‌اید؟

سایت خبر آنلاین روز ۸۸/۲/۲۳ در گزارشی خبری با عنوان «توجه ویژه چهار نامزد به رای خارج‌نشینان» که سایت فرارو و سایت انتخابات نیز آن را منعکس کرده اند، یک جمع‌بندی تا این تاریخ از مجموع گفته‌های مسئولان دو وزارتخانه در اینباره را ارائه کرده است:

"به همین سبب منوچهر متکی، وزیر امور خارجه کشورمان در ۲۹ فروردین سید محمدجواد رسولی را به عنوان رئیس ستاد انتخابات خارج از کشور برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری منصوب کرد. نحوه شرکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات جزو سؤالاتی بود که خبرنگاران در نشست مطبوعاتی این هفته سخنگوی وزارت امور خارجه از او پرسیدند. قشقاوی در این زمینه گفت حضور ایرانیان خارج کشور در انتخابات‌های چند دوره اخیر روند بسیار صعودی داشته است و از هم اینک نیز درخواست‌هایی از هموطنانمان به ویژه جاهایی که دسترسی به مراکز اخذ رأی سخت‌تر است، به سفارت و سرکنسولگری‌های ما اعلام شده و لذا علاقمندی به مشارکت جویی زیاد است و وزارت خارجه هم تمهیدات خاصی را برای آن‌ها تدارک می‌بیند. وی گفت مذاکراتی از سوی ما با

شورای نگهبان، وزارت کشور و حوزه معاونت کنسولی وزارت خارجه صورت می‌گیرد تا هموطنان مان حضور فعال‌تری در انتخابات داشته باشند. کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات کشور هم با اشاره به اینکه در خارج از کشور ۲۴۸ صندوق تاکنون اعلام نیاز شده، گفته است که آمادگی داریم تا ۲۹۰ صندوق نیز شعبه اخذ رأی داشته باشیم و در همین راستا ۴۰۰ هزار تعرفه نیز تحویل ستاد انتخابات خارج از کشور **شده** و ایرانیان دارای تابعیت ایرانی در خارج از کشور می‌توانند در سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری‌هایی که در آنها صندوق اخذ رأی قرار دارد، اقدام به رأی دادن کنند و برای تبلیغات داوطلبان نیز شبکه جهانی جام‌جم به گونه‌ای فرایند تبلیغات را برای کاندیدا مشخص کرده است.

جلسه دوشنبه اعضای هیأت نظارت و اجرایی انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در خارج از کشور به منظور بررسی آمادگی کامل برای برگزاری انتخابات در خارج کشور با وزیر امور خارجه و سخنگوی شورای نگهبان عملاً زنگ انتخابات در خارج از کشور را نواخت.

منوچهر متکی در این دیدار پیش‌بینی کرد که «امسال با استقبال پرشور ایرانیان خارج از کشور در انتخابات مواجه خواهیم بود؛ بر همین اساس تعداد مراکز اخذ رأی و صندوق‌ها در خارج از کشور افزایش یافته است.» کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان هم در این نشست آخرین برنامه‌های شورای نگهبان پیرامون نحوه نظارت را تشریح کرد و گفت: هیأت نظارت بر انتخابات در چارچوب قانونی آماده همکاری با نمایندگان هیأت جمهوری

اسلامی ایران در خارج از کشور در هر چه باشکوه‌تر برگزار کردن انتخابات را دارد."

به گزارش کیهان در شماره روز یکشنبه ۸۸/۳/۱۰ آقای متکی وزیر امور خارجه و بلندگوی ستاد تبلیغاتی آقای احمدی‌نژاد در کرمانشاه، درباره برگزاری انتخابات در خارج از کشور می‌گوید:

"مسئولان برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری در امارات اعلام کردند که با استقرار ۱۸ صندوق در پنج امیرنشین این کشور آرای ایرانیان جمع‌آوری می‌شود. به گزارش ایرنا استقرار این تعداد صندوق در امارات به علت حضور شمار زیادی از ایرانیان در این کشور عربی حاشیه خلیج فارس است. گفتنی است بیش از ۵۰۰ هزار ایرانی در امارات اقامت دارند. ... به گزارش ایسنا، منوچهر متکی، پس از بازدید از ستاد انتخابات ایرانیان خارج از کشور در محل ساختمان کنسولی وزارت امور خارجه با اشاره به آمادگی‌های صورت گرفته برای برگزاری انتخابات در خارج از کشور ... با بیان این که در هر جایی که حداقلی از هموطنان مان حضور داشتند صندوق‌هایی برای اخذ رای ایجاد شده است افزود: بر این اساس در ۱۳۰ کشور انتخابات برگزار می‌شود که ۳۰۴ صندوق برای اخذ آرا در نظر گرفته شده است. وزیر امور خارجه درباره وضعیت اخذ آرا نیز گفت: بر سر هر صندوق نیز ۹ نفر به انجام وظیفه می‌پردازند و حدود ۴۵۰ هزار برگه

تعرفه رای نیز به حوزه‌های اخذ رای و سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ارسال شده است.^{۳۷} روزنامه کیهان و خبرگزاری ایرنا همراه با وزیر امور خارجه تأیید می‌کنند که ۴۵۰ هزار برگ تعرفه تحویل گرفته و علت این مقدار زیاد تعرفه را هم پیش‌بینی مشارکت بیشتر مردم می‌دانند. خبرگزاری ایلنا در گزارش همین خبر به روز ۸۸/۳/۹ می‌نویسد:

"به گزارش خبرنگار ایلنا، منوچهر متکی با اشاره به اینکه ۴۵۰ هزار تعرفه آماده شده و به سفارتخانه‌های ایران ارسال گردیده، افزود: پیش‌بینی می‌کنیم امسال از سوی هموطنان خارج از کشور، مشارکت بیشتری نسبت به دوره‌های قبل داشته باشیم. ... به گفته وزیر امور خارجه، تاکنون بالاترین میزان مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۰ هزار نفر بوده است."

در مورد آمار مشارکت خارج از کشور آیا ما باید به سخنان وزیر امور خارجه تکیه کنیم یا رئیس ستاد انتخابات که می‌گوید برنامه کار خارج از کشور با وزارت امور خارجه است و ما تنها کار تدارکات را انجام می‌دهیم؟

در این غوغای ناشی از اظهارات متناقض اطلاعاتی که در مورد شمارگان تعرفه ارسالی به خارج از سوی ستاد انتخابات خارج از کشور در اختیار کمیته ایرانیان خارج از کشور آقای مهندس موسوی قرار داده شده

37 به علت تکرار زیاد در متن گزارش خبری بخش‌های اضافی کوتاه گردیده است.

بود، مؤید ارسال ۴۵۰,۰۰۰ برگه است که در اطلاعیه این کمیته منعکس شده و هرگز از سوی آقای دانشجو رد نشده است. این اطلاعیه در تاریخ ۸۸/۳/۲۱ صادر شده و در سایت خبری آفتاب نیوز هم منعکس کرده است:

" بسمه تعالی

بیانیه مشترک کمیته ایرانیان خارج از کشور، حقوقی و صیانت از آراء ستاد مهندس موسوی

هموطنان عزیز و شریف مقیم خارج از کشور؛

در پاسخ به تماس‌ها و پیگیری‌ها مکرر شما عزیزان خارج از کشور در خصوص شرکت در انتخابات و صیانت از آراء، مطالب زیر را به استحضار می‌رساند:

۱- ...

۲- حسب اطلاعات حاصل از تماس‌های مکرر با وزارت امور خارجه و ستاد انتخابات خارج از کشور مستقر در آن وزارتخانه، روز جمعه ۸۸/۳/۲۲، ۳۱۴ حوزه اخذ رأی در ۱۳۱ کشور جهان مستقر خواهد شد که بنا بر اظهار مسئولان ذیربط، اطلاعات و نشانی آنها برای ایالات متحده آمریکا در سایت www.election88.org و برای تمامی نقاط جهان در سایت www.mfa.gov.ir قابل دسترسی است. بنا به اظهارات شفاهی مسئولان ستاد انتخابات خارج از کشور، حسب اعلام نیاز سفارتخانه‌ها، مجموعاً تعداد ۴۶۱,۶۰۰ تعرفه اخذ رأی برای حوزه‌های خارج از کشور ارسال گردیده است. ..."

بدینسان روشن است که اختلال در بیلان پیوست ۴۹ ناشی از همین اختلال در نوشته‌ها و گفته‌های متناقض بوده و برای توجیه نتایج اعلام شده تهیه گردیده و با واقعیت مطابقتی نداشته است.

اکنون با توجه به اینکه عددهای اعلام شده برای میزان تعرفه ارسالی به خارج از کشور غالباً ۴۵۰,۰۰۰ الی ۴۷۰,۰۰۰ برگ بوده، باید نتیجه بگیریم که آن یکصد هزار برگ مانده در خزانه، از تعرفه‌های چاپ قبل از انتخابات در ادعاهای شورای نگهبان و وزارت کشور، نادرست بوده و مانده واقعی ناشی از تعرفه‌های چاپ روز جمعه ۵۵۰,۰۰۰ برگ بوده است؛ چنانکه خودشان هم اعتراف کرده‌اند، البته اگر این اظهارات اساساً درست تلقی شوند. مدارکی در زیر بر نادرستی همین ادعاها هم ارائه خواهد شد.

۳. بررسی بند الف از پیوست ۴۹ گزارش شورا

شورای نگهبان و وزارت کشور در بند الف می‌گویند: کل تعرفه چاپ شده در مرحله قبل از انتخابات (الف) ۵۸/۸۷۵/۰۰۰ برگ بوده است و در بند (ک) تعرفه موجود در مخزن بانک ملی را ۶۵۰,۰۰۰ برگ اعلام می‌کنند. این عدد حاصل جمع تفاوت دو بدوی چهار بند از این بیلان است. در واقع تفاوت میان بند (د)، یعنی کل تعرفه توزیع شده قبل از انتخابات که برابر ۵۸,۷۷۵,۰۰۰ اعلام شده و کل تعرفه چاپ شده ادعائی در بند الف، یعنی ۵۸,۸۷۵,۰۰۰ برگ را که یکصد هزار برگ می‌شود با تفاوت بند (ب) و بند (ه) جمع می‌زنند. بند (ب) می‌گوید کل تعرفه چاپ شده در روز انتخابات

۲,۰۰۰,۰۰۰ برگ بوده و تعداد توزیع شده از آن، در بند (ه) ۱,۴۵۰,۰۰۰ برگ اعلام می‌شود. بنا بر این، تفاوتشان برابر ۵۵۰,۰۰۰ برگ است که در جمع با آن ۱۰۰,۰۰۰ برگ، مجموعاً ۶۵۰,۰۰۰ برگ است که ادعا می‌شود در مخزن بانک ملی مانده است!!

اما در مورد آن ۱۰۰/۰۰۰ تعرفه که از ظاهر پیوست ۴۹ برمی‌آید که در مخزن بانک مانده بوده، باید بگوییم که همه اوراق چاپ شده قبلی پیش از انتخابات توزیع شده بود و این را صریحاً خود آقای دانشجو اعلام کرده است؛ عملاً هم نگه داشتن این تعداد کم در مخزن معنایی ندارد. در بحث پیشین هم نشان دادیم که این مانده درست نیست.

اعدادی که در مورد تعرفه‌های بجا مانده در مخزن بانک ملی در مصاحبه‌های مکرر ستاد مرکزی انتخابات و وزارت کشور و آقای کدخدایی گزارش گردیده است با آنچه در این گزارش مشاهده می‌کنیم متناقض است، از جمله در دو مکاتبه‌ای که آقای دانشجو رئیس ستاد انتخابات با روزنامه همشهری داشته و متن آن در سایت «پایگاه اطلاع رسانی دولت» هنوز دیده می‌شود (این نامه در زیر منعکس شده است). همچنین آقای محصولی در مصاحبه روز ۸۸/۴/۴ خود همین ادعای آقای دانشجو را تأیید کرده و می‌گوید ۵۵۰,۰۰۰ برگ در مخزن بانک ملی باقی مانده است.

برای پرهیز از پراکندگی ذهن خواننده محترم بهتر است پیش از بررسی عدد کل تعرفه‌های چاپ شده از زبان مسئولان مربوط و بیان اطلاعات خودمان در این زمینه، تا بدینجای کار را با توجه به اقرار شورای نگهبان و وزارت

کشور صادق و مقید به صیانت از آرای مردم جمع بندی و بیلان تازه‌ای را تهیه کنیم.

برای اینکار فرض را بر صحت ادعای آقای محصولی و شورای نگهبان می‌گذاریم که می‌گویند جمع تعرفه‌های چاپ قبلی و روز جمعه برابر ۶۰/۸۷۵/۰۰۰ برگ بوده است. با تکیه بر داده‌های پیوست ۴۹ و بخشی از مصاحبه‌های مسئولان وزارت کشور (فقط بخشی از این مصاحبه‌ها)، حساب تعرفه توزیع شده در «سراسر کشور»، یعنی بدون احتساب تعرفه‌های ارسالی به خارج از قرار زیر است:

۱- کل تعرفه توزیع شده در داخل و خارج کشور قبل از انتخابات بند (د): ۵۸/۷۷۵/۰۰۰ برگ اعلام شده که تفاضل کل تعرفه چاپ شده ادعایی، یعنی ۶۰,۸۷۵,۰۰۰ برگ و بند (ک)، یعنی مانده نهایی در بانک ملی است که همان ۶۵۰,۰۰۰ برگ باقیمانده است. توجه کنید که از این به بعد دیگر نباید مانده مخزن بانک، نقشی در محاسبات داشته باشد.

۲- تعرفه توزیع شده قبلی در سراسر داخل کشور: ۵۷۰۰۰۰-
برگ ۵۸/۲۰۵/۰۰۰=۵۸۷۷۵۰۰۰

۳- تعرفه توزیع شده در روز جمعه به برخی استانها: ۱/۴۵۰/۰۰۰

برگ

۴- جمع تعرفه توزیع شده در سراسر کشور: ۵۹/۶۵۵/۰۰۰

برگ^{۳۸}

این جمع با آنچه در پیوست ۴۹ آمده ۵۰۰۰ برگ اختلاف دارد که ناشی از اشتباه خود ارائه دهندگان گزارش است.^{۳۹}

از سطر (ح) هم باید تعرفه مصرف شده در خارج را کم کنیم و در نتیجه:

۱- کل تعرفه مصرف شده در داخل باید تفاضل سطر (ح) و (ع) باشد که برابر است با:

۲۰۰/۳۹۲-۲۱۴/۳۷۱/۳۹=۳۹/۱۷۰/۸۲۲=برگ و برابر کل آراء مأخوذه داخل کشور که با جدول موجود در پورتال وزارت کشور همخوانی ندارد.

۲- کل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری‌ها، یعنی: تفاضل سطر (ط) با جمع سطرهای (ک) و (ف): (۳۶۹/۶۰۸ + ۶۵۰/۰۰۰)-
۲۰/۷۱۹/۱۶۲=۱۹/۶۹۹/۵۵۴ برگ

۳- جمع تعرفه مصرف شده و موجود در فرمانداریها (داخل کشور):
۱۹/۶۹۹/۵۵۴+۳۹/۱۷۰/۸۲۲=۵۸/۸۷۰/۳۷۶ برگ تعرفه. تفاوت این عدد با جمع تعرفه توزیع شده در سراسر کشور برابر می شود با: ۷۸۴,۶۲۴ برگ که باید در صندوقهای پلمپ شده موجود باشد و شامل دسته های تعرفه‌ای باشد

38 این عدد به ادعای کمیته صیانت از آراء آقای موسوی در ایام پیش از انتخابات نزدیک است و همان است که آن شخص متعصب برای دروغگو نشان دادن سخن آقای موسوی به آن استناد کرده است؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از آن طومار.

39 آیا این هم ناشی از حساب سازی است؟ ما نمی خواهیم فعلاً چنین داوری کنیم اما به هر حال بر نادرستی ها می افزاید و قرائن آن را تشدید می کند.

که بخشی از آنها مصرف شده است. اما این عدد ۶۵۰۰۰۰ برگ بیش از عدد سطر (س)، یعنی ۱۳۴/۶۲۴ برگ است! (توجه داشته باشید که معمای مختوم به دو صفر بودن همچنان بر سر جای خود باقی می ماند و با هیچ محاسبه ای قابل رفع نیست!!)

۴- از سوی دیگر در بالا نشان دادیم که تعرفه ارسالی به خارج از کشور، حد اکثر، ۴۵۰,۰۰۰ برگ بوده است، بنا بر این تفاوت ۱۲۰,۰۰۰ برگی این عدد با بند (ص) که تعرفه ارسالی به خارج را ۵۷۰,۰۰۰ برگ اعلام می کند، یا باید در بانک ملی باشد و یا در داخل کشور و در صندوق ها یا نزد فرمانداری ها. به عبارت دیگر، این ۱۲۰,۰۰۰ برگ سبب می شود که آمار توزیع داخل به هم بخورد. به هر حال این عدد باید به ۷۸۴,۶۲۴ برگ ما به التفاوت افزوده گردد که بالغ بر ۹۰۴,۶۲۴ برگ می شود.

۵- چنانچه گفته های پیشین آقای دانشجو و سخنان آقای محصولی را در ۸۸/۴/۴ ملاک محاسبه قرار دهیم، مانده در مخزن بانک ملی ۵۵۰,۰۰۰ برگ بوده و باید یکصد هزار برگ به این ما به التفاوت اضافه گردد که مساوی ۱,۰۰۴,۶۲۴ برگ می شود!

باید توجه داشت که در سطر (ط) آمده است: «کل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری ها و خارج از کشور و ...» و این به معنای آن است که در زمان تهیه این گزارش هنوز صندوق های خارج از کشور به ایران نرسیده بوده و بنا بر این مانده اشاره شده در سطر (س) تنها به موجودی های داخل صندوق های سراسر کشور مربوط است. **به عبارت دیگر موجودی**

مخزن بانک را دوبار حساب کرده‌اند و تازه جمع و تفریقشان هم درست نبوده است. شما به هر تفسیری این پیوست را محاسبه کنید اعداد با هم سازگار نیستند. این وضع و حال گزارشی است که به ادعای شورای نگهبان و آقای کدخدایی حاصل کار کارشناسان زیادی است که مدت بیست روز روی آن کار کرده‌اند!!

اما بر اساس مصاحبه مورخ ۸۸/۳/۲۸ آقای دانشجو در شبکه خبر (متن مصاحبه در زیر می‌آید) باید دومیلیون از جمع تعرفه توزیع شده کم کنیم که در این صورت صندوق‌ها چیزی هم طلبکار می‌شوند!! یعنی باید ثابت کنند که این تعرفه‌ها را از کجا آورده‌اند و در نتیجه باید کسری را از کل آراء مأخوذه کم کنند و بپذیرند که در اعلام آراء و شمارش دست‌برده‌اند و این بسیار روشن است. زیرا برگشتی‌ها به اضافه آراء مأخوذه بیش از شمار تعرفه توزیع شده خواهد بود. به گمان ما این بهترین نمایانگر واقعیت بازی وزارت کشور و عوامل پشت پرده کودتای انتخاباتی اخیر است. شواهدی را نشان خواهیم داد که تعرفه‌های زیادی در دست مردم می‌چرخیده و اصلاً حساب و کتابی در کار نبوده است. هرچند مکرر توسط آقای کدخدایی و آیت الله جنتی ادعا شده که شورای نگهبان بر همه امور نظارت داشته است:

"جام جم شنبه ۳/۲۳: سخنگوی شورای نگهبان در گفتگویی با اشاره به این که شورای نگهبان از طریق تشکیل هیات مرکزی، هیات‌های استانی و شهرستانی بر انتخابات نظارت ویژه دارد، گفت: شورای نگهبان با اعزام بازرسان ویژه به تمامی مناطق، نظارت ویژه داشته است.

به گزارش ایرنا، کدخدایی با اشاره به این که در کنار هر شعبه اخذ رای بین ۳ تا ۵ بازرس شورای نگهبان حضور داشتند، افزود: در برخی مواقع تعداد این بازرسان بر اساس جمعیت حاضر در شعب بیشتر می‌شد. وی تاکید کرد: بازرسان شورای نگهبان از زمان چاپ تعرفه‌ها تا استقرار صندوق‌ها حضور فعالی در عرصه انتخابات داشتند."

اگر خواننده محترم توجه کرده باشد، در دو مورد نشان دادیم که پیوست ۴۹ اشتباه تایپی داشته است، یکی مربوط به بند (ز) است که ۵۰۰۰ برگ کمتر تایپ شده و دیگری مربوط به تعرفه‌های مصرف نشده خارج از کشور در بند (ف) است که به جای ۶۹ عدد ۹۶ تایپ شده است. این اشتباه رایجی در حسابداری و ریاضیات است که جای دو رقم عوض می‌شود. بعضی از افراد به هنگام سخن گفتن دچار این عارضه می‌شوند و دو رقم را جابجا می‌گویند. آقای دانشجو رقم قطعی تعرفه چاپ شده تا قبل از انتخابات را روز ۸۸/۳/۲۸ از شبکه خبر ۵۶,۷۷۵,۰۰۰ و کل تعرفه چاپ شده قبل و روز انتخابات را ۵۸,۸۷۵,۰۰۰ برگ اعلام کرده است و آقای محصولی هم این عدد را عیناً در روز ۸۸/۴/۴ از تلویزیون اعلام و به قبل از انتخابات نسبت داده است!! به نظر می‌رسد که آقای دانشجو به جای ۵۶,۸۷۵,۰۰۰ عدد ۵۶,۷۷۵,۰۰۰ را گفته باشد، سپس آن‌ها روی این عدد دو میلیون (به ادعای خودشان) تعرفه روز جمعه را اضافه کرده و به عدد ۵۸۸۷۵۰۰۰ رسیده‌اند. در نوبت بعدی روز ۸۸/۴/۱ به هنگام تهیه پیوست ۴۹ بدون اینکه هراسی از فاش شدن دروغ داشته باشند (زیرا امری مرسوم شده و تنها به ضرب تحکم

با تکیه بر زور ارقام و آمار آن را به مردم می‌قبولانند و به قول آقای منتجب نیا می‌کوشند به مردم بیاورانند که ۲+۲ مساوی ۵ می‌شود) از این اعداد بیلانی را راست و ریست کرده‌اند. اما این کار سبب شده است که **موجودی مخزن را یکصد هزار برگ بیشتر اعلام کنند، عدد ارسالی به خارج از کشور را ۱۲۰,۰۰۰ برگ بیشتر بگویند و بعلاوه موجودی مخزن را دوبار به حساب بیاورند.** این حدس ذهن را بدین سمت می‌کشاند که تطبیق وضعیت صندوق‌ها با آراء اعلام شده بسادگی و در مدتی که روی آن کار کرده بودند میسر نبوده است.

آیا به نظر شما خواننده محترم، مطابقت عدد بند (ز)، یعنی ۵۹,۶۰۰,۰۰۰ برگ با عددی که کمیته صیانت از آراء آقای موسوی مشترکاً با کمیته صیانت از آراء آقای کروبی چند روز پیش از انتخابات اعلام کرده بودند، اتفاقی است؟ در این اعلامیه مشترک گفته شده بود که وزارت کشور ۵۹,۶۰۰,۰۰۰ برگ تعرفه توزیع کرده است، اما پیوسته آن را حدود ۵۷ میلیون ذکر می‌کنند و پرسیده بودند که آیا این پنهان‌کاری برای چیست؟ (متن این اعلامیه پس از این خواهد آمد)

آن‌ها این عدد اعلام شده را بهانه قراردادده و با مغلطه‌کاری نسبت ادعای کذب به آقای موسوی دادند در حالی که در اینجا همان عدد را ذکر کرده‌اند، لیکن با قید اینکه آن رقم حاصل قبل و روز انتخابات است! توگویی آقایان مهدی کروبی و میرحسین موسوی و کمیته صیانت از آراءشان از

پیش می‌دانسته‌اند که چنین اتفاقی خواهد افتاد، در حالی که آن‌ها از امر واقع خبر می‌دادند و این گروه تهیه کننده گزارش بعدها عدد را پیراسته‌اند. برای مثال، یکی از این مغلظه گره‌های سیاست‌پیشه که در ماجرای انتخابات کوشید از هر فرصتی برای مطرح ساختن خود سخنان ناروایی را در کنار برخی انتقادات به دستگاه حاکم منتشر نماید، اخیراً در سایت خودش مطلبی خارج از نزاکت، تحت عنوان دروغ‌های مهندس موسوی، عرضه کرده است و از جمله می‌نویسد:

"دروغ شماره (۱۷)

« در این دوره ... تعداد ۵۹/۶۰۰/۰۰۰ برگه تعرفه رای با شماره سریال چاپ شد^{۴۰}. » طبق آمار رسمی وزارت کشور که مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته و با اسناد موجود در چاپخانه بانک ملی (محل چاپ تعرفه‌ها) مطابقت دارد، تعداد تعرفه‌های چاپ شده جهت انتخابات در مرحله اول ۵۷/۰۰۰/۰۰۰ تعرفه با شماره سریال بوده و در مرحله دوم به ۵۸/۸۷۵/۰۰۰ تعرفه سریال دار افزایش یافت. حال جناب موسوی رقم بالا را از کجا آورده خدا میداند!!

... نوشته شده در سه شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۸۸ ساعت ۲:۳ توسط ..."

ملاحظه کنید که در اثر شدت تبلیغات سوء و بمباران حرف‌های بی‌ربط توانسته‌اند ذهن این نویسنده گرامی را مغشوش نمایند، تا آنجا که برای این هتاک‌بی‌مورد حتی به گزارش شورای نگهبان هم رجوع نکرده است. این

40 مبنای این عدد جمع دو میلیون با ۵۷۶۰۰۰۰۰ است که در یکی از ادعاهای وزارت کشور مطرح شده بود و متن آن خواهد آمد.

شخص البته به گفته‌های آقای دانشجو اعتماد نموده و این مطالب بی‌پایه را بیان نموده است. همانطور که در بیلان بالا و تصحیح اعداد پیوست ۴۹ با صحیح انگاشتن ادعاهای آن‌ها نشان دادیم برابری عدد مندرج در بند ۳ از بیلان توزیع با آنچه کمیته صیانت خیلی پیش از انتخابات گفته بود، امری تصادفی نیست. کمیته صیانت از طریق اطلاعات مردمی متوجه شده بود که آن‌ها ۵۹,۶۰۰,۰۰۰ برگ تعرفه در حال چاپ دارند در حالی که می‌گویند «حدود» ۵۷ میلیون چاپ می‌شود. مسئولان وزارت کشور و شورای نگهبان در آنموقع ادعا را رد کردند و پس از واقعه به حساب‌سازی پرداختند؛ اما محاسباتشان درست از آب درنیامده است.

همین نویسنده بدون خواندن تحلیل‌های دیگران از جمله سایت تابناک در مورد جمعیت واجد شرایط می‌نویسد:

"دروغ شماره (۱۶) موسوی می‌نویسد: «... مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال جمعیت افراد واجد شرایط رای دادن را حدود ۴۵/۲۰۰/۰۰۰ نفر اعلام کرده بودند ...» این دروغ دیگره واقعاً شاهکاره^{۴۱} جناب موسوی است. طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال و اعلام ستاد انتخابات کشور جمعیت افراد واجد شرایط رأی دادن بیش از ۴۶ میلیون نفر بوده‌اند و اینکه چرا جناب موسوی این تعداد را یک میلیون نفر کاهش میدند، خود از عجایب است!!"

⁴¹ اصولاً در متن نوشته‌های روزنامه‌ها یا سایت‌ها اغلاطی از این قبیل دیده می‌شود و ما هم برای پرهیز از دخل و تصرف در متن غالباً از تصحیح خودداری کرده‌ایم.

فرض کنیم که حق با این نویسنده احساساتی باشد، که در سایت آن وکیل مجلس جویای نام این مطالب را نوشته است، اگر ۴۶ را ۴۵ نوشتن که تأثیری در استدلال ندارد تا این اندازه دروغ باشد که شاهکار موسوی تلقی شود، در حالی که دسترسی به آماری اینچینی برای همه میسر بوده و موسوی هم از این واقعیت آگاه است، آیا در برابر دیدگان یک ملت این همه دروغ در مورد شمارگان تعرفه و نحوه چاپ و توزیع و نظارت بر این امور چگونه دروغی خواهد بود؟ این وکیل مجلس که باید امانتدار باورهای ملتش باشد، مسبب چنین غفلتی در دیگران شمرده می‌شود. اگر شمارگان تعرفه را دروغ اعلام کنند یک خطای ساده است؟ اما اگر شمارگان جمعیت را بر اساس تحلیل آماری متکی به شمارگان رأی دهندگان دوره‌های پیشین یا سهواً یک میلیون کم بگویند که هیچ تأثیری در روند بحث ندارد، یک «شاهکار» است؟!!

به هر حال، همانگونه که مشاهده فرمودید، تحلیل مستند به گفتار خود مسئولان نشان می‌دهد که نظارتی در کار نبوده و پیوست ۴۹ از جهات متعددی اشکال دارد؛ نه تنها سر و ته مطلب به هم راست نمی‌آید، بلکه بهترین سند برای اثبات بی‌صداقتی «نویسندگان آن است!

از جمله مغالطات آقای کامران دانشجو که آن نویسنده را هم تحت تأثیر قرارداد است، پاسخ مکتوب ایشان به نامه آقای موسوی است که در سایت دولت هم منعکس است.

در این مکتوب هم ذکر تاریخ ۸۸/۳/۲۱ به جای ۸۸/۳/۲۲ در نامه آقای موسوی را از آن زمان تاکنون پیوسته به عنوان یک ادعای کذب مطرح می-کنند، اما با چنان اختلاف حسابی مدعی تقوی هستند:

"جوابیه دوم وزارت کشور به روزنامه همشهری"

۵- علی رغم اطلاعات و آمار کذب در نامه آقای موسوی و تذکره روزنامه همشهری، اولاً: تعداد تعرفه‌های چاپ شده اخیر، در روز ۸۸/۳/۲۱ نبوده و در این تاریخ هیچ تعرفه‌ای چاپ نشده است. صرفاً در روز اخذ رای ۸۸/۳/۲۲ به دنبال حضور غیر قابل وصف و پیش‌بینی مردم چاپ تعرفه مذکور انجام شده است. ثانیاً: تعداد تعرفه‌های چاپ شده فقط دو میلیون بوده که همگی دارای شماره سریال می‌باشند و استانهای محل توزیع آنها نیز کاملاً مشخص می‌باشد. ثالثاً: از تعرفه‌های مذکور، **تعداد ۵۵۰/۰۰۰** عدد توزیع نشده و در مخزن چاپخانه بانک ملی هم اکنون موجود است و برای شبهه افکنان قابل ملاحظه می‌باشد که همگی دارای شماره سریال می‌باشند.

۶- تعداد تعرفه‌های تحویلی به هر استان و هر شهرستان با حضور نمایندگان وزارت کشور و شورای نگهبان، با ذکر میزان تعرفه تحویلی و ذکر شماره سریال آنها صورتجلسه شده و نیز میزان تعرفه تحویلی به هر شعبه اخذ رای و شماره سریال آنها، با حضور و امضاء نماینده هیات اجرایی و نماینده هیات نظارت شورای نگهبان صورتجلسه شده است. ضمناً تعرفه‌های

مصرف نشده هر شعبه اخذ رای، در فرم ۲۲ (فرم شمارش آراء هر صندوق) ذکر گردیده و در حضور نمایندگان نامزد ها و بوسیله اعضای اجرایی، ناظرین شورای نگهبان، بازرسان، نماینده فرمانداری و محافظان صندوق، امضاء و گواهی گردیده است.

۷- مجموع تعرفه های مصرف نشده در سراسر کشور در روز دوشنبه مورخ ۸۸/۴/۱ با حضور نماینده شورای نگهبان بررسی شد و معلوم گردید که تعداد تعرفه مصرف نشده دقیقاً برابر با تعداد تعرفه های چاپ شده پس از کسر تعرفه های مصرف شده در شعب اخذ رای می باشد و در این مورد هیچ شبهه ای وجود ندارد.^{۴۲}

ایشان روز ۸۸/۳/۲۸ در شبکه خبر سیما اعدادی مغایر داده است در حالی که اینجا می گوید، در ۸۸/۴/۱، یعنی سه روز بعد با شورای نگهبان بررسی کردیم و دیدیم همه چیز درست است!! آن عدد نامه پیوست ۴۹ را با این عدد در نامه به همشهری و متنی که در زیر می آید مقایسه کنید:

کامران دانشجو روز ۸۸/۳/۲۸ در برنامه ویژه پاسخگویی به شبهات انتخاباتی از شبکه خبر می گوید:

"در این دوره برای ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار واجد شرایط رای دادن **حدود ۵۷ میلیون تعرفه** به چاپ رسید که بر اساس یک ضریب خاصی از میزان مشارکت در هر یک از مناطق کشورمان تعرفه در اختیار آنها قرار

⁴² این خبر در ایرنا بتاريخ ۸۸/۴/۳ منتشر شده و در پایگاه اطلاع رسانی دولت یار، مربوط به دولت آقای احمدی نژاد هم موجود است.

می‌گرفت، اما در این دوره از انتخابات به واسطه استقبال بسیار گسترده مردم، و به وجود آمدن صف‌هایی طویل در همان ساعات اولیه رای‌گیری در برخی از شعب با کمبود تعرفه مواجه شدیم که بلافاصله از طریق ستاد فرمانداری‌ها موضوع پیگیری و تعرفه به میزان مورد نظر به هر یک از شعب ارسال شد. به دلیل استقبال گسترده مردم در این دوره از انتخابات ما مجبور شدیم تا به چاپخانه‌ای که تعرفه‌های این دوره از انتخابات در آن چاپ شده بود اعلام کنیم که به میزانی، تعرفه در روز جمعه به چاپ برساند که بر این اساس **میزان کل تعرفه به چاپ رسیده در این دوره از انتخابات به ۵۸ میلیون ۸۷۵ هزار رسید** که برای برخی از استان‌هایی که با کمبود تعرفه مواجه شده بودند، ارسال و مقادیری از آن در شهر تهران توزیع شد.^{۱۴۳}

به هر حال، اگر ملاک محاسبه را بر همین گزارش که سه روز پیش از زمان ادعایی خود آقای دانشجو در نامه به همشهری اظهار نموده است، قرار بدهیم، در این صورت کل تعرفه‌ها نزدیک به ۵۸۸۷۵۰۰۰ بوده و این شامل همان تعرفه‌های مورد ادعاست که روز جمعه چاپ کرده‌اند. لیکن چون خودشان کتباً به دو میلیون علاوه بر ۵۸۸۷۵۰۰۰ اعتراف کرده‌اند، فرض دیگری را باید صحیح بیانگاریم. آنها، همانطور که در زیر نشان خواهیم

43 فیلم مصاحبه در آرشیو صدا و سیما موجود است، بعلاوه متن مصاحبه توسط خبرگزاری فارس منتشر شده و در روزنامه‌ها _ ایران ۳۰ خرداد ۸۸ صفحه ۲۰ - به چاپ رسیده و غیر قابل انکار و اصلاح است!

داد، قبل از انتخابات نزدیک به ۵۹,۶ میلیون چاپ کرده‌اند و یک روز پیش از انتخابات و روز انتخابات هم حداقل نزدیک به ۴ میلیون برگ چاپ مجدد داشته‌اند. اما پس از آن جلسه‌ی کذائی با شورای نگهبان و تلاش برای راست‌وریست کردن آمارها و تطبیق جداول آراء با تناقضات در گفته‌ها که بارها تغییر داده شده‌اند، با تردستی متن پیوست ۴۹ را تهیه کرده‌اند که در آنهم دچار خطای فاحش شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری انتخاب به نقل از [سایت] آینده ... ساعتی بعد از پخش این برنامه در شبکه خبر [برنامه‌ی آقای دانشجو که در بالا اشاره شد]، برنامه ایران ۸۸ [شبکه سه] نیز با مجری‌گری نویسنده سایت رجانیوز میزبان شریفی‌راد، مدیر کل انتخابات کشور بود^{۴۴} ...

در این برنامه که با هدف پاسخگویی به شبهات موجود در خصوص سلامت انتخابات برگزار شده بود، مدیر کل انتخابات وزارت کشور (جانشین آقای کامران دانشجو، یعنی جانشین رئیس ستاد انتخابات کشور) اظهار کرد علاوه بر ۵۷ میلیون تعرفه چاپ شده پیش از انتخابات، حدود نیم میلیون تعرفه نیز در روز انتخابات چاپ و توزیع شده که ۲۰۰ هزار تایی آن‌ها به تبریز، ۱۰۰ هزار به اصفهان، ۱۰۰ هزار به خراسان، ۵۰ هزار به قم و... ارسال شده است. ...

44 عنوان آقای شریفی راد در رابطه با انتخابات «جانشین رئیس ستاد انتخابات»، یعنی جانشین آقای دانشجو است که به پیشنهاد خود وی در ۸۸/۱/۷ منصوب شده است. [خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)]

شریفی‌راد از ارائه پاسخ مناسب در خصوص ریخته‌شدن ۱۰ میلیون تعرفه اضافه به نام احمدی‌نژاد در صندوق‌ها نیز ناکام ماند و گفت: اولاً باید بگویند این ۱۰ میلیون رأی در کدام صندوق ریخته شده و ثانیاً تعرفه‌ها کجاست؟ چون هر تعرفه یک شماره یونیک دارد و با شماره سریال در استان‌ها توزیع شده است."

حالا ما کدام را باید درست بدانیم و چه کسی راست می‌گوید؟ طبق این خبر علاوه بر اینکه اصل توزیع ۱,۴۵۰,۰۰۰ تعرفه در روز انتخابات نادرست است، کل تعرفه چاپ شده که شامل روز انتخابات هم می‌شود، تنها ۵۷,۲۰۷,۰۰۰ برگ بوده است!!! در این صورت گزارش پیوست ۴۹ با آن اعداد مربوط به تعرفه‌های مصرفی و برگشتی را چگونه توجیه کنیم؟ برآستی کسی هست که سخن راست گفته باشد؟ اگر این عدد را در تراز پیوست ۴۹ لحاظ کنیم باید به نتایج زیر برسیم:

۱- تعرفه چاپ شده قبل و روز انتخابات ۵۷,۲۰۷,۰۰۰ برگه،

کسر می‌شود:

۱- مانده مصرف نشده در مخزن بانک ملی ۶۵۰,۰۰۰ برگه

۲- ارسالی به خارج از کشور ۵۷۰,۰۰۰ برگه

مانده توزیع شده در داخل کشور ۵۵,۹۸۷,۰۰۰ برگه

کسر می‌شود:

۱- کل تعرفه مصرف نشده در داخل کشور، اعم از تحویلی به

فرمانداری‌ها و پلمپ شده در داخل صندوقها: ۲۰,۸۵۳,۷۸۶ برگه

مانده مصرف شده در صندوق‌ها (-کل آراء مأخوذه در داخل)
برگ ۳۵,۱۳۳,۲۱۴ برگ!!

اگر این عدد را با ۳۶۹,۶۰۸، یعنی آراء خارج از کشور جمع کنیم قاعدتاً باید برابر کل آراء مأخوذه باشد: ۳۵,۵۰۲,۸۲۲ برگ!! که با عدد اعلام شده در گزارش شورا و وزارت کشور ۳,۸۶۰,۳۹۲ برگ اختلاف دارند.

در اوایل تیرماه آقای کدخدایی در مصاحبه تلویزیونی برای رد ادعای کسانی که به تعداد آرای شهرهایی که بیش از جمعیتشان رأی در صندوق‌ها ریخته شده، بطور جدلی پذیرفت که حد اکثر سه میلیون رأی از این طریق باطل می‌شود، او گفت اگرچه این موضوع در دست پیگیری است اما گمان نمی‌کند که این صندوق‌ها ایرادی داشته باشند و باطل نخواهند شد. در ۸۸/۴/۵ آقای منتجب‌نیا، قائم مقام آقای مهدی کروی در حزب اعتماد ملی، در وبلاگ شخصی خود تحت عنوان «صحت انتخابات یعنی ۲+۲=۵» در این باره نوشت:

"ما در یادداشت‌های پیشین دلایل متعددی را برای اثبات بطلان و عدم صحت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ارائه کردیم. ولی با توجه به آمار آراء مأخوذه از شهرها و حوزہ‌های سراسر کشور که چیزی بالغ بر ۳۵۰ شهرستان می‌باشد، معلوم شد که در بسیاری از شهرستانها تعداد آراء مأخوذه از مردم تا حدود ۱۵۰٪ بیش از افراد واجد شرایط رأی می‌باشد به عبارت ساده تر در آن شهرستانها چیزی تا حدود ۵۰ درصد رأی غیر واقعی و تقلبی به صندوق‌ها ریخته شده است، البته بین کاندیداهای معترض و سخنگوی

شورای نگهبان در تعداد شهرستانها اختلاف است، آقای مهدی کروی می - گوید: "تعداد مناطقی که بیش از حداکثر ممکن رای داده‌اند بالای ۲۰۰ منطقه خواهد شد به علاوه به همین نسبت هم در شهرها و مناطق دیگر رای به صندوق‌ها ریخته شده و برآوردها از رای دادن افراد نیز حاکی از آن است که امکان نداشته است که بیش از ۳۰ یا ۳۲ میلیون رای در فرصت موجود با تعداد حوزه‌های تعیین شده از مردم اخذ شود" (روزنامه اعتماد ملی شنبه ۲ تیر صفحه اول)

ولی آقای کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان می گوید: "تعداد اعلام شده از سوی کاندیداها بین ۸۰ الی ۱۷۰ شهر بود که نادرست است، این آمار حدوداً مربوط به ۵۰ شهر است که مجموع آراء آن شاید قریب ۳ میلیون رای می‌باشد و شاید اگر بنا به درخواست کاندیدائی به صورت تصادفی باز شماری شود تغییر چندانی در سرنوشت انتخابات نداشته باشد" (روزنامه اعتماد ملی شنبه ۲ تیر صفحه دوم)

چنانکه ملاحظه می کنید سخنگوی شورای نگهبان صریحاً به افزایش آراء ماخوذه در ۵۰ شهر و ۳ میلیون رای اعتراف کرده است، البته بدلیل تنگ شدن قافیه، در پی این اعتراف ناظر بر انتخابات، روابط عمومی شورای نگهبان طی بیانیه‌ای افزایش آراء را معلول مهاجرت تفریحی به بیلاقتها و مناطق خوش آب و هوا دانسته است!! که با توجه به فصل امتحانات دانشگاهها و مدارس و شروع نشدن تعطیلات تابستانی در ۲۲ خرداد، نادرست بودن این توجیه روشن خواهد شد.

... حال می‌گوییم مگر می‌شود، در میان حدود ۳۵۰ شهرستان، به روایت کاندیداها ۱۷۰ تا ۲۰۰ شهر و به روایت سخنگوی شورای نگهبان تنها ۵۰ شهر، تقلب صورت گرفته باشد و کسی ادعا کند که این انتخابات صحیح و سالم است؟!؟

می‌توانیم این وجه از بطلان انتخابات را به زبان عالمان علم اصول چنین بیان کنیم: علمای اصول فقه، علم اجمالی را در منجر بودن و معذر بودن چون علم تفصیلی می‌دانند و نتیجه آن اینست که مثلاً اگر در میان یکصد ظرف غذا یکی حرام یا نجس باشد، باید از تمامی صد ظرف (اطراف شبهه علم اجمالی) اجتناب کرد و نمی‌شود با اصل حلیت و طهارت از آنها استفاده نمود. براساس این قاعده می‌گوییم، وقتی برای کاندیداها و شورای نگهبان ثابت شد که حداقل در ۵۰ شهر یعنی حدود یک هفتم حوزه‌ها معادل ۳ میلیون رای تقلب صورت گرفته است، با وجود احتمال تقلب در مابقی حوزه‌ها، چگونه می‌شود به این انتخابات در هر حوزه بزرگ و کوچک آن اعتماد کرد؟!؟ آیا مثل این انتخابات، مثل دیگ بزرگ آش یا برنجی نیست که شیء یا اشیاء نجسی در آن افتاده باشد که باید همه مواد مایع آن دیگ را کنار گذاشت؟!؟"

مقصود از یادآوری این موضوع، آن نیست که اختلاف آراء ناشی از بیلان مربوط به اظهارات آقای شریفی راد را با آن سه میلیون مقایسه کنیم، بلکه اگر امر دائر بر اعمال این سه میلیون در نتیجه آن بیلان باشد باید از جمع آراء مأخوذه در بیلان مربوط به آقای شریفی راد، سه میلیون رأی دیگر هم

کسر شود که در این صورت کل آراء مأخوذه ۳۲,۱۳۳,۰۰۰ برگ خواهد شد!! این رقم اتفاقاً با خوشبینانه‌ترین پیش‌بینی‌های قبل از انتخابات موافقت دارد!!

هدف از نقل سخنان آقای منتجب‌نیا، استفاده از این نکته مهم ایشان بود که با وجود دلیل قطعی (و نه شبهه) یک ظرف آتش نجس می‌شود، چه با یک قطره خون باشد و چه با ده‌ها قطره!

ناگفته نماند که پس از این مصاحبه آقای شریفی راد را نیز متوجه اشتباه فاحشی که مرتکب شده بود، نمودند و ایشان برای جبران این مطلبی که لو داده بود، با خبرگزاری فارس که همگان از جهت‌گیری آن در تبلیغ برای آقای احمدی‌نژاد و توجیه رفتار دولتمردان آگاهی دارند، مصاحبه‌ای توجیهی در ۸۸/۳/۳۱ انجام داد و این اعداد را تصحیح نمود، یعنی به فاصله دو روز از آن مصاحبه زنده تلویزیونی در شبکه سه برنامه ایران ۸۸!!

این مصاحبه را سایت جهان نیوز که گفته می‌شود به آقای زاکانی از نمایندگان محترم مجلس و هوادار آقای احمدی‌نژاد وابسته است، در همان تاریخ همراه با تعریف و تمجیدی از سابقه کاری ایشان، تحت عنوان توجیهی: «دلیل مشارکت بالای ۱۰۰٪ برخی حوزه‌ها» منعکس کرده است:

"... جانشین رئیس ستاد انتخابات کشور در پاسخ به سوالی در خصوص کمبود تعرفه در برخی شعب، اظهار داشت: ما در آستانه برگزاری انتخابات شاهد ایجاد شبهاتی نظیر عدم رای دادن مردم در شعب اخذ رای مستقر در مساجد بودیم که به طبع آن موجب شد در برخی شعب نظیر مدارس شاهد

از دحام گسترده مردم باشیم، با این حال بر اساس دستورالعمل برگزاری انتخابات، شعب به محض کمبود تعرفه و رسیدن به حدی از کمبود که تنها ۱۰۰ تعرفه در شعبه باقی مانده باشد، بلافاصله درخواست ارسال تعرفه از فرمانداری‌ها می‌کنند که در این شرایط و از شعبی که درخواست تعرفه وجود داشته فرمانداری‌ها بلافاصله نسبت به تامین تعرفه اقدام کرده‌اند. وی ادامه داد: برای این دوره از انتخابات بر مبنای مشی تمامی انتخابات‌های گذشته معادل ۱۵ تا ۲۰ درصد واجدین شرایط رای دادن برگه تعرفه بیشتر به چاپ می‌رسد و در این دوره از انتخابات نیز ۵۸ میلیون و ۸۷۵ هزار برگه تعرفه به چاپ رسید که بخشی از آن پس از اعلام نیاز برخی حوزه‌ها بواسطه مشارکت بسیار بالا نظیر اصفهان (۱۰۰ هزار)، قم (۵۰ هزار)، خراسان (۱۰۰ هزار) و تهران بیش از یک میلیون تعرفه مجدد ارسال شده است."

توجه فرمایید که این مصاحبه دو روز پس از آن صحبت‌های زنده تلویزیونی و شب قبل از تهیه پیوست ۴۹ است که قاعداً باید این شخص جزو گروه تهیه پیوست ۴۹ بوده باشد، چرا که به عنوان جانشین رئیس ستاد مرکزی انتخابات مسئول مستقیم این امور بوده است. او صریحاً در این مصاحبه کل تعرفه چاپ شده در قبل و روز انتخابات را ۵۸,۸۷۵,۰۰۰ اعلام می‌کند و از این رقم است که تعدادی را روز جمعه ۸۸/۳/۲۲، روز انتخابات، به شهرهای مختلف فرستاده است. آقای شریفی راد هیچ اشاره‌ای به اینکه تعرفه‌های ارسالی به قم و تهران و اصفهان و خراسان از محل تعرفه جداگانه چاپ شده در روز جمعه ندارد و از نظر او کل تعرفه همین عدد

بوده است که شامل تعرفه چاپ شده در روز جمعه هم می‌شود و «بخشی از آن» به خراسان و ... ارسال شده است!! شگفت آنکه ایشان به عنوان کسی که ده انتخابات ملی را تجربه کرده است می‌گوید: «برای این دوره از انتخابات بر مبنای مشی تمامی انتخابات‌های گذشته معادل ۱۵ تا ۲۰ درصد واجدین شرایط رای دادن برگه تعرفه بیشتر به چاپ می‌رسد و در این دوره از انتخابات نیز ۵۸ میلیون و ۸۷۵ هزار برگه تعرفه به چاپ رسید که ...»، در حالی که اگر مبنای گذشته ملاک بود و اگر حتی ۲۰ درصد اضافه چاپ می‌شد باید ۵۵,۴۴۲,۰۰۰ تعرفه چاپ می‌کردند و نه ۵۸ میلیون و ۸۷۵ هزار برگه!! یعنی نزدیک به ۳,۴۳۵,۰۰۰ اضافه‌تر از همین مبنای گذشته!! که برابر ۲۷/۵ درصد مازاد است.

در اینجا لازم است به یک اشتباه محاسبه کسانی اشاره شود که در سایت‌های داخلی یا خارجی و از جمله در ویکی‌پدیا، تحت عنوان «تقلب در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم» مقاله تحقیقی مفصلی آورده‌اند، اشاره کنیم. غالب کسانی که پس از انتشار آمار آراء و نیز آمار صندوق‌ها به تحلیل این آمار پرداختند، علی‌رغم اینکه همگی متوجه فساد این دسته از مناطق و صندوق‌های آنها بودند و می‌دانستند که حداقل شصت و اگر درست محاسبه شود نزدیک به دویست و بیست حوزه، دارای صندوق‌های آلوده به علت افزونی آراء بر جمعیت بوده‌اند؛ با اینحال، در محاسباتشان درصد آراء کل را که وزارت کشور اعلام کرده است، دخالت داده‌اند و

این کار اشتباه است. در نوشته آقای منتجب نیا از قول آقای کروی نکتته‌ای نقل شده است که به نظر می‌رسد ایشان متوجه چنین موضوعی بوده‌اند.

غالباً گفته می‌شود که ۸۵٪ از مردم در انتخابات شرکت کرده‌اند، در حالی که با کسر حد اقل سه میلیون آراء این صندوق‌ها که آقای کدخدایی هم به گونه‌ای قابل بررسی دانسته بود، نسبت شرکت کنندگان در انتخابات در سایر شهرها که باید معیاری متوسط برای کل باشد، برابر ۷۸٫۵٪ می‌شود که تازه نسبتی بسیار تقریبی است. زیرا آمار این دسته از صندوق‌ها دستکم بالغ بر ۵ میلیون است که اگر این عدد در تعیین نسبت اعمال شود، نسبت مشارکت به ۷۴٫۲٪ می‌رسد که معقول می‌نماید و با اغلب نظر سنجی‌های طرفین سازگاری دارد. حال اگر متوسط ۷۵٪ ملاک محاسبه قرار بگیرد در این صورت، باید تعداد شرکت کنندگان بالغ بر ۳۴ میلیون و هشتصد هزار بوده باشد و مازاد آن از طریق آرایش بعدی در صندوق‌ها تزریق شده باشد که با توجه به حساب نامناسب و ناسازگار تعرفه معقول می‌نماید. این تخمین با آنچه که از بیلان مبتنی بر سخنان آقای شریفی راد محاسبه شده است، همخوانی نزدیکی دارد. اما این بدان معنا نیست که در سایر صندوق‌ها دستکاری نشده است، بلکه به معنای آن است که انتخابات از سوی مجری و ناظر به آشفتگی برگزار شده و نتیجه قابل اعتماد نیست. کسی که از بیست و چهار میلیون رأی خود مطمئن باشد، از آزمایش دوباره هراسی به دل راه نمی‌دهد، زیرا آنرا که حساب پاک است، از محاسبه چه پاک است؟ اما اگر مصداق آن آیه شریفه باشد که از سوره آل عمران نقل شد، یعنی به زبان

چیزی را بگوید که در دلش نیست و مغایر آن است، البته که از آزمون دوباره هراسان خواهد بود.

برای توجیه پیوست ۴۹ و رفع و رجوع اشتباهات آقای شریفی راد و آقای کامران دانشجو که بر مبنای رشته تحصیلی (فیزیک) باید ریاضیاتش خوب باشد، آقای محصولی، وارد عمل شده و در مصاحبه اش می گوید: چاپ تعرفه در پیش از انتخابات طی دو مرحله و قرارداد بوده است. ظاهراً آقایان دانشجو و شریفی راد، از این دومی مطلع نبوده اند!! گرچه هیچکدام این سه نفر از حرف های دیگری آگاهی نداشته اند چون هرکدام سخن دیگری را نقض کرده است، آنهم یک هفته بعد از انتخاباتی که این همه مسائل پیدا کرد و این همه مجریان و دستگاه نظارت کوشیده اند مردم را متقاعد سازند که رفتارشان درست بوده است!

"صادق محصولی وزیر کشور در برنامه گفتگوی ویژه خبری پنجشنبه ۱۳۸۸/۴/۴:

و اما در رابطه با تعداد تعرفه ها، ابتدا در قرارداد اول ۵۷ میلیون تعرفه چاپ کردیم^{۴۵}، به خاطر حفاظت و صیانت بالا تعرفه ها را بانک ملی چاپ می کند. بعد این رقم به ۵۸ میلیون و ۸۷۵ هزار افزایش پیدا کرد و همه ی اینها هم سریال دار^{۴۶} بود (پس آقای دانشجو که مسؤل این کار بوده

⁴⁵ توجه کنید که ایشان اینبار از لفظ «حدود» هم استفاده نمی کند و می گوید ۵۷ میلیون چاپ کردیم.

⁴⁶ توجه فرمایید که چگونه از لفظ سریال و کد در این سخنان بیجا استفاده می کنند و سپس همین را به دیگران ایراد گرفته اند!!

روز قبل از این مصاحبه در همین شبکه از چاپ اوراق بعدی در قبل از انتخابات مطلع نبوده است). **این‌ها توزیع شد** برخی گفته‌اند در روز ۲۱ خرداد باز تعرفه چاپ شد که اشتباه گفته بودند. در روز ۲۲ خرداد به درخواست نماینده‌ی یکی از نامزدهایی که الان جزء معترضین است که گفته بود تعرفه کم آمده است و چاپ شود با تأیید شورای نگهبان ۲ میلیون تعرفه‌ی سریال‌دار با پیش‌بینی‌هایی که از قبل شده بود چاپ شد.^{۴۷} یعنی **جمعاً شد ۶۰ میلیون و ۸۷۵ هزار تعرفه که از اول تا آخر انتخابات چاپ شد.** ما در روز انتخابات این دو میلیون برگه‌ی تعرفه که چاپ کردیم رقمی حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار را به تهران، ۵۰ هزار به قم، ۱۰۰ هزار به اصفهان و ۲۰۰ هزار به آذربایجان شرقی ارسال کردیم، ۵۵۰ هزار هم از ۲ میلیون در مرکز بانک ملی که مخزن چاپ آن بود باقی ماند که هم اکنون نیز موجود است."

شمار واقعی تعرفه چاپ شده چقدر است؟

پاسخ درست را با همان زبان عامیانه باید چنین داد که: والله چه می دانم؟ خدا عالم است و متصدیان صدیق و پاکدست و راستگوی صیانت از آراء ملت و امانتداران دین و قرآن؛ از آنها پرسید!!

47 گزارش شورای نگهبان می گوید که به درخواست فرمانداری‌ها و با توجه به سوء مدیریت توزیع تعرفه این کار صورت گرفته است و اشاره‌ای به درخواست هیچ نامزدی ندارد، اصولاً همانطور که در بخش صیانت از آراء نشان داده‌ایم، نامزدها از چاپ تعرفه اضافی به این مقدار و تهیه مهرهای انتخاباتی به اندازه دو برابر مورد نیاز شاکی بوده‌اند.

بخصوص بدین جهت که به گزارش خبرگزاری مهر، آقای کامران دانشجو تحصیل کرده آکسفورد و قائم مقام آقایان کردان و محصولی، در مصاحبه روز ۳/۱۶ می گوید:

"عده‌ای دیگر در تعداد تعرفه‌ها شبهه ایجاد کردند و گفتند چرا به این اندازه تعرفه چاپ کرده‌اید، حال بهتر است افرادی که این سخنان را بر زبان می‌آورند نگاهی هم به گذشته داشته باشند چرا که ریاضی که ما بلدیم جمعیت شناور می‌شناسد و ما می‌دانیم که شما دلسوزید و از سردلسوزی صحبت می‌کنید لذا چند بار باید توضیح دهیم تا شاید شما قدری به خودتان بیایید.

معاون سیاسی وزیر کشور همچنین تصریح کرد: عده‌ای دیگر گفتند تعرفه‌ها را یک موسسه خصوصی چاپ می‌کند در حالی که نحوه چاپ آن را از طریق صدا و سیما به مردم نشان دادیم تا مردم خود قضاوت کنند⁴⁸."

البته کسی جز وزارت کشور ادعا نکرده است که می‌خواهد تعرفه‌ها را به بخش خصوصی واگذار نماید؛ آگهی مناقصه را هم داده بودند، اما بعداً منصرف شدند. ادعای نامزدها بر اساس همین آگهی و مصاحبه رئیس قبلی ستاد انتخابات بوده است.

در اینجا مصاحبه‌های وزارت کشور و شورای نگهبان درباره شمارگان تعرفه‌ها را از ابتدای کار تمهید مقدمات انتخابات مرور می‌کنیم، شاید شما از ریاضیات آنها سر در بیاورید و بتوانید عددی را استخراج کنید:

⁴⁸ اغلب این مصاحبه‌ها در سایت «دهمین انتخاب» در دسترس است.

آقای دانشجو روز ۸۸/۲/۷ در مصاحبه‌ای جزییات نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم را اعلام می‌کند که بخشی از آن چنین است:

"رئیس ستاد انتخابات کشور شمار حائزان شرایط شرکت در انتخابات را ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در سراسر کشور اعلام کرد و افزود: البته اگر مجلس شورای اسلامی، مصوبه دولت مبنی بر کاهش سن رای دهندگان از ۱۸ به ۱۵ سال را تصویب می‌کرد از نظر اجرایی، هیچ مشکلی در برگزاری انتخابات وجود نداشت. وی ادامه داد: اکنون که شمار حائزان شرایط شرکت در انتخابات یعنی افراد بالای ۱۸ سال، ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اعلام شده است، **حدود ۵۷ میلیون تعرفه** در حال چاپ داریم. وی شمار شعبه‌های اخذ رای در خارج از کشور را حدود ۲۹۰ شعبه اعلام و اضافه کرد: وزارت امور خارجه، رئیس ستاد انتخابات خارج از کشور را معرفی کرده است و امور انتخابات ریاست جمهوری دهم را پیگیری می‌کند. وی افزود: حدود ۴۰۰ هزار تعرفه برای این شعبه‌ها درخواست شده است."^{۴۹}

آقای کامران دانشجو به نوشته روزنامه اعتماد در مصاحبه روز ۲/۱۴ در خصوص چاپ تعرفه اضافی می‌گوید:

"البته رئیس ستاد انتخابات سعی کرد به شبهات موجود در مورد چاپ تعرفه اضافه نیز پاسخ دهد. وی اظهار داشت؛ من نمی‌دانم چرا قبلاً این همه به اضافه چاپ تعرفه شبهه وارد نمی‌کردند اما الان این شبهه وارد می‌شود، چنان که در سومین دوره شورای شهر ۴۶ میلیون واجد شرایط وجود داشت

49 نقل از سایت انتخاب. این مصاحبه در شماره ۲/۷ کیهان نیز منعکس است.

اما ۵۵ میلیون تعرفه به چاپ رسید. همچنین در انتخابات مجلس هشتم ۴۳ میلیون واجد شرایط وجود داشت اما ۵۵ میلیون تعرفه چاپ شد. از سوی دیگر در انتخابات ریاست جمهوری نهم مرحله اول ۴۶ میلیون واجد شرایط (با احتساب سن ۱۵ سالگی) وجود داشت اما ۵۴ میلیون تعرفه به چاپ رسید. حال کجای این مساله شک و شبهه دارد؟ هیچ شک و شبهه‌یی وجود ندارد، مگر اینکه شما بخواهید شک و شبهه وارد کنید. در همین زمان خبرنگاری پرسید چرا در سال اصلاح الگوی مصرف تعرفه اضافه چاپ می‌کنید که دانشجو اظهار داشت؛ من منطق و روال موجود را بیان می‌کنم، گرچه شاید قانون نباشد اما اگر عده‌یی از افراد خواستند در نقطه دیگر کشور رای بدهند، ما ناچار هستیم ۱۵ درصد تعرفه اضافه چاپ کنیم و در اختیار محل اخذ رای قرار بدهیم تا اگر فردی خواست جای دیگری رای بدهد ما تعرفه کم نیاوریم چون ما مبنا را بر حضور تمام واجدین شرایط قرار می‌دهیم. حال اگر فردی خواست رای بدهد و تعرفه وجود نداشت آیا این مساله نقض حقوق شهروندی نیست؟ به هر حال این روال در کشور وجود داشته است اما من نمی‌دانم چرا در دوره‌های قبل محل سؤال و شبهه نبود و حال شما به آن شبهه وارد می‌کنید؟"

همین آمار مبنای اعتراض کمیته صیانت از آراء آقای موسوی بود که می‌گفتند چرا برخلاف ارقامی که خودتان اعلام کرده‌اید، نسبت به گذشته این همه تعرفه اضافه چاپ کرده‌اید. چنانچه در دروره قبل برای ۴۶ میلیون رأی - دهنده، ۵۴ میلیون برگ تعرفه چاپ شده که نزدیک به ۱۷/۴٪ افزون بر

تعداد رأی دهندگان بوده است، چرا می‌خواهید ۵۷ میلیون چاپ کنید که ۲۴٪ بیش از آمار خودتان در مورد شمار رأی‌دهندگان است! این در حالی است که بعدها اطلاعات کمیته در مورد چاپ مخفیانه تعرفه افزون بر همین رقم ۵۷ میلیون برگ، یعنی ۵۹,۶ میلیون برگ مورد تأیید قرار گرفت که نسبتش با جمعیت رأی‌دهنده برابر با ۲۹٪ است و اگر همان سخن آقای محصولی و پیوست ۴۹ را مبنای قرار دهیم، باید پرسیم چرا قبل از انتخابات ۲۷,۲٪ تعرفه اضافه چاپ کرده‌اید؟

این سخنان شنونده را یاد ضرب‌المثل معروف «آی دزد» می‌اندازد. بسیاری از خوانندگان محترم در اقصی نقاط کشور روز جمعه پشت درهای بسته شعب رأی‌گیری ماندند و وزارت کشور و شورای نگهبان با بی‌تفاوتی گفتند: چه کنیم، اینها می‌خواستند زودتر به پای صندوق بروند. یکجا می‌گویند همه چیز پیش‌بینی شده است تا مردم از حق خودشان برای انتخاب رئیس‌جمهورشان استفاده کنند و جای دیگر در برابر هرگونه مطالبه از حساب و کتاب کار توسط مردم داد و فریاد برمی‌آورند که مسلمانی نیست. آقای کدخدایی با بی‌خیالی تمام در روز ۸۸/۳/۲۳ در مورد کمبود تعرفه می‌گوید:

"به گزارش ایلنا عباسعلی کدخدایی در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی در خصوص علت بسته شدن در برخی از حوزه‌های رأی‌گیری به روی مردم گفت: در تمامی حوزه‌ها و شعب اخذ رأی که پیش‌بینی می‌شد نیاز به تعرفه رأی وجود دارد به تعداد کافی تعرفه ارسال شده است ولی در برخی از

حوزه‌ها به علت اینکه استقبال مردم را پیش‌بینی نمی‌کردیم و تعرفه هم نداشته‌اند ناچاراً این کار (بستن در حوزه‌ها به سوی مردم) صورت گرفت." این همان شخصی است که مکرر به همه اطمینان می‌داد و در گزارش تفصیلی نیز تکرار کرده است که هشدار نمایندگان نامزدها در مورد کمبود تعرفه در شعب اخذ رأی بی‌مورد بوده است! برای مثال در ۸۸/۴/۱۰ در مصاحبه‌ای می‌گوید:

"[آقای کدخدایی] تاکید کرد: هیچ یک از ادوار انتخابات ریاست جمهوری تاکنون دچار انحراف یا تقلب عمده نشده‌اند، خصوصاً انتخابات اخیر که از جمله سالم‌ترین انتخابات در طول دوران گذشته بوده است. کدخدایی با اشاره به نظارت دقیق شورای نگهبان بر روند انتخابات، گفت: شورای نگهبان از قبل از روز رای‌گیری بر چگونگی انجام مقدمات انتخابات، نظارت دقیق و کاملی داشته و رای‌گیری هم تحت نظارت دقیق ناظران شورای نگهبان انجام شده است. ... وی با بیان اینکه بر اساس بررسی‌های انجام شده مشخص شد که ادعای برخی کاندیداها مبنی بر اینکه در برخی حوزه‌ها، تعرفه رای به اندازه کافی توزیع نشده، **فادرس است**، گفت: روند رای‌گیری، تنها در دو منطقه، آن هم به دلیل استقبال گسترده مردم، با تاخیر ۲۰ دقیقه و ۴۰ دقیقه‌ای مواجه شد. غیر از این موارد هیچگونه گزارشی مبنی بر اینکه برگ تعرفه رای در حوزه‌ای وجود نداشته باشد به ما

واصل نشده است. بررسی‌های بعد از روز انتخابات هم نشان می‌دهد که هیچکدام از این ادعاها درست نبوده است.^{۱۵۰}

به هر حال هدف اصلی ما از ارائه این گزارش داوری منصفانه شما خواننده گرامی است. در مبحث بعدی با عنوان «مدیریت توزیع تعرفه» خواهیم دید که تا چه اندازه مسئولان انتخابات به حفظ حقوق شهروندی پایبند بوده‌اند. آیا تقاضای مشارکت در نظارت بر رأی‌گیری از سوی این شهروندان از حقوق شهروندی‌شان نبود؟ در بحث از مدیریت تعرفه جداولی را تقدیم می‌کنیم که ببینید آیا آنها ۱۵٪ برگ تعرف اضافه چاپ کرده‌اند و آیا برنامه توزیع شان بی‌غرضانه بوده است؟

در ۸۸/۳/۱۶ رئیس ستاد مرکزی انتخابات وزارت کشور از نظارت کامل شورای نگهبان بر همه امور خبر می‌دهد، در حالی که گزارش تفصیلی شورا تلویحاً این ادعا را نقض می‌کند بی‌آنکه عکس‌العملی نشان داده باشد:

"رئیس ستاد انتخابات کشور در پاسخ به سئوالی درباره مراحل طراحی، چاپ و توزیع تعرفه‌های رای نیز، گفت: اگر پیش از این نحوه چاپ، محل چاپ و زمان توزیع تعرفه‌های رأی را نگفته‌ایم به دلیل لحاظ کردن مسائل امنیتی در انتقال تعرفه‌ها بوده است اما حال که این انتقال صورت گرفته

50 متن این مصاحبه در خبرگزاری فارس بتاريخ ۸۸/۴/۵ تحت شماره ۸۸۰۴۰۵۰۰۹۷ با تیتیر خبرگزاری فارس: سخنگوی شورای نگهبان با بیان اینکه تمامی گزارش‌ها و شکایات کاندیداهای معترض، بررسی شده است، از انتشار گزارش جامع شورای نگهبان، در پایان مهلت رسیدگی به شکایات خبر داد. در روزنامه‌ها و سایت‌های دیگر هم منتشر شده است.

است باید اشاره کنم که طراحی تعرفه‌ها با نظارت و تایید شورای نگهبان صورت گرفت و در برگ تعرفه اسم نامزد و کدی برای نامزدها وجود دارد که البته نوشتن کد الزامی نیست.

وی ادامه داد: تمامی مراحل طراحی و چاپ تعرفه‌های رأی با نظارت و تایید شورای نگهبان و در چاپخانه بانک ملی صورت گرفته است و هم اکنون تعرفه‌های رأی به استانها ارسال شده و آماده این است که مردم با حضور خود در پای صندوق‌های رأی در روز ۲۲ خرداد از این تعرفه‌ها استفاده نمایند⁵¹.

فردای آن روز، یعنی ۸۸/۳/۱۷ آقای دانشجو باردیگر در مصاحبه‌ای تأکید می‌کند:

"ما **۵۷ میلیون تعرفه** برای این دوره از انتخابات چاپ کردیم که روند چاپ تعرفه اضافه همواره در انتخابات گذشته از ابتدا تا کنون به صورت ۱۵ تا ۲۰ درصد بیشتر از تعداد واجدان شرایط رأی وجود داشته است.^{۵۲}"

آقای کدخدایی هم حتی روز انتخابات این عدد را می‌پذیرد. جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ خبرگزاری مهر:

"کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان از صدور دستور چاپ مجدد برگه‌های تعرفه رأی برای جبران کمبود تعرفه در برخی حوزه‌های انتخابیه بویژه مراکزی در استان آذربایجان شرقی و فارس خبر داد و در خصوص اعلام

⁵¹خبرگزاری مهر، روز ۸۸/۳/۱۶

⁵²روزنامه ایران، یکشنبه ۸۸/۳/۱۷ کد خبر: ۷۰۰۴

نتایج توسط برخی رسانه‌ها گفت: هر گونه اعلام نتایج رسانه‌ها به جز از منابع رسمی صرفاً گمانه زنی است. ...

وی در پاسخ به این سوال که با توجه به معلوم بودن واجدین شرایط در حوزه‌های انتخابی و نیز چاپ حدود ۱۱ میلیون برگ تعرفه اضافی علت کمبود تعرفه چیست، ادامه داد: توزیع تعرفه‌ها از گذشته توسط وزارت محترم کشور با کدبندی‌ها و مکانیزم خاص منطقه‌ای صورت می‌گیرد و اگر چه به همین دلیل امکان انتقال تعرفه‌ها به نقاط دیگر موجود نبوده، اما با آمادگی قبلی دستور چاپ و توزیع مجدد برگه‌های تعرفه برای تأمین در مناطق مورد نیاز در طول امروز صورت گرفته است و اکنون مشکلی در این زمینه وجود ندارد."

این مصاحبه سخنگوی شورای نگهبان که در روز جمعه بوده و خبرگزاری مهر آن را منتشر کرده است، اولاً منشأ پرسش صبح شنبه در جلسه مجمع تشخیص مصلحت از آیت الله احمد جنتی در مورد علت و مجوز چاپ تعرفه اضافی در روز جمعه (روز انتخابات) شده است. ثانیاً عدد «۱۱ میلیون برگ تعرفه اضافی» در متن تفاوت میان ۴۶/۲۰۰/۰۰۰ نفر واجدین شرایط و حدود ۵۷ میلیون تعرفه‌ای است که پیش و پس از انتخابات مدعی بودند که چاپ شده است! آقای کدخدایی این عدد را در روز انتخابات پذیرفته است. بنا بر این، یا این عدد دروغ بوده یا عدد درج شده در گزارش تفصیلی، یعنی ۵۸/۸۷۵/۰۰۰ برگ چاپ شده قبل از انتخابات.

به لفظ «حدود» دقت فرمایید! شنونده از این لفظ نمی‌فهمد که آیا منظور اندکی کمتر از ۵۷ میلیون بوده یا بیشتر، اما مصاحبه بعدی عدد قطعی را روشن می‌سازد. به گزارش ایلنا از مصاحبه کامران دانشجو در ۲۱ خردادماه، وی ادعا می‌کند که ۵۶/۷۵۷/۰۰۰ تعرفه قطعی چاپ شده است:

" رئیس ستاد انتخابات کشور گفت: انتخابات از ۸ صبح فردا شروع می‌شود و به مدت ۱۰ ساعت ادامه دارد و در صورتی که از سوی فرمانداری‌ها درخواست تمدید زمان رأی‌گیری وجود داشته باشد براساس صلاحدید وزارت کشور و حداکثر تا ساعت ۲۴ فردا شب، زمان رأی‌گیری قابل تمدید است.

به گزارش خبرگزاری انتخاب به نقل از ایلنا، **دانشجو تعداد تعرفه‌های قطعی آماده شده برای انتخابات را ۵۶ میلیون و ۷۵۷ هزار برگه اعلام کرد.**

دانشجو گفت: برخی رسانه‌ها به نصب غیرقانونی بنرها از سوی حامیان کاندیداها اعتراض نمی‌کنند ولی اگر فرمانداری آنها را جمع‌آوری کند، جوسازی می‌کنند در حالی که باید فرمانداری را برای جمع‌آوری این بنرها تحسین کنند^{۵۳}.

با این مصاحبه، آن هم درست روز پیش از انتخابات، یعنی ۸۸/۳/۲۱ مراد وزارت کشور یا شورای نگهبان از لفظ «حدود» مشخص می‌شود. عدد

⁵³ این خبر در سایت انتخاب و در سایت دهمین انتخاب نیز منعکس است.

مزبور بسیار تعیین کننده است. از خواننده می‌خواهیم که این اعتراف روز ۸۸/۳/۲۱ را بخاطر بسپارد. زیرا اگر ادعای آنها مبنی بر اینکه روز جمعه ۲۰۰۰۰۰۰ برگ تعرفه چاپ کرده‌اند درست باشد، در این صورت مجموع تعرفه ادعایی در پیوست ۴۹ باید بجز این دو میلیون برگ پیش از انتخابات چاپ شده باشد. آقایان الویری و محتشمی‌پور مسئولان کمیته صیانت دو نامزد انتخاباتی، یعنی آقایان کروی و میرحسین موسوی، که بر اساس اطلاعات دریافتی از هواداران در وزارت کشور از مدتی پیش می‌گفتند ۵۹/۶۰۰/۰۰۰ برگ تعرفه چاپ کرده‌اند، با هزاران اتهام و افترا مواجه شدند. روزنامه حیات نو این نگرانی نامزدها را روز ۸۸/۳/۱۸ با تیتر «**نگرانی شدید از احتمال تخلف در انتخابات**» منعکس کرده است:

"گروه داخلی - رئیس کمیته صیانت آرا میرحسین موسوی و کروی در نامه‌ای به دبیر شورای نگهبان از تخلفات گسترده در انتخابات ابراز نگرانی کرده و انجام اقدامات مقتضی را خواستار شدند. در این نامه خطاب به آیت‌الله جنتی آمده است: پیرو یادداشت‌های پیشین موارد زیر که می‌تواند زمینه تخلفات آشکار و پنهان را از طرف عناصر مسئول و غیرمسئول فراهم سازد، جهت هر گونه اقدام پیشگیرانه تقدیم می‌شود.

این موارد بر اساس اطلاعاتی است که به‌رغم پنهان کاری وزارت کشور از ستاد انتخابات به دست آمده است.

۱- شعب اخذ رای ۴۶۲۹۴ که از این تعداد ۱۴۳۱۲ عدد آن سیار، ۱۲۸۵۷ روستایی و ۱۹۱۲۵ شهری است.

۲- تعرفه‌های مرحله اول ۵۹۶۰۰۰۰۰ می‌باشد که وزارت کشور تعداد تعرفه‌های چاپ شده را ۵۷۰۰۰۰۰۰ (پنجاه و هفت میلیون) اعلام کرده است. اختلاف ۲۶۰۰۰۰۰ برای چیست و چرا اعلام نمی‌شود!؟

۳- تعداد مهرها همانطوری که می‌دانید دو برابر تعداد شعب به‌علاوه ۱۰ درصد مازاد می‌باشد که بدون هیچ‌گونه دستورالعملی ارسال شده است و این کار فوق‌العاده خطرناک و نگران‌کننده است. در جریان باشید که شعب روستایی و شهرهای کوچک تا ۱۰ صبح کارشان تمام می‌شود و تا عصر بیکار هستند و مهر اضافی و تعرفه‌های فراوان و سوسه‌انگیز است.

۴- براساس اطلاع در سایت وزارت کشور فقط سه نفر مستقر هستند و اهل فن می‌گویند نیازمند نظارت جدی هستند.

۵- برخی از صاحب‌نظران مدعی هستند نظارت جدی در شعب اخذ رای و به‌خصوص در هنگام شمارش آراء و بالاخص در شهرستان تهران، از اهمیت و حساسیت ویژه برخوردار است، اما ما معتقدیم اگر قرار باشد تخلف سازماندهی شده‌ای انجام بگیرد، این کار نه در شعبه و نه در سایت و نه در هنگام شمارش و اخذ رای بلکه در استفاده از تعرفه‌های اضافی و مهرهای اضافی و با استفاده از صندوق‌های اضافی و سیار شدن است. بخصوص که خبر می‌رسد که شناسنامه‌های سربازان در مراکز نظامی و... جمع‌آوری شده است.

۶- بنا به خبر رسیده قراردادی به تعداد ۴۰۰۰۰۰۰ (چهار میلیون) پیامک بین ستاد انتخابات وزارت کشور و وزارت مخابرات برای روز انتخابات آنهم به

صورت محرمانه منعقد شده است که سوال بر انگیز است، چه فرمانی به صورت یک طرفه و به چه کسانی در روز انتخابات قرار است داده شود که مردم نباید بدانند. چرا مثل سابق از طریق صدا و سیما تمام موارد اعلام نمی شود. معمولا پیامک از شعب به ستاد انتخابات وزارت کشور برای اعلام اخبار و اطلاعات محرمانه و اعلام اخبار ضروری، منطقی به نظر می آید اما پیامک از ستاد انتخاباتی کشور به عوامل اجرایی، در حالی که مرکز صدا و سیما سراسری در ستاد انتخابات وزارت کشور مستقر هست آیا شبه انگیز نیست؟!

۷... "

در جریان اعلام آمار فرم های ۲۸ و ۲۲ که مدتی پس از انتخابات و در اثر فشار مردم صورت گرفت، با انتشار آمار صندوق ها بسیاری از فرزندان تیزهوش این ملت به سرعت تناقضات متعددی را در این جداول آماری کشف و در سایت های گوناگون اعلام می کردند؛ از جمله در سایت entekhabatj88 و سایت بالاترین، وزارت کشور و دوستان نظامی حاکم بر اتاق تجمع ستاد مرکزی انتخابات نیز بلافاصله با ترفندهایی این اغلاط را به اصطلاح ماست مالی می نمودند. این عده بی درنگ متوجه شدند که با اعلام خطاهای این متصدیان، بیش از همه به خود آنها کمک می شود. این دو سایت در تیر جالبی نوشتند: «همکاری دوستانه و نزدیک سایت بالاترین با وزارت کشور». با انتشار عکس جداول تغییر یافته در شرح هم نوشتند: "بالاترین و سایت های دیگر مغایرتها را برای این اعلام می کنند که

وزارت کشور آنها را اصلاح کرده و فایل جدید بگذارد و تا به حال چندین بار فایل‌های وزارت کشور آپ دیت، اصلاح و دوباره آپلود شده.^{۵۴} این جوانان دانشور خوب بود بموقع این هشدار را به آقایان محتشمی و الویری هم می‌دادند. زیرا آنها با افشای اطلاعات خودشان، در موارد متعددی عوامل کودتا را هشدارتر کردند، از جمله در مورد قطع پیامک و تلفن‌ها و اینترنت در روز ۳/۲۱ که خبر این تصمیم را آن دو چند روز پیشتر دریافت کرده بودند؛ ما این موضوع را در مبحث گزارش مجادلات بر سر صیانت از آراء به آگاهی شما رسانده‌ایم و بار دیگر در بررسی طرح کودتا سراغ آن خواهیم رفت.

اصرار آقای دانشجو و دیگران بر اینکه قبل از انتخابات فقط «حدود» ۵۷ میلیون برگ تعرفه چاپ شده بود، همانگونه که مستنداً گزارش گردید، تا روز ۸۸/۳/۲۹ ادامه داشت، اما آن روزها و پس از فرصت کافی برای دستکاری تعرفه‌ها و آراء متوجه شدند که ممکن است کمیته‌های صیانت اسنادی از این تقلب در تعرفه داشته باشند، از این رو، به فکر اصلاح افتادند و ناگهان اعتراف کردند که قبل از انتخابات نزدیک به ۵۹ میلیون، یعنی ۵۸۸۷۵۰۰۰ برگ تعرفه چاپ کرده‌اند.

بر اساس شنیده‌ها، میزان تعرفه چاپ شده بیش از این اعداد بوده و در مواردی هم ادعا شده است که تعرفه‌های فراوانی را با استفاده از دستگاه‌های چاپ شهرستان‌ها و نیز بوسیله دستگاه‌های مخصوص کپی رنگی که در

⁵⁴ ما بموقع خود این جداول را جهت اطلاع شما در همین گزارش درج خواهیم نمود.

ایران در اختیار نهادهای امنیتی و سپاه پاسداران است و معدودی هم در اختیار سایر نهادها قرار دارد تکثیر کرده‌اند. قرائنی هم برای باور به این شایعات در دست است. اگرچه شایع کردن قرارداد ۴۰۰۰۰۰۰ پیامک توسط وزارت کشور برای گمراه ساختن کمیته‌های صیانت بوده و می‌خواستند نشان بدهند که از برنامه قطع پیامک در ۳/۲۱ اطلاعی ندارند، آنها از این بهانه‌ها می‌آفریدند تا رقیب را دروغگو یا بی‌اطلاع نشان دهند، چون آنها با در اختیار داشتن سرویس آنلاین رایانه‌ای و تلفن‌های سیاسی امن به راحتی می‌توانستند عوامل خودشان را از میزان آرایشی که باید در صندوق‌ها با استفاده از تعرفه‌های اضافی و اعلام نشده «تزریق» کنند، مطلع نمایند.

ما در اینجا تنها به استناد آن جمله قرص و محکم و قسم حضرت عباسی که آقایان کدخدایی، محصولی و گزارش تفصیلی شورای نگهبان خورده‌اند و گفته‌اند: همه صورتجلسه‌ها را بررسی کردیم و همه تعرفه‌های مصرف شده و نشده را محاسبه دقیق کردیم، همه فرم‌های ۲۲ را جمع دوباره زده و تعرفه‌های برگشتی مندرج در این فرم‌ها را کنترل نمودیم تا به گزارش پیوست ۴۹ رسیدیم و همه چیز کاملاً درست بود، قطعه عکس زیر را جهت ملاحظه شما ارائه می‌کنیم. این تعرفه‌ها از کارتن‌های پر از تعرفه که پشت فرمانداری اهواز تلبار شده بود بدست آمده است. تعداد یک یا هزاران برگ از این اوراق اگر دست دیگران باشد، سندی است بر اینکه دست اندرکاران انتخابات و نامزد حاکم و دار و دسته حامی وی نه تنها ناراست گفته‌اند بلکه عزم پیشین برای دست کاری در تعرفه داشته‌اند.

 جمهوری اسلامی ایران وزارت کشور دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۸۸/۳/۲۲ برگه تعرفه مشخصات رای دهنده		 جمهوری اسلامی ایران وزارت کشور دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۸۸/۳/۲۲ برگه رای	
میزان رای ملت است امام خمینی(ره)		هموطن گرامی: لطفاً نام و نام خانوادگی نامزد مورد نظر نان را خوانا، همراه با شماره نامزدی وی در جدول، ذیل مرقوم نمایید. (فقط نام یک نفر درج شود)	
نام خانوادگی	نام	شماره نامزد	نام و نام خانوادگی نامزد
شماره شناسنامه	نام پدر		
شماره ملی	تاریخ تولد		
نام و امضای منشی شعبه		اثر انگشت رای دهنده	
			
شماره سریال ۳۲/ ۱۰۹۰۸۷۸			

اسناد دیگری هم همراه با عکس در زیر خواهد آمد.

ملاحظه کردید که اگر ادعای آقای شریفی راد ملاک عمل باشد، در این صورت کلاً ۵۷,۲۰۰,۰۰۰ برگه تعرفه چاپ و توزیع کرده‌اند و اقرار به بیش از آن در واقع اعتراف به تقلب و دستکاری در شمارگان تعرفه است و این تعرفه‌ها بموجب اقاییر مندرج در پیوست ۴۹ برای تغییر وضعیت صندوق‌ها بکار گرفته شده است، زیرا در آمار وزارت کشور نقش دارند. اما چنانچه ادعای پابرجای آقای دانشجو تا ۸۸/۳/۲۹ را بپذیریم که آنها تا روز انتخابات فقط ۵۶/۷۵۷/۰۰۰ برگه تعرفه چاپ کرده بودند، با دو میلیون تعرفه روز جمعه جمعاً باید ۵۸/۷۰۰/۰۰۰ برگه چاپ شده باشد که مشابه عدد ادعایی آقای محصولی در ۸۸/۴/۳ برای ایام قبل از انتخابات است (۵۸۸۷۵۰۰۰ برگه) و در پیوست ۴۹ هم به عنوان تعرفه چاپ شده در قبل ذکر گردیده است. اختلاف ۱۰۵۰۰۰ برگه این دو عدد را هم در گفته‌های قبلی نشان

دادیم. در واقع چون همین عدد را قبلاً در اختیار داشته‌اند و حساب هایشان روی این عدد بوده در پیوست ۴۹ ندانسته ۵۰۰۰ برگ را گم کرده‌اند و صدهزار برگ دیگر را روی اوراق مانده در مخزن یا ارسالی به خارج از کشور گذاشته‌اند!! این نتیجه بدان معناست که تعرفه چاپی مازاد، یعنی دو میلیون برگ دیگر، البته اگر به حرف آنها اعتماد کنیم در روز ۳/۲۱ یا روز جمعه چاپ شده و در این صورت باید گفت که ۴ میلیون اضافه چاپ کرده‌اند.

به عبارت دیگر، آقای محصولی در دادن عدد ۵۸,۸۷۵,۰۰۰ در برابر دوربین اشتباهی را مرتکب شده است که تهیه کنندگان گزارش برای رفع و رجوع اختلاف ۱۰۵,۰۰۰ برگی آن در سطر (ز) از پیوست ۴۹ ناگهان نسبت به حذف ۵۰۰۰ برگ اقدام کرده‌اند و در بیان توزیع هم طوری نشان داده‌اند که گویی ۱۰۰,۰۰۰ برگ توزیع نشده بود و این با تمامی سخنان آنها متناقض است.

اما این تشویش در گفته‌های آنها برای چیست؟ پاسخ را در مبحث بعدی، یعنی موضوع «مدیریت توزیع تعرفه» خواهیم یافت. سایت خبری آفتاب نیوز روز ۸۸/۳/۲۰ در تحلیلی از این تناقضات چنین اظهار نظر کرده است: "در حالی که منوچهر متکی - وزیر امور خارجه - چندی پیش بالاترین میزان مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات گذشته را ۱۳۰ هزار نفر اعلام کرده بود، رییس ستاد انتخابات کشور از تخصیص ۵۵۰ هزار برگه تعرفه رای برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در خارج از کشور

خبر داد. کامران دانشجو صبح پنج‌شنبه در یک نشست خبری گفت: «تا به حال بین ۶۰ هزار تا ۱۶۰ هزار نفر از ایرانیان خارج از کشور در دوره‌های قبل در انتخابات شرکت کرده‌اند.»

رییس ستاد انتخابات کشور با بیان این که در ابتدا ۳۰۰ هزار تعرفه برای شعبه‌های اخذ رای در خارج از کشور درخواست شده بود، خاطرنشان کرد: «پس از بررسی‌ها، وزارت امور خارجه ۵۵۰ هزار تعرفه درخواست کرد و تحویل گرفت. در مورد تعداد صندوق‌ها نیز وزارت کشور دخالتی ندارد.»

این در حالی است که وزیر امور خارجه پیش از این گفته بود حدود ۴۵۰ هزار برگه تعرفه رای به حوزه‌های اخذ رای و سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ارسال شده است.

با مقایسه آمار ارائه شده این سؤال‌ها به ذهن می‌رسد که چرا با وجود این که بیش‌ترین میزان مشارکت ایرانیان خارج از کشور در گذشته ۱۶۰ هزار نفر بوده است (توجه داشته باشید که وزیر امور خارجه این رقم را ۱۳۰ هزار نفر اعلام کرده است)، ۵۵۰ هزار برگه تعرفه رای برای ایرانیان خارج از کشور صادر شده است.

سوال دیگر این که اختلاف ۱۰۰ هزارتایی در تعداد تعرفه ارسال شده به خارج از کشور که از سوی کامران دانشجو و منوچهر متکی (۴۵۰ هزار تا ۵۵۰ هزار) اعلام شده است در چیست؟

شاید پشتوانه احمدی نژاد که در برنامه شب گذشته خود با اطمینان گفت ۴ سال دیگر در خدمت مردم ایران است همین تناقض گویی های آشکار باشد."

علاوه بر تحلیل آفتاب نیوز بهتر است توجه کنیم که دادن آمار غلط آنهم برای چند بار متوالی از سوی رئیس ستاد انتخابات کشور به هیچ وجه ناشی از سهواللسان نیست. در اینجا می گوید: «وزارت امور خارجه ۵۵۰ هزار تعرفه درخواست کرد و تحویل گرفت»، در حالی که پیوست ۴۹ و اقرار ایشان در مصاحبه های بعد از انتخابات حاکی از تحویل ۵۷۰,۰۰۰ برگ است، آبا نباید فهمید که چرا این همه اعداد و ارقام را تغییر داده اند؟ آنچه تا بدینجا به استناد مصاحبه ها و اظهارات مختلف مسئولان مربوط می-توان استنباط و استدلال نمود این است که:

صرف نظر از جمع تعداد تعرفه های مورد اختلاف، وزارت کشور و شورای نگهبان شهادت دروغ آشکاری داده اند، زیرا در گزارش تفصیلی شورای نگهبان به سندی استناد شده که بازرسان شورا و وزارت کشور مشترکاً تهیه کرده بودند. اینجا سه فرض قابل تصور است: الف) اصلاً به آن صورتجلسات مورد ادعا رجوع نکرده اند، ب) این صورتجلسات هم مخدوش بوده است و ج) اصلاً چنان صورتجلساتی در میان نبوده است. بنا بر این، به استناد ماده ۲۷ و ۳۳ از قانون انتخابات انتساب عنوان مبادرت به تقلب بر عملکرد هر دو نهاد مزبور عنوانی است قانونی و حاصل کار عدول

و نقض قوانین موضوعه در مسأله مورد بحث، یعنی انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم.

از سوی دیگر هم وزارت کشور و هم شورا با قاطعیت ادعا می کنند که حساب ها درست است و تعرفه های مصرفی به اضافه تعرفه های بازگشتی برابر تعرفه چاپ شده است. در صورتی که همان دو برگ تعرفه ساده و مههور که عکسش را پیشتر ملاحظه کردید، به تنهایی برای اثبات نادرستی یک ادعا برای ۶۱ میلیون برگ تعرفه کافی است، مزید بر آن، خبرهای زیر مندرج در مطبوعات قرائن صارفه ای است بر صحت مدعا و مکمل دلائل پیش گفته:

۱- ماجرای سرقت صندوق رأی سیار توسط یکی از مسئولان محلی شهر جیرفت:

"آینده نیوز: خبرنگار "آینده" از کرمان گزارش داد، اقدام یکی از مسئولان محلی در سرقت یک صندوق سیار در جیرفت، با برخورد قاطع نیروهای امنیتی با سارق همراه شده است. بنابراین گزارش، در روز ۲۲ خرداد، پس از ارسال گزارش هایی به مسئولان برگزاری انتخابات، مشخص می شود یکی از صندوق های سیار از دسترس خارج شده و مفقود گردیده است. با اطلاع مقامات امنیتی و محلی و اقدام به موقع آنان، این صندوق سیار در منزل یکی از مسئولان مسکن این شهر کشف می شود. مأموران هنگام حضور در این منزل با صحنه جالبی مواجه می شوند که فرد مذکور

پرونده‌های درخواست مسکن مردم را که در آن کپی شناسنامه موجود بوده در کنار خود گذاشته و با درج نام و مشخصات و شماره سریال شناسنامه افراد مذکور، به نام آن‌ها تعرفه پر کرده و وارد صندوق سیار می‌کند که مأموران با مواجهه با این صحنه، فرد مذکور را بازداشت می‌کنند. با این وجود هنوز خبری از سرنوشت آرای این صندوق سیار در اختیار نیست و برخی مدعیند این صندوق ابطال نشده و آرای آن هم به نفع یکی از کاندیداها محاسبه شده است."

مهم نیست که موضوع به یک صندوق مربوط است یا به هزاران صندوق، بلکه موضوع قابل توجه عدم هرگونه عکس العمل شورای نگهبان در این سرقت و تقلب است و گزارش تفصیلی هم در این مورد ساکت مانده است. روز انتخابات، در اواخر شب، آیت الله احمد جنتی هنگام سوار شدن به ماشین ضد گلوله اش، در برابر تلویزیون کودتا اظهار کرد که هیچ مشکل اساسی نداشته ایم و گزارشی از چند صندوق رسیده است که بررسی می‌کنیم و یک نماینده مجلس هم دخالتی داشته که «حساب او را هم خواهیم رسید». صرف نظر از اینکه رئیس **عادل** و متفقه این شورا با چنین ادبیاتی سخن می‌گویند، در گزارش تفصیلی هیچ اشاره‌ای به آن چند صندوق که به زعم ما این صندوق سیار جیرفت بایستی یکی از آنها بوده باشد، مشاهده نمی‌شود. آنها پیاپی در اتاق‌های مجلل جلسات با هم چای خورده و از یکدیگر تمجید کرده اند تا معلوم شود انتخابات سالم بوده است. مملکتی که سرانش بهترین فرزندان کشور را به صرف اعتراض و تقاضای رسیدگی

و نظارت متهم به وابستگی بیگانه بکند و راه نگاه به انگشت بیگانه را به مردمش یاد بدهد نگهبانیش از آراء ملتش به از این نمی تواند باشد.

۲- دستگیری شخصی با مقداری تعرفه در خرم آباد

روز ۸۸/۳/۲۲ سایت قلم نیوز، سایت رسمی ستاد آقای مهندس موسوی نوشت: "به گزارش خبرنگار قلم نیوز از خرم آباد، در شعبه اخذ رای شماره ۱۸ (دیپروستان صدر) یک نفر با تعدادی تعرفه رای مشاهده شد که پس از اطلاع مسئولین شخص مذکور دستگیر گردید. چگونگی رسیدن این تعرفه ها به فرد مذکور هنوز مشخص نشده است ولی این مساله شائبه تقلب در انتخابات را بسیار تقویت می نماید."

پرسش این است که چرا در رسیدگی ها از این ماجرا خبری نیست!! اما مهمتر برای ما، موضوع عدم تسلط بر تعرفه منتشره بوده و استفاده نابجا بنفع کاندیدای خاص از این تعرفه هاست.

خبری از گذشته، البته در زمان دولت نهم و برگزاری انتخابات مجلس هشتم که آن نیز پر مسأله بود، اهمیت موضوع را نشان خواهد داد. کیهان که ناسزنامه دولت نهم و برخی جناح های افراطی علیه گروه های معتدل اجتماعی و فعالان هواخواه اعتلای نظام است، روز ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ در شماره ۱۸۹۰۴۶ خود می نویسد:

تعرفه سفید دست مشارکتی ها! (خبر ویژه)

"پایگاه اینترنتی نوروز - ارگان حزب افراطی مشارکت - روز جمعه و در حالی که هنوز رأی گیری^{۵۵} ادامه داشت تصویر اسکن شده **یک برگ رأی** که تماماً به اسامی فهرست ائتلاف اصلاح طلبان پر شده بود را روی خروجی خود قرار داد. در این تصویر کدهای انتخاباتی نامزدهای «یاران خاتمی» هم وارد شده بود.

با توجه به اینکه برگه رأی جزو اوراق رسمی و بهادار محسوب می شود و دسترسی به آن جز برای معدودی افراد مسئول مجری انتخابات میسر نیست و از سوی دیگر رأی دهندگان هم فقط در ازای به امانت گذاشتن شناسنامه خود در شعبه رأی گیری یک برگ رأی دریافت می کنند، جای این سؤال وجود دارد که این سایت افراطی چگونه به یک «برگ رأی سفید» دست پیدا کرده است. مقام های مسئول هم اکنون در حال پی گیری این موضوع هستند که چه تعداد از این تعرفه های سفید در دست حزب افراطی مشارکت قرار دارد تا احتمال وقوع برخی تخلفات هم بررسی شود."

بله حق همین است، حتی وجود تنها یک برگ تعرفه در غیر جایگاه خود باید پیگیری می شد. در مصاحبه های متعددی که آقای دانشجو داشتند، پیوسته به اعداد و ارقام دوره های گذشته اشاره کرده اند، مخصوصاً درباره تعداد صندوق ها و میزان تعرفه ها، از این گذشته، بسیاری از مبلغان پشتیبان نامزد حاکم پیوسته به برخی اشتباهات دوره های گذشته استناد می کنند، مثلاً در مورد آراء مردم شهر ری که دویست درصد سکنه آن بوده است، ادعا

⁵⁵ منظور رأی گیری برای مجلس هشتم است.

کرده‌اند که در دوره های پیشین آراء مردم شمیرانات هم اضافه بوده است. آنها با چنین استدلال سستی می‌خواهند بگویند، اگر آن زمان این ایرادها مورد توجه نبوده است، الان هم نباید باشد. این استدلال درست مانند این است که کسی بگوید، چنین گناہانی قبلاً نادیده گرفته می‌شد، چرا حالا نه. آیا اگر کسی کارش را درست انجام نداده باشد، به فرض صحت، باید او را محکوم کرد یا باید کردار او الگوی ما گردد؟

یکی از دلایل آماردهی متناقض وزارت کشور و شورای نگهبان انفعال آنان در برابر اطلاعات اعلام شده در اطلاعیه‌های کمیته صیانت از آرا بود. در بیانیه شماره ۱۶ کمیته صیانت از آراء آقای موسوی که برای یادآوری بخشی از آن در زیر می‌آید، در همین رابطه پرسش‌هایی مطرح شده بود که ما مستندات آن را نقل کردیم، اما در هیچ زمانی کسی پاسخی بدان‌ها نداده است و در مقابل از این بیانیه‌ها برای راست و ریست کردن رفتارهای نادرست و غیرقانونی خودشان بهره گرفته‌اند و کوشیده‌اند با طرح مباحث فرعی اصل ماجرا را لوٹ نمایند:

"تقلب و تزویر در تعرفه‌ها و آراء"

۱- به موجب ماده (۲۶) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، "آرایی که با تقلب و تزویر در تعرفه‌ها و آراء به دست آمده باشد" باطل و جزء آرای مأخوذه محسوب نخواهد شد. همچنین به موجب ماده (۳۳) قانون مذکور، "تقلب و تزویر در اوراق و تعرفه یا برگ رأی یا صورت‌جلسات"، "کم و زیاد کردن آراء یا تعرفه‌ها"، "تغییر و تبدیل یا

جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد انتخاباتی از قبیل تعرفه و برگ رأی "،" جابه‌جایی، دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی " جرم محسوب شده و "چنانچه وقوع جرایم مندرج در ماده فوق موجب گردد که جریان انتخابات در یک یا چند شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه کلی انتخابات موثر باشد. مراتب وسیله وزارت کشور به منظور طرح در شورای نگهبان به هیأت مرکزی نظارت اعلام می‌گردد".

۲- در فرآیند اجرای قانون انتخابات، مسئله تعرفه انتخابات از جهات گوناگون از اهمیت و حساسیت حیاتی برخوردار است. ناتوانی یا اعمال‌نظر احتمالی در این مرحله، صحت بسیاری از گام‌های قبلی و بعدی انتخابات را با شک و تردید مواجه می‌کند. تعداد تعرفه‌هایی که در هر دوره چاپ و برای انتخابات به کار گرفته می‌شود براساس تعداد افراد واجد شرایط رأی دادن است که مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال تعیین می‌کنند و معمولاً برای جلوگیری از کمبود تعرفه، درصدی معقول اضافه می‌شود. در این دوره علیرغم اینکه مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال، جمعیت افراد واجد شرایط رأی دادن را حدود ۴۵,۲۰۰,۰۰۰ نفر اعلام کرده بود تعداد برگه تعرفه رأی با شماره سریال چاپ شده است. این تعداد تعرفه به صورت سریالی و با در نظر گرفتن کدشناسایی برای ۳۰ استان کشور و براساس جمعیت رأی‌دهنده هر استان چاپ شده و پیشاپیش بین استان‌ها توزیع گردیده است.

۳- براساس اعلام مسئولان ذیربط و تأیید برخی از اعضای شورای نگهبان در تاریخ ۸۸/۳/۲۱ یک روز قبل از انتخابات، میلیون‌ها برگه تعرفه دیگر بدون شماره سریال در چاپخانه بانک مرکزی چاپ شده است. چاپ این تعداد تعرفه اضافی با وجود رقم قابل توجه بیش از ۵۹ میلیون تعرفه قبلی، آن هم بدون شماره سریال به خودی خود مورد تردیدی جدی در فرآیند برگزاری انتخابات و قابل تأمل است.

باید معلوم شود:

۱/۳- تعداد واقعی تعرفه‌های چاپ شده در روز ۸۸/۳/۲۱ چقدر بوده و این تعرفه‌ها چگونه توزیع شده است؟

۲/۳- چاپ میلیون‌ها برگه تعرفه جدید بدون شماره سریال با اجازه آیت‌الله جنتی که نه تعداد آن مشخص است و نه محل استفاده از آنها طبق کدام اختیارات قانونی است؟

۳/۳- اهداف اقدام وزارت کشور در چاپ این میزان تعرفه اضافی بدون شماره سریال استانی چه بوده است؟

۴/۳- با توجه به عدم درج بارکد استانی روی این تعرفه‌ها، توزیع، مصرف و کنترل این برگه‌های رأی از چه قواعدی برخوردار بوده است؟

۴- در ارتباط با وضعیت کلی مجموع تعرفه‌های چاپ شده و مسائل مربوط بدان نیز سؤالات زیر مطرح است:

۱/۴- توزیع استانی و شهرستانی این تعرفه‌ها چگونه بوده و تابع چه قواعدی بوده است؟ چرا با وجود شباهت متعدد و قابل توجه، وزارت کشور گزارشی در این باره ارائه نمی‌دهد؟

۲/۴- ۲۲ تا ۳۲ میلیون تعرفه مازاد بر نیاز واقعی که در اختیار مجریان امر انتخابات قرار گرفته است و در نوع خود طی ۳۰ سال و ۲۹ انتخابات اخیر بی‌سابقه است با چه هدفی چاپ و توزیع شده است؟

۳/۴- چرا علیرغم ده‌ها میلیون مازاد تعرفه در هزاران شعبه اخذ رأی در مناطق مختلف کشور از جمله استان‌های آذربایجان شرقی، فارس، تهران و لرستان از ساعات ۱۰ و ۱۱ صبح کمبود تعرفه باعث متوقف شدن روند رأی‌گیری شد؟

۴/۴- چرا تعرفه‌های رأی با سهل‌انگاری، حمل و توزیع شده است؟

۵/۴- آیا مجموعه نکات فوق‌الذکر شائبه وقوع اقدامات غیرقانونی گسترده و وجود تعداد بی‌شمار آرای تقلبی در صندوق‌ها را تحکیم نمی‌کنند؟ و آیا ده‌ها میلیون تعرفه مازاد و اضافی در جریان مشکوک مهندسی آراء صندوق‌های رأی‌گیری به ویژه صندوق‌های سیار و صندوق‌های سایه مورد استفاده قرار نگرفته است؟ موارد فوق‌الذکر نشان می‌دهد که در همین مرحله زمینه لازم برای مهندسی آراء فراهم شده است."

روز جمعه به کدام شهرها تعرفه ارسال شده است؟

یکی از معماهای گزارش تفصیلی در همین بخشی که مورد بررسی است و گفته‌های آقای صادق محصولی و آقای دانشجو و آقای کدخدایی موضوع شهرهایی است که تعرفه در روز جمعه چاپ و به آن شهرها ارسال شده است.

در نامه وزارت کشور به همشهری که در سایت دولت یار و سایت وزارت کشور منعکس است، همانطور که در همین نوشتار هم نقل شد، ادعا می‌شود که: "در روز ۲۲ خرداد با توجه به حضور بی‌بدیل مردم در شعب اخذ رای و بسترسازی جهت اخذ رای از همه آنان و جهت وجود تعرفه کافی در همه شعب اخذ رای، اقدام به چاپ ۲/۰۰۰/۰۰۰ تعرفه دارای شماره سریال نمود، که به درخواست نمایندگان آقای موسوی در ستاد انتخابات کشور و همچنین استانداران به استان‌های آذربایجان شرقی (۲۰۰,۰۰۰)، اصفهان (۱۰۰,۰۰۰)، قم (۵۰,۰۰۰) و تهران (۱,۱۰۰,۰۰۰) ارسال شد."^{۵۶}

آقای محصولی هم در مصاحبه ۸۸/۴/۴ خود می‌گوید: "ما در روز انتخابات این دو میلیون برگه‌ی تعرفه که چاپ کردیم رقمی حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار را به تهران، ۵۰ هزار به قم، ۱۰۰ هزار به اصفهان و ۲۰۰ هزار به آذربایجان شرقی ارسال کردیم، ۵۵۰ هزار هم از ۲ میلیون در مرکز بانک ملی که مخزن چاپ آن بود باقی ماند که هم اکنون نیز موجود است."

⁵⁶ این نامه در خبرگزاری حقوق بشر ارگان کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران نیز منتشر شده است.

آقای شریفی راد ۸۸/۳/۳۰ در مصاحبه با خبرگزاری فارس می‌گوید:
"بخشی از آن پس از اعلام نیاز برخی حوزه‌ها بواسطه مشارکت بسیار بالا
نظیر اصفهان (۱۰۰ هزار)، قم (۵۰ هزار)، خراسان (۱۰۰ هزار) و تهران بیش
از یک میلیون تعرفه مجدد ارسال شده است."

اما آقای شریفی راد دو روز پیش از آن، یعنی در ۸۸/۳/۲۸ در مصاحبه با
شبکه سه سیما می‌گوید: علاوه بر ۵۷ میلیون تعرفه چاپ شده پیش از
انتخابات، حدود نیم میلیون تعرفه نیز در روز انتخابات چاپ و توزیع شده
که ۲۰۰ هزار تای آن‌ها به تبریز، ۱۰۰ هزار به اصفهان، ۱۰۰ هزار به خراسان،
۵۰ هزار به قم و... ارسال شده است...

کسی جز آقای شریفی راد از ارسال تعرفه به خراسان رضوی مطلع نیست!!
آقای دانشجو و آقای محصولی این تعرفه را به جای دیگری فرستاده‌اند.
میزان ارسالی هم نیم میلیون تا یک و نیم میلیون فرق می‌کند!!

آقای کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان و هیئت مرکزی نظارت بر
انتخاباتی که مدعی هستند سالم برگزار شده است، به نقل مطبوعات، از
جمله روزنامه جمهوری اسلامی در ۸۸/۴/۱۰ در مصاحبه مطبوعاتی می-
گوید: "خبرنگاری به کدخدایی گفت: در استان فارس تعرفه‌ها تمام شده
بود که آقای دستغیب نماینده شیراز هم آن را تایید نمود اما رئیس ستاد
انتخابات کشور آن را تکذیب کرد نظر شما در این باره چیست کدخدایی
پاسخ داد: بنده ساعت ۱۰ صبح روز انتخابات این موضوع را از استان فارس
و استان آذربایجان شرقی پیگیری کردم که تعرفه‌ها تمام نشده بود بلکه

احتمال تمام شدن آن بود ضمن اینکه در این خصوص مقام مسئول بایستی اظهار نظر نماید."

علی رغم اینکه آقای کدخدایی زیرکانه از رد تکذیبیه مقام مسئول خودداری می کند، شورای نگهبان و هیئت مرکزی نظارت را مقام مسئول در کمبود تعرفه نمی داند و حتی خود را مسئول بررسی این اظهار کذب نمی بیند. اما ایشان به گزارش همه خبرگزاری ها از جمله خبرگزاری فارس و مهر در روز انتخابات، یعنی بیست روز پیش از این سخنان، طی مصاحبه ای می گوید: "با توجه به حضور کم سابقه مردم نقاط مختلف کشور در صحنه انتخابات، گزارش هایی مبنی بر کمبود تعرفه های رای و معطلی مردم در صفوف انتخابات، از جمله در برخی مناطق تبریز و شیراز رسید که دستورات لازم برای تامین تعرفه در این مناطق صادر شد."

آیا تعرفه اضافی روز جمعه به کجا ارسال شده است؟ به زنجان، خراسان رضوی، شیراز یا بوشهر؟

این تناقضات در کنار این ملاحظات که:

الف) آقای کدخدایی مقام مسئول ناظر بر چاپ تعرفه و صادر کننده دستور چاپ تعرفه اضافی اظهار می کند که تازه در ساعت ۱۰ صبح بررسی کرده و دستور چاپ آن دو میلیون مورد ادعا را داده است.

ب) هرکس به صنعت چاپ و بویژه با توجه به سخنان مدیر چاپخانه بانک ملی در خصوص حساسیت و شماره گذاری تک به تک اوراق تعرفه، آشنا باشد می داند که چاپ تعرفه در روز جمعه نمی توانسته تا ظهر آماده شود.

ج) طبق جدول توزیع تعرفه که در بالا نشان داده‌ایم، در هر یک از این استان‌ها میزان تعرفه اضافی به اندازه‌ای بوده است که به راحتی می‌توانستند از شعب همجواری یا شهرهای نزدیک تأمین کنند، همانطور که در همه استان‌ها این ادعا به عمل آمده است و ارسال تعرفه از بعد از ظهر به خراسان رضوی یا فارس یا آذربایجان به این میزان اندک معلوم نیست چه دردی را می‌توانست دوا کند و چرا به ارومیه یا یزد ارسال نگردیده است.

د) با این همه در همه استان‌ها فریاد مردم تا نیمه شب از کمبود تعرفه بلند بوده است،

می‌توان نتیجه گرفت که هیچ تعرفه‌ای بر اساس ادعای اعلام شده به هیچ شعبه‌ای ارسال نگردیده و این تعرفه‌ها در دستان دوستان برای آرایش صندوق‌ها بوده است!

اگر دستور چاپ تعرفه اضافی برای ارسال به شیراز داده شده چرا بدانجا ارسال نشده است؟ مگر در سایر استان‌ها این کمبود نبوده است؟

جمع بندی

الف) مستنداً روشن گردید که هیئت نظارت شورای نگهبان در انتشار گزارش تفصیلی خود نه تنها صادق نبوده، بلکه در همدستی و همداستانی با وزارت کشور نسبت به رفع و رجوع شواهد تقلب در کار ستاد انتخابات وزارت کشور بر رفتار خلاف آنها صحنه گذاشته است. این گزارش که تنها بخش مربوط به چاپ تعرفه در آن مورد تحلیل قرار گرفته، به استناد پیوست

۴۹ آن سند جرمی است که در هر محکمه‌ای بطلان انتخابات به علت وقوع
تقلب و گسترده را محرز می‌کند.

شورای نگهبان در گزارش تفصیلی با استناد به این صورتحساب تهیه شده
توسط شورا و وزارت کشور و به عنوان ناظری که هرگونه خدشه بر
نظارتش را مساوی هدم اسلام و کیان دین می‌داند، کار وزارت کشور را
تأیید کرده است.

نزد یک حاکم عادل، اگر هیچ دلیلی جز همین اعتراف امضاء شده شورای
نگهبان و وزارت کشور نبوده باشد و این شخص اگر به اندازه جوی پاینده
عدالت باشد، باید رأی به بطلان انتخابات به مناسبت فساد دستگاه نظارت و
اجرا بدهد. سطر سطر این پیوست ۴۹ نشان از شدت فساد حاکم بر کار است
بطوریکه آن همه کارشناس در مدت بیست روز نتوانسته اند همه را رفع و
رجوع کنند.

ب) ادعای شورای نگهبان در گزارش تفصیلی مبنی بر استفسار از وزارت
کشور در مورد میزان تعرفه چاپ شده بی‌مورد بوده و باید همه چیز با
نظارت خود آنها صورت می‌گرفت. این در حالی است که بارها آن را
تکرار کرده بودند. از سوی دیگر آقای کدخدایی قبل از انتخابات و روز
انتخابات صریحاً پذیرفته بود که شورای نگهبان بر همه چیز نظارت داشته
است. از این رو، اظهار تلویحی بی‌خبری شورا از میزان تعرفه چاپ شده
نادرست است. در همین گزارش هم با وجود اشاره به این استفسار، تأکید
می‌شود که شورا بر همه چیز نظارت داشته است!! بدین سان کلیه ابهامات و

تخلفات وزارت کشور تخلف این شورا نیز محسوب می‌شود، زیرا خود این مسئولیت را بگردن گرفته‌است.

ج) با توجه به اینکه آقای محصولی در حکم انتصاب آقای دانشجو به ریاست ستاد حق امضاء از سوی خود را تفویض نموده و نوشته است: «ضمناً شما می‌توانید در جریان برگزاری انتخابات، نامه‌ها و بخشنامه‌هایی که می‌بایست به امضاء اینجانب صادر گردد، با عنوان رییس ستاد انتخابات کشور امضاء و همزمان مراتب را گزارش کنید»⁵⁷، بنا بر این، سخنان ایشان باید برای آقای محصولی هم حجیت داشته باشد و نمی‌توان پذیرفت کسی که مسئول کلیه امور انتخابات بوده از جریان چاپ تعرفه و توزیع آن مطلع نبوده است. همچنین است در مورد گفته‌های آقای شریفی راد که جانشین آقای دانشجو بوده است.

د) تا تاریخ ۸۸/۳/۲۹ هم آقای کدخدایی و هم آقای دانشجو مصر بوده‌اند که تنها و قطعاً ۵۶,۷۸۷,۰۰۰ برگ تعرفه چاپ شده است. از سوی دیگر آقای دانشجو حتی در ۸۸/۳/۲۱ هم ادعا کرده است که همه این تعرفه‌ها دارای کد استانی بوده و بموقع توزیع شده‌اند، یعنی از ۸۸/۲/۱۵ به استان‌ها ارسال شده‌اند. از آنجا که آقای محصولی در ۴/۴ و سپس آقای دانشجو و بعداً شورای نگهبان مدعی شده‌اند که قبل از انتخابات رقم تعرفه چاپ شده به ۵۸,۸۷۵,۰۰۰ برگ رسیده است، یعنی ۲,۰۸۸,۰۰۰ برگ زمانی در جایی

⁵⁷ متن حکم ایشان در سایت‌ها و روزنامه‌های معتبر منعکس است، از جمله در سایت دولتی ایرنا و سایت

وزارت کشور، بتاریخ ۸۷/۱۲/۲۶

بی آنکه کسی بدانند چاپ شده است. نمی توان پذیرفت که این تعداد اندک دارای کد استانی بوده و در استانهای کشور توزیع شده است. آنها نمی گویند که چرا این عدد تعرفه تازه را چاپ کرده اند. در زیر نشان خواهیم داد که اصلاً همه تعرفه های اولیه را توزیع نکرده بودند. با این حساب چون ادعا شده است که روز جمعه هم دو میلیون تعرفه چاپ کرده اند، پس ۴,۰۸۸,۰۰۰ برگ بدون کد استانی بوده و معلوم نیست که چگونه توزیع شده است. آقایان دانشجو و محصولی و گزارش شورای نگهبان می گویند ۱,۴۵۰,۰۰۰ برگ روز جمعه به تهران، قم، اصفهان و تبریز ارسال شده است، در حالی که همه این مناطق می توانستند نیاز خود را مانند سایر استانها از شهرهای تابعه تأمین کنند و این راه زودتر جواب می داد تا ارسال تعرفه از تهران. در عین حال مشاهدات همگان گواه است که در این شهرها و در بسیاری دیگر از شهرهای کشور، از جمله در ارومیه و شیراز تا پایان ساعت انتخابات کمبود تعرفه جبران نشده است و این در حالی است که به ادعای خود این گروه تعدادی تعرفه در بانک ملی باقی مانده بود!! چرا می شد به تبریز تعرفه فرستاد اما به شیراز نه؟ جالب آنکه به گزارش خبرگزاری مهر در روز جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، "کدخدائی، سخنگوی شورای نگهبان از صدور دستور چاپ مجدد برگه های تعرفه رای برای جبران کمبود تعرفه در برخی حوزه های انتخابیه بویژه مراکزی در استان آذربایجان شرقی و فارس خبر داد."

شورای نگهبان می گوید تعرفه برای ارسال به شیراز هم چاپ شده است، وزارت کشور می گوید به آنجا ارسال نکرده ایم!! به هر حال آقای شریفی راد که نفر دوم ستاد انتخابات بوده در ۸۸/۳/۲۸ یعنی یک هفته پس از انتخابات در شبکه سه سیما می گوید که روز انتخابات حدود نیم میلیون تعرفه چاپ کردیم و ۲۰۰ هزار تایی آن‌ها به تبریز، ۱۰۰ هزار به اصفهان، ۱۰۰ هزار به خراسان، ۵۰ هزار به قم ارسال شده است. ...!! این تعداد معادل ۴۵۰,۰۰۰ برگ می شود که اولاً شامل تهران نیست و ثانیاً همه این اعداد از داخل خود استانهای مزبور قابل تأمین بوده است، مگر آنکه آن همه تعرفه اضافی قبلی در اختیار فرمانداران نبوده و در دستان خائنی برای هدفی شوم به مصرف می رسیده است. اگر سخنان آقای شریفی راد را مبنا قرار دهیم، دستکم ۳,۸۰۰,۰۰۰ برگ تعرفه بلا تکلیف خواهد بود.

در هر صورت به موجب مستندات که در زیر خواهد آمد، به هیچ وجه بهانه‌های آقایان برای چاپ تعرفه اضافی پس از بار اول موجه و معقول نیست و شمار آن نیز نامعلوم است. آنچه بر اساس گواهی شهود در جلسه با شورای نگهبان و در جلسه مجمع تشخیص مصلحت معلوم شده است، نشان می دهد که تعرفه اضافی خیلی بیش از این مقدار چاپ شده بود.

ه) با ملاحظه موارد پیش گفته، روشن است که دستکم چهار میلیون تعرفه برای مهندسی آراء مخفیانه چاپ شده و توجیحات آقایان درست نبوده است.

و) وضعیت ارسال تعرفه به خارج از کشور نیز در گزارش شورای نگهبان و در سخنان وزارت کشور متناقض و اعداد اعلام شده نادرست بوده است.
ز) یکصد هزار برگی که پیوست ۴۹ آن را باقیمانده در صندوق بانک ملی می‌داند، اما آقای محصولی آن را توزیع شده محسوب می‌کند، سند دیگری است که این پیوست و ادعاهای آقایان نادرست بوده است.

مدیریت توزیع تعرفه؛ آشفته‌گی عمدی و مشکوک در کار

پیش درآمد گفتار

شورای نگهبان در همان بخش منقول از گزارش تفصیلی‌اش می‌گوید:
"توضیح این نکته ضروری است در تمامی انتخابات قبلی نیز به دلیل سیال بودن جمعیت رأی‌دهنده در سطح کشور، وزارت کشور اقدام به چاپ تعرفه به میزان قابل توجهی بیش از شمار واجدین شرایط می‌نمود. در این دوره نیز علاوه بر اتخاذ همین تدبیر، تعرفه‌های هر استان با کد خاص چاپ شد تا امکان جابجایی تعرفه‌ها بین استان‌ها وجود نداشته باشد. این امر هرچند که به سلامت و دقت انتخابات کمک نمود مع الوصف با عنایت به حضور گسترده مردم و نیاز بسیاری از حوزه‌های اخذ رأی به ارسال دوباره تعرفه، تبادل تعرفه بین استان‌ها را غیرممکن ساخت. به همین دلیل تعرفه‌های چاپ شده در روز اخذ رأی بدون کد استان به چاپ رسید. (قابل ذکر است کل

تعرفه‌های چاپ شده در قبل از انتخابات و روز اخذ رأی دارای شماره سریال می‌باشد"

شاید در بعضی از دسته چکهای بانکی هم دیده باشید، همانگونه که از شماره مندرج در عکس زیر مربوط به ته برگ یک تعرفه هم پیداست،

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
۸۸/۳/۲۲
برگه تعرفه مشخصات رای دهنده

نام خانوادگی	نام
شماره شناسنامه	نام پدر
شماره ملی	تاریخ تولد
نام و امضای منشی شعبه	اثر انگشت رای دهنده

شماره سریال ۳۲/ ۱۰۹۰۸۷۸

شماره چاپ شده دارای دو بخش است که با یک ممیز از هم جدا شده‌اند. در سمت چپ ممیز یک عدد دورقمی قید شده که نشانگر استان مشخصی است، مثلاً برای آذربایجان شرقی عدد ۱۱ و برای خوزستان عدد ۳۲ انتخاب شده است. در سمت راست این ممیز عدد بزرگتر و چند رقمی مشاهده می‌شود که شماره مسلسل (سریال) این برگ است. تاکنون روشن نگردیده‌اند که در تعیین شماره مسلسل هر برگ از عدد ۱,۰۰۰,۰۰۱ آغاز کرده و تا پنجاه و شش یا پنجاه و هفت یا پنجاه و نه یا شصت یا شصت و یک میلیون پیش رفته‌اند یا اینکه شماره مسلسل هر استان را از ۱,۰۰۰,۰۰۱ شروع نموده و تا سهمیه مقرر ادامه داده‌اند و برای چاپ تعرفه استان بعدی دوباره از همان ۱,۰۰۰,۰۰۱ آغاز کرده‌اند؛ لیکن از روی همین برگ و برگ تعرفه‌های دیگری که در دست است، می‌توان حدس زد که روش اخیر اعمال شده است.

به هر حال، در نوشته‌ها و گفته‌های مسئولان مربوط، عدد سمت چپ با عنوان کد استانی ذکر شده و عدد سمت راست با عنوان شماره سریال یاد شده است. یکی از دلایل عمده وارد شدن گزارش شورای نگهبان و سایر دست‌اندرکاران وزارت کشور و انتخابات به تعرفه ارسالی به خارج از کشور این است که برای چنین تعرفه‌هایی نمی‌شد از چنان نظامی استفاده کرد و شماره دو قسمتی زد، بطوری که آنها هم دارای کد و سریال باشند؛ یا نخواسته‌اند این کار را بکنند، چون این امکان بود خارج از کشور را در

کدگذاری یک استان لحاظ نمایند. اما به نظر می‌رسد که به بهانه قابل تفکیک نبودن شماره سریال هر کشور بطور جداگانه و شاید بهانه‌هایی دیگر از زدن کد خودداری کرده باشند. بنا بر این، احتمال دارد تعرفه‌های اضافی چاپ شده در روز ۳/۲۱ و ۳/۲۲ و شاید روزهای دیگر که بدون کد استانی بوده است، با همین شماره سریال خارج از کشور چاپ شده باشد. به این ترتیب، اختلاف حساب آن یکصد هزار برگ مشهود در گزارش تفصیلی قابل توجیه است.

منظور منتقدان هم از چاپ بدون سریال تعرفه در داخل کشور، نبود هیچ شماره‌ای روی برگ تعرفه نیست، هرچند این کار هم از این آقایان بعید نبوده و نیست، بلکه مرادشان عدم رعایت نظم مقرر در چاپ این تعرفه-هاست، چرا که ارسال این تعرفه‌ها به هر استانی، امکان استفاده عوامل ناراست از تعرفه‌های قلابی در آن استان را ممکن می‌ساخت!! این نکته را به عنوان یک شگرد تبلیغاتی بارها بکار برده‌اند که ما هیچگاه تعرفه بدون سریال چاپ نکرده‌ایم و از این راه خواسته‌اند ادعای کمیته صیانت و معترضان را تخطئه کنند. اگر به انشاء بند ۲ از آن بخش از متن بیانیه شماره ۱۶ رجوع کنید که قبلاً به آگاهی شما رساندیم، روشن می‌شود که مراد همین کد استانی بوده است.

شورای نگهبان می‌گوید: «این امر هرچند که به سلامت و دقت انتخابات کمک نمود مع الوصف با عنایت به حضور گسترده مردم و نیاز بسیاری از حوزه‌های اخذ رأی به ارسال دوباره تعرفه، تبادل تعرفه بین استان‌ها را

غیرممکن ساخت.» اما این شورا توضیح نمی دهد که با همه تعرفه اضافی چاپ شده برای هر استان که تفصیل آن را در زیر خواهید خواند، چرا به- جای اینکه مسئولان استان فارس یا آذربایجان شرقی یا تهران تعرفه اضافی از شهرهای مجاور در خود همان استان را به مرکز استان خود منتقل کنند، وزارت کشور اقدام به چاپ تعرفه کرده است؟ تازه آنها تعرفه اضافی را صبح زود چاپ کرده اند، اگر روز ۸۸/۳/۲۱ نکرده باشند (سند این ادعا در زیر آمده است). از یک طرف می گویند که نزدیک به بیست و یک میلیون تعرفه در استانها اضافه آمده و از سوی دیگر می گویند تعرفه در استانهای کم آمده بود و به درخواست آنها روز انتخابات تعرفه چاپ کردیم، در حالی که خود اعتراف کرده اند که چاپ تعرفه اضافی صبح روز انتخابات بوده است. بعلاوه تا ظهر آن روز فقط ۵ میلیون تعرفه مصرف شده بود. چطور می شود کسی از روی مصرف ۵ میلیون تعرفه در ظهر انتخابات، یعنی حدود پنج ساعت پس از آغاز آن حدس بزند که تعرفه کم خواهد آمد؟ چرا از تعرفه شهرهای همجوار همان استان به سرعت این کمبود برطرف نشد بگونه ای که در همان استان تعداد زیادی تعرفه در آخر کار اضافه ماند؟! مگر خود دست اندرکاران نگفته اند که نظام توزیع تعرفه مبتنی بر آمار جمعیت استان و در استان هم مبتنی بر آمار جمعیت شهرستان، به اضافه درصدی «معقول» بوده است؟ چرا سهمیه شهرهای دیگر یک استان را بیش از آن درصد معقول داده اند تا در حوزه های دیگر این همه کمبود پیش بیاید

و بجای تأمین آن از شهرستان همجوار، برای رفع کمبود از تهران اقدام کرده و به اصطلاح، لقمه را دور سر چرخانده‌اند؟

فرض کنید جمعیت یک استان ۱,۰۰۰,۰۰۰ باشد. مطابق ادعای آن‌ها، معقول این بوده که برای آن استان ۱۵٪ تعرفه اضافه چاپ شود. پس در ابتدای کار این عقلاً برای آن استان ۱,۱۵۰,۰۰۰ برگ تعرفه چاپ و ارسال کرده‌اند. اینک فرض کنید جمعیت یکی از شهرهای آن استان ۵۰,۰۰۰ نفر باشد. بر اساس این روش معقول باید به این شهر ۵۷,۵۰۰ برگ تعرفه داده باشند. تنها در صورتی که آن جمعیت سیال مورد ادعا در کل استان تغییر ایجاد کند باید شاهد آن باشیم که یک استان بیش از جمعیت خودش رأی دهنده داشته باشد، در حالی که چنین چیزی در جدول‌های تفکیکی آراء استان‌ها نیامده است. با اینکه شهرهای متعددی در استانهای مختلف طبق آمار وزارت کشور بیش از جمعیتشان رأی جمع کرده‌اند که خود خلاف است و نشان تقلب. اما فعلاً بدون ورود به این بحث، می‌گوییم چرا در شهری که کمبود تعرفه بوده، این کمبود از شهر همجوار در همان استان تأمین نشده و از تهران، از محل چاپ تعرفه اضافی تأمین شده است؟ تعرفه‌هایی که کسانی از شورای نگهبان و وزارت کشور چون خوابنا شده بودند از صبح زود و پیش از تقاضا اقدام به چاپ آنها کرده‌اند!! اگر این تناقض را در کنار بگیر و ببندی که از ۸۸/۳/۲۱ شروع کردند و همچنین اقدام به قطع و اختلال خطوط ارتباطی و اینترنت قرار بدهید گره معمای تقلب را گشوده‌اید!

آنها در تبلیغات سنگین رسانه‌ای خودشان، که تا زمان همین نوشتار هم ادامه دارد، با چسبیدن به دو نکته و سفسطه‌بازی کوشیده‌اند معترضان را دروغگو جلوه دهند. یکی از این سفسطه‌ها تمسک به موضوع ادعای چاپ تعرفه در ۸۸/۳/۲۱ است که بر فرض هم اگر به جای ۳/۲۲ اشتباه گفته شود، نه دلیلی برای دروغگو بودن مدعی است (چون اصل موضوع ادعا را خودشان پذیرفته‌اند) و نه دلیلی برای توجیه عمل غیرقانونی ناظر و مجری است. دیگری مسأله شماره‌گان تعرفه چاپ شده در قبل از انتخابات است که کمیته صیانت از آراء آقای موسوی و آقای کروبی رقم ۵۹,۶۰۰,۰۰۰ را ذکر کرده‌اند که این رقم براساس اطلاعات دریافتی از درون ستاد انتخابات وزارت کشور بوده است. درست یا غلط بودن این رقم، هیچ مجوزی برای دادن آمار و ارقام نادرست از جانب مسئولان نمی‌شود؛ آنها هیچگاه پاسخ منطقی و بدور از شانناژ و توهین به ما نداده‌اند. این در صورتی است که ما در بحث پیشین منشأ و حتی درستی این ادعا را از طریق محاسبه نشان دادیم.

بی اختیار به یاد ماجرای می‌افتیم که در کتاب خزائن نراقی^{۵۸} آمده است: کسی فرد فاسدی را دید که در مسجدی کار شنیعی انجام می‌دهد، از شدت ناراحتی به او آب دهان انداخت و گفت این چه کاری است که در خانه خدا می‌کنی؟ آن شخص برگشت و به حالت اعتراض بر او خرده گرفت که: مراقب باش، مگر نمی‌دانی انداختن آب دهان در صحن مسجد مکروه است!!

58 کتابی است کشکول وار از ملا احمد نراقی که به اهتمام آقای حسن زاده آملی تجدید چاپ شده است.

از سفسفطه‌های دیگر مجریان و دستگاه نظارت ایرادی است به این ادعای کمیته که چرا گفته است: تعرفه بدون شماره سریال چاپ کرده‌اند. اگرچه برای ما هنوز روشن نیست که آیا همه تعرفه‌ها با شماره سریال چاپ شده‌اند یا نه، اما اولاً این سخن را خود مسئولان امر نیز گفته‌اند^{۵۹} و ثانیاً کد استانی به اضافه شماره مسلسل برگه در این انتخابات به معنای «سریال» کامل بوده است. گفتن اینکه تعرفه‌ها بدون سریال چاپ شده یا بدون کد استانی تغییری در اصل قضیه نمی‌دهد: آنها به بهانه‌ای نامشخص در روز انتخابات یا پیش از آن تعرفه‌هایی را بدون نظم مقرر سریالی آن چاپ و توزیع کرده‌اند. ما نمی‌دانیم که آیا کل تعداد تعرفه مورد ادعا را به خارج از کشور فرستاده‌اند یا با طرحی از پیش ریخته شده، این تعرفه‌های اضافی را هم در کنار سایر تعرفه‌های بدون کد در داخل کشور توزیع کرده‌اند یا نه؟! وقتی دستگاه اجرا به این آسانی دروغ می‌گوید، از پاسخ درست طفره می‌رود و با مردم مجادله می‌کند، هر احتمالی می‌تواند از قوتی فراخور خود برخوردار باشد.

غرض از تکرار مکرر عبارت «شناور بودن جمعیت» نیز در گزارش شورا و سایر گفته‌های تبلیغاتی و توجیهی اشاره به مهاجرت‌های فصلی، زیارتی و توریستی است. بنا بر تجربه، برای مدیریت بهینه توزیع تعرفه، اصل بر این است که:

59 بنگرید به گفته‌های آقای شریفی راد در تاریخ ۳/۲۸ در زیر.

الف) برآوردی از کل جمعیت رأی‌دهندگان کشور بدست آید که امروزه با وجود سازمان‌های آمار و همچنین سازمان ثبت احوال کشور و امکانات فنی رایانه‌ای، رسیدن به چنین برآوردی ساده تر از گذشته است.

ب) با در نظر گرفتن احتمالاتی نظیر «شناور شدن جمعیت» در روز رأی‌گیری؛ درصد **معقولی** هم به این رقم کل اضافه شود.

ج) در توزیع تعرفه چاپ شده، بر اساس دو بند بالا، جمعیت استانی لحاظ گردد و برای هر استان به تناسب و بر مبنای همین برآورد تعرفه چاپ و ارسال گردد.

د) اگر قرار باشد که برای جلوگیری از جابجایی استانی تعرفه، به هر استان شماره رمز (کد) مخصوصی داده شود، باید تعرفه‌های هر استان به هنگام چاپ با این کد، مشخص گردد و شماره سریال استان هم تعداد مقرر برای آن استان را در نهایت نشان دهد.

به هم ریختن و آشفتن کردن این نظم توسط طراح آن که مدعی است از همه جهت مراقب صیانت از آرای مردم خواهد بود، چه معنایی دارد؟ ما مانند همه عقلا جهان مطابق تعریفی از قلب که در ابتدای این نوشتار آوردیم، چنین رفتاری را عزم پیشین برای قلب می‌دانیم و مجری مقصر و ناظر ساکت در برابر این شلوغ کاری‌ها را به استناد قانون انتخابات و قوانین دیگر قابل پیگرد قضایی می‌شناسیم.

و) در جریان توزیع تعرفه مربوط به هر شهرستان نیز استانداران باید همین روش را اعمال می کرده و بر اساس برآورد مأخوذ از سازمان‌های آماری، سهم شهرستان را تخصیص و به موقع ارسال نمایند.

در جریان رأی‌گیری بویژه در این دوره که به ادعای خودشان و بدون تصویب شورای نگهبان از سیستم آنلاین رایانه‌ای برای کنترل تعرفه و رأی‌گیری بطور آزمایشی استفاده می‌کرده‌اند، چنانچه یکی از شهرستانها به هر دلیلی با کمبود تعرفه مواجه می‌شد، همواره امکان محاسبه و برآورد این وجودداشت که کسری مربوط را از شهرستانی همجوار تأمین کنند، زیرا تعرفه در استان قابل جابجایی است. با امکانات ترابری فعلی، رساندن تعرفه از شهرهای همجوار بهترین راه جابجایی است. رساندن تعرفه از شهرهای همجوار به تبریز به مراتب آسانتر از ارسال آن با هواپیما یا بالگرد از تهران به تبریز است. در بررسی‌ها و قرائت بخشی از گزارش شورای نگهبان دیدیم که نزدیک به ۲۱,۰۰۰,۰۰۰ برگ تعرفه دست نخورده در استانداری‌ها و فرمانداری‌ها مانده است، بدون احتساب آن دو میلیون برگ تعرفه کذائی که گویا روز ۸۸/۳/۲۲ چاپ شده، مانده فعلی در شهرستانها ۱۹,۰۰۰,۰۰۰ برگ بوده است. بنا بر این، در روز رأی‌گیری، اگر توزیع تعرفه به استانها بر اساس همان روش معقول مورد ادعا صورت می‌گرفت، نمی‌بایست در تبریز یا شیراز یا تهران که زیر گوش وزیر امین وزارت کشور است، کمبود تعرفه پیش آید و سبب ازدحام و معطلی چند ساعته رای دهندگان گردد و یا در مواردی در شعبه را ببندند و مردم را برگردانند.

به استناد نظرسنجی‌های دولت و سازمان صدا و سیما، آقای احمدی‌نژاد در شهرهای بزرگ شانس کمتری نسبت به شهرهای کوچک داشته است. بنا بر این، توزیع سهمیه استان به طوری که به شهرهای کوچک تعرفه زیاد فرستاده شده و در مرکز بر اساس ادعای خودشان تعرفه کمتری نسبت به حد نصاب جمعیت نگه داشته‌اند، سبب کمبود تعرفه در شهرهای بزرگی مانند تبریز و شیراز و تهران و ... شده است و اینکار عمدی بوده است چنانکه از وضعیت صندوق‌های دستچین شده شهرهای کوچک کاملاً پیداست و جداول مربوطه را در مبحث شمارش نشان خواهیم داد. آش به اصطلاح به حدی شور بوده که شورای نگهبان هم در همان بخش مورد تحلیل در این گزارش، علی‌رغم جانبداری آشکار از وزارت کشور نتوانسته است از ایراد این کنایه خودداری نماید که:

"در عین حال در خصوص توزیع نامناسب تعرفه‌ها و عدم اتخاذ تدابیر مناسب جهت رفع این مشکل که منجر به کمبود تعرفه در بعضی شعب و توقف کوتاه مدت اخذ رأی گردید، در روز اخذ رأی وزارت کشور با دریافت تذکر از شورای نگهبان در کنار اهتمام احسن به انجام وظایف اجرایی، نسبت به توزیع صحیح و سریع تعرفه‌ها اقدام نمود. هرچند در پی استقبال بی‌سابقه مردم و نیز عدم توزیع مناسب تعرفه‌ها در معدودی از شعب اخذ رأی مشکلاتی پدید آمد، اما با پیگیری‌های شورای نگهبان و تلاش وزارت کشور، این مشکل بلافاصله برطرف شد، بگونه‌ای که اندک تعلل و

قصور پیش آمده که معمول در هر انتخابات است هیچ گونه تأثیری در روند انتخابات از خود به جا نهد."

وزیری که در ساعت یک بعد از ظهر با افتخار به نظم رایانه‌اش، اعلام می‌کند تاکنون در سطح کشور نزدیک به ۵ میلیون تعرفه مصرف گردیده است، چطور نتوانسته از شهرهای دیگر استان تهران تعرفه به شهر تهران ارسال کند، شهرهایی که فاصله چندانی با هم ندارند و خود را ناگزیر دیده است که تعرفه جدید چاپ کند، تازه آنهم پیش از دریافت آمار مصرف تعرفه!! یعنی، وزیر کشور از صبح اقدام به چاپ کرده در حالی که رایانه‌های منظم این وزارت‌خانه تازه ساعت یک بعد از ظهر نشان داده‌اند که ۵ میلیون تعرفه در کل کشور مصرف شده است!!!

اکنون که مدار مدیریت توزیع را بر اساس گفته‌های مسئولان و آنچه به ادعای خودشان **معقول** می‌نماید، باز کرده و واریسی نمودیم، لازم است به محاسبات معقول این عقلا هم آگاهی پیدا کنیم.

حکایت مدیریت «معقول» توزیع تعرفه توسط وزارت کشور با

نظارت شورای نگهبان

به گزارش خبرگزاری مهر، آقای کدخدایی در ۳/۲۲، روز انتخابات، "در پاسخ به این سؤال که با توجه به معلوم بودن واجدین شرایط در حوزه‌های انتخابی و نیز چاپ حدود ۱۱ میلیون برگ تعرفه اضافی علت کمبود تعرفه چیست، ادامه داد: توزیع تعرفه‌ها از گذشته توسط وزارت محترم کشور با

کدبندی‌ها و مکانیزم خاص منطقه‌ای صورت می‌گیرد و اگر چه به همین دلیل امکان انتقال تعرفه‌ها به نقاط دیگر موجود نبوده، اما با آمادگی قبلی دستور چاپ و توزیع مجدد برگه‌های تعرفه برای تامین در مناطق مورد نیاز در طول امروز صورت گرفته است و اکنون مشکلی در این زمینه وجود ندارد.^{۶۰}

بدین ترتیب معلوم می‌شود که کدگذاری منطقه‌ای یا استانی روال تازه‌ای نبوده بلکه در این دوره با چاپ تعرفه‌ اضافی به هم خورده است. وزارت کشور مدعی است که ابتکار کد استانی از ناحیه آنها بوده و برای اولین بار اینکار صورت گرفته است. آقای کدخدایی با اطلاعی که از آشفتگی در توزیع تعرفه داشتند، توضیح ندادند که چرا باید در مراکز استانهای مهم و پرجمعیت کشور، با وجود تجربه سال‌های قبل کمبود تعرفه آنها در ساعات اولیه رأی گیری پیش بیاید!!

آقای کامران دانشجو روز ۸۸/۴/۱۲، یعنی ۲۳ روز پس از انتخابات و ۱۱ روز پس از آن جلسه هماهنگی عوامل چاپ و توزیع تعرفه که در پیوست ۴۹ آمده است، در پاسخ به نوشته همشهری با مغلطه کاری در خصوص اشکالات عمدی در توزیع تعرفه‌ها توجیهاتی ارائه نموده است. این مطالب در سایت اطلاع رسانی دولت به نقل از سایت وزارت کشور بشرح آتی منعکس است. ما نخست فرازی از این خبر را برای نشان دادن بی‌صدافتی

⁶⁰ سایت مهر این خبر را در تاریخ ۳/۲۳ نشان می‌دهد که شاید با تأخیر در این سایت درج شده باشد.

این آقایان نقل می کنیم و پاسخ می دهیم. سپس به مطلب اصلی این خبر برمی گردیم:

" پایگاه اطلاع رسانی دولت www.dolat.ir زمان ارسال خبر: ۱۳۸۸/۴/۱۲

در ساعت: ۹:۵۱:۰

... علی رغم اطلاعات و آمار کذب در نامه آقای موسوی و تذکره روزنامه همشهری ، اولاً: تعداد تعرفه های چاپ شده اخیر، در روز ۸۸/۳/۲۱ نبوده و در این تاریخ هیچ تعرفه ای چاپ نشده است."

هرچند در مناسبت های مختلف به ادبیات سخیف این مسئولان دولتی اشارتی شده است، فراز آخر نقل قول بالا به عمد از بخش دیگری از همان نامه نقل شده تا بار دیگر امکان باز کردن روش نعل وارونه این سیاستمداران فراهم گردد.

در مورد کذب محض خواندن ادعای چاپ تعرفه در ۸۸/۳/۲۱ نوجنتان را به استناد کمیته صیانت به اعتراف و تأیید برخی از اعضای شورای نگهبان جلب می کنیم که خوشبختانه این آقایان تاکنون این تأیید را مجدداً تکذیب نکرده اند. در واقع همین تأیید آقایان سبب شده است که در گزارش تفصیلی و نیز مصاحبه آقای محصولی موضوع چاپ دوباره در قبل از انتخابات و در روز انتخابات مطرح و اذعان گردد.

شما تا بدینجا شعبده بازی سیاست بازان را در بازی با اعداد بخوبی دیده اید. یکی از این بازی ها دست گذاشتن روی عددی بظاهر اشتباه از سوی معترضان است تا بدین وسیله اتهام «دروغگویی» بدانها بزنند و سپس دروغ

خود را به اصطلاح عامه، قالب کنند. برای مثال، ادعای کمیته صیانت از آراء در مورد خبرهای واصله از چاپ تعرفه در روز ۸۸/۳/۲۱ را بهانه کرده- اند تا اعدادی را آشکارا بدروغ بخورد ملت بدهند. اگر هم این ادعا، به گفته آنها «کذب» بوده باشد، که نیست، چه ربطی به این دارد که آنها روز ۸۸/۳/۲۲ تعرفه اضافه بدون مجوز قانونی چاپ کرده اند!! گویی چاپ تعرفه در ۳/۲۱ جرم است و آنها می خواهند خودشان را تبرئه کنند، اما چاپ همان تعرفه «صبح» روز ۳/۲۲ در حالی که به گفته وزیر کشور تا ظهر جمعه فقط ۵ میلیون تعرفه مصرف شده بود، جرم نیست!! شما صبح به آن زودی از کجا فهمیدید که باید تعرفه اضافه چاپ شود؟ حتی آقای کدخدایی ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه آمار تعرفه مصرف شده را ۲۰ میلیون برگ اعلام کرده بود. چطور و با چه محاسباتی شما توانستید ۱۰ ساعت پیش از آن دریابید که باید تعرفه اضافی چاپ کنید؟ ما می گوییم، این حساب ها ناشی از عزم پیشین شما برای تقلب بوده است، هر دلیلی که شما را صبح زود روز جمعه متقاعد کرده باشد که تعرفه چاپ کنید، همان دلیل می توانست ۱۲ ساعت پیشتر هم شما را به چاپ تعرفه متقاعد کند. اگر کسی خبر چاپ تعرفه اضافی را به چند ساعت زودتر نسبت بدهد، مجرم است، اما مجری قانون انتخابات که طبق قانون نباید این تعرفه را مخفیانه و بیش از اندازه لازم و بدون تشریفات مقرر چاپ کند، مجرم نیست؟

از جمله شگردهای گمراه کننده آقایان مسئولان انتخابات و حامیان گوناگون شان انتشار خبرهای دروغ توسط عوامل ناپیدای خودشان یا اظهار

سخنان چندوجهی برای دستاویز قراردادن تعبیر معترضان و کوبیدن آنها بوده و هست. حمله به اینکه آقای موسوی یا کمیتهٔ صیانت او آمار واجدین شرایط را ۴۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر گفته اند در حالی که ما آن را ۴۶,۲۰۰,۰۰۰ نفر اعلام کرده‌ایم از چنین شگردهای ناشی از اظهارات چند وجهی است که در زیر توضیح خواهیم داد. اما پیش از آن، نمونه ای از بکارگیری شگرد انتشار خبرهای دروغ و تبلیغات وسیع به بهانهٔ این دروغ را نشان می‌دهیم. جالب است یادآوری شود که در اعلامیهٔ کمیتهٔ صیانت عبارت «حدود ۴۵,۲۰۰,۰۰۰ آمده است، با اینکه همین عدد متکی بر محاسبات جدلی کارشناسانه است، اما اگر کمیتهٔ صیانت یا نامزد انتخابات با لفظ حدود در جایی که تأثیر مهمی در بحث ندارد یک میلیون تقریب بکند دروغگوست ولی چنانچه این آقایان مسئول با لفظ حدود آمار تعرفه را تغییر بدهند، دروغگو و مجرم نیستند که هیچ، بلکه باید جایزهٔ صداقت و ولایتمداری هم بگیرند!!

هنگامی که نامهٔ جعلی به اصطلاح محرمانهٔ وزیر کشور به رهبری در مورد نتایج انتخابات با آن انشاء کودکانه منتشر گردید، نخست به نظر می‌رسید که کسانی از میان معترضان جوان خواسته‌اند از این طریق وزارت کشور را وادار به انفعال کنند، اما تبلیغات بعدی روی این نامه نشان داد که این کار از ناحیهٔ خودشان طراحی شده بود. در این نامه جعلی صریحاً آقای محصولی بطور محرمانه به رهبری گزارش می‌دهد که آمار واقعی برخلاف آمار اعلام شده است. این نامه به: «موسوی ۲۱,۳ میلیون رأی ۵۷,۲ درصد) و به احمدی

نژاد ۱۰,۵ میلیون رأی (۲۸٪)، به محسن رضایی ۲,۷ میلیون رأی (۷,۲٪) و به کروی ۲,۲ میلیون رأی (۶٪) رأی و ۶۰۰ هزار رأی باطله نسبت می‌دهد.» انشای متن بخوبی نشان می‌داد که ساختگی است و افراد زیادی هم به آن اهمیت ندادند، بجز مسئولان وزارت کشور که ساعتها در باره‌اش صحبت کردند. به عنوان مثال آقای محصولی گفته‌اند:

"به گزارش خبرگزاری آریا: وزیر کشور در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران در خصوص انتشار یک نامه جعلی از سوی وزارت کشور به مقام معظم رهبری گفت: این نامه به قدری ناشیانه است و از شیوه خطاب قرار دادن رهبری تا تمام جزئیات نامه مانند عدم وجود شماره نامه و همچنین مهر محرمانه مشخص است که این نامه کاملاً جعلی است و در این نامه امضای شخصی است که مشخص نیست چه فردی است. محصولی افزود: در این نامه میزان آرا ۴۳ میلیون اعلام شده در صورتی که اگر جمع آرا شمارش شود ۴۰ میلیون بیشتر نیست و تا این حد این نامه ناشیانه جعل شده است و خداوند مکر انسان‌های مکار را به آنها برمی‌گرداند. وی اضافه کرد: دست این افراد آنقدر خالی است که به موارد و جعل نامه‌ها دست می‌زنند و حتی قبل از این نامه نیز نامه سپاه را هم جعل کرده بودند و خود سپاه نیز اعلام کرد که این نامه جعلی است. محصولی افزود: این افراد برای اینکه بسیاری از واقعیت‌ها را کتمان کنند به راه‌های سطح پایین و رذیلانه متوسل می‌شوند که واقعا مفتضحانه و خارج از فرهنگ و اخلاق است و مردم نیز از اینگونه موارد مطلع هستند و فریب این افراد را نمی‌خورند."

ایشان به تردستی و با همان مهارتی که می‌تواند قراردادهای سوآپ غیرقانونی را منعقد و از آن در مجلسی که باید ناظر و حافظ قانون باشد دفاع کند، می‌گوید: «دست این افراد آنقدر خالی است...»، با این عبارت می‌خواهد معترضان و بویژه نامزدهای معترض را متهم به انتشار این نامه دروغ بکند!! با سوءاستفاده از خبر جعلی که هیچیک از هواداران و نامزدهای معترض روحشان از آن خبر نداشته است و با بهره‌گیری از برد تبلیغاتی تلویزیونی کوشیده‌اند که به مردم القاء کنند، چون نامزدهای معترض دستشان خالی است، به این طرف‌ها متوسل می‌شوند!! سایت خبرگزاری انتخاب در این مورد مطلبی دارد که می‌خوانید:

" ۲۸ خرداد ماه ۱۳۸۸

خبرگزاری انتخاب:

آقای دانشجو شب گذشته که عمده وقت برنامه (مصاحبه با شبکه خبر) را به نامه‌ای جعلی منتسب به وزارت کشور که قبلاً در سایت آینده جعلی بودن آن مشخص گردیده است، اختصاص داد و تلاش کرد با اشاره به این نامه که قبلاً جعلی بودن آن ثابت شده بود، دیگر انتقادات را زیر سوال ببرد.

به گزارش خبرگزاری انتخاب به نقل از آینده، با وجود آن که بسیاری از مردم بر اساس اعتماد به نظام و برگزارکنندگان انتخابات، وجود هر گونه تقلب و دست‌کاری در آرای مردم را کاملاً رد می‌کردند، عملکرد مسئولان وزارت کشور و ستاد انتخابات، بسیاری از حامیان دکتر احمدی‌نژاد را نیز درباره سلامت انتخابات به تردید انداخته است.

بنابر این گزارش، شب گذشته هم کامران دانشجو، رئیس ستاد انتخابات با حضور در برنامه ساعت ۸/۳۰ شب شبکه خبر ادعا کرد تقاضای یکی از کاندیداها (محسن رضایی) در جهت اخذ آرای صندوق‌ها به تفکیک هر صندوق **غیرقانونی** است و به این دلیل، نمی‌توانند به این تقاضا جواب مثبت دهند. وی همچنین اعلام آمادگی کرد حاضر است دوباره در برنامه‌های صداوسیما شرکت کرده و جوابگوی سئوالات باشد.

اما از آقای دانشجو به عنوان معاون وزیر و رئیس ستاد انتخابات که با لحنی طعنه‌آمیز به اعتراضات نمایندگان کاندیداها پاسخ می‌داد و آنان را به بی‌اطلاعی از قانون و عدم اجرای آن متهم می‌نمود، باید پرسید در کدام فصل از فصول هشتگانه و کدام ماده و تبصره قانون انتخابات ریاست جمهوری اعلام میزان آرای مأخوذه در هر صندوق غیرقانونی است؟

این در حالی است که در تمام انتخابات گذشته ابتدا آمار شمارش شده در هر صندوق، اعلام می‌شد و سپس با جمع‌زدن این آمار، نتایج شهرها و استان‌ها و در نهایت آمار کل کشور مشخص می‌شد، اما این بار کاملاً برعکس عمل شد!

از سوی دیگر در حالی آقای دانشجو دادن اطلاعات آرای صندوق‌ها به کاندیداها را غیرقانونی اعلام می‌کند که ماده واحده «قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی» که شامل شش تبصره نیز هست و در جلسه علنی یکشنبه ۷۹/۵/۳۰ مجلس تصویب شده، تکلیف را مشخص کرده و جالب آن که وزارت کشور هم به اعتقاد خود،

بر اساس همین قانون نمایندگان کاندیدها را به حضور در محل صندوق‌های رأی‌گیری ترغیب!!! کرده تا از این اطلاعات آگاه شوند. اما جالب‌تر اینجاست که دانشجو دادن اصلی‌ترین مدرک مورد نیاز کاندیدها برای بیان موارد مصدافی خود را غیرقانونی می‌خواند.

آقای دانشجو شب گذشته که عمده وقت برنامه را به نامه‌ای جعلی منتسب به وزارت کشور که قبلاً در سایت آینده جعلی بودن آن مشخص گردیده است، اختصاص داد و تلاش کرد با اشاره به این نامه، دیگر انتقادات را زیر سوال ببرد.

علاوه بر این، ایشان باید پاسخ دهند اساساً وقتی نامزد انتخاباتی نمی‌داند از نظر هیأت اجرایی وزارت کشور، رأی شمارش شده او برای مثال در صندوق شماره ۱۲۵۴ چه عددی است، به چه مورد مصدافی برای اعتراض خود می‌تواند استناد کند؟

لحن طعنه‌آمیز آقای دانشجو و ادعای بی‌اطلاع بودن کاندیدها از قوانین انتخاباتی یقیناً در شأن ستاد انتخابات وزارت کشور که باید ارگانی مستقل و مورد وفاق عمومی باشد، نیست. چنین لحنی نه تنها دور از اخلاق سیاسی و انتخاباتی است، بلکه در شرایط کنونی که طبق اعلام صداوسیما شماری از هموطنان کشته شده‌اند، تنش‌زا و تحریک‌آمیز به نظر می‌رسد.

این گزارش می‌افزاید: ساعتی بعد از پخش این برنامه در شبکه خبر، برنامه ایران ۸۸ نیز با مجری‌گری نویسنده سایت رجانیوز^{۶۱} میزبان شریفی‌راد، مدیرکل انتخابات کشور بود که به نظر می‌رسد مدیرکل آقای دانشجو، احتمالاً به دلیل تجربه بیشتر در برگزاری انتخابات، بهتر از وی در این برنامه تلویزیونی ظاهر شد.

در این برنامه که با هدف پاسخگویی به شبهات موجود در خصوص سلامت انتخابات برگزار شده بود، مدیرکل انتخابات وزارت کشور اظهار کرد علاوه بر ۵۷ میلیون تعرفه چاپ شده پیش از انتخابات، حدود نیم میلیون تعرفه نیز در روز انتخابات چاپ و توزیع شده که ۲۰۰ هزار تایی آن‌ها به تبریز، ۱۰۰ هزار به اصفهان، ۱۰۰ هزار به خراسان، ۵۰ هزار به قم ارسال شده است.

اما در حالی که اطلاعات میزان آرا در هیچ یک از صندوق‌ها به کاندیداها داده نشده، مدیرکل انتخابات کشور اظهار کرد در هیچ صندوقی به ما شکایت نرسیده و هر صندوقی را که بگویند، بازشماری می‌کنیم. این در حالی است که وقتی میزان آرای هیچ صندوقی اعلام نشده، مشخص نیست بازشماری آن به منظور مقایسه آرا با کدام اعداد باید انجام شود؟!

شریفی‌راد از ارائه پاسخ مناسب در خصوص ریخته شدن ۱۰ میلیون تعرفه اضافه به نام احمدی‌نژاد در صندوق‌ها نیز ناکام ماند و گفت: اولاً باید

^{۶۱} این سایت وابسته به آقای احمدی‌نژاد است و بیشترین تشویش را در انتخابات و پس از آن ایجاد نموده است.

بگویند این ۱۰ میلیون رأی در کدام صندوق ریخته شده و ثانیاً تعرفه‌ها کجاست؟ چون هر تعرفه یک شماره یونیک دارد و با شماره سریال در استان‌ها توزیع شده است.

لازم به ذکر است در حالی که احتمالاً این برنامه با هدف دفاع از سلامت انتخابات برگزار شده بود، خنده‌ها و طعنه‌های مجری به هنگام طرح سوالات موجود در جامعه، از اثرگذاری این برنامه کاست.

وی حتی در مقطعی مدعی شد میرحسین موسوی گفته من سی میلیون رأی آورده‌ام و محسن رضایی اظهار کرده که من ۹ میلیون رأی آورده‌ام و سپس با طعنه گفت، پس با این حساب کل ۳۹ میلیون رأی اخذ شده را باید به این دو نفر اختصاص داد!

همچنین تابناک نوشت: "کامران دانشجو، با حالت عصبی در برنامه زنده شبکه خبر ظاهر شد و با تأکید بر جعلی بودن نامه منتسب به وزارت کشور _ که پیشتر جعلی بودن آن اعلام شده بود - تقاضای محسن رضایی از ستاد انتخابات را غیر قانونی دانست.

معاون وزیر و رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور که در برنامه زنده شبکه خبر حضور یافته بود، با رد تقاضای دکتر رضایی برای در اختیار داشتن آرای تفکیکی همه صندوق‌های رأی‌گیری، با هدف تنظیم کامل شکایات کاندیداهای ریاست جمهوری، درخواست ارائه اسناد به کاندیداها را غیر قانونی خواند. دانشجو هر چند تلاش می‌کرد با روحیه و اعتماد به نفس، به مخاطبان القا کند که سخنش متقن و قانونی است، اعلام نکرد که کدام

ماده یا تبصره از قانون انتخابات ریاست جمهوری تأیید کننده ادعای او است. طرح این موضوع در حالی است که در هیچ جای قانون انتخابات ریاست جمهوری - مصوب پنجم تیر ماه ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی - که مشتمل بر ۹۴ ماده و ۲۹ تبصره است و همچنین دستورالعمل آیین نامه اجرایی قانون انتخابات ریاست جمهوری مشتمل بر ۳۹ فرم - مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۱ که در تاریخ ۶۴/۴/۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است - چنین ممنوعیتی ذکر و حتی مورد اشاره هم واقع نشده است. با این حال، معاون وزیر و رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور نگفته است که در کدام ماده و تبصره این قوانین آمده است که وزارت کشور و یا حتی هیأت‌های اجرایی می‌توانند از ارائه لیست جداگانه صندوق‌های رأی به نامزدها خودداری کنند و این لیست حساس و سرنوشت ساز را در اختیار آنان نگذارند؟ علاوه بر این، آقای دانشجو که آمادگی خود را برای پاسخگویی اعلام کرده‌اند، به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور بگویند که آیا قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی که مشتمل بر ماده واحده و شش تبصره است، محدودیتی را برای نامزدهای ریاست جمهوری و نمایندگان آنها پدید آورده است تا بر اساس آن شمار رأی دهندگان هر یک از صندوق‌های رأی به تفکیک هر صندوق را (که دربرگیرنده محدوده جغرافیای آن صندوق رأی‌گیری و همچنین مختصات خاص آن صندوق است) به عنوان اصلی‌ترین سند انتخابات، رسماً از سوی وزارت کشور در اختیار نداشته باشند؟

ایشان به چه دلیل رایه این اسناد اولیه و مهم را که نشانگر وضعیت آرای تفکیکی هر صندوق است، غیر قانونی شمرده و در عوض، نامزدها را محکوم به کلی گویی می کند، در صورتی که لازمه رایه شکایت موردی و با جزییات، در اختیار داشتن همین آرای تفکیکی در کنار دیگر عوامل است؟! البته این امر مسلمی است که در صورت رایه نکردن این آمار از سوی وزارت کشور به نامزدها، هرگونه اعتراضی در این زمینه فاقد سندیت لازم باشد، چرا که به باور ایشان، نامزدها باید موارد را با مصادیق و حتی نام صندوق اعلام کنند تا بتوان به این شکایت رسیدگی کرد.

همچنین وقتی شکایت کلی را مورد نظر قرار نمی دهید؛ بنابراین، نامزدها هنگامی که آرای تفکیکی شما درباره هر صندوق را در اختیار ندارند، به چه چیز اعتراض کنند، حال آن که هر اعتراضی در این زمینه، به اصطلاح خودتان بدون آوردن نام صندوق فاقد وجهت است."

ما امروز بر انتقادهای این سه سایت خبری می توانیم بیافزاییم و بپرسیم که اگر انتشار اطلاعات تفکیکی صندوقها «غیرقانونی» بوده است، چرا چند روز بعد و پس از دستکاریهای متعدد به انتشار آن اقدام کرده اند؟ متقاضی اگر تقاضای غیرقانونی داشته باشد، بر او حرجی نیست، نهایتش این است که پاسخ منفی دریافت می کند. اما مجری قانون اگر به علتی اقدام خلاف قانون بکند از وی پذیرفته نیست. چرا وزارت کشور و شورای نگهبان کار غیرقانونی انتشار اطلاعات صندوقها را انجام داده اند؟ البته همانطور که آن سه سایت نوشته اند نه تقاضای معترضان غیرقانونی بوده است و نه انتشار آن

از سوی وزارت کشور، بلکه تبلیغات دروغ و استناد نادرست به قانونی که وجود خارجی ندارد، عملی مجرمانه و مؤید تقلب غیرقانونی است. سخنان آقای شریفی راد را هم لابد بخاطر دارید که در مبحث قبلی مورد انتقاد قرار دادیم. شما چگونه باور می‌کنید که در یک روز یک مدیر کل آماری از تعداد تعرفه بدهد که چندین میلیون با آمار ارائه شده توسط رئیسش در همان روز و دو ساعت پیش از او، یعنی سخنان آقای کامران دانشجو در شبکه خبر، تفاوت دارد؟! چه سندی بالاتر از این بر بی‌قانونی و بی‌مبالاتی و هزار بی ... دیگر می‌توان به رخ کشید که ثابت کنند سر تا پای کارهای انجام شده در انتخابات از سوی ناظر و مجری فاسد و ناشی از عزم پیشین برای تقلب بوده است؟ مطمئناً شما خودتان نمونه‌های زیادی از این ترفند چهره جوان میدان سیاست‌بازی را بخاطر دارید.

در اینجا مناسب است که برای پیگیری منظم بحث بندهای هفتگانه نامه مورخ ۸۸/۴/۱۴ وزارت کشور به روزنامه همشهری را محور بحث راجع به مدیریت توزیع تعرفه قرار دهیم و بترتیب این بندها را توضیح داده و پاسخ‌های لازم به وزارت کشور داده شود.

این نامه تحت عنوان «پاسخ اول وزارت کشور به ادعاهای مهندس میر حسین موسوی» در سایت و پایگاه اطلاع‌رسانی دولت به نشانی www.dolat.ir نیز منعکس است.

بند یک از بخش «د- در خصوص تعرفه‌ها» از نامه وزارت کشور به روزنامه همشهری

در بند یک از نامه گفته‌اند: ۱- آقای موسوی در نامه خود عدد واجدین شرائط رای دهنده را تعداد ۴۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر ذکر کرده اند که آشکارا یک میلیون کمتر از تعداد واقعی است. که همانگونه که بارها اعلام شده تعداد واجدین شرائط ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بوده است صرف نظر از اینکه جریان اصلاح طلب بارها اعلام میکرد که تعداد واجدین شرائط بیشتر از این هم هست.

این از همان شگردهای تردستانه است که روی عدد ۴۵,۲۰۰,۰۰۰ انگشت می گذارد و مدعی می شود که این عدد درست نیست و ما ۴۶,۲۰۰,۰۰۰ اعلام کرده ایم، پس آقای موسوی بهتان زده است!!

شما خواننده محترم بارها در این نوشته با اعداد مغشوش این مسؤلان مواجه شدید و بارها هم مواجه خواهید شد. آنها در اثر زیاده گویی و مغلطه کاری متوجه اعدادی که اعلام می کردند، نبودند و فقط دنبال دستاویز قرار دادن حرفی بودند که با ظاهر گفته‌های آنها نمی خواند. آقای دانشجو فراموش کرده است که بارها اعلام نموده ۵۶ میلیون و ۷۵۷ هزار تعرفه چاپ کرده ایم و بارها هم گفته است که ۱۱ میلیون بیش از تعداد واجدین شرائط تعرفه چاپ شده است، تفاضل این دو رقم ۴۵ میلیون و ۷۵۷ هزار می شود. بنا بر این، ادعای یک معترض مبنی بر ۴۵ میلیون و دویست هزار به همان اندازه تقریب عدد است که ادعای آقای دانشجو در ۴۶ میلیون و دویست بودن آمار. آقای موسوی چه سودی می برد اگر یک میلیون نفر را کم بگوید؟ هر چند عده‌ای از فعالان سیاسی بر اساس یک محاسبه ساده ابتدا معتقد

بودند که شمار واجدین شرایط باید بیش از ۵۰ میلیون نفر بوده باشد، اما به هر حال، معترضان در نهایت با تکیه بر عددی که دولت داده بود، سخنان خودشان را تنظیم کرده‌اند.

هم وزارت کشور و هم فعالان سیاسی در خصوص آمار واجدین شرایط به جمعیت مجاز در دوره نهم استناد کرده‌اند و اگر این عدد مبنا باشد، به هر حال، متخصص ریاضیات و فیزیک و رئیس ستاد انتخابات و همکارانش جمعیت واجد شرایط را کمتر نشان داده‌اند! به این تحلیل آماری که سایت تابناک در فروردین ماه آن را منتشر نموده است، توجه فرمایید:

"اعلام آمار واجدان شرایط رأی در انتخابات دهم ریاست جمهوری از سوی معاون سیاسی و رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور، مبنی بر وجود ۴۶ / ۲ میلیون نفر رأی‌دهنده در کشور، بیش از آن‌که مایه خوشحالی در سال جدید باشد، به پدیده‌ای نگران‌کننده از یک حیث در افکار عمومی مبدل شده است.

به گزارش خبرنگار «تابناک»، در بیان این آمار، ستاد انتخابات روشن نکرده است از کدام مرجع قانونی اعم از مرکز آمار ایران و یا سازمان ثبت و احوال چنین ارقامی را دریافت کرده و این‌که چگونه آمار اعلامی پس از گذشت چهار سال از انتخابات نهم ریاست جمهوری نه تنها افزایش نداشته، بلکه شمار واجدان شرایط، کمتر از چهار سال پیش اعلام شده است؟

چنانچه تغییرات سن واجدان شرایط رأی از پانزده سال به هجده سال باشد، طبیعی است که به دلیل رشد سالانه جمعیت کشور (به طور متوسط سالانه

۱,۵ میلیون) و ضرب این رقم در مدت چهار سال، چیزی حدود شش میلیون نفر افزایش جمعیت خواهیم داشت که با کسر رده‌های سنی شانزده، هفده و هجده سال، خواهیم دید که همچنان ۱,۵ میلیون نفر باید به شمار واجدان شرایط رأی در سال ۱۳۸۴ تا به امروز افزوده می‌شد. اگر این عدد را به رقم دقیق آمار واجدان شرایط رأی در سال ۱۳۸۴ (۴۶,۷۶۸,۴۱۸ نفر) بیفزاییم، آمار واجدان شرایط در انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ به ۴۸,۲۶۸,۴۱۸ نفر افزایش خواهد یافت. همین امر سبب شده تا شایبه دستکاری در آمار به اذهان افراد جامعه متبادر شود و این امری ناپسند و مخدوش‌کننده ساحت سالم انتخابات در جمهوری اسلامی ایران است.

ضرورت دارد ریاست ستاد انتخابات کشور به نمایندگی از وزارت کشور که عهده‌دار اجرای قانون و حسن جریان انتخابات است، موضوع مرجع آمار واجدان شرایط رأی را به صورت شفاف به افکار عمومی اعلام کند و توضیح دهد که بنا بر کدام استدلال و مبانی آماری، به این رقم دست یافته است؟

پرسش دیگری که اذهان محققان و پژوهشگران را به خود مشغول کرده، این است که چرا آمار واجدان شرایط رأی هم در زمان انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی و هم تاکنون به تفکیک استان‌ها در اختیار متقاضیان و یا افکار عمومی قرار نگرفته و نمی‌گیرد؟ در صورتی که هیچ‌گونه تبصره و ماده قانونی که دلالت بر محرمانه بودن آمار واجدان شرایط رأی و دیگر داده‌های انتخابات داشته باشد، در قوانین موضوعه

کنونی نبوده و روشن نیست که مسئولان ستاد و دفتر انتخابات، مستند به کدام یک از موازین قانونی، پنهان نگاه داشتن داده‌ها و آمارهای انتخابات از افکار عمومی و... را توجیه می‌کنند؟!

... کمتر نشان دادن آمار واجدان شرایط رأی به همان نسبتی که به صورت غیرواقعی درصد مشارکت را بالا نشان می‌دهد، به نوعی ساحت راست‌گویی و امانت‌داری مجریان قانون و برگزارکنندگان انتخابات دهم را هم مخدوش می‌نماید و همین می‌تواند در بی‌اعتمادی مردم و کاهش مشارکت، تأثیر فراوانی داشته باشد.^{۱۶۲}

علاوه بر این، در پاسخ به بند یک از آن نوشته توجیهی بی حساب و کتاب از شما دعوت می‌کنیم به نوشته زیر که اشاره ای به همین غوغاسالاری دارد، عنایت کنید. توصیه می‌شود که روی اعداد ارائه شده تأمل فرمایید:

"منتشر شده در سایت خبری هم‌میهن
(<http://www.hammihannews.com>) تاریخ:

۱۳۸۸/۳/۲۱ ساعت ۲۱:۳۲ - کد مطلب: ۴۶۳۳

۴۶ میلیون رای دهنده به تفکیک استان‌ها

... به گفته محمد مدد رئیس مرکز آمار ایران و تأیید کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات، ۴۶ میلیون و ۱۹۹ نفر واجدین ارائه رأی در این دوره از انتخابات وجود دارد. ... بر اساس جدول تفکیکی میزان واجدین شرایط ارائه رأی در ۲۸ استان کشور، تهران با ۸ میلیون و ۷۹۶ هزار نفر بیشترین

62 سایت تابناک، کد خبر ۴۳۲۶۹.

واجدین شرایط را در خود جای داده است و ایلام با ۳۵۷ هزار نفر کمترین تعداد را دارد.

شعبی بیش از صندوق‌های رأی

... نکته جالب توجه دیگر در آمارهای وزارت کشور، تعداد بیشتر شعب اخذ رأی به نسبت صندوق‌های رأی است. به عبارت دیگر در حالی که در هر شعبه اخذ رأی، چند صندوق وجود دارد و علی القاعده تعداد شعب باید کمتر از تعداد صندوق‌ها باشد؛ بر اساس آماري که کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات کشور ارائه داده است، تعداد شعب بیشتر از تعداد صندوق‌هاست!! به گزارش ایسنا او در نشست سه روز پیش خود (دوشنبه ۱۸ خردادماه) در حالی که از ۴۵ هزار و ۷۱۳ صندوق اخذ رأی خبر داده بود اعلام کرد که شعب اخذ رأی، ۴۶ هزار و ۲۹۴ عدد خواهد بود. یعنی در انتخابات ریاست جمهوری دهم، ۴۸۱ شعبه بیشتر از تعداد صندوق‌های رأی خواهیم داشت!! [این بدان معناست که شعبی وجود دارند که در آنها صندوق رأی وجود ندارد!!]

البته یک منبع آگاه در وزارت کشور در واکنش به این تناقض آماری اعلام کرد که چون هر صندوق برای خود ناظران و مجریانی دارد که در نهایت با حضور نمایندگان نامزدها به شمارش آرای می‌پردازند، هر صندوق در انتخابات ریاست جمهوری معادل یک شعبه محسوب می‌شود. وی در پاسخ به این سؤال «خبر» که می‌گفت حتی در این صورت نیز تعداد شعب باید برابر تعداد صندوق‌ها یعنی ۴۵ هزار و ۷۱۳ صندوق رأی باشد، پس چرا ۴۸۱

شعبه بیشتر وجود دارد؟ گفت: آماری که رئیس ستاد انتخابات کشور دو روز پیش اعلام کرده بوده است، تاکنون به این ترتیب تغییر یافته و در حال حاضر ۴۵ هزار و ۷۱۳ شعبه اخذ رأی وجود دارد.^{۶۳} منبع: سایت فرارو"

کسی که فرق میان شعبه و صندوق را نمی‌داند، رئیس ستاد مرکزی انتخابات کشور ماست!! به هیچ وجه این افراد در ارائه اعداد و ارقام مبالغه نداشته‌اند. وزارت کشور برای داخل کشور آمار ۴۵۶۹۱ صندوق را ارائه کرده است که جمع آن با ۳۰۴ صندوق خارج کشور برابر ۴۵۹۹۵ صندوق می‌شود. می‌بینید که نه تعداد صندوق‌های داخل و نه تعداد کل صندوق‌ها با تعداد اعلام شده، یعنی ۴۵۷۱۳ صندوق سازگاری ندارد. تشکیل صندوق کاری نیست که در یک انتخابات ملی بدین صورت مخفی یا با اعلام غلط بتواند صورت گیرد و تبعاتی نداشته باشد. اقدام آقای کامران دانشجو در دادن آمار نادرست شعب اخذ رأی و تصحیح بعدی آن مبنی بر اینکه قبلاً چنین تصمیمی داشتیم اما فعلاً تصمیم تازه همین است که ۴۵۷۱۳ صندوق و شعبه خواهیم داشت، یک اشتباه و تصحیح ساده نیست و نتیجه کار که با هیچیک از این اعداد سازگاری ندارد، مؤید تخلف محرز قانونی و انتخاباتی است که باید مرتکبان آن تحت تعقیب قانونی قرار بگیرند. به فرض محال،

⁶³ به نظر می‌رسد که برای فهم تک تک دوستان احمدی نژاد و آقای جنتی مترجم حرفه‌ای زبان پارسی ناکجاآبادی لازم است، اینها واقعاً یک زبان خاص اختراع کرده‌اند که هر لفظی معنای مخالف خود را می‌دهد، درست مانند بسیاری از کارهای دوات نهم که همگی گندم نمائی و جو فروشی بوده است. او نمی‌گوید که ما گفته‌اشتباه او را اصلاح می‌کنیم بلکه می‌گوید از آن روز به بعد تغییر عقیده داده ایم!

حتی اگر ثابت شود که هیچ تقلبی در کار نبوده است، این همه تخلف در تعداد صندوق‌ها و در آمار تعرفه و توزیع آن و در اعلام آراء را نمی‌توان اشتباهی ساده انگاشت که موجب انفجار مردم و گسیخته شدن رشته وحدت ملی و هتک‌های نامناسب در برابر انظار جهانیان گردید و مردم را دچار تردید به نتایج انتخابات کرد؛ بلکه باید مرتکبان این اشتباهات، با توجه به لطامت جبران ناپذیری که به اعتماد ملی وارد آورده اند، مجازات شوند.

چرا این صندوق‌های اضافی - ولو نزدیک به ۲۸۰ شعبه - برخلاف آمار رسمی اعلام شده، راه‌اندازی شده اند؟ متوسط هزار رأی برای این صندوق‌ها، اگرچه برابر ۲۸۰،۰۰۰ رأی می‌شود و هرچند اگر در هر صندوقی مخفیانه ۲۵۰۰ رأی تزریق کرده باشند، بالغ بر ۷۰۰،۰۰۰ رأی خواهد بود و در برابر کل آراء ناچیز می‌نماید، اما مسأله از منظر ملی، مسأله کمیت نیست بلکه ثابت کننده آلودگی کردار مجریان است و در کنار سایر شبهات و دلایل متقنی که ارائه شد، باطل بودن این انتخابات را ضروری می‌سازد.

بند دو از بخش «د- در خصوص تعرفه‌ها» از نامه وزارت کشور به روزنامه همشهری

در آن نوشته، از بند دو به بعد به ترسیم روش «معقول» توزیع تعرفه پرداخته شده است. در بند دو می‌گوید آقای موسوی «پذیرفته اند که به تعداد **معقولی** باید تعرفه اضافه چاپ می‌شد اما نگفته‌اند که این تعداد چند تا باید باشد؟» در واقع هم آقای موسوی و هم دیگر معترضان با تکیه بر آنچه خود وزارت کشور نسبت «معقول» را تعریف کرده بود، سخن گفته‌اند. از بس

آمار متناقض و دروغ می‌دادند، چاره‌ای جز مجادله نمانده بود، تا در موقع مناسب در مراجع قانونی این تضادها مطرح گردد؛ آقای موسوی و سایر نامزدهای معترض، علی‌رغم شواهد روشن از کودتای خشن و متعصبانه به اصطلاح نجات دین و انقلاب از غلبه «دشمن» با خوشبینی تمام دچار غفلت گردیدند. این کودتا، اساس هرگونه عدالتی را که بنیادهای قانون اساسی و آرزوهای ملی ما را برمی‌ساخت، یکسره بیاد داد.

روزنامه اعتماد در باره مصاحبه آقای دانشجو در ۸۸/۲/۱۵ می‌گوید:

"البته رئیس ستاد انتخابات سعی کرد به شبهات موجود در مورد چاپ تعرفه اضافه نیز پاسخ دهد. وی اظهار داشت؛ من نمی‌دانم چرا قبلاً این همه به اضافه چاپ تعرفه شبهه وارد نمی‌کردند اما الان این شبهه وارد می‌شود، چنان که در سومین دوره شورای شهر ۴۶ میلیون واجد شرایط وجود داشت اما ۵۵ میلیون تعرفه به چاپ رسید. همچنین در انتخابات مجلس هشتم ۴۳ میلیون واجد شرایط وجود داشت اما ۵۵ میلیون تعرفه چاپ شد. از سوی دیگر در انتخابات ریاست جمهوری نهم مرحله اول ۴۶ میلیون واجد شرایط (با احتساب سن ۱۵ سالگی) وجود داشت اما ۵۴ میلیون تعرفه به چاپ رسید. حال کجای این مساله شک و شبهه دارد؟ هیچ شک و شبهه‌یی وجود ندارد، مگر اینکه شما بخواهید شک و شبهه وارد کنید. در همین زمان خبرنگاری پرسید چرا در سال اصلاح الگوی مصرف تعرفه اضافه چاپ می‌کنید که دانشجو اظهار داشت؛ من منطق و روال موجود را بیان می‌کنم، گرچه شاید قانون نباشد اما اگر عده‌یی از افراد خواستند در نقطه دیگر کشور رای بدهند. ما ناچار هستیم ۱۵ درصد تعرفه اضافه چاپ کنیم و در اختیار محل اخذ رای قرار بدهیم تا

اگر فردی خواست جای دیگری رای بدهد ما تعرفه کم نیاوریم چون ما مبنا را بر حضور تمام واجدین شرایط قرار می دهیم. حال اگر فردی خواست رای بدهد و تعرفه وجود نداشت آیا این مساله نقض حقوق شهروندی نیست؟ به هر حال این روال در کشور وجود داشته است اما من نمی دانم چرا در دوره های قبل محل سوال و شبهه نبود و حال شما به آن شبهه وارد می کنید؟"

ما در مقام بحث، موقتاً با این استدلال او موافقت می کنیم؛ بویژه آنکه یکی از ارکان نقض حقوق شهروندی در کشور ما دستکم برای یکبار هم که شده در اندیشه حمایت از آن برآمده است! مقدمات ایشان همگی نادرستند و دعوای کمیته صیانت هم بر سر این مقدمات بود. کمیته صیانت بر اساس همین شواهد فریاد می زد که قلب و کودتایی در پیش است، اما کسانی که باید به این فریادها پاسخ می دادند، از آنجا که خودشان درگیر یا دستکم مؤید کودتا بودند، گوششان بدهکار این ناله ها نبود. طبق قانون انتخابات و آیین نامه مربوط ناحیه بندی حوزه های رأی گیری در انتخابات مربوط به شوراها یا مجلس شورا با انتخابات ریاست جمهوری متفاوت است. حوزه ها و ناحیه ها در انتخابات اولی پیچیدگی دارد و تعداد نمایندگان در هر حوزه متفاوت است. از این رو اگر هم عرف بر این بوده که تعدادی تعرف اضافه چاپ شود، طبعاً باید در انتخابات شوراها و مجلس بیش از انتخابات ریاست جمهوری که کل کشور یک حوزه محسوب می گردد، تعرفه چاپ شده باشد. در این سخنان آقای دانشجو نیز آمارهای ایشان بخوبی این مدعا را نشان می دهد. اگر در انتخابات پیچیده شوراها شهر برای ۴۶ میلیون واجد

شرایط، تنها ۹ میلیون تعرفه اضافی چاپ شده و هیچ مشکلی هم بنا بر ادعا پیش نیامده است، اگر برای انتخابات مجلس با تنوعی که دارد برای ۴۳ میلیون واجد شرایط ۱۲ میلیون اضافه تعرفه چاپ می‌شود، اگر برای انتخابات ریاست جمهوری قبلی که آمار شرکت کنندگان را برابر با آمار واجدین شرایط دوره اخبار اعلام شده، برای ۴۶ میلیون نفر شرکت کننده ۵۴ میلیون، یعنی ۸ میلیون برگه اضافه چاپ کرده بودند که معادل ۱۷,۴٪ می‌شود، چرا شما برای همین تعداد در انتخابات مشابه، گاهی می‌گویید ۱۱ میلیون (=۲۴٪)، گاهی ۱۱ و نیم میلیون (=۲۵٪)، گاهی ۱۳ میلیون (=۲۸٪) و زمانی هم ۱۵ میلیون (=۳۳٪) تعرفه اضافی چاپ شده است؟؟؟ ما کدام عدد را باور کنیم و چرا؟؟ چرا آمارهای شما، حتی آمار اعلام شده توسط یک نفر، این همه با هم تفاوت دارد؟؟ آیا ریگی به کفش کسی هست؟

توجه کنید که ریاضی‌دان بزرگ ما در این سخنان می‌گوید برای حفظ حقوق شهروندی مردم، چون جمعیت شناور است، یعنی روز انتخابات عده-ای از جایی به جای دیگر می‌روند «ما ناچار هستیم ۱۵ درصد تعرفه اضافه چاپ کنیم و در اختیار محل اخذ رای قرار بدهیم تا اگر فردی خواست جای دیگری رای بدهد ما تعرفه کم نیاوریم چون ما مینا را بر حضور تمام واجدین شرایط قرار می‌دهیم!!»

اما ۱۵٪ عدد ۴۶,۲۰۰,۰۰۰ نفر چقدر است؟ نه یک ریاضیدان بزرگ مانند آقای محصولی و دانشجو و شریفی راد، بلکه دانش آموزان ابتدائی هم می‌دانند که اگر این ادعا درست باشد، باید حدود ۷ میلیون تعرفه اضافی چاپ

شده باشد. اکنون باید این آقایان مسؤل بگویند که چرا حد اقل ۱۱ میلیون و حد اکثر ۱۵ میلیون تعرفه اضافه چاپ کرده‌اند (البته اگر این اعداد درست بوده باشند و بیش از این چاپ نکرده باشند) و تازه آن را بطور نامناسبی توزیع کرده‌اند تا در شهرهای کوچک تعرفه اضافه بیاید و در شهرهای بزرگ از اول صبح تعرفه نباشد؟؟!! جالب آنکه این مسؤلان به اصطلاح درستکار، در اولین اعلام شمارش آراء، بدون هیچگونه پیش زمینه‌ای و برای دفع دخل مقدر، برای توجیه کار خودشان، نخست آماری از ترکیب جمعیت روستایی و شهرهای کوچک و شهرهای متوسط و سپس شهرهای بزرگ ارائه دادند و آنگاه آن اعداد حیرت‌زا را با همه لرزشی که در کلامشان بود به این ملت عرضه کردند. آیا هنوز هم کلید قلب را بدست نیاورده‌اید؟

همین شخص در مصاحبه مطبوعاتی روز دوشنبه ۸۸/۳/۴ اعلام کرده است: "خبرگزاری ایسکانیوز: رییس ستاد انتخابات کشور با تاکید بر این که «آمادگی کامل برای برگزاری انتخابات را داریم» گفت: در حال حاضر در مرحله‌ای هستیم که ارسال تعرفه به استان‌ها را **به مقداری که در هر استان مشخص است**، شروع خواهیم کرد و ۱۵ تا ۲۰ درصد تعرفه اضافه نیز برای استان‌ها ارسال خواهیم کرد."

ملاحظه کنید که از ۸۸/۲/۱۵ تا ۸۸/۳/۴ نسبت تعرفه اضافی از عدد ثابت ۱۵٪ به عنوان سنت گذشته تغییر می‌کند و بین ۱۵ تا ۲۰ درصد اعلام می‌شود؛ اجازه بدهید باز هم ما در مقام مجادله این عدد را قبول کنیم.

آیا ما باید عدد ۲۰٪ را بپذیریم؟ در این صورت چه نیازی به گفتن ۱۵ تا ۲۰ درصد است؟ کافی بود این بزرگ ریاضی دان ما همان ۲۰٪ را ذکر می کرد، در حالی که عرفاً ذکر یک محدوده برای بیان عددی میان این محدوده است. با این حال، همین عدد ۲۰٪ را لحاظ می کنیم. در این صورت باید برای ۴۶,۲۰۰,۰۰۰ نفر معادل ۹ میلیون تعرفه اضافه چاپ کرده باشند. این در حالی است که کمترین عددی که برای شمارگان تعرفه اعلام کرده اند، ۵۷ میلیون تعرفه است، یعنی یازده میلیون اضافه. مقایسه دو عدد ۴۶ و ۵۷ میلیون نشان می دهد که آنها اگر راست گفته باشند، در مرحله اول نزدیک به ۲۵٪ جمعیت واجد شرایط تعرفه اضافه چاپ کرده بودند. پرسش اصلی همه ما این است که چرا این همه دروغ گفتند؟ چرا این همه می کوشیدند که مردم را گیج کنن؟ چرا این همه غوغا براه انداخته بودند تا امکان داوری درست از مردم سلب شود و کسی نفهمد که در ستاد انتخابات چه می گذرد؟

اگر ۴۶ و ۵۸,۸۷۵,۰۰۰ یا تقریباً ۵۹ میلیون مورد ادعا در گزارش تفصیلی شورای نگهبان و آقای محصولی را ملاک قرار دهیم، آنها ۱۳ میلیون، یعنی ۲۸٪ واجدین شرایط تعرفه اضافی چاپ کرده اند که در مقایسه با آن ۱۵٪ که آقای دانشجو آن را عرف و قانون و سنت نامیده است، نزدیک به دو برابر عرف «معقول»، تعرفه اضافی چاپ شده است!! چرا؟

اگر با کل تعرفه که خود این آقایان آمار داده اند، یعنی حدود ۶۱ میلیون مقایسه کنیم، در اینصورت نسبت تعرفه اضافی به بیش از ۳۳٪ می رسد!!

چرا؟ چرا باز هم در شهرهای بزرگ کمبود تعرفه داشتیم، در حالی که ادعای توزیع معقول می کردند؟

اگر می توانستیم اطلاعات و اعدادی را که کمیته صیانت از منابع داخل ستاد انتخابات وزارت کشور بدست آورده بود ملاک قرار دهیم، آنگاه نسبت تعرفه اضافی به ۵۰ و حتی ۶۰٪ می رسید؟ حالا دیگر وزارت کشور باید بگوید که برای انجام چنین تقلب وسیعی چقدر تعرفه اضافی **معقول** است؟

به هر حال باردیگر در ۸۸/۳/۱۸ "به گزارش شبکه خبر به نقل از واحد مرکزی خبر، کامران دانشجو، در جمع خبرنگاران خارجی در ستاد انتخابات کشور گفت: همه تعرفه ها، مهرها، رایانه ها و دیگر ملزومات مورد نیاز شعب، به استانداری ها و فرمانداری های سراسر کشور ارسال و مانند گذشته، میان ۱۵ تا ۲۰ درصد به علت شناور بودن جمعیت در کشور، تعرفه اضافه ارسال شده است." حالا دیگر کمیته صیانت از آراء باید پرتقال فروش را پیدا کند، چون ریاضی دان ما بخوبی توانسته است مسأله را حل نماید.

همکاران آقای دانشجو در استان ها و فرمانداری ها هم با استفاده از الگوی «نامعقول» ایشان، برخلاف سنت و سیره «معقول»، تعرفه ها را بطور نامناسبی توزیع کردند، البته توزیع در واقع بر اساس سناریوی خاصی بوده است.

وضعیت توزیع در شهرستانها

وزارت کشور در نامه مورد بحث به همشهری می نویسد:

۳۱- چاپ تعرفه اضافه، که طبق قانون و عرف انتخابات صورت گرفت، بارها و بارها در مطبوعات و از سوی ستاد ایشان، مورد تهاجم واقع شد، که وزارت کشور در موقع خود پاسخ آنها را داد و بر اساس وظیفه قانونی و با توجه به میزان مشارکت بیشتر پیش بینی شده اقدام به چاپ تعرفه کرد، تا با مشکل مواجه نشود. و طبیعی است تخمین دقیق و بدون خطاء تعداد رای دهنده در هر شهرستان و یا در هر صندوق امکان پذیر نیست.

۴- در این دوره از انتخابات، **به منظور صیانت از آراء مردم**، کلیه تعرفه ها دارای سریال مخصوص و کد اختصاصی استانی بود که امکان جابجائی را از بین می برد تا رای مردم با ضریب امنیتی بیشتری حفاظت گردد.

۵- ما قصد این را نداریم که بگوئیم آیا آقای موسوی و دیگران، با سوء نیت آن فشارها را وارد می کردند تا تعرفه اضافه چاپ نشده و در نتیجه مردم با کمبود تعرفه مواجه شوند و آنها امروز بهانه ای دیگر برای تهمت و اعتراض داشته باشند، لیکن اظهارات فعلی ایشان جای این سؤال را باقی می-گذارد.

۶- با توجه به شکوه و عظمت حضور ملت از ساعات اولیه در سر صندوقهای رای، صفوف متراکمی تشکیل شده بود و به همین دلیل نیز به کلیه شعب گفته شد به محض آنکه تعداد تعرفه های باقیمانده به عدد ۱۰۰ رسید سریعاً خبر دهید و قبل از اتمام آنها، تعرفه های مورد نیاز برای آنها ارسال می شد.

با اینکه تبلیغات همه جانبه‌ای هم از سوی هواداران ایشان سازماندهی شد و به **دروغ** آشکار متوسل شدند که قرار است در صندوق‌های مستقر در مساجد تقلب صورت گیرد! و مردم را به سوی صندوق‌های مستقر در مدارس دعوت کردند.

۷- با توجه به قانون انتخابات، رای دهندگان مجاز هستند در هر نقطه‌ای از کشور که بخواهند رای بدهند. لذا سیال بودن تعداد رای دهندگان، موجب می‌شود تا نتوان دقیقاً برآورد کرد که در هر صندوق چند نفر مراجعه می‌نمایند از این رو در شعب اخذ رای، با در نظر گرفتن آمار رای دهندگان در آخرین انتخابات در هر شهرستان و صندوق تعداد تعرفه متناسب تحویل داده شد و تنها تعداد معدودی از شعب اخذ رای با کمبود تعرفه مواجه شدند که به سرعت تعرفه لازم تحویل گردید." همانگونه که در بند آخر این متن می‌بینید باید استانداری‌ها و فرمانداری‌ها به همان نسبت «معقول» تعرفه اضافی را به شهرستان‌ها و صندوق‌ها می‌فرستادند.

برای پاسخ به بند ۵ اشاره به ضرب المثل معروف «مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد» کافی است. کسی ادعای دروغ تقلب در مدارس را مطرح نکرده بود مگر عوامل ناپیدای خودشان، بلکه کمیته صیانت و ستاد آقای موسوی مردم را تشویق کرده است که در همه اماکن حاضر باشند و صحنه را برای تقلب احتمالی خالی نگذارند. در این مورد دستکم روزهای بیست و یک و بیست و دوم خرداد ماه از طریق سایت قلم وابسته به ستاد

آقای میر حسین موسوی اطلاعیه صادر شده است. همانطور که پیشتر اشاره شد، آنها همواره با استفاده از این ترفند می‌کوشند دروغ خودشان را بپوشانند.

بارها نشان دادیم که آقای دانشجو تا ۸۸/۳/۲۸ ادعا کرده است که ۵۶,۷۵۷,۰۰۰ برگ تعرفه چاپ و توزیع شده بود. ایشان از ۲,۱۰۰,۰۰۰ برگ تعرفه که آقای محصولی در ۸۸/۴/۳ ادعا کرده بی اطلاع بوده است. در هر صورت، آنچه مسلم است قبل از انتخابات همین تعداد برگ تعرفه را به استانها توزیع کرده‌اند که در مقایسه با ۴۶,۲۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت واجد شرایط ادعا شده، ۲۳٪ اضافه بر جمعیت چاپ کرده‌اند در حالی که پیوسته می‌گفتند حد معقول اضافه تعرفه ۱۵ تا ۲۰ درصد است. تازه اگر مبنایی برای پذیرش توزیع عمومی تعرفه اضافی چاپ شده در پیش از انتخابات که در سخنان آقای محصولی آنهم یک هفته پس از انتخابات و ناگهانی ادعا شده بود، می‌داشتیم، یعنی چنانچه نسبت میان دو عدد ۵۸۸۷۵۰۰۰ برگ و ۴۶۲۰۰۰۰۰ نفر را لحاظ کنیم، درصد معقول آقایان به ۲۸٪ می‌رسید؛ که بسیار معقولتر هم می‌شد!!

در اینجا پیش از نمایش جدول توزیع بر اساس ادعاهای آقایان مسئول، مناسب است بار دیگر سخنان آقای دانشجو را در ۸۸/۳/۱۶ مرور کنیم که تا ۸۸/۴/۷ آن را تکرار کرده است:

"ایرنا ۸۸/۳/۱۶ - دانشجو در بخش دیگری از صحبت های خود تاکید کرد: دروغ که شاخ و دم ندارد شما به یکباره بیاید آرای مورد نظر نامزد

خود را نیز اعلام کنید. برخی ها فکر می کنند دروغ نه تنها گناه ندارد بلکه ثواب دارد و برای آخرتشان خوب است.

وی افزود: بعضی ها در مورد نحوه تشکیل هیات های اجرایی نیز شبهاتی وارد می کنند در حالی که نحوه تشکیل هیات های اجرایی کاملاً روند مشخص و قانونی دارد و از بین معتمدین محلی این افراد انتخاب می شوند که در تهران افرادی چون آقایان ریسی و دعایی در این هیات حضور دارند. رئیس ستاد انتخابات گفت: در مورد تعداد واجدان شرایط اخذ رای و تعداد تعرفه های چاپ شده نیز برخی ها شبهاتی مطرح می کنند در حالی که ما بارها اعلام کردیم ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در کشور براساس آخرین آمار سازمان ثبت احوال و مرکز آمار ایران واجد شرایط حضور در انتخابات هستند هر چند که شایعه پراکنان نسبت به ارایه نام آنها از سوی این دو مرجع رسمی شبهات دارند. وی گفت: ما ۵۷ میلیون تعرفه برای این دوره از انتخابات چاپ کردیم که روند چاپ تعرفه اضافه همواره در انتخابات گذشته از ابتدا تا کنون به صورت ۱۵ تا ۲۰ درصد بیشتر از تعداد واجدان شرایط رای وجود داشته است. دانشجو خطاب به کسانی که چاپ اضافه تعرفه را دلیلی بر بروز تقلب در انتخابات اعلام کردند اظهار داشت: ما مجبوریم براساس نیاز همچون ادوار گذشته تعرفه اضافه چاپ کنیم. حداقل در انتخابات نهم که شما مجری بودید چیزی حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون تعرفه اضافه (؟؟) چاپ شد. آیا این چاپ اضافه تعرفه در آن زمان هم مبنایی برای تقلب در انتخابات بود؟ وی با اشاره به این که برخی ها با اعلام این که

تعرفه‌ها در یک موسسه خصوصی چاپ می‌شود سعی کردند مجریان انتخابات را زیر سوال ببرند ولی هر چقدر ما را مظلومانه مورد انتقاد و هجمه‌های تبلیغاتی منفی قرار دهند ما براساس قانون عمل کرده و از طریق صدا و سیما محل چاپ تعرفه‌ها را که در چاپخانه بانک ملی ایران انجام می‌شود را به مردم نشان دادیم حال قضاوت با خود مردم است."

بله قضاوت با مردم است و دروغگو رسوای عمل خویش است. کمیته صیانت می‌دانست که «دروغ که شاخ و دم ندارد» و نمی‌خواست «آرای مورد نظر نامزد خود را» اعلام کند، بلکه از دروغ‌های شاخداری که می‌شنید در شگفت بود و از اینکه شما آراء مورد نظر نامزد خودتان را اعلام کرده‌اید، نسبت به آینده این کشور نگران بود. برخی‌ها فکر می‌کنند دروغ نه تنها گناه ندارد بلکه ثواب دارد و برای آخرتشان خوب است. آمار مورد نظر نامزد آیا ۲۳٪ اضافه تعرفه همان ۱۵ تا ۲۰ درصد است؟ اکنون با فرض اینکه برای هر استان با کد اختصاصی آن استان بر اساس ۲۳٪ اضافه بر جمعیت واجد شرایط تعرفه چاپ شده باشد، به این جدول نگاه کنید:

استان	جمعیت سال ۸۵	جمعیت واجد شرایط ۸۸	کل تعرفه ارسالی	کل آراء مأخوذه	مانده تعرفه
آذربایجان شرقی	۳,۶۰۳,۴۵۶	۲,۴۶۱,۵۵۳	۳,۰۲۷,۷۱۰	۲,۰۱۰,۳۴۰	۱,۰۱۷,۳۷۰

۹۸۱،۹۱۱	۱،۳۳۴،۳۵۶	۲،۳۱۶،۲۶۷	۱،۸۸۳،۱۴۴	۲،۸۷۳،۴۵۹	آذربایجان غربی
۳۴۷،۹۹۹	۶۴۲،۰۰۵	۹۹۰،۰۰۴	۸۰۴،۸۸۱	۱،۲۲۸،۱۵۵	اردبیل
۱،۰۳۷،۶۹۲	۲،۶۳۷،۴۸۲	۳،۶۷۵،۱۷۴	۲،۹۸۷،۹۴۶	۴،۵۵۹،۲۵۶	اصفهان
۱۲۷،۲۸۸	۳۱۲،۶۶۷	۴۳۹،۹۵۵	۳۵۷،۶۸۷	۵۴۵،۷۸۷	ایلام
۲۲۰،۴۴۹	۴۹۳،۹۸۹	۷۱۴،۴۳۸	۵۸۰،۸۴۴	۸۸۶،۲۶۷	بوشهر
۳،۲۹۸،۱۱۳	۷،۵۲۱،۵۴۰	۱۰،۸۱۹،۶۵۳	۸،۷۹۶،۴۶۶	۱۳،۴۲۲،۳۶۶	تهران
۱۹۶،۱۰۷	۴۹۵،۴۴۶	۶۹۱،۵۵۳	۵۶۲،۲۳۸	۸۸۷،۹۱۰	چهارمحال وبختیاری
۱۶۴،۷۸۳	۳۸۳،۱۵۷	۵۴۷،۹۴۰	۴۴۵،۴۸۰	۶۳۶،۴۲۰	خراسان جنوبی
۱،۰۳۱،۸۴۵	۳،۱۸۱،۹۹۰	۴،۲۱۳،۸۳۵	۳،۴۲۵،۸۸۲	۵،۵۹۳،۰۷۹	خراسان رضوی
۱۳۱،۷۲۰	۴۶۴،۰۰۱	۵۹۵،۷۲۱	۴۸۴،۳۲۶	۵۱۱،۵۷۲	خراسان شمالی
۱،۴۰۷،۱۷۷	۲،۰۳۸،۸۴۵	۳،۴۴۶،۰۲۲	۲،۸۰۱،۶۴۴	۴،۲۷۴،۹۷۹	خوزستان
۱۹۱،۸۳۶	۵۸۵،۷۲۱	۷۷۷،۵۵۷	۶۳۲،۱۶۰	۹۶۴،۶۰۱	زنجان
۱۵۳،۵۷۷	۳۸۳،۳۰۸	۵۳۶،۸۸۵	۴۳۶،۴۹۲	۵۸۹،۷۴۲	سمنان
۶۲۴،۲۲۸	۹۸۲،۹۲۰	۱،۶۰۷،۱۴۸	۱،۳۰۶،۶۲۴	۳،۴۰۵،۷۴۲	سیستان وبلوچستان

۹۷۲،۶۱۷	۲،۵۲۳،۳۰۰	۳،۴۹۵،۹۱۷	۲،۸۴۲،۲۰۹	۴،۳۳۶،۸۷۸	فارس
۲۲۹،۱۶۷	۶۹۲،۳۵۵	۹۲۱،۵۲۲	۷۴۹،۲۰۵	۱،۰۴۶،۷۳۷	قزوین
۲۰۷،۸۲۵	۵۹۹،۰۴۰	۸۰۶،۸۶۵	۶۵۵،۹۸۸	۱،۴۴۰،۱۵۶	قم
۵۵۰،۱۴۰	۶۱۰،۷۵۶	۱،۱۶۰،۸۹۶	۹۴۳،۸۱۸	۲،۶۵۲،۴۱۳	کردستان
۶۳۲،۲۷۰	۱،۵۰۵،۸۱۴	۲،۱۳۸،۰۸۴	۱،۷۳۸،۲۸۰	۲،۶۵۲،۴۱۳	کرمان
۵۳۱،۵۳۵	۹۸۳،۴۲۲	۱،۵۱۴،۹۵۷	۱،۲۳۱،۶۷۲	۱،۸۷۹،۳۸۵	کرمانشاه
۱۴۲،۵۹۷	۳۶۸،۷۰۷	۵۱۱،۳۰۴	۴۱۵،۶۹۴	۶۳۴،۲۹۹	کهگیلویه ویویراحمد
۴۳۴،۰۶۳	۸۶۹،۴۵۳	۱،۳۰۳،۵۱۶	۱،۰۵۹،۷۶۹	۱،۶۱۷،۰۸۷	گلستان
۴۵۵،۲۷۹	۱،۴۸۳،۲۵۸	۱،۹۳۸،۵۳۷	۱،۵۷۶،۰۴۶	۲،۴۰۴،۸۶۱	گیلان
۴۱۹،۴۰۶	۹۶۴،۲۷۰	۱،۳۸۳،۶۷۶	۱،۱۲۴،۹۴۰	۱،۷۱۶،۵۲۷	لرستان
۴۳۵،۹۰۷	۱،۹۱۹،۸۳۸	۲،۳۵۵،۷۴۵	۱،۹۱۵،۲۴۰	۲،۹۲۲،۴۳۲	مازندران
۳۰۳،۲۷۴	۷۸۵،۹۶۱	۱،۰۸۹،۲۳۵	۸۸۵،۵۵۷	۱،۳۵۱،۲۵۷	مرکزی
۳۸۸،۴۶۳	۷۴۳،۰۲۴	۱،۱۳۱،۴۸۷	۹۱۹،۹۰۸	۱،۴۰۳،۶۷۴	هرمزگان
۵۲۶،۲۶۵	۱،۰۱۹،۱۶۹	۱،۵۴۵،۴۳۴	۱،۲۵۶،۴۵۰	۱،۷۰۳،۲۶۷	همدان
۱۳۹،۶۳۳	۶۰۹،۸۵۶	۷۴۹،۴۸۹	۶۰۹،۳۴۱	۹۹۰،۸۱۸	یزد
۲۳۶،۴۲۶	۲۲۵،۲۲۴	۴۶۱،۶۵۰	۳۰۸،۵۱۶	؟؟	خارج کشور
۱۷،۵۳۶،۹۶۱	۳۹،۳۷۱،۲۱۴	۵۶،۹۰۸،۱۷۵	۴۶،۲۰۰،۰۰۰	۷۲،۷۳۴،۹۹۵	جمع

در خصوص این جدول باید توضیح بدهیم که:
الف) منبع آمار جمعیت مرکز آمار ایران است.
ب) شمار جمعیت سال ۸۵ برای مقایسه داده شده است.
ج) منظور از **کل تعرفه ارسالی** جمعیت واجد شرایط به اضافه ۲۳٪ تعرفه اضافی چاپ شده است.
د) تعرفه ارسالی به خارج از کشور از روی اطلاعات کمیته مشترک خارج از کشور ستاد آقای موسوی درج شده و علت آن را در بخش قبلی توضیح داده‌ایم.
ه) جمعیت خارج از کشور هم از روی برآورد خود آنها و وزارت خارجه اخذ شده است.
و) اختلاف ۱۵۱,۱۷۵ برگ در جمع تعرفه ارسالی با ۵۶,۷۵۷,۰۰۰ برگی که وزارت کشور اعلام کرده اختلاف ناچیزی است که ناشی از تقریبی سخن گفتن خود آنها بوده است.
ز) فزونی آراء مأخوذه در دو استان مازندران و یزد از نکات جالبی است که خودشان هم بدان اعتراف کرده اند.
با توجه به این جدول ضمن اینکه اکثر ادعاهای آقایان در وزارت کشور درباره چاپ تعرفه اضافی پوچ و بی‌معنا جلوه می‌کند و نشان از دروغگویی است، اصل سوء نیت در مدیریت تعرفه هم بر ملا می‌شود.

آماري که برخی از استانها داده‌اند، با ارقام مرکز آمار کشور متفاوت است و دلیل آن هم روشن نیست. با اینحال مدرکی است که سوء نیت‌های موجود را فاش می‌کند. از جمله به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) "رشید رییس ستاد انتخابات خراسان رضوی روز یکشنبه ۱۶ فروردین تصریح کرد: تعداد واجدین شرایط شرکت در انتخابات در استان خراسان رضوی ۳ میلیون و ۶۶۵ هزار و ۴۷۱ نفر می‌باشد که به همین منظور ۴ میلیون برگ تعرفه رای در نظر گرفته شده است (=۹٪ اضافه بر جمعیت)". در جدول مرکز آمار ایران شمار واجدین شرایط این استان ۳،۴۲۵،۸۸۲ نفر ذکر شده است، یعنی شمار اعلام شده از سوی استانداری حدود ۴۰۰،۰۰۰ نفر بیش از این است، اما در مقابل، شمار تعرفه‌ای که به گفته استانداری برای استان از سوی ستاد انتخابات وزارت کشور در نظر گرفته شده ۲۱۳،۸۳۵ برگ کمتر از عددی است که ما طبق یک روند عمومی توزیعی در جدول بالا محاسبه کرده‌ایم. هیچ دلیلی وجود ندارد که وزارت کشور ۲۳٪ بیش از واجدین شرایط در کشور تعرفه چاپ کند، اما به یک استان کمتر از استان دیگر اختصاص بدهد، بویژه اینکه به خاطر چاپ تعرفه با کد استانی تعرفه‌های هر استان اختصاصی آن است. این بدان معناست که از ابتدا وزارت کشور یا بر اساس یک محاسبه استاندارد ۲۳٪ بیش از جمعیت هر استان را لحاظ کرده و تعرفه چاپ کرده است، یا بر پایه یک طرح ویژه و با سوء نیت نسبت به چاپ تعرفه افزونتر برای یک استان نسبت به استانی دیگر اقدام کرده است که هیچ دلیل توجیهی جز عزم پیشین

برای قلب ندارد. اینکه آقای دانشجو مکرر می‌گوید، معترضان دروغگو هستند، ما راستگو هستیم و بر اساس روند گذشته ۱۵ تا ۲۰ درصد تعرفه اضافی برای هر استان چاپ کرده‌ایم، باید به راستی توضیح بدهد که چرا در استان خراسان رضوی چنین نبوده است و ۹٪ تعرفه اضافی اختصاص داده شده است؟ در کدام استان دیگر هم چنین نکرده‌اند؟ در کدام استان دیگر اضافه‌تر چاپ کرده‌اند و چرا؟

مقایسه میان جمعیت و تعرفه تخصیص داده شده در استان خراسان رضوی برپایه اعلام استانداری نشان می‌دهد که برای این استان تنها ۹٪ اضافه بر جمعیت واجد شرایط تعرفه چاپ کرده‌اند، چرا؟ این در حالی است که هر ایرانی می‌داند از اوائل خرداد ماه بر جمعیت زائر مشهد رضوی افزوده می‌شود. یعنی اگر قرار باشد که برای شناور بودن جمعیت یک مثال زنده برای ایرانی‌ها بزنیم می‌توانیم به تغییر جمعیت شهر مشهد در فصول مختلف اشاره کنیم. از ۱۵ خرداد بخشی از کشاورزان مقیم استانهای فارس، خوزستان، یزد و کرمان و سایر استانهای گرمسیر تا حدی فراغت می‌یابند و دانش‌آموزان هم زودتر از استانهای دیگر امتحاناتشان را برگزار می‌کنند (در این دوره به خاطر انتخابات امتحانات زودتر اجرا شد)، بنا بر این مردم این ناحیه امکان سفر زیارتی پیدا می‌کنند. از این رو، اگر قرار بر یک محاسبه «معقول» می‌بود، می‌بایست این گروه که مدعی صداقت و صیانت از آراء هستند برای این استان حد اقل به اندازه استان یزد که در این فصل سال مردمش به خاطر گرما به جاهای دیگر مهاجرت می‌کنند جمعیت شناور لحاظ می‌کردند!

آقای رشید بعد از انتخابات هم به نوشته وبلاگ «خبرنگار خراسان» در ۸۸/۳/۲۴ بار دیگر طی مصاحبه‌ای ضمن اعلام نتیجه انتخابات در استان خراسان رضوی بر همان آمار پیش گفته تأکید نموده است:

"رئیس ستاد انتخابات استان خراسان رضوی ضمن اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در استان از مشارکت ۸۶/۴۳ درصدی مردم استان در انتخابات خبر داد. به گزارش [روزنامه] خراسان، قهرمان رشید صبح روز گذشته در جمع خبرنگاران با بیان این که ۳ میلیون و ۶۶۵ هزار و ۴۷۱ نفر در خراسان رضوی واجد شرایط رای دادن بودند که از این تعداد ۳ میلیون و ۱۶۸ هزار و ۴۱۸ نفر در انتخابات شرکت کرده‌اند ... شایان ذکر است میزان مشارکت مردم خراسان رضوی در انتخابات ریاست جمهوری دهم صبح دیروز ابتدا ۸۳/۹۸ درصد و پس از حدود یک ساعت این آمار تصحیح و نرخ مشارکت ۸۶/۴۳ درصد اعلام شد. مجموع آرای مأخوذه نیز ابتدا ۳ میلیون و ۷۸ هزار و ۴۱۴ رأی اعلام شده بود که پس از آن این آمار اصلاح و به ۳ میلیون و ۱۶۸ هزار و ۴۱۸ رأی تغییر یافت." یعنی ناگهان ۹۰۰۰۰ رأی تغییر پیدا کرد!!"

آیا شناور بودن جمعیت که مکرر بهانه چاپ تعرفه اضافی قرار گرفته است، در کدامیک از استانها سبب شده است که کمبود تعرفه نسبت به چاپ اول پیش بیاید؟ در استان مازنداران که جمعیتی بیش از جمعیت پیش بینی شده به زعم شما رأی داده‌اند، چرا کمبود تعرفه پیش نیامد؟ چرا در یزد این اتفاق نیفتاد و در فارس و تبریز رخ داد؟ چرا در استان خراسان رضوی که

هم بیش از متوسط اعلام شده از سوی وزارت کشور (۸۳ درصد رای‌دهنده در کل کشور) در انتخابات مشارکت نموده و رأی داده‌اند، بحث جنجالی کمبود تعرفه پیش نیامد، در حالی که قبل و بعد از انتخابات مسؤل مربوط در استانداری اذعان کرده است که فقط ۹٪ بیش از جمعیت واجد شرایط تعرفه اضافه دریافت نموده است. مراد از اینکه می‌گوییم کمبود تعرفه پیش نیامد، نه آن است که در هیچ شعبه‌ای چنین مشکلی نبود (چرا که گزارشاتی از برخی شعب این استان مبنی بر کمبود تعرفه به ستادهای انتخاباتی نامزدها واصل شده بو) بلکه مقصود این است که مشکل در خود استان حل شده است. اگر هم مانند برخی دیگر از شعب درها را به روی مردم بسته‌باشند، چندان انعکاسی در رسانه‌ها و نزد نامزدها پیدا نکرد.

سایت تابناک که از مواضع آقای محسن رضایی حمایت می‌کرد در ۸۸/۳/۳۱ تحت عنوان «علت مشارکت بالای ۱۰۰ درصد برخی حوزه‌های رأی‌گیری!» می‌نویسد:

"دانشجو، رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور که پیشتر اعلام کرده بود، انتشار لیست جداگانه صندوق‌های رأی خلاف قانون است و عملی غیرقانونی بوده و وزارت کشور به انتشار آن تن نمی‌دهد، سرانجام پس از ۹ روز از گذشت انتخابات، البته به صورت ناقص، اقدام به انتشار لیستی از آرای تفکیکی برخی حوزه‌ها کرد.

به گزارش خبرنگار «تابناک»، دانشجو که بار دیگر در برنامه ۴۵ دقیقه شبکه خبر حاضر شده بود، به نظر می‌رسید که این بار تلاش دارد، دست کم به

عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور - که باید پناه و حامی آرای همه کاندیداها باشد - با شبهه‌زدایی و شفافیت کامل و تشریح و تبیین وضعیت انتخاباتی و نیز با آرام کردن وضعیت موجود، فضایی فراهم آورد تا شکایات کاندیداها را بی‌ربطی با قوانین و مقررات کشور و ادعاهای آنان را کاملاً بی‌پایه و صد در صد غیره موجه نشان دهد.

وی که به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور برای پاسخ به برخی شبهات درباره فرآیند برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در این برنامه حاضر شده بود، درباره مشارکت بالای ۹۵ تا ۱۰۰ درصد در برخی از حوزه‌های انتخابیه گفت: در دوره‌های متعدد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، شاهد مشارکت بیش از صد درصد در مناطق گوناگون کشورمان بودیم و این تنها محدود به این دوره از انتخابات نمی‌شود، به گونه‌ای که در دوره ششم مجلس شورای اسلامی که مشارکت حدود ۵۴ درصد بود، در ۶۴ حوزه، شاهد آرای بالاتر از ۹۵ تا صد درصد بودیم و این موضوع در انتخابات مجلس هشتم که میزان مشارکت معادل ۵۵ درصد بود، نیز در ۴۹ حوزه حاصل شد. این میزان در انتخابات ریاست جمهوری نهم که مشارکت معادل ۶۲ درصد بود نیز در ۴۲ حوزه رقم خورد؛ بنابراین، در این دوره از انتخابات با مشارکتی حدود ۸۵ درصد (بیش از ۲۲ درصد نسبت به انتخابات گذشته) وجود مشارکت بالای ۹۵ تا صد درصد در ۴۰ حوزه انتخابیه به نسبت دوره‌های گذشته، عادی است.

رئیس ستاد انتخابات کشور، اما درباره علت وقوع این پدیده گفت: برخی استان‌ها و شهرستان‌ها در فصل بهار و تابستان مسافرپذیر هستند و از همین روست که برخی از شهرستان‌های استان مازندران که معمولاً پنجشنبه و جمعه مسافرانی از دورترین نقاط کشور دارند، مشارکت بالای ۱۰۰ درصد داشته باشند.

هرچند کامران دانشجو تا پیش از روی کار آمدن دولت نهم، تجربه چندانی در برگزاری انتخابات نداشت، انتظار می‌رفت پس از انتصابش به عنوان استاندار تهران و به دنبال آن، معاون سیاسی وزیر کشور، این موضوع اجتماعی - روانی انتخابات را در این مدت تجربه کرده و به این نتیجه رسیده باشند که بین انتخابات شوراهای، مجلس و ریاست جمهوری، تفاوت‌های بسیاری است.

اما فارغ از این موضوع، درباره این ادعای وی که تنها در چهل حوزه مشارکت بالای ۹۵ تا صد درصد داشته‌اند و دلیل آن را مسافرپذیری برخی از استان‌ها و شهرستان‌ها در فصل بهار! ذکر کرده و شهرستان‌های استان مازندران را که معمولاً در پنجشنبه و جمعه، مسافرانی از دورترین نقاط کشور دارد، به عنوان شاهدهی برای مدعای خود بیان کرده‌اند، بیان نکات زیر برای روشن شدن ادعای وی ضروری است؛ نخست درباره تعداد حوزه‌ها که ایشان رقم چهل را برای مشارکت آنها ذکر کرده‌اند. آخرین آمار که از سوی خود وزارت کشور انتشار یافته است، رقم ۱۲۵ حوزه را نشان می‌دهد که بین ۹۵ تا ۱۴۰ درصد مشارکت داشته‌اند.

و در این میان، استان یزد با داشتن پنج حوزه رأی‌گیری با آرای بالاتر از ۱۰۰ درصد و وجود حوزه «تفت» با میزان مشارکت ۱۴۱ درصد، رکورددار میزان آرای گرفته شده در بین حوزه‌های رأی‌گیری کل کشور به شمار می‌رود.

آقای دانشجو مدعی شده‌اند که به دلیل فصل بهار و مسافرت پنجشنبه و جمعه، میزان مشارکت در برخی از حوزه‌ها افزایش داشته است و استان مازندران را به طور مشخص نام برده‌اند، اما برای آگاهی رئیس ستاد انتخابات کشور، باید گفت که خراسان جنوبی و شمالی و رضوی با همان پراکندگی جمعیتی ۲۳ حوزه آن مشارکت بالای ۹۵ درصد داشته، در صورتی که استان مازندران، تنها ده حوزه رأی‌گیری با مشارکت ۹۵ درصدی دارد که در این زمینه با حوزه کویری کرمان که همگان وضعیت آب و هوایی این استان را در این فصل می‌دانند، با داشتن مشارکت بالای ۹۵ درصد در ۹ حوزه رأی‌گیری با استان مازندران که مصداق گفته ایشان است، برابری می‌کند.

بنابراین، پراکندگی ۱۲۵ حوزه انتخاباتی که مشارکت در آن بین ۹۵ درصد تا ۱۴۱ درصد است، در سرتاسر ایران به نسبت تقسیم شده و جالب اینجاست که حوزه‌ای مانند شهر اردبیل که اکنون در بین شهرهای ایران، بهترین آب و هوا را داشته و مناسب‌ترین مکان برای مسافرت است، تنها در یک حوزه دارای مشارکت ۹۷ درصدی بوده است.

دادن کلیه اطلاعات درست به مردم به ویژه تعداد آرای آنها، شاید در انتخابات گذشته - که حساسیت در جامعه نبوده - توجیه‌پذیر باشد، اما چگونه می‌توان در این برهه حساس و دقت افکار عمومی، با بیان این مطلب که در دوره‌های گذشته این موضوع انجام نشده، توجیهات غیرمنطقی داد؟! هم اکنون باید افکار عمومی را - که این موضوع را زیر ذره‌بین برده‌اند - اقناع کرد و این تنها با دادن اطلاعات درست و جزئی مرتفع می‌شود؛ این رسالتی است که ستاد انتخابات کشور، باید عهده‌دار آن شده و به نحو احسن انجام دهد."

ملاحظه می‌کنید که در استان خراسان رضوی هرچند در صندوق‌های چندین شعبه بیش از جمعیتش رأی ریخته شده است، باز کمبود تعرفه وجود نداشته یا در سطح استان برطرف شده است. بنا بر این می‌توان پرسید که با وجود ۹٪ تعرفه اضافی اگر در این استان مشکل تعرفه پیش نیامده یا مدیریت شده است، چرا در جاهای دیگر چنین نبوده است؟ به گزارش روز ۸۸/۳/۲۴ خبرگزاری مهر در استان یزد نیز ۱۰٪ اضافه بر جمعیت رأی دهنده تعرفه توزیع شده بود. این در حالی است که طبق آمار وزارت کشور بیش از صد در صد مردم این استان در انتخابات مشارکت داشته‌اند، زیرا به ادعای آقای دانشجو در ۸۸/۳/۲۲ ناگهان این منطقه کویری خوش آب و هوا شده است!!

در بوشهر نیز بنا بر مصاحبه مطبوعاتی آقای ابوطالب شفقت، استاندار بوشهر، که خبرگزاری مهر روز ۸۸/۳/۲۳ منتشر نموده است، ۹٪ تعرفه اضافه توزیع شده بود.

"بوشهر - خبرگزاری مهر: استاندار بوشهر ابوطالب شفقت در شعبه اخذ رأی مسجد توحید گفت: براساس گزارشهایی که فرمانداران ارسال کرده- اند، میزان مصرف تعرفه‌ها نسبت به انتخابات دوره‌های گذشته در استان حدود ۹ درصد بیشتر بوده است."

این مصاحبه که نسبت تعرفه مصرفی را با دوره پیشین می‌سنجد، در عمل میزان تعرفه مصرفی در این استان، یعنی تعرفه توزیعی، را کمتر از نه درصد در دوره فعلی اعلام می‌کند، زیرا با اینکه در دوره قبلی جمعیت رأی‌دهنده ۴۶ میلیون بوده است، اما ۵۴ میلیون تعرفه چاپ کرده بودند و بنا بر این با این معیار باید ۹٪ کمتر مصرف کرده باشند و نه با معیار ۵۷ میلیون برای ۴۶ میلیون رأی‌دهنده در دوره فعلی.

این نکته به ما حق می‌دهد که جدول تازه‌ای را طراحی کرده و سهم استانها را بر اساس ده درصد (تازه بیش از سهم خراسان رضوی) تعیین کرده و پرسش را تکرار نماییم:

استان	جمعیت سال ۸۵	جمعیت واجد شرایط ۸۸**	کل تعرفه ارسالی*	کل آراء مأخوذه	مانده تعرفه
آذربایجان	۳,۶۰۳,۴۵۶	۲,۴۶۱,۵۵۳	۲,۷۰۷,۷۰۸	۲,۰۱۰,۳۴۰	۶۹۷,۳۶۸

					شرقی
۷۳۷،۱۰۲	۱،۳۳۴،۳۵۶	۲،۰۷۱،۴۵۸	۱،۸۸۳،۱۴۴	۲،۸۷۳،۴۵۹	آذربایجان غربی
۲۴۳،۳۶۴	۶۴۲،۰۰۵	۸۸۵،۳۶۹	۸۰۴،۸۸۱	۱،۲۲۸،۱۵۵	اردبیل
۶۴۹،۲۵۹	۲،۶۳۷،۴۸۲	۳،۲۸۶،۷۴۱	۲،۹۸۷،۹۴۶	۴،۵۵۹،۲۵۶	اصفهان
۸۰،۷۸۹	۳۱۲،۶۶۷	۳۹۳،۴۵۶	۳۵۷،۶۸۷	۵۴۵،۷۸۷	ایلام
۱۴۴،۹۳۹	۴۹۳،۹۸۹	۶۳۸،۹۲۸	۵۸۰،۸۴۴	۸۸۶،۲۶۷	بوشهر
۲،۱۵۴،۵۷۳	۷،۵۲۱،۵۴۰	۹،۶۷۶،۱۱۳	۸،۷۹۶،۴۶۶	۱۳،۴۲۲،۳۶۶	تهران
۱۲۳،۰۱۶	۴۹۵،۴۴۶	۶۱۸،۴۶۲	۵۶۲،۲۳۸	۸۸۷،۹۱۰	چهارمحال وبختیاری
۱۰۶،۸۷۱	۳۸۳،۱۵۷	۴۹۰،۰۲۸	۴۴۵،۴۸۰	۶۳۶،۴۲۰	خراسان جنوبی
۵۸۶،۴۸۰	۳،۱۸۱،۹۹۰	۳،۷۶۸،۴۷۰	۳،۴۲۵،۸۸۲	۵،۵۹۳،۰۷۹	خراسان رضوی
۶۸،۷۵۸	۴۶۴،۰۰۱	۵۳۲،۷۵۹	۴۸۴،۳۲۶	۵۱۱،۵۷۲	خراسان شمالی
۱،۰۴۲،۹۶۳	۲،۰۳۸،۸۴۵	۳،۰۸۱،۸۰۸	۲،۸۰۱،۶۴۴	۴،۲۷۴،۹۷۹	خوزستان
۱۰۹،۶۵۵	۵۸۵،۷۲۱	۶۹۵،۳۷۶	۶۳۲،۱۶۰	۹۶۴،۶۰۱	زنجان
۹۶،۸۳۳	۳۸۳،۳۰۸	۴۸۰،۱۴۱	۴۳۶،۴۹۲	۵۸۹،۷۴۲	سمنان
۴۵۴،۳۶۶	۹۸۲،۹۲۰	۱،۴۳۷،۲۸۶	۱،۳۰۶،۶۲۴	۳،۴۰۵،۷۴۲	سیستان وبلوچستان
۶۰۳،۱۳۰	۲،۵۲۳،۳۰۰	۳،۱۲۶،۴۳۰	۲،۸۴۲،۲۰۹	۴،۳۳۶،۸۷۸	فارس
۱۳۱،۷۷۱	۶۹۲،۳۵۵	۸۲۴،۱۲۶	۷۴۹،۲۰۵	۱،۰۴۶،۷۳۷	قزوین

۱۲۲،۵۴۷	۵۹۹،۰۴۰	۷۲۱،۵۸۷	۶۵۵،۹۸۸	۱،۴۴۰،۱۵۶	قم
۴۲۷،۴۴۴	۶۱۰،۷۵۶	۱،۰۳۸،۲۰۰	۹۴۳،۸۱۸	۲،۶۵۲،۴۱۳	کردستان
۴۰۶،۲۹۴	۱،۵۰۵،۸۱۴	۱،۹۱۲،۱۰۸	۱،۷۳۸،۲۸۰	۲،۶۵۲،۴۱۳	کرمان
۳۷۱،۴۱۷	۹۸۳،۴۲۲	۱،۳۵۴،۸۳۹	۱،۲۳۱،۶۷۲	۱،۸۷۹،۳۸۵	کرمانشاه
۸۸،۵۵۶	۳۶۸،۷۰۷	۴۵۷،۲۶۳	۴۱۵،۶۹۴	۶۳۴،۲۹۹	کهگیلویه و بویراحمد
۲۹۶،۲۹۳	۸۶۹،۴۵۳	۱،۱۶۵،۷۴۶	۱،۰۵۹،۷۶۹	۱،۶۱۷،۰۸۷	گلستان
۲۵۰،۳۹۳	۱،۴۸۳،۲۵۸	۱،۷۳۳،۶۵۱	۱،۵۷۶،۰۴۶	۲،۴۰۴،۸۶۱	گیلان
۲۷۳،۱۶۴	۹۶۴،۲۷۰	۱،۲۳۷،۴۳۴	۱،۱۲۴،۹۴۰	۱،۷۱۶،۵۲۷	لرستان
۱۸۶،۹۲۶	۱،۹۱۹،۸۳۸	۲،۱۰۶،۷۶۴	۱،۹۱۵،۲۴۰	۲،۹۲۲،۴۳۲	مازندران
۱۸۸،۱۵۲	۷۸۵،۹۶۱	۹۷۴،۱۱۳	۸۸۵،۵۵۷	۱،۳۵۱،۲۵۷	مرکزی
۲۶۸،۸۷۵	۷۴۳،۰۲۴	۱،۰۱۱،۸۹۹	۹۱۹،۹۰۸	۱،۴۰۳،۶۷۴	هرمزگان
۳۶۲،۹۲۶	۱،۰۱۹،۱۶۹	۱،۳۸۲،۰۹۵	۱،۲۵۶،۴۵۰	۱،۷۰۳،۲۶۷	همدان
۶۰،۴۱۹	۶۰۹،۸۵۶	۶۷۰،۲۷۵	۶۰۹،۳۴۱	۹۹۰،۸۱۸	یزد
۱۱۴،۱۴۴	۲۲۵،۲۲۴	۳۳۹،۳۶۸	۳۰۸،۵۱۶	؟؟	خارج کشور
۱۱،۴۴۸،۷۸۶	۳۹،۳۷۱،۲۱۴	۵۰،۸۲۰،۰۰۰	۴۶،۲۰۰،۰۰۰	۷۲،۷۳۴،۹۹۵	جمع

بطوری که از این جدول تازه بخوبی روشن است اگر وزارت کشور:
الف) فقط ده درصد اضافه بر جمعیت هر استان تعرفه چاپ و ارسال می-
کرد، هیچ مشکلی پیش نمی‌آمد و می‌توانست کمبود تعرفه را در سطح هر

استان مدیریت نماید؛ در حالی که با وجود آن همه تعرفه اضافی ۲۳ درصدی این کار را نکرده است.

ب) ۶ میلیون از تعرفه ادعا شده برای چاپ مرحله اول در دست افرادی که هویشان روشن نیست باقی می ماند.

ج) هنوز حدود ۱۱/۵ میلیون تعرفه زیاد می آمد. البته اگر عدد کل آراء مأخوذه صحیح بوده باشد. اما اگر عدد آراء را چنانکه محاسبه کردیم، نزدیک به ۳۳ میلیون در نظر بگیریم، باید ۱۸/۵ میلیون تعرفه مازاد می ماند.

د) **استانداران و ستاد انتخابات وزارت کشور باید به این پرسش پاسخ منطقی بدهند که آنها چگونه توانسته اند پیش بینی کنند که در ۱۷۰ حوزه بیش از ظرفیت جمعیت رأی داده خواهد شد و در آن حوزه ها اصلاً کمبود تعرفه گزارش نشده است.** این در حالی است که مکرر ادعا کرده اند و در متن نامه به هم شهری هم گفته اند که: "۷- با توجه به قانون انتخابات، رای دهندگان مجاز هستند در هر نقطه ای از کشور که بخواهند رای بدهند. لذا سیال بودن تعداد رای دهندگان، موجب می شود تا نتوان دقیقاً برآورد کرد که در هر صندوق چند نفر مراجعه می نمایند از این رو در شعب اخذ رای، با در نظر گرفتن آمار رای دهندگان در آخرین انتخابات در هر شهرستان و صندوق تعداد تعرفه متناسب تحویل داده شد و تنها تعداد معدودی از شعب اخذ رای با کمبود تعرفه مواجه شدند که به سرعت تعرفه لازم تحویل گردید."

اگر با در نظر گرفتن آخرین انتخابات این کار صورت گرفته باشد، باید بر اساس دوره نهم یا دوره ششم که بسیار بیش از دوره نهم بوده این کار مدیریت شده باشد، چطور و چگونه یاران وزارت کشوری آقای احمدی نژاد در ستادهای انتخابات شهرها و دهات از پیش دانسته‌اند که در ۱۷۰ صندوق بیش از حد جمعیتش رأی خواهند داد؟

چرا این همه از شهرهای مختلف گزارش کمبود تعرفه داشتیم که ادعا شده در محل تأمین کرده اند، اما در تهران این کار ممکن نشده است؟! کدام استان را می‌شناسید که رساندن تعرفه از شهری به شهر دیگر در آن استان سخت تر از ارسال آن از تهران باشد، تا بهانه‌ای برای چاپ تعرفه آن هم در روز رأی گیری و آنهم در ساعات اولیه باشد؟

برای مثال به این خبر از خبرگزاری جمهوری اسلامی در ۳/۲۲ توجه کنید: "رییس ستاد انتخابات بوشهر: برخی شعب اخذ رای با کمبود تعرفه روبرو شد. بوشهر-رییس ستاد انتخابات استان بوشهر گفت: حضور پرشور مردم در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری باعث کمبود تعرفه در برخی از شعب اخذ رای بوشهر شد که با تمهیدات اتخاذ شده نسبت به تأمین تعرفه مورد نیاز اقدام شد. حسین هاشمی در گفت و گو با ایرنا افزود: هم اینک با ازدحام مردم در برخی از شعب اخذ رای روبرو هستیم و در برخی از شعب نیز مشکلات رایانه‌ای باعث کندی اخذ رای شده است. وی اظهارداشت: برای سرعت بخشی رای گیری در این شعب در تلاش هستیم مجوزی از ستاد انتخابات کشور دریافت کنیم که این مشکل را برطرف

کنیم." جالب است یادآوری کنیم که به گزارش ایرنا در استان بوشهر بر خلاف قانون انتخابات همین آقای هاشمی اعلام کرده بود که: "وی با اشاره به دستورالعمل ستاد کل نیروهای مسلح و توافقی نامه سپاه و ناجا برای مشارکت بسیج در برقراری امنیت انتخابات افزود: این مهم در استان بوشهر مانند انتخابات گذشته با همکاری سپاه امام صادق (ع) و فرماندهی انتظامی انجام می شود و امنیت شماری از صندوق های اخذ رای برعهده سپاه است."

اکنون که محرز است این آقایان با توزیع نامناسب تعرفه و کتمان برخی حقایق از جمله همین ۶ میلیون تعرفه ای که عملاً در اختیار ارباب ثقلب گذاشته شده است، پاسخ قانع کننده حکومت به مردمی که شاهد این واقعه دردناک بودند، بجز ضرب و شتم و بگیر و ببند چه می تواند باشد؟ مردم خودشان بخوبی رفتار دستگاه اجرا و نظارت را در جهت صحنه سازی و آرایش صندوق ها می یافتند. نوشته زیر که در وبلاگی با عنوان «افکار پنهان دولت دهم» به نقل از وبلاگ مطلبکده نوشته شده است ضمن بازتاب این نگاه حساس، بسیاری از این ابهامات را برملا می سازد. مهم نیست که با حرکت های عمدی برای کند کردن روند رأی گیری چه تعداد از آراء آقای مهندس موسوی و سایر نامزدها را از ظهور در صندوق ها بازداشتند و شناسنامه هایشان مهر نخورد و نمی توان برآورد درستی از این آراء حذف شده بدست داد. مهم این است که مردم همه این صف ها را مشاهده و از روی آن ابعاد ثقلب را افشاء می کردند و می کنند. در واقع کند کردن روند

رای گیری برای این بود که در صورت رای دادن همه مردم علاقمند به مشارکت در انتخابات، امکان آرایش صندوق‌ها بر اساس برنامه پیش‌بینی شده دشوارتر می‌گردید، هرچند در این کار نیز به خاطر دخالت‌های افرادی از جناح خودشان در سر صندوق‌ها توفیق درستی نیافتند. به این گزارش باید از همین منظر نگاه کرد:

"چهار سال پیش همگان بخاطر داریم که احمدی نژاد در تبلیغات انتخابات دوره نهم خود را تابع قانون، پیرو ولایت حامی مستضعفان، طرفدار عدالت و بسیاری از این دست شعارهای مردم فریب معرفی کرد و رای تشنگان و جویندگان مهر در جامعه اسلامی را از آن خویش ساخت و بر منصب قوه مجریه نشست اما آن شد که دیدیم! ... بررسی‌های کلی نشان می‌دهد که به دلیل مساله مشکوک و شبهه‌آمیز «کمبود تعرفه‌ها»، اجتناب وزیر کشور از تمدید زمان رای گیری بعد از ساعت ۲۲ و نهایتاً بستن درب شعب اخذ رای؛ حداقل چیزی حدود ۴ میلیون نفر از آرای میرحسین موسوی اخذ نشده است. کمبود تعرفه‌ها در بسیاری از استان‌ها و شهرها در حالی است که متأسفانه مسئولان وزارت کشور از جمله صادق محصولی و فرماندار تهران چشم در چشم خبرنگاران این مساله را تکذیب کردند. با این حال گزارشات متواتر خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف و مشاهدات عینی نشان می‌دهد که اولاً در بسیاری از شعب اخذ رای، تعرفه‌ها از غروب جمعه تمام شد و مردم برای ساعت‌ها در انتظار تعرفه نشستند و بخش مهمی از آن‌ها از فرط خستگی به منزل بازگشتند. دوماً زمان اخذ رای در حالی تمدید نشد

که موج مردم به سوی شعب اخذ رای در بسیاری از شهرها هنوز سرازیر بود. و سوماً؛ مسئولان برخی از شعب با نقض صریح دستور وزیر کشور از ادامه فرآیند اخذ رای خودداری کرده، درب شعب را بستند یا به بهانه نداشتن تعرفه از مردم خواستند به شعبه دیگری مراجعه کنند. این سه مساله باعث شد که حداقل ۴ میلیون نفر از آرای میرحسین موسوی در سراسر کشور اخذ نشود. با توجه به این که مسئولان وزارت کشور اخبار رسانه‌ها را در این زمینه انکار کرده‌اند؛ گزیده‌ای از اخبار خبرگزاری‌های مهر و ایلنا^{۶۴} که بین ساعت ۲۱ تا ۲۲ جمعه شب مخابره شده و حقیقت ماجرا را نشان می‌دهد؛ در زیر می‌آید.

مشکل کمبود تعرفه در استان اصفهان - بزرگترین مشکل شعب اخذ رای در اصفهان کمبود تعرفه است. از شهرستان‌های دیگر استان اصفهان نیز خبر می‌رسد بسیاری از حوزه‌های اخذ رای با مشکل کمبود تعرفه مواجه هستند. هم‌اکنون تقریباً تمامی حوزه‌های اخذ رای شهرستان شاهین شهر با مشکل کمبود تعرفه مواجه هستند. بر اساس این گزارش شعبه‌های شماره ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۲ شهرستان اصفهان به دلیل نداشتن تعرفه بسته شده‌اند.

ازدحام جمعیت در شعبات اخذ رای در اردبیل در پایان رای‌گیری - با گذشت ۱۳ ساعت از زمان رای‌گیری، هم‌اکنون شعبات اخذ رای در سراسر استان اردبیل با ازدحام شدید روبروست. تمام شعبات اخذ رای به ویژه در مرکز شهر و شهرکهای حاشیه با صفهای طولانی رای‌دهندگان

^{۶۴} هر دو خبرگزاری دولتی هستند.

روبرو است. این وضعیت که از اولین ساعات شروع انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در استان اردبیل و در شعبات اخذ رای حاکم بوده از بعد از ظهر امروز شدت پیدا کرده و به این ازدحام افزوده شده است. این در حالی است که زمان انتخابات با سه بار تمدید تا ساعت ۲۲ امشب در جریان خواهد بود اما به نظر می‌رسد که این میزان زمان تعیین شده برای رای گیری از این تعداد کافی نخواهد بود. بسیاری از شهروندان اردبیلی در گفتگو با خبرنگار مهر خواستار تمدید مجدد زمان رای گیری شدند تا بتوانند آراء خود را به صندوق های رای بریزند. این افراد دلیل تاخیر در رای دادن را تعطیلی امروز و مسافرت های کوتاه عنوان کردند و این ساعات پایانی را برای رای دادن انتخاب کرده‌اند. همچنین از دیگر شهرستانهای استان خبر می‌رسد که بسیاری از شعبات اخذ رای در این شهرستانها از جمله مشکین شهر، پارس آباد، گرمی و خلخال با کمبود تعرفه روبرو شده‌اند و تقاضای ارسال تعرفه بیشتر نمودند.

تهران- کمبود تعرفه در برخی شعب شهرک غرب: برخی از شعب اخذ رای در مناطق شهرک قدس و پونک با کمبود تعرفه روبرو شده‌اند و همین امر باعث تجمع تعداد کثیری از شهروندان پر شور این مناطق در پشت درهای شعب اخذ رای شده است.

مردم ایران خواهان تمدید زمان تا ساعت ۲۴ هستند در این دوره از انتخابات حضور پرشور مردم به خصوص در ساعات پایانی حتی مسئولان برگزاری را غافلگیر کرد که به گونه‌ای که همچنان به دنبال تامین تعرفه رای گیری به

خصوص برای کلانشهرها هستند اما این موضوع مختص کلانشهرها نیست و حتی از شهرهای کوچک نیز چنین موضوعی گزارش می‌شود. به گزارش خبرنگاران مهر از سراسر کشور مردم در شهرهای مشهد، اردبیل، اصفهان، قزوین، خرم آباد، یزد، همدان، سمنان، گرگان، ارومیه، کرمانشاه، شهرکرد، کرج، تهران، شیراز، کرمان، یاسوج، تبریز، اهواز، بوشهر، بندرعباس و بسیار از شهرهای دیگر در حالیکه مردم همچنان در شعب اخذ رای در صفهای طولانی حضور دارند برخی مسئولان شعب اقدام به بستن دربها کرده و آرا مردم را اخذ نمی‌کنند. گزارشهای خبرنگاران مهر از استانهای مختلف حاکی است به رغم تمدید ساعت انتخابات از این امر تبعیت نکرده و درهای شعب را به روی مردم بسته‌اند. به عنوان نمونه خبرنگار مهر در کرمانشاه گزارش می‌دهد که خیل عظیم مردم در پشت درهای شعب اخذ رای منتظر بازگشایی شعبه و رای دادن هستند و از مسئولان کشوری تقاضا دارند این امر را پیگیری نمایند. خبرنگار مهر در ارومیه گزارش می‌دهد با وجود اعلام پایان مهلت رای گیری در استان توسط مسئولان ازدحام جمعیت در مقابل شعب اخذ رای همچنان ادامه دارد. فرماندار ارومیه در این خصوص به مهر گفت: مهلت قانونی انتخابات تمام شده و تمامی شعب اخذ رای بر اساس اعلام وزیر کشور بنا به صلاحدید استاندار اجازه تمدید مهلت رای گیری را دارند و **هنوز** از سوی استاندار دستوری مبنی بر تمدید مهلت رای گیری صادر **نشده** است. مردم ارومیه به شدت خواهان تمدید ساعت رای گیری و بازگشایی شعب به روی مراجعین هستند. ازدحام جمعیت

ارومیه در پشت شعب اخذ رای با وجود اعلام پایان مهلت قانونی رای گیری در استان توسط مسئولان همچنان ادامه دارد و مردم خواهان همکاری مسئولان در خصوص بازگشایی شعب و از سرگیری رای تا پایان حضور مردم هستند. بر اساس گزارشات عینی خبرنگار مهر تا ساعت مخابره خبر یعنی ساعت حدود ۲۱ و ۵۳ دقیقه همچنان صفهای طولانی در مقابل شعبات اخذ رای شهرستان ارومیه دایر بوده و حضور مردم برای دادن رای همچنان ادامه دارد. در حالیکه ستاد انتخابات استان آذربایجان غربی تعطیل شده است و مسئولان ستاد حاضر به مصاحبه با خبرنگاران نیستند پشت هر شعبه اخذ رای حداقل ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر حضور دارند. جمع زیادی از خبرنگاران استان با حضور در ستاد انتخابات خواهان مذاکره با مسئولان و توضیح در این خصوص هستند اما هنوز موفق به دیدن هیچ کدام از مسئولان ستاد نشده‌اند. مردم استان آذربایجان غربی به خصوص در ارومیه به شدت خواهان تمدید زمان رای گیری در این استان هستند و عنوان می‌کنند که مسئولان استان از مسئولان کشوری در خصوص اخذ رای تا زمان حضور مردم در شعب، تمکین نکرده‌اند.

پایان انتخابات در مازندران برخلاف اطلاعیه ستاد انتخابات کشور! در حالیکه علاوه بر وزیر محترم کشور اطلاعیه ستاد انتخابات کشور بر رای گیری تا زمان اعلام رسمی پایان مهلت رای گیری از صدا و سیما تاکید کرده، رئیس ستاد انتخابات استان مازندران از پایان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در استان مازندران خبر داد. جواد قناعت شامگاه جمعه در

ستاد انتخابات استان مازندران در جمع خبرنگاران اظهار داشت: با توجه به عدم درخواست شهرستان‌های ۱۷ گانه مازندران تمدید انتخابات غیر ممکن است. معاون سیاسی امنیتی استاندار مازندران تصریح کرد: البته شعب اخذ رای باید رای افرادی را که تا ساعت ۲۱ در حوزه‌های اخذ رای حضور یافتند، دریافت کنند. کمبود تعرفه مردم یزد را سرگردان کرد- تعدادی از مردم رای نداده برگشتند. کمبود تعرفه‌های رای امروز مشکلات بسیاری برای مردم استان یزد به ویژه شهرستان یزد به وجود آورد و آرا تعدادی از مردم این استان سرگردان شد. به گزارش خبرنگار مهر در یزد، به رغم توزیع تعرفه رای در میان شعب شهرستان یزد بر اساس آمار افراد واجد شرایط رای و **۱۰ درصد** بالاتر از آن، بسیاری از شعب با کمبود تعرفه مواجه شدند و این امر سبب شد مسئولان شعب اخذ رای مردم را به سایر نقاط شهر معرفی کنند. این امر سبب ائتلاف وقت مردم شد و بسیاری از آنها پس از ساعات طولانی حضور در برخی شعب همچنین طی مسافت میان شعب مختلف، بعد از ساعت ۲۱ به شعبه‌های دارای تعرفه رسیدند. در این شعب نیز مردمی که بعد از ساعت ۲۱ رسیدند، پشت در نگه داشته شدند و بیش از نیم ساعت از وقت آنها پشت درب‌ها هدر رفت. البته در این دقایق طولانی بسیاری از مردم پراکنده شدند و از دادن رای منصرف شدند. بسیاری از این افراد از صبح امروز نیز به دلیل شلوغی بیش از حد شعبه‌های اخذ رای همچنین تمام شدن تعرفه‌ها در چندین نوبت بارها از شعب دست خالی برگشتند و این امر سبب انصراف آنها از شرکت در انتخابات شد.

یکی از شهروندان یزد به خبرنگار مهر گفت: از ساعت ۱۷ امروز در میان شعب سرگردان هستم. بسیاری از شعب تعرفه ندارند و مردم را به نقاط دیگر شهر هدایت می کنند از طرفی در بسیاری از شعبه‌ها نیز بعد از صرف مدت زمان طولانی به ما اعلام شد تعرفه تمام شده است و این امر سبب شد تاکنون در خیابانها سرگردان باشیم و حال که به شعبه شماره ۶۰ در چهارراه معلم مراجعه کرده ایم می گویند وقت تمام است و به هیچ وجه از مردم رای گرفته نمی شود. با این اوصاف به نظر می رسد بزرگترین مشکل سرگردانی‌های مردم کمبود تعرفه‌های رای یا عدم تعامل شعب برای تبادل تعرفه‌ها بوده است زیرا در شعبه یاد شده به گفته مسئولان شعبه تعداد زیادی تعرفه همچنان باقی مانده و بلااستفاده است. رئیس ستاد انتخابات یزد امروز بارها در مصاحبه‌های خود با خبرنگاران اعلام کرد: تعرفه در میان شعب به اندازه کافی وجود دارد و شعبی که درخواست تعرفه دارند نیز به سرعت تامین شده‌اند اما دیده‌ها حاکی از عدم هماهنگی مسئولان برگزارکنندگان انتخابات و از دست رفتن رای بسیاری از مردم است."

مسئولان وزارت کشور و شورای نگهبان با آن گزارش تفصیلی و مصاحبه‌ها و استفاده از تریبون‌های مختلف بسیاری سخنان توجیهی گفته‌اند و همه ادعاهای معترضان را دروغ و بی جا دانسته‌اند. معترضان همان کسانی هستند که در پشت درهای بسته مانده‌اند یا در زمان رای گیری از حال و هوای مردمی که رای می‌دادند به نسبت تمایل مردم به نامزدها آگاه بوده‌اند. آیا این سخنان با آن همه دروغ می‌تواند این مردم را قانع نماید؟ بر فرض اگر با

چوب و چماق و باطوم بتوانند مردم معترض را ساکت کنند، آیا وجدان آن همه افرادی که از جناح خودشان بر سر صندوق‌ها بودند و از دادن تعرفه به شعب دیگر خودداری کرده یا در شعبه خودشان ازدحام مردم را دیده و از نرسیدن تعرفه پیش مردم شرمند شده‌اند، با این سخنان بخواب خواهد رفت؟ شکافی که در جامعه ما رخ نموده و هر روز عمیق‌تر می‌شود، نه از طریق نوشته‌های سیاسیون معترض، بلکه برآمده از نقل قول‌های همین افراد در محفل‌های دوستانه و خانوادگی است که برای کسی امکان سانسور آن وجود ندارد. چند نفر را می‌توان قانع کرد که این اقدام‌های ایدئولوژیک و تأخیری برای پیش‌گیری از حاکمیت طرفداران غرب و دشمنان انقلاب «واجب» شرعی بوده است؟ آیا این مردم از خود نمی‌پرسند که زدن انگ‌خیانت‌پیشگی به مسئولان سابق و فعلی نظام همه چیز و همه کس را زیر سؤال می‌برد؟

جمع بندی

الف) سوء مدیریت و سوء نیت آشکار در توزیع تعرفه بقدری مفتضحانه صورت گرفته بود که شورای نگهبان علی‌رغم میل برخی از اعضاء مانند آیت الله جنتی که همواره جانب اعمال وزارت کشور را گرفته و سوء رفتار آن‌ها را توجیه کرده است، نتوانست از سرزنش مسئولان وزارت کشور در همین بخش از گزارش تفصیلی خودداری نماید، هرچند بلافاصله آن را توجیه کرده است.

زمانی که پس از انتخابات و بدنبال درخواست آقای محسن رضایی برای اعلام آمار تفکیکی صندوق‌ها، وزارت کشور با تعلق و حتی غیر قانونی خواندن درخواست، از آن خواسته سر باز زد تا فرصتی برای تنظیم صندوق‌ها بدست آورد، همگان پی برده بودند که بخشی از این تعرفه‌های اضافی چه کاربردی داشته است. همگان شاهد بودند که از فرط شلوغ کاری و درهم ریختگی رفتار گروه قلب و کودتا، همه تلاش‌های توجیهی آنها علیه خودشان عمل کرده است، و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین.

ب) برخلاف ادعای آقای دانشجو مسئول ستاد مرکزی انتخابات و سایر دست‌اندرکاران، توزیع تعرفه بر اساس محاسبه درست ریاضی و تقسیم تعرفه اضافی به نسبت مساوی میان استان‌ها انجام پذیرفته و در استان‌ها هم مراکز و شهرهای بزرگ تعرفه کمتری نسبت به شهرهای کوچک دریافت کرده‌اند. این کار علاوه بر هدف خاص تزریق تعرفه به داخل صندوق‌ها در عده‌ای از این شهرها و روستاهای آنها، برای ایجاد مانع و کند کردن جریان رأی دادن هواداران نامزدهای دیگر به عمل آمده است.

ج) تعرفه اضافی ارسالی به استان‌ها بر اساس حداکثر ده درصد جمعیت بوده و مازاد آن که به احتمال بسیار قوی بدون کد استانی چاپ شده بوده، از طریق ویژه گروه دست‌اندرکار قلب و برای آرایش دلخواه صندوق‌ها توزیع شده است. بنابر این، لازم نبوده است که این کار در تمامی صندوق‌های کشور این صورت بگیرد.

اگر شش میلیون تعرفه‌ای که بدین ترتیب با پنهان‌کاری از جریان توزیع قانونی خارج گردیده است با دست کم ۴ میلیون تعرفه‌ای که در بخش قبلی چاپ پنهانی آن را نشان دادیم، جمع شود، ۱۰ میلیون برگ تعرفه در اختیار گروهی بوده است تا با خیال راحت به مهندسی آراء و تنظیم دلخواه صندوق‌ها پردازند.

ب) به روند مصرف تعرفه در روز انتخابات که توسط مسئولان ارائه شده است، توجه کنید:

۱- به گزارش خبرگزاری‌ها و نیز روزنامه اعتماد ملی، آقای محصولی روز جمعه ۳/۲۲ "حوالی ظهر در حاشیه بازدید از ستاد انتخابات اعلام کرد که براساس اطلاعات دریافت شده از شعب آنلاین اخذ رای، تا آن لحظه ۵ میلیون تعرفه مصرف شده است." یعنی با توجه به ساعت آغاز رأی‌گیری در ساعت ۸ بامداد، طی ۴ ساعت رأی‌گیری ۵ میلیون تعرفه مصرف شده بود.

۲- "ایلنا: سخنگوی شورای نگهبان ... کدخدایی همچنین درباره تعداد تعرفه‌های مصرف شده نیز گفت: در این خصوص نمی‌توان رقم دقیقی را اعلام کرد و رقم دقیق میزان استفاده شده تعرفه را باید وزارت کشور اعلام کند، ولی تا ساعت ۱۶ امروز بالای ۲۰ میلیون تعرفه استفاده شده است." بدین ترتیب در ساعت ۱۶، یعنی ۸ ساعت پس از آغاز رأی‌گیری ۲۰ میلیون تعرفه مصرف شده بود.

۳- با توجه به مقاومت وزارت کشور و استانداریها در خصوص تمدید زمان رأی‌گیری و بازگرداندن مردم از سر صندوق‌ها، که به نوبه خود واقعه‌ای

اسف انگیز برای یک نظام مدعی مردمسالاری است، رأی گیری در اکثر نقاط کشور در ساعت ۱۰ شب تمام شده بود.

آیا در ۶ ساعت بعدی ممکن بوده است که ۱۹,۵ میلیون رأی دیگر اخذ شود؟؟؟!!

ج) به موجب گزارش تفصیلی شورای نگهبان و آمار پیوست ۴۹ آن حدود ۱۳۴۰۰۰ برگ تعرفه نیمه مصرف شده در کل کشور به جای مانده بود که در واقع نشان می دهد، در اکثر نقاط کشور دوستان همسوی مجری و ناظر تا آخرین برگ تعرفه را پر کرده و در صندوقها ریخته اند و گرنه در انتخاباتی با این ابعاد چنین چیزی ممکن و شدنی نیست. و آمار تفکیکی صندوقها هم آن را تأیید نمی کند، بلکه حاکی از باقیماندن نزدیک به ۲,۲۰۰,۰۰۰ برگ تعرفه مصرف شده در دسته های نیمه مصرف شده است.

د) در جریان خودخواسته شورای نگهبان برای بازشماری ۱۰٪ صندوقها کارکرد آن تعرفه های اضافی ناپیدا برای همگان هویدا گردید.

آقای محسنی اژه ای، وزیر اطلاعات وقت و دادستان فعلی کل کشور، روز یکشنبه ۸۸/۴/۶ در مصاحبه با شبکه دو سیما وجود برگه های رأی تا نخورده در صندوقها را نامعقول دانسته است. ایشان مدعی شده بود که انبوهی از افراد این وزارتخانه در سر صندوقها حضور داشته اند و از جریان امور بازرسی پنهان و آشکاری کرده و پیوسته به ایشان گزارش می دادند. پایگاه خبررسانی عبرت عین سخنان شفاهی ایشان را از نوار پیاده و منعکس کرده است: "به گزارش پایگاه خبررسانی عبرت، اژه ای وزیر اطلاعات در

گفتگوی ویژه خبری سیما، در مقابل سوال مطرح شده در خصوص آرایه‌ی که ادعا می‌شد صاف و تا نخورده است، مطالبی گفتند که ما بدون هرگونه شرحی و صرفاً از جنبه اطلاع‌رسانی آن بخش گفتگو را باز نویسی کردیم: رایه‌ی که مردم می‌خواهند در صندوق بریزند در صندوق، یک گوشه می‌نشینند یا می‌ایستند و روی برگه نام فرد مورد نظرشان را می‌نویسند. معمولاً برگه رای را تا می‌زنند، ممکن است کسی هم بدون تا بنویسد و بیندازد توی صندوق، اشکالی ندارد، ولی معمولاً برای اینکه کسی نبیند، یک تا می‌زنند و حتی بعضی‌ها دو تا می‌زنند تا چهار لا شود و بعد به صندوق می‌اندازند. وزیر اطلاعات در ادامه می‌گوید: چون این برگه‌ها را به این حالت می‌اندازند درون صندوق، اوراق روی هم انباشته می‌شود و بالا می‌آید، از صبح اول وقت تا پایان وقت و ساعت رای‌گیری، این برگه‌ها روی هم انباشته می‌شود بنابر این، حجیم می‌شود و پرس شده نیست."

اکنون که ایشان در مقام دادستان کل کشورند و با آن شمارش ۱۰٪ صندوق‌ها در برابر تلویزیون، از وجود غیرقانونی انبوه تعرفه‌ی تانخورده در شمار زیادی از صندوق‌ها مطلع هستند، انتظار می‌رود که موضوع را از مجرای قانونی تعقیب نمایند. نه تنها آقای اژه‌ای در آن روز توجه به متن آیین‌نامه‌ی اجرائی قانون انتخابات ریاست جمهوری نداشتند، یا شاید هم حضور ذهن نداشتند، بلکه بسیاری از مردم و مسئولان نیز به این فراز از آیین‌نامه بی‌توجهی کرده‌اند که می‌گوید:

"چهارم - مرحله اخذ رأی"

۱- [با این فرض که رأی‌گیری با رایانه است] متصدی ثبت نام برگ رأی را از محل پرفراژ (نقطه چین) از تعرفه انتخاباتی جدا نموده و به رأی‌دهنده تسلیم می‌نماید و رأی‌دهنده با علامت گذاری در مقابل اسم یکی از نامزدها، برگ رأی را بدون هرگونه نوشته و یا علامت دیگری و بدون اینکه آن را تا نماید داخل صندوق می‌اندازد. چنانچه انتخابات به شیوه دستی برگزار شود [رایانه‌ای نباشد که در این انتخابات نبود]، **لازم است رأی‌دهنده نام نامزد مورد نظر خود را در محل تعیین شده در برگ رأی بنویسد، سپس برگ رأی را تا نموده و داخل صندوق بیندازند.**

۲- نماینده فرماندار و اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رأی باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رأی‌نویسی مخفی و به صورت کاملاً آزاد و بدون اعمال نفوذ شخص دیگری انجام گیرد و هیچ یک از اعضای شعبه و نماینده فرماندار و مأمورین انتظامی و نماینده هیأت نظارت بر انتخابات و اصولاً کلیه افرادی که به نحوی از انحاء در شعبه وظیفه‌ای به عهده دارند حق توصیه به رأی‌دهنده برای انتخاب فرد بخصوصی را ندارند. بدیهی است در صورتی که رأی-دهنده برای رأی دادن نیاز به فرد دیگری داشته باشد باید از وجود افراد خارج از شعبه که مورد اعتماد وی باشند استفاده نماید و اعضای شعبه نیز کنترل نمایند تا عمل خلاف قانون انجام نگیرد.

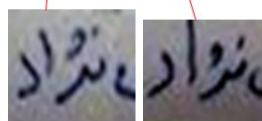
این بند اخیر از آیین نامه تأکیدی است بر اینکه باید رأی‌گیری مخفی باشد و این خود سبب می‌شود که به قول آقای اژه‌ای افراد برگ را تا کرده و در

صندوق بیاندازند، همانطور که خود ما و شما شاهد بوده‌ایم. در بند یک تصریح شده است که تا خورده بودن برگ رأی الزامی است و اگر نباشد، در واقع رئیس شعبه و ناظر مربوط تخلف کرده‌اند.

ما همگی شاهد بوده‌ایم که دهانه صندوق‌ها برای انداختن برگ رأی به اندازه‌ای گشاد نبوده که بتوان بدون تا کردن برگه را وارد صندوق نمود.

با این تفصیل آیا سخنان زورگویانه و تهدید آمیز آقای کدخدایی روز ۸۸/۴/۹ در خصوص تعرفه‌های تا نخورده بجز تخلف قانونی و توجیه تخلف دیگران چیز دیگری است؟

"کدخدایی در مورد تعرفه‌های نو و حتی تا نخورده و اظهارات امیدوار رضایی نیز که عنوان کرده بود که ۷۰ تا ۸۰ درصد آرا با یک خودکار و با یک دستخط در صندوق های مختلف نوشته شده است، گفت: این موضوع از همان بخش هایی است که قوه قضائیه باید به آن رسیدگی کند و با کسانی که این شائبه ها را درست می کنند برخورد نماید. صرف تا خوردن یا نخوردن تعرفه‌ها و نو بودن آنها نمی تواند دلیل انجام تخلف باشد."^{۶۵}



ملاحظه می فرمایید که حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان علاوه بر اینکه از متن آیین نامه مطلع نیست، یا اگر هست نسبت به آن اعتنایی ندارد و برای آن ارزشی قائل نیست گوینده چنین سخنی را تهدید به دادگاه می کند، دادگاهی که متأسفانه به خواست ما مردم بی اعتناست!!

از روند بازشماری صندوق‌ها توسط شورای نگهبان در برابر دوربین تلویزیون، بسیاری از خبرگزاری‌ها عکس و خبر مخابره کرده‌اند، در این میان عکس‌های ارسالی توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی که در خدمت گروه تبلیغاتی احمدی نژاد بوده است، بیش از همه مورد توجه مردم قرار گرفته است:

"عصر ایران: کدخبر: ۷۶۴۸۸ تاریخ انتشار: ۰۹ تیر ۱۳۸۸ - ۱۷:۲۱ تعرفه‌های رأی در بازشماری آرا که از صندوق‌های تهران بیرون آمده‌اند (عکس ایرنا) ایرنا در شرح عکس‌ها آورده است: بازشماری آرای انتخابات ریاست جمهوری دوشنبه در آموزش و پرورش منطقه ۱۷ تهران انجام شد.







این عکس آخر برای مقایسه با دو عکس دیگر است، که نشان می‌دهد برگ‌های تاخورده همانگونه که آقای ازه‌ای گفته بودند دارای حجم بیشتری است.



IRNA
www.irna.ir
Iran News Agency

عکس از: فرخ صمدی



حقیقتاً باید به آقای کدخدایی و تنظیم کنندگان گزارش تفصیلی شورای نگهبان و امضاء کننده های آن آفرین گفت که بدرستی ادعا کرده اند: این انتخابات از سالم ترین انتخابات های ملی بوده و هیچ صندوقی باطل نشده است! پاسخ این رفتار توهین آمیز نسبت به مردم بر عهده تاریخ است.

رأی من آنجا روی سنگ فرش راه سبز امید است!

مردم به خوبی می دانند رأیشان کجاست، آیا شما که در روز بیست و دوم خرداد ۱۳۸۸ غوغای کمبود تعرفه را در شهرستان خود دیده اید، از روز

۸۸/۳/۲۱ با قطع اس ام اس و اختلال در اینترنت و تلفن و فضای امنیتی روبرو شده‌اید، نمی‌دانید رأیتان کجاست؟

رأی من در فریادهای دلسوختگان مسلمانی است که در کوچه و برزن خطاب به مراجع و روحانیت و مسلمانان این وطن عزیز سخن پیامبرشان را شعار می‌دهند که می‌فرمود: «من سمع منادياً ينادى يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم»^{۶۶}.

رأی من در میان خاک‌های معطر میدان مبارزه علیه استبداد و تحجر است. رأی من در حلقوم دانشجویان مظلوم خوابگاه‌های دانشگاه‌هاست، در خوابگاه‌های تهران و شیراز و اصفهان و گیلان و مشهد و بابل و ...

رأی من در قلب‌های شهدای مظلوم و بی‌سلاحی است که خونشان تاریخ مبارزه برای استقرار اسلام ناب محمدی و اجرای بی‌کم و کاست قانون اساسی در این کشور را سرخ فام نمود؛ شهدای اعتراض به تقلب و کودتا.

رأی من در متن دفاعیات مظلومانی است که در برابر کیفرخواست‌های واهی علیه یک اعتراض منطقی و قانونی به محاکمه کشیده شده‌اند، مظلومانی که برخی از آن‌ها حتی از عصر روز بیست و دوی خرداد و پیش از اتمام کامل اعلام نتایج ساختگی آراء دستگیر شده و در کهریزک و اوین و زیرزمین وزارت کشور و استانداری تهران و ... زندانی شدند.

^{۶۶} مسلمانی که فریاد دادخواهی مسلمانی را بشنود و بیاریش نشتابد، مسلمان نیست.

رأی من در سفره خون آلود خانواده‌هایی است که در ماه مبارک رمضان پشت دیوارهای زندان اوین منتظر خبری از عزیزان خود بودند و هنوز هستند.

رأی من در میان شال سبز کمر بستگان به اجرای عدالت در طول تاریخ مبارزات این امت مسلمان است.

رأی من در گوشه چارقند سبز مادرانی است که جوانان شیفته درستی و حقیقت را پرورده‌اند و می‌پروراند.

ما همگی رأی‌مان را ظهر روز شنبه ۸۸/۳/۲۳ پس گرفتیم، رأی ما دیگر در صندوق‌های آلوده نیست.

رأی من در تاریکخانه دل‌های آلوده به گناه، زندانی نیست که برای دنیای دیگران هزاران دروغ را از رسانه‌های دولتی تا به امروز تلقین کرده‌اند.

رأی من دیگر در پشت دیوارهای وجدان‌های محصور در تعصب جاهلی خاک نمی‌خورد، آن‌ها خود می‌دانند که چگونه می‌خواستند این آراء را زیر خاک استبداد دفن کنند، عزمی که می‌خواهد امیدهای ما به اعتلای ملی در پرتو تمسک به ولایت پیامبر و معصومین را خاکستر کند.

رأی من در جوف قلمم لانه کرده، قلمی که جز قلبم به درستی آن شهادت می‌دهد، نمی‌نویسد.

رأی من در کوچه‌های ایران عزیز و در دفتر مشق بچه‌هایم؛ در بوم نقاشی هنرمندان عزیز هموطنم؛ در منظر نگاه عکاسان؛ در ترازوی درستی و

صداقت پیشه‌وران؛ در دستان پینه‌بسته کارگران رنجور، در باغ تشنه کشاورزان محروم است.

رای من بر بال فرشتگان است؛ فرشتگان رحمتی که پیوسته به ترتیل بر من و تو می‌خوانند: الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا^{۶۷} (فصلت/۳۲)؛ آن‌ها من و تو را برگزیده‌اند؛ تو می‌توانی آن را با دیده دل در نقطه نقطه پهنه ایران عزیز بینی. آیا سرود آن‌ها را نمی‌شنوی که سر تا سر این راه سبز امید به نوای ترتیل تو را می‌خوانند، و در گوش تو زمزمه می‌کنند که:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^{۶۸} (صف/۸).

من رأیم را در صندوق‌های امید، روی برگ سبز تعرفه نوشتم و اثر انگشت سبزم را به نشان صلح و سلام بر آن زدم و به کسانی امانت دادم. رای من امانتی بود نزد کسانی که امانت بزرگتر، یعنی میثاق ملی، قانون اساسی، و سیره امام راحلم را پاس نداشتند و همه را یکسره بر باد دادند و من آن را پس گرفتم.

^{۶۷} کسانی که تنها خداوند را ولی خود بدانند و بر این باور پایدار بمانند، فرشتگان رحمت بر آنها نازل شده و پشتیبانشان می‌شوند تا شما نهراسید و اندوهگین نباشید.

^{۶۸} می‌خواهند با باطیل‌شان شعله فروزان آیات الهی را در دل‌های حقیقت‌جویان خاموش سازند، در حالی که خداوند علی‌رغم این تلاش بیهوده پرده‌پوشان حقیقت، تمام‌کننده نور خویش است و آن را از پس پرده‌های کفر عبور می‌دهد و فروزان نگه می‌دارد.

رأى من پشت ابری از دروغ و تزویر و زور و تهمت زندانی شده بود، اما از آنجا که این رأی خواهان کرامت انسانی است؛ از آنجا که مبلغ راستین اوامر و نواهی قرآنی است، هرگز پشت این ابرها نمی ماند زیرا که وعده الهی حق است:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ⁶⁹
(محمد/۳۴)

اکنون دیگر رأی من روی سنگ فرش راه امید سبز، منتهی به قله های افتخار برای ایران زمین است، راه منتهی به سنگر مسؤلیت های مهم ایرانیان و مسلمانان در برابر صلح جهانی و دفاع از حقوق شهروندی است، به سنگر دفاع از آزادی و عقلانیت است، به سنگر دفاع از ارجمندی انسان این موجود برگزیده الهی است، به سنگر انتظار برقراری عدالت در کره خاکی است.

رأی من اکنون کویرهای ناشی از آتش جنگ تحجر را با نهال سبز امید آباد می کند، با تو دوستی دارد و تو را همراهی می کند، از تو در راه صداقت و سلامت انسانی و اخلاق نبوی پشتیبانی می کند.

رأی من در آستین آقای دانشجو و آقای محصولی نیست. هیئت نظارت شورای نگهبان بر انتخابات نشانی کامل رأی مرا می داند و گزارش تفصیلی شورا بر این گواه است.

⁶⁹ آنانکه چشم شان را روی حقیقت بربستند و مردم را از راه خدائی بازداشتند، اگر در این حال بمیرند، در حال کفر مرده اند، پس دیگر خداوند از آنها گذشت نخواهد کرد.

رأی من در صندوق‌هایی نیست که به دستان آلوده عده‌ای محدود، با تعرفه-
های تا نخورده تزریقی روز انتخابات و پس از آن ملوث گردیده‌اند.
رأی من در تاریخخانه رایانه‌های وزارت کشور نیست.
نحوه اعلام آراء و تخلفات گوناگونی که همگان آنها را در شب «واقعیه»
دیدند، بخوبی نشان می‌داد که چرا فضای کشور از روز قبل امنیتی-سیاسی
شد.
تعرفه‌ها به عمد درست توزیع نشده بود و جریان رأی‌گیری به انواع حیل
کند می‌شد، تا صندوق‌ها حاوی تمامی واقعیت نباشند.
کسانی مأمور بوده‌اند که صندوق‌ها را، دستکم برخی از آنها را، به گونه‌ای
بیاریند که از طریق نظام رایانه‌ای برایشان اعلام می‌شد.
آراء مردم هرگز در این انتخابات خوانده نشد، آراء موجود در صندوق‌ها
برای هماهنگی با آن چیزی است که اعلام شده است.
نه آمار صندوق‌ها درست است و نه آمار تعرفه و نه آمار رأی دهندگان،
همه چیز برای اعلام یک نتیجه دلخواه از طریق جنجال و فریاد آبی دزد
تدارک دیده شده است.
رأی من آنجا در پستوی اتاق فکر کودتاگران، شاهد اعمال شوم آنهاست.
رأی من نمی‌میرد حتی اگر من هم طعمه شپیره‌پره‌های تاریکی‌پسند شوم،
حتی اگر من هم در خون خود بغلطم، حتی اگر من هم از هر گونه فعالیت
سیاسی به حکم دادگاهی که سخن گفتن را ضد امنیت ملی می‌داند، محروم
شوم. خداوند ضامن اعتلای حق و حقیقت است.

در پایان بجاست که بیان بسیار ساده و گویای جوانی از بهبهان را که در وبلاگ دلتا (<http://www.pournejati.com/weblog>) به مقاله‌ای از آقای پورنجاتی تحت عنوان: «جلوه‌های عقلانیت در رقابت انتخاباتی اصلاح‌طلبان» حاشیه زده است با همان انشای دلنشینش بخوانیم. اگر عوامل کودتا هم آن را بخوانند، شاید بتوانند دریابند که اثبات تقلب برای این جوانان امری ضروری نیست. آن‌ها خود شاهد این فاجعه بوده‌اند؛ این همه بمنظور دعوت زورگویان برای آشتی با ملت است، دوستی و برادری با این جوان و امثال اوست، برای برگشتن از راهی است که جز ویرانی خانه‌ امید ما، ایران عزیز ما، چیزی بدنبال ندارد و این خواسته شوم بیگانگان جهانخوار و دشمنان عزت و استقلال ملی ماست.

"آرمین گفت:

روز ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۸ در ۱۲:۰۳ ب.ظ

به نام خدا

موافقان و مخالفان عزیز سلام

راستش من به عنوان یک ایرانی مسلمان و شیعه بر خودم واجب دانستم مطالبی رو در مورد انتخابات به عرض برسانم و از شما میخواهم اگر تخلف انتخاباتی در منطقه ی زندگی تون رخ داده برای روشن شدن مقدار تخلفات بنویسید، اولاً در مورد مهندسی انتخابات کاملاً موافقم که شامل تخلفات قبل، حین و بعد از انتخابات می باشد؛ قبل از انتخابات طبق اطلاعات واصله چک پولهای زیادی مابین روستایان منطقه ی ما به وسیله ی عوامل دولتی

پخش شده که واقعا جای تاسف دارد، شبکه یک سیما اون شبی که آخرین برنامه ی ۴۵ دقیقه ای انتخاباتی آقای موسوی پخش می شد کاملا قطع شد و برای سرپوش گذاشتن به خاطر اشکال فنی تا آخر شب قطع بود.

البته شهر بهبهان رو عرض میکنم حقوق باز نشسته ها ۷ یا ۸ ماه قبل از انتخابات به صورت چشمگیری افزایش یافت (خدا رو شکر لااقل نفعی به این بازنشستگان در این منجلاب گرانی رسید) که باید ۲ سال پیش از آن اتفاق می افتاد که اینو همه اطلاع دارن ، تو مناظره های انتخاباتی آقای احمدی نژاد برای انحراف افکار عمومی آمار اگر نگویم غلط به قول آقای محسن رضایی فریب دهنده توسط آقای احمدی نژاد نشون داده شد، خصوصا در مورد آمار نقطه ای تورم که ماه به ماه عرضه شد.

... آقای احمدی نژاد فرمودند من حتی یک ریال هم خرج تبلیغات انتخاباتی نکردم ، خواستم بگم مسلما شما از جیب خودتون خرج نکردید بلکه از درآمدهای هنگفت دولت توی اون ۴ سال خرج کردید، اکثر روزنامه های دولتی شده بود پایگاهی باری تبلیغات شما و رادیو و تلوزیون کاملا در اختیار شما بود . چطور شد پروژه ی خط آهن شیراز اصفهان اونم با اون عجله تو زمان تبلیغات افتتاح شد و رادیو و تلوزیون خیلی روش مانور دادند، شاید بخواهید بگید این پروژه خیلی مهم بود البته که مهم بود، رعایت نکات استاندارد های ایمنی هنگام ساخت هم خیلی مهم هست، کسی نگفت که اون قطار سالم به مقصد رسید یا نه و مسافران اون قطار رو

نشون ندادن که سالم به مقصد رسیدند یا نه، چه بلایی سر اون قطار آمد خدا میدونه. دو یا سه شب مونده به رای گیری شروع کردن به زیر نویس کردن اینکه شهرداریهای کشور نیرو می پذیرند جهت ثبت نام به روزنامه های کثیرالانتشار مراجعه نمایند خیلی زیر نویس کردن اینو، اما تو این روزنامه ها نگفتن کی ثبت نام میکنیم، همین الان هم معلوم نیست بالاخره چی شد، ثبت نام میکنن نمیکنن، آیا این فریب افکار عمومی نیست؟ اینها تنها گوشه ای از تخلفات به ظاهر قانونی و غیر قانونی بود پیش از انتخابات.

در حین انتخابات خدا میدونه چقدر این صندوقهای سیار توش آراء اضافی ریخته شد در بسیاری از نقاط با کمبود تعرفه ی رای مواجه شدیم در صورتی که یازده ملیون تعرفه اضافی چاپ شده بود. به گفته ی آقای محسن رضایی ۱۷۰ حوزه ی رای گیری بیش از آمار رای دهنده حدود ۹۵ تا ۱۴۰ درصد آراء در صندوقهاشون ریخته شده، که بعد شورای نگهبان با ۵۰ حوزه ی اون موافقت کرد که خود سخنگوی شورای نگهبان هم گفت اگر تخلفی صورت گرفته باشه دو تا سه ملیون رای هستش که تاثیری در نتیجه ی انتخابات نداره (عجب سوتی بزرگی داد). بعد هم آمدند و این گفته خودشون رو اصلاح کردن و گفتن خوب در این حوزه ها به دلیل افزایش سفر افزایش رای داشتیم. بابا عجب سفرهای به موقع ای ملت ما انجام میدن، اونم تو اوج امتحانات دانش آموزان یاد سفرهای تابستونی و تورهای مسافرتی افتادن. بعدش هم به دلیل عدم

همکاری شورای نگهبان با آقای محسن رضایی ایشان از شکایت خودشون صرف نظر و اعلام کردن به دلیل حفظ نظام جمهوری اسلامی این کار رو انجام داده ام.

سپس به آقای موسوی میگویند بیا و راه قانونی رو برو ، فقط میخواستند با این کار به موسوی و کروبی بقبولانند که همه چیز درست است و برای حیثیت از دست رفته ی خود تاییدی دست و پا کنند، خدا رو شکر موفق نشدند بعد آن نمایش مسخره ی شمارش ۱۰ درصد از آراء مخدوش شده ی ملت رو جلوی دوربین های صدا و سیما به راه انداختند که خودشان هم از شرم خندشان گرفته بود. وقتی گفته میشه مهندسی انتخابات باید گفت عجب مهندسان برجسته ای توی این کشور و مملکت زندگی میکنن که برای عوض کردن آراء مردم چه برنامه هایی ریخته و اجرا شد. دیگر برنامه هایی که ریخته شد بعد از پایان رای گیری و هنگامی که ملت نشسته بودند پای سریال جومونگ ، اون شب ۹۰ دقیقه پخش شد عجب جمونگی ، باهاس ملت رو خوابوندند تا اون شب خواب پیروزی موسوی رو ببینند شاید هم برا بعضی ها کابوس پیروزی احمدی نژاد رو یا شاید جشن پیروزی احمدی نژاد . هنوز چند ساعتی نگذشته بود که هفت ملیون رای شمرده و آقای احمدی نژاد پیش تاز معرکه ی انتخابات شده بود و بعدش هم آمدند و گفتن ۲۴ ملیون رای متعلق به آقای محمود احمد نژاد است ، خیلی تعجب برانگیز بود که رهبری بلافاصله بعد از نتیجه ی آراء آمدند و به آقای احمدی نژاد تبریک گفتن و سپس بر خلاف قانونی که

ایشان خودشان به رعایت آن تاکید دارند نتیجه ی انتخابات رو جلوتر از شورای نگهبان تایید کردن ، البته در روز جمعه ی بعد برای سرپوش گذاشتن بر روی این خلاف قانونی گفتند جمهوری اسلامی اهل خیانت به آراء ملت نیست و عرض کردند مگر ممکن است یازده ملیون رای تخلف صورت گرفته باشد. خواستم بگویم اگر برنامه داشته باشیم که تخلف را آنقدر بالا ببریم که هم شک بر انگیز نباشد و جایی برای بحث و تجدید نظر نداشته باشد و هم رکورد رای آقای خاتمی را در دو دور قبل بشکند چرا که نه. وقتی رهبری نظام که خود در بالاترین سطح مدیریت است اینچنین خلاف قانون عمل می کند، رهبریتی که طبق روش امام خمینی که رحمت خدا بر او باد میبایست فرا جناحی عمل کند خود جناحی تشکیل داده و آن را به وسیله ی آقای محمود احمدی نژاد در راس و دیگر مشاورانش در پشت سر او رهبری و هدایت میکند و به وسیله ی قاضی مرتضوی و همکارانش ملت خصوصا چهره های سر شناس سیاسی نظام را دستگیر و بعد از آن می خواهد با شکنجه و زیر فشار گذاشتن و پروژه ی نخ نمای اقرار تلوزیونی و چسباندن اتهامات ... آنها را متهم کند ، برای ابد پرونده ی سیاسی آنها را بسته، به کار سیاسی شان پایان دهند و یک پاکسازی سیاسی از تمام مخالفان شان انجام دهند چرا که نه.

و روز بعد جناب احمدی نژاد آمدند و خودشان جمعیتی را جمع کردند و برای خودشان جشن پیروزی گرفتند که در نظام جمهوری اسلامی سابقه نداشته که فرد پیروز انتخابات ، این چنین کاری رو انجام بدهد و اتهامات

خودشان را تکرار و به شکل کاملاً وقیحانه ای موسوی و طرفداران اون رو به باد تمسخر گرفته و گفتند: آنها به یک تیکه پارچه ی سبز تکیه کرده بودند سپس آن تیکه پارچه را به دور گردن خویش انداخت و خود را پسر پیغمبر خواند و سید دانست که به او از پشت اشاره کردند و گفتند: بگوئید از طرف مادر سیدم اگر کسی برنده ی واقعی انتخابات، اون هم با ۲۴ میلیون رای است چه نیازی برای تایید خود به وسیله ی این جمعیت کوچک با پخش تلوزیونی مستقیم (به بهانه ی تولد دخت گرامی رسول خدا که دروود خدا بر آن خاندان باد) دارد. یا برای تایید خود جلوی دوربین های خبری مثل یک پسر بچه ای که با بزرگتر از خود دست بدهد با رئیس جمهور روسیه مشغول دست دادن باشد. او خود میدانست که به ملت چه دروغ بسیار بزرگی تحویل داده است. آیا لازم بود برای ایجاد نا امنی تظاهرات بی سر و صدای مردم که فقط حق شان را می خواستند به آشوب بکشند و آنها را به وسیله ی نیروهای لباس شخصی که زیر نظر مستقیم رهبری و همچنین جوانهای شستشو داده شده ی مغزی در بسیج به خاک و خون بکشند بیش از ۱۹ نفر کشته ، که خودشان اول گفتند ۱۳ نفر و بعد آن را به ۱۰ نفر تقلیل دادند و تعداد زیادی را زخمی و راهی بیمارستان و تعداد زیادی را راهی زندان کنند.

اما در مورد مهندسی آراء

ابتدا آمدند و آمار کل را به نسبت هر ساعتی که از پایان رای گیری می گذشت آنچنان که خود می خواستند و برنامه ریزی شده بود اعلام می

کردند سپس آمار نهایی اعلام شد، ۲۴ ملیون جناب آقای احمدی نژاد و مابقی که خود بهتر می دانید بعد آمار موجود به تفکیک هر استان اعلام شد البته هنوز بسیاری از صندوقها دست کاری نشده بود ، آنها آمار واقعی را همزمان با آمار مورد نظر خود بررسی می کردند و آمار را به نوعی که شک برانگیز نباشد یا اینکه کمتر ایجاد تردید کند به تفکیک هر استان اعلام کردند اگر به آمار تفکیکی استانها توجه کرده باشید، حتی در استانهایی که موسوی حرف اول را میزد اختلاف چندانی با احمدی نژاد نداشت و این خود دلیلی محکم بر این ادعاست والی آخر به این می گویند مهندسی آراء ملت عزیز ، شهید پرور ، قهرمان و همیشه در صحنه ی ایران اسلامی!!!!!!!!!!!!!!؟

بسیاری از مطالب هست که هنوز مخفی مانده و باید کنکاش بیشتری صورت گیرد تا همه چیز رو شود. یک چیز در همه ی این جریانها مشهود است ، آن جریان کومونیسم اسلامی یا خفقان اسلامی است که هیچ بویی از اسلامیت نبرده است ، قطع اس ام اس در بعضی از مناطق تا تقریبا سه هفته بعد از انتخابات چه ایرانسل چه همراه اول ، کاهش سرعت اینترنت اختلال در تماس خطوط موبایل هر وقت احساس خطر می کردند به خصوص در نواحی تظاهرات ، پارازیت شدید بر روی برخی کانالهای خاص ماهواره ای و قطع آنها ، اعتراف زیر فشار و شکنجه و یا تهدید به شکنجه زندانیان (خنده دار بود وقتی از شبکه یک خانمی رو نشون میدادند که گفت توی کیف خودم و پسرم نارنجک جنگی بوده ، یکی نبود به این

کسانی که دست اندر کار این مصاحبه ها هستند عرض کند ای به شگفت آورنده های تام و جری آخه مگه نارنجک اونم جنگی چاقوی ضامن دار با پنجه بکس هستش که خریده باشه و بعد هم گذاشته باشه توی کیفش برای احساس قدرت)

آقای موسوی و کروبی این رئیس جمهور و دولت بر آمده از آن را در بیانیه های سه شنبه و چهارشنبه بعد از تایید شورای نگهبان و شعار شدید ملت بر پشته بام ها در تهران که الله و اکبر و مرگ بر دیکتاتور سر دادند، نامشروع و غیر قانونی خواندند و آقای خاتمی دولت را به حق ایجاد کننده ی یک انقلاب مخملی علیه ملت دانست."

اگر بریگاد سرخ و سیاه چائوشسکو در رومانی، اگر کا. گک. ب. ی استالین در حذف تروتسکی در روسیه، اگر ... توانستند پیروز شوند و ذهن جوانان را تغییر دهند، کارهایی که امروز از مصادر دولتی و حکومتی سر می زند، نتیجه خواهد داد، فاعتبروا یا اولوا الابصار که ایوان مدائن حاکی از فروپاشی کسری است، کسرای که ناقوس عدالتش گوش جهانیان را کر می کرد، اما مردمش برای فرار از ظلم پنهان زیر بیرق زنجیر عدل نوشیروان، به نخستین ندای عدالت پروری اسلام ناب محمدی لیک گفتند.